

۲۴۶
ع

۳۵ سال

حزب توده ایران



۲۵ ساله از کتب
مکتوبه ایوان

کتابخانه
مکتوبه

۵

۲

۳

۵۱۲۳۱۲

پهلوی (دوم)

بها: ۳۵ ریال

از انتشارات حزب توده ایران

کتابخانه ملی
تاسیس ۱۳۰۲
۱۳۷۲



۳۵
سال
حزب
توده
ایران

- نکاتی چند درباره تحول حزب توده ایران بمشابه حزب آرازنویس با بقکارگر (۳)
- نقش حزب توده ایران در شناسائی و دفاع از منافع با بقکارگر (۱۱)
- نبرد حزب توده ایران علیه انحراف های راست و چپ و در دفاع از مارکسیسم -
لنینیسم و در راه تدوین مشی درست انقلابی (۲۲)
- حزب توده ایران هر چند از مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال ملی (۳۶)
- حزب توده ایران و مبارزه در راه دموکراسی (۴۳)
- در سبهای پیکار (۵۱)
- حزب توده ایران و نهضت زن در ایران (۵۶)
- زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری در دفتر شکست ناپذیر مبارزه در راه صلح ،
دموکراسی ، استقلال ملی و سوسیالیسم (۶۳)
- حزب توده ایران در دفاع از منافع با بقاتی دهقانان زحمتکش و مخاطرات حاصل
بنیادی مسئله ارضی (۶۱)
- حزب توده ایران و حل مارکسیستی - لنینیستی مسئله ملی (۷۱)
- شاد با اثر رفیق شهروز بهرام (۸۸)
- حزب توده ایران و جوانان و دانشجویان (۸۱)
- حزب توده ایران و نیروهای مسلح (۱۰۰)
- حزب توده ایران بهترین نیروی ضد امپریالیستی و دموکراتیک، کشور همه نیروها و
صد رژیم را یوحدت عمق در جنبه دیکتاتوری فرامیخواند (۱۰۳)

نکاتی چند در باره تحول حزب توده ایران بمثابه حزب طراز نوین طبقه کارگر

پیشتر آنکه از روند تکاملی حزب توده ایران سخن گوئیم لازم است کلیاتی در باره‌ی حزب طراز نوین طبقه کارگر، کیفیت و سبب پیدایش آن و مراحل تحولی آن بیان کنیم تا ابهامی در مورد آنچه مربوط به حزب توده ایران است در ذهن خواننده باقی نماند.

پس از آنکه سرمایه داری وارد مرحله امپریالیستی گردید و بویژه آنگاه که تضاد های اجتماعی آن در پایان سده‌ی گذشته و آغاز قرن کنونی با شدت خاصی بروز کرد و روشنی تمام عیان گردید که احزاب سوسیال دموکرات در نتیجه‌ی فرورفتن در منجلاب اپورتونیسیم و سازش با سرمایه داری، خصلت سازمانده‌ی ورهبری جنبش انقلابی طبقه کارگر را از دست داده بصورت تابعی از سیاست بورژوازی در آمده اند. واقعیات منتهی و صاف پرولتاریا ایجاد احزاب کارگری نوینی را ایجاد نمود. در اواخر قرن گذشته همین پرچم مبارزه علیه اپورتونیسیم رهبران احزاب سوسیال دموکرات را برافراشت و برای نخستین بار تحت رهبری وی چنین حزب «راژونی» در روسیه، یعنی در کشوری که در درون آن تضاد های امپریالیستی با شدت و ویژه‌ای بروز کرده بود، پی ریزی شد. پس از انقلاب کمپرس سوسیالیستی اکثریاریه‌ی تجربه‌ی حزب بلشویک روسیه در بسیاری از کشورها احزاب کمونیستی بوجود آمدند و جنبش انقلابی طبقه کارگر وارد مرحله‌ی نوینی از مبارزه علیه سرمایه داری امپریالیستی گردید.

اگرچه ویژگیهای اوضاع داخلی هر کشور، شرایط خاص مبارزه، و وظائف مرم هر یک از احزاب و درجات مختلفی نصیب و قوام طبقه کارگر بناگرمهر و نشان خود را بر سیاست هر یک از احزاب کمونیستی میگذارد، معذ لکن این احزاب طراز نوین طبقه کارگر دارای خصلت مشترکی هستند که آنها را از هیچ با احزاب سوسیال دموکرات متفاوت میسازد.

آشتی ناپذیری در برابر سرمایه داری، مبارزه قاطع علیه امپریالیسم برای سرنگون ساختن نظام سرمایه داری و تغییر بنیادی و انقلابی این جامعه از راه بدست گرفتن قدرت سیاسی بوسیله‌ی پرولتاریا و استقرار نظام سوسیالیستی، آن خصلت مشترکی است که احزاب طراز نوین طبقه کارگر را از احزاب سوسیال دموکرات، سوسیالیست و نئاشتران متمایز میسازد.

لنین در این باره مینویسد: "مارکسیسم با پرورش حزب کارگری، پیشاهنگی از پرولتاریا را مهیورود که بتواند قدرت را بدست گرفته تمام خلق را بسوی سوسیالیسم رهنمون شود، رژیم نوینی را رهبری نمود سازمان دهد، مری، راهها و رهبریمه‌ی زحمتکشان و استثمارشوندگان برای سازمان دهی زندگسی اجتماعی شان، بدون بورژوازی و علیه بورژوازی، باشد." *

تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری سراسر جهان نشان میدهد که سازمانهای سیاسی طبقه‌ی کارگر بهتر آنرا که بتوانند چنین نقش خط‌روبرمسئولیتی را ایفا نمایند باید بگرسخن این شایستگی را کسب کنند که توده‌های عظیم مردم زحمتکش را بدو شرعاً و در واقعاً حزب طبقه‌ی کارگر گرد آورده ، آنها را برای مبارزه در راه سرنگون ساختن نظام سرمایه داری و استقرار جامعه‌ی سوسیالیستی بسیج نموده بعد از آن روز بکشاند ، ناچار باید مراحل تحولی گوناگونی را از لحاظ پختگی سیاسی و سازمانی از سر بگذرانند .

همچنانکه موجبات و اشکال پیدایش احزاب طبقه‌ی کارگر در کشورهای مختلف نظر بشر را بسط و بزرگی اجتماعی و سیاسی هر کدام از آنها و درجه‌ی رشد و قوام طبقه‌ی کارگر یکسان نیست روند تکامل آنها نیز ، با وجود خط سیر کلی واحد ، نمیتواند همانند یکسان باشد .

بدیهی است نمیتوان انتظار داشت که تحول احزاب کشورهای مختلف که در گهرو در آنجا پدید می‌آید انداختن فتودالیم و دیگر ساختارهای بهتر از سرمایه داری هستند همانند احزاب کشورهای دیگر باشد که دهها سال بلکه سده‌ها استقرار نظام سرمایه داری و جنبش کارگری را در پشت سر دارند . بنا اینکه همه‌ی این احزاب از لحاظ ماهیت طبقاتی ، خصمیت انقلابی ، جهان بینی ، اصول عقیده‌ی ای و سازمانی مشترک هستند ، اهنگ نضج و گذار آنها از مراحل مختلفی تحول و تکامل سیاسی و سازمانی بشرایط عینی جامعه ، درستی خط مشی سیاسی و سازمانی و لیاقت رهبری این احزاب بستگی تام دارد .

در روزگار ما که بحران عمومی سرمایه داری وارد مرحله‌ی نوینی از حد توشه‌ی خود شده و تناسب نیروها در عرصه‌ی بین‌المللی در عدم بسود سوسیالیسم تغییر میکند ، شرایط بسیار مساعدی برای تسریع آهنگ رشد احزاب طبقه‌ی کارگر و تبدیل آنها به مدارح عالیتر تکامل و تحول بوجود آمده است . به همین سبب‌های شگفتی نیست که احزاب برخی از کشورهای آسیا ، آفریقا و امریکا لاتین که تا دیروز در عداد عقب‌مانده‌ترین جوامع بشمار می‌آمده‌اند اکنون با استفاده درست از شرایط عینی کشور و اوضاع بین‌المللی مراحل تحولی خود را بسرعت طی میکنند و رهبری توده‌ها را زحمتکش ، خلق و کشور خود را با موفقیت بدست می‌گیرند .



مقدماتی که ذکر شد نشان میدهد که حزب کارگران و زین طبقه‌ی کارگر ، آنرا که برخی از مدعیان تحقیق درباره‌ی تاریخ جنبش کمونیستی ایران ، (در مقطع نفی ماهیت کارگری حزب توده ایران) عنوان میکنند ، خلق الساعه نیست و برای آنکه حزب طبقه‌ی کارگر بتواند مشخصات لنینی جنبش سازمانی را دارا شود تنها نمیتواند به ماهیت طبقاتی ، اصول عقیده‌ی ای و خصمیت انقلابی خود بسنده کند ، بلکه باید مدارح معین تحولی بگذرد و تدوین یکاد رکن‌ها و موازات خلق آید بدگی و لیاقت لازم را بسازی رهبری توده‌ها را در دست بگیرد و انجام انقلاب اجتماعی بدست آورد .

نگاهی به تاریخ سی و پنج ساله‌ی حزب توده ایران این حقیقت را در وجه ارجوب تاریخ حزب ما نیزه اثبات میرساند . در واقع حزب توده ایران از بدو تشکیل خود تدوین یکاد رکن و قوام مشخصی را در جهت دارا شدن خصمیت حزب طراز نوین طبقه‌ی کارگر پیموده است و اکنون نیز همچنان با این سیر تکاملی ادامه میدهد . بنا بر این روشن است با ستناد آنکه عملاً تشکیل حزب توده ایران از ابتدا دارای فلان نقص بوده ، نامش حزب کمونیست نبوده و یا آنکه در جریان فعالیت خود مرتکب فلان یا به همسان اشتباه شده است ، این کارها را کار را بد رستی انجام داده و غیره ، باید بگرسخن از ابتدا تکامل معص

وکل بی خارنوده است ، نمیتوان ماهیت کارگری آنرا نفی نمود .
 در این نوشته قصد نداریم به حملات دشمنانه آشکار که تحت عنوان " بررسی علمی " در تاریخ
 جنبش کمونیستی ایران با نژاد اثر آن به حزب توده ایران میشود ، و پیشکش منشا آنرا باید در جای دیگری
 غیر از انگیزی تحقیقی مولفین جستجو نمود ، پاسخ گوئیم . تفاوت توده های زحمتکش کشور ما
 و همبستگی برادرانه ای احزاب کمونیستی و کارگران جهان از یکسو و دشمنی آشکار محافل امپریالیستی
 و حملات و جشیانهای ارتجاع ایران از آنرا تشکیل حزب ما از سوی دیگر ، بهترین محک برای باز ساخت
 عیار واقعی حزب توده ایران ، درجه صداقت وی با مریطقی کارگروا شستی ناید بی آن با امپریالیسم
 ارتجاعی - پاس خود را بر بارگوبای ترار بر سر سپای میکروسکوپی آن کسانی است که کوچکترین ارتباطی
 با طبقه کارگر ایران و جنبش آن نداشته وند آرند .

اکنون باصل مطلب بر گردیم . شرایط سیاسی ویژه ای که در درون آن حزب توده ایران بنیاد
 گذارده شد و شیوه ای که کمونیست های ایران برای تشکیل مجدد حزب طبقه کارگر انتخاب نمودند
 در تحولات آینده ای حزب ما تاثیر بسزایی داشته است . این تاثیرات را میتوان هم در عرصه تبلیغی
 و ترویجی و هم در زمینه های سیاسی و سازمانی مشاهده نمود .

در واقع چنانکه در نوشته دیگری * به تفصیل ذکر شده است اوضاع سیاسی بین المللی و داخلی
 زمان تشکیل حزب توده ایران و همچنین وحدت پیشا هنگام حزبهای انقلابی توده های زحمتکش
 کشور ما تحت رهبری قاطع کمونیست ها بصورت ادغام در سازمان واحد سیاسی و امکان فعالیت علی حزب
 زمینه های بسیار مساعدی برای فعالیت کمونیستی بوجود آورد . با استفاده از این امکانات مساعد ،
 حزب توده ایران توانست از همان آغاز فعالیت خود اصول مارکسیسم - لنینیسم و وفاداری به استرالیسم
 نالیسم پرولتری را در میان اعضا حزب رسوخ دهد و باید فاولوژی و هدفهای سیاسی طبقه کارگر را
 در میان توده های زحمتکش بغیاس وسیعی نشر و ترویج نماید . روزنامه ضد فاشیستی مردم گه
 نخستین نشریه سیاسی حزب توده ایران بشمار ضروری بصورت وسیله مهم ارتباط با توده
 ها و جمع و تشکل آنها درآمد . روزنامه ای مردم با تبلیغات پر دامنه وی تزلزل خود علیه فاشیسم هیتلری
 و شناساندن چهره واقعی آن و دریدن نقاب عمال ایرانی امپریالیسم نخستین و طبقه میسر
 کمونیستی آن دوران را بهترین وجه انجام داد . تشکیل سریع کمیته های ضد فاشیستی در تهران
 و شهرستانها خود موجب شد که دامنه این تبلیغات هر چه وسیعتر گسترش یابد و از لحاظ محتسب و به
 شناساندن نفخ مهم اتحاد شوروی ، نخستین کشور سوسیالیستی جهان ، لزوم همبستگی طبقه ی
 کارگرویدیکز زحمتکشان ایران با آن کشور و سر انجام به بحث و تبلیغ درباره ی سوسیالیسم و ضرورت مبارزه
 در زمان و هدفهای نزدیک و و طبقه کارگرو سایر طبقات زحمتکش ایران کشا شده شود .

تشکیل گسترش حوره ها و سازمانهای حزبی در تهران و شهرستانها بمنزله مهم ترین وسیله ای
 ترویج اصول مارکسیسم - لنینیسم در میان اعضا حزب و تد ریسر و تقمیم اید فاولوژی طبقه ی کارگر
 و سیاست حزب و مورد استفاده شایان قرار گرفت . اگرچه در ابتدای کار تعداد ارتقائی که میتوانستند
 از عهد ای احام دینی و طبقه ی خطری برآیند زیاد نبود معذلک تا آنجا که مند و ر حزب بودسد واد
 را و وسیع تر شد ، رساناها را میشد کسی بدین منظور انتخاب و انجام این ماوریت برکامشت . برای نامین
 هر چه بهترین هدف ، برخی از جنب اقتصاد و فلسفه ی مارکسیستی در همان آغاز کار از زبانهای خارجی
 ترجمه شد و بایستی تد ریسر و مباحثه در حوره های حزبی قرار گرفت .

مندی ریح که امکانات انتشار و مطبوعات حزبی ، اتحادیه ای و دیگر سازمانها ی توده ای افزایش

* - محله دنیا شماره ۳ (د وره سوم) شهریور ۱۳۵۳ : چند نکته سیاسی در باره بنیاد گذاری حزب
 توده ایران و تحول آن .

می یافت ، تبلیغات حزب مآچه از جهت محتوی اید^۱ ولویژیک و سیاسی وجه از لحاظ دانشی نفوذ خود گسترده تر میگردید ، بنحویکه در پایان دوران فعالیتتعلنی حزب توده ایران گروه نسبتاً با اهمیتسی از مبلغین و مروجین حزبی مجهز به فتوری مارکسیسم - لنینیسم را در اختیار داشت . همین گروه پرورش یافته در دوران فعالیتتعلنی حزب ، نعتیاد در دوران فعالیتتصغنی منشا^۲ ترجمه و تالیف آثار مهم مارکسیستی - لنینیستی شد ند بلکه هم در مطبوعات و هم در روض واحد های حزبی به معلم و پرورش گروه های دیگری از اعضا^۳ حزب پرداختند . این روند همچنان در طول ۲۸ سال فعالیت مخفی حزب چه در داخل وجه در خارج ایران ادامه یافته است .

بدینسان میتوان گفت که شرایط مساعد دوران فعالیتتعلنی حزب مرحله ی تبلیغ و ترویج آراک نخستین گام روند تکامل درونی حزب طبقه کارگر بشمار میرود و از لحاظ تا مین وحدت اید^۴ ولویژیک حزب تربیتکارهای لازم سازماندهی درست دارای اهمیت درجه اول است ، تسریع نمود و پیشرفت های بعدی حزب توده ایران را در این زمینه بی ریزی کرد . بنا بر این جای شگفتی نیست که اکنون حزب توده ایران از لحاظ دارا بودن تعد اد قابل توجهی از کارهای روزید و اید^۵ ولویژیک در میان احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای جهان سوم مقام برجسته ای را احراز میکند بطوریکه با جرات می توان برخی آرازان را در زمره ی بهترین مطلقین و محققین تئوری مارکسیستی - لنینیستی در جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری بحساب آورد .

گسترش تبلیغات مارکسیستی - لنینیستی چه در درون حزب وجه در خارج آرازان از یکسو و ترویج مبانی اید^۶ ولویژیک طبقه کارگر در میان کارگران و یگزر جمعیتشان و بسیاری از روشنگران از سوی دیگر همراه با تحول اوضاع سیاسی در مقیاس بین المللی و در ایران لزوم تعد یه نظر در نخستین برنامه و آئین نامه ی حزب را در دستور روز قرار داد .

پس از گذرگه دوم این اندیشه بجز از جهت قوت یافت که برنامه ی حزب که بنا مقتضای اوضاع سیاسی دوران بنیاد گذاری حزب فقط وظائف مبوم زمان تنظیم را مطرح میساخت نعتیاه کهنه شده و پاسخگوی همه ی مسائل مربوط به مرحله انقلاب ایران - نیست ، بلکه از لحاظ تئوریک و درونشائی نیز نیاز جدی به تغییر و تکمیل دارد .

نوطه ی ارتجاع و امپریالیسم برای مضع ساختن فعالیت حزب توده ایران موجب شد که کام این وظیفه به دوران فعالیت پنهانی حزب محول گردد . طرح برنامه ی موفت حزب توده ایران که در آن علاوه بر تصریح مبانی اید^۷ ولویژیک و جهان بینی حزب طبقه کارگر ، مرحله ی انقلاب ایران و وظایف درونشائی و استراتژیک حزب تصریح شده بود در نخستین سالهای ۳۰ بوسیله رهبری حزب توده ایران در شرایط پنهانی تنظیم و انتشار یافت . تا رسد امکان تکمیل گنره سوم^۸ از منور بهر از نه و سب و تأیید سازمانهای مهم حزبی و اکثریت اعضا^۹ کمیته مرکزی بوقع اجرا^{۱۰} درآمد . برنامه و آئین نامه ی حزب یکبار بهر ارتشکلی کفرا سر وحدت و در آمیختن حزب توده ایران و فرقه د موزکرات را در میان در سال ۱۳۳۹ مورد تعد یه نظر قرار گرفت و در آرمه ۴ ۱۳۵۴ طرح برنامه و آئین نامه کنونی حزب توده ایران پسر آراکته بجز از ارسال به بحث و اظهار نظر تمام سازمانهای حزبی گذاشته شد بطوریکه از تصویب پلنوم پانزد هم کمیته مرکزی گذشت .

مقایسه ی چهار سند برنامه ای حزب نعتیاه نشان د هند هی درجه ی پیشرفت سطح تئوریک حزب توده ایران از جنبه ی فرارها رزات می و پند حاصل موجودیت آمنت بلکه در همین حال نمایانگر کاربست خلاق اند رزیزگری است که لنین به کمونیستهای شرق در سال ۱۹۱۹ داده بود منی بسر اینکه با اتکا^{۱۱} به فتوری و پراختیاد کلی کمونیستی باید آمودخت^{۱۲} با اندای یافتن شرایط و بزمانی که در کشور

های اروپایی وجود ندارد ، این تئوری و این پراتیک را در اوضاع و احوالی بکار برد که در هقانان توده ای اصلی را تشکیل می دهند و باید مسئله مبارزه علیه بقایای قرون وسطایی را حل نمود نمبارزه علیه سرمایه را* .

برنامه ای جدید حزب توده ایران در آبان بخیر اول خود این نکته مهم را بشرح زیرین تصریح نموده است : " جهان بینی حزب توده ایران مارکسیسم - لنینیسم است و هدفهای دور و نزدیک و متن سیاسی و سازمانی اش از انطباق خلاق این جهان بینی علمی و انقلابی بر شرایط ویژه جامعه ایران ناشی میشود " .

چهارسند برنامه ای حزب نمایشگر مراحل مختلفی نضج و قوام حزب و تحولات اجتماعی و سیاسی است که طی سی و پنجسال اخیر در حیات جامعه ایران رخ داده است . اگر سه سند پیشین منعکس کننده ی اوضاع و احوالی است که هنوز مبارزه علیه سرمایه در دستور روز جامعه ای ما قرار داشت ، برنامه ی کنونی بازتاب مرحله ی گذار جامعه ی ایران از نظام نیمه فئودالی سرمایه داری است . به همین سبب برنامه ی جدید حزب در همین اینکه هنوز انقلاب ایران را " در مرحله ی کنونی رشد جامعه ی ما یک انقلاب ملی و موکراتیک " می شمارد صریحاً اعلام می دارد : " حزب توده ایران راه رشد سرمایه داری را در دوران کنونی تاریخ برای ترقی واقعی و سالم جامعه ی ایران زیانبار میدانند زیرا این راه رشد استثمار سرمایه داری را جایگزین انواع کهنه ی استثمار میسازد . . . این راه که به جامعه ی ما تحمیل شده هم اکنون مصائب و فجایعی را که تاریخ سرمایه داری از آن انباشته است به ما فرم آورده است . . . حزب توده ایران از آنجیب که حزب طبقه ی کارگر ایران است مدافع پیگیر منافع این طبقه و دیگر طبقات و قشرهای زحمتکش جامعه ی ایران است و برای برانداختن هرگونه بهره کشی انسان از انسان مبارز میکند و خواستار استقرار سوسیالیسم یعنی آنچنان نظام اجتماعی و اقتصادی است که توده های زحمتکش کشور ما را از زندگی های اسارت آورده ای بخشد و راه رشد سریع و همه جانبه ی نیروهای مولده را بشکشد و ترقی بی وقفه سطح زندگی مادی و معنوی جامعه را تا همین نماید .

یکی از ویژگیهای تحول حزب توده ایران در اینست که در نتیجه ی اوضاع خاص سیاسی زمان تأسیس خود بجای آنکه مانند بسیاری از احزاب کمونیستی و کارگری مراحل سه گانه ی تحول حزب طراز نوین را بی درین بهمیچاید ، یعنی پسر از آنکه مکان یافت مرحله ی تبلیغ و ترویج درونی را برای تأمین وحدت ایدئولوژیک ، پرورش کادرهای لازم و سازمان یابی طی کند مرحله ی دیگر که مبارزات آزرهبری مبارزات خودهای زحمتکش ، در آمیختن جنبش خود بخودی کارگری با اندیشه های سوسیالیسم و تبدیل آن به نهضت طبقاتی آگاه و متشکل است و وارد شود تا بتواند در مرحله ی بعدی بیک نیروی سیاسی واقعی مبدل گردد یعنی باین توانایی برسد که تنها اکثریت طبقه ی کارگر بلکه توده های وسیع خلق را بد نیال سیاست خود بشکند ، حزب ما برای پیوند هر سه مرحله تقریباً موازات یکدیگر و در هر قدم اقدام نموده است .

در واقع حزب ما در حالیکه هنوز مقدمات مرحله ی نخست تبلیغی و ترویجی را نه پیموده بود بسا وجود قلت کادرهای شایسته قدم بعرضه ی فعالیت وسیع توده ای و رهبری مبارزات کارگران و هقانان و روشنفکران نهاد و در همین حال بفعالیت سیاسی دست زد بنحویکه در مدت بسیار کوتاهی موفق شد بصورت مهمترین و بزرگترین نیروی سیاسی کشور در صحنه ی مبارزات سیاسی ایران ظاهر گردد .

این واقعیت که از سوشیسم موجب پیشرفت سریع زوئد اتحاد و سازمان یابی طبقه ی کارگر و دیگر توده های

زحمتکش ایران گردید از سوی دیگر این اثر منفی را در بر داشت که حزب مجال کافی برای پرورش کار در های لازم حرفه‌ای بویژه مازمان کارگران نداشت و در نتیجه میان توانائی سازمان حزبی و فعالیت توده‌ای سیاسی حزب تناسب لازم بوجود نیامد . این پدیده موجب شد که حزب توده ای ایران علیرغم نفوذ و محبوبیت فراوانی که میان کارگران و دیگر توده‌های زحمتکش بدست آورد فرصت آنکه بطور ویژه ای جنبش کارگری را با اندیشه‌های سوسیالیسم درآمیزد نیاقتواند این نقیصه در تاریخ تحولات بعدی از حزب و اتحادیه‌های کارگری بویژه آنکه کمونیست‌ها و ارتدادی‌ها متعترفند پدیده ضد کمونیستی ضد توده‌ها را برداختند آثار زیان بخش بار آورد .

مارا با یکی از این نیست که مخالفین حزب توده ایران و انواع عوامل ضد کمونیستی که در نقیصه مارکسیسم - لنینیسم برای جنبش کارگری ایران نوحه سرائی میکنند ، این انتقاد از خود صادقانه را بکاردار بگروسیله‌ی حملات شعرفرمانه خود قرار دهند و بگمان خویش از آن پرچی علیه حزب ما بفرارزند . فاکت اینست که هفت سال در تاریخ یک حزب مدت بسیار کوتاهی است و نمیتوان توقع داشت که در این فاصله زمانی محدود ، سازمانی که از آغاز فعالیت خود با انواع توطئه‌ها و تیرنگها و پورشه‌های امپریالیسم و ارتجاع دست بگیرد ، بوده است بتواند از میان جامعه عقب افتاده ای ایران چنان نیروی شگرفی بوجود آورد که نفعتها بر همه‌ی مشکلات فائق گردد بلکه در میدان نبرد انقلابی نیز بر دشمن طبقاتی پیروز گردد . چنین معجزه‌ای در امکان هیچ سازمان انقلابی ، هیچ حزب سیاسی نیست زیرا آنجا که سخن بر سر پرورش فکری و معنوی انسانهاست زمان نقترا اساسی دارد و بقول مولوی ،

" مدتی باید کتا خون شیرشد " .

همین امر که حزب توده ایران امکان یافت برخلاف بسیاری از احزاب کمونیستی و کارگری از بسود و تاسیس فعالیت عینی بپردازد خود از لحاظ جنبش کارگری ایران دارای اهمیت شایانی است . حزب ما در همین دوران کوتاه و فعالیت عینی خود توانست بوسیله‌ی ارگانهای متعدد و مطبوعات ، با تشکیل سازمانهای حزبی در تهران و شهرستانها ، با کمک مستقیم به سازماندهی اتحادیه‌های کارگری و دهائی و دیگر سازمانهای توده‌ای ، با تشکیل مجامع و میتینگ‌های حزبی ، با سازمان دادن تظاهرات خیابانی ، با استفاده از تریبون مجلس و غیره نفعتها و هدفهای سیاسی حزب طبقه کارگری را بیان برود بلکه راه سازماندهی و مبارزه‌ی متحد و متشکل را بتوده‌های زحمتکش هر چه با یومزد . همین گامهایی درسیج و سازماندهی توده‌های خلق و موفقیت در یکسلسله از تیردهای سیاسی آن دوران (مبارزه قاطع ضد فاشیستی ، مبارزه با سید ضیا ، الدین و محال امپریالیسم انگلستان ، مبارزه موفقیت آمیز با ولت‌های ارتجاعی صدر و ساعد و حکیمی ، هواداری و همیاران پدید ریخ با جنبش طلسمی آذربایجان و کردستان و غیره) موجب آن گردید که حزب توده ایران در بعد شکوتهای به بزرگترین نیروی سیاسی کشور مبدل گردد و از محبوبیت و احترام ویژه‌ی خلق برخوردار باشد .

روند تحول و تکامل سازمانی حزب توده ایران در جهت استقرار موازین تشکیلاتی حزب طرز از نوین طبقه‌ی کارگرینزاد و جدی‌زاد ای از همین پدیده‌ی سرآغاز فعالیت حزب متأثر بوده است . اگر چه نخستین آئین‌نامه‌ی حزب که در ابتدای تشکیل تنظیم گردیده و سپس در کنفرانس امانتی تهران وکنگره اول به تصویب رسیده بود ؛ و بعد موازین لنینی حزب طبقه کارگر را چه از لحاظ شرایط عضویت و وظائف اعضا ، حزب و ارگانهای رهبری و چه از جهت تصریح اصل مرکزیت و موکراتیک در برداشت معدلک ضرورت‌های سازماندهی در نتیجه‌ی گسترش سریع و ده‌جانبه‌ی فعالیت حزب از یکسلسله و بی تجربگی تشکیلاتی از سوی دیگر موجب شد که از ابتدا وقت و رسیدگیهای کافی در مورد پدیده‌ی افسراد انتخابکار درها و تفویض مسئولیت‌های سازمانی بویژه در شهرستانها انجام نگردد و غالباً به مراعات ضروری آئین‌نامه که پذیرش ضروراً موکول بمعرفی و تفویض اعضا نموده بود اکتفا شود . اگرچه این امر در ابتدای کار به پیشرفت تسریع روند اتحاد و سازمان یابی طبقه کارگر کمک موثری نمود ولی در نتیجه‌ی راه باسی

عناصراً مطلوب بدون حزب و حامین روحیات و اندیشه‌های غیرمنطبق با اید^{۴۵} ولوی پرتولتی-مسرورهم از جهت سازمانی و هم از لحاظ سیاسی زبان آورگردید . بسیاری از کارآشنایان خود سرانه ، آثار شیگری و بی انضباطی چه در مورد تحقق بخشیدن به شعارهای سیاسی و سازمانی حزب وجه در عرصه ی اجرا^{۴۶} رهنمود های خودی در درون سازمانهای توده ای ، بویژه در سازمانهای خارج از مرکز ، معلول این نقیصه بوده است .

طبعاً این وضع زمینه‌ساز مساعدی برای گروه بندی و انواع اقدامات ناشی از ذهنیگری ، جاه طلبی و تمایلات شخصی فراهم ساخت و این خود نیز مانع از آن میگردد که گامهای جدی در جهت تصفیه ی حزب از عناصر نامطلوب برداشته شود . معذک در رگیرواد ث ضرورت اتخاذ تصمیمات لازم برای تحکیم تقویت سازمان حزبی و تصفیه ی آن از عوامل بی انضباط ، فرصت طلب و منحرف بیتر از پیش احساس میشد رهبری حزب را با چاره جویی و امید داشت . بروشوری که در مورد موازین تشکیلاتی حزب در همین دوران وسیله ی یکی از کمونیستهای قدیمی و یکی از اعضا^{۴۷} رهبری حزب توده ایران نگاشته و منتشر گردید وسیله ی سازمانی برای آموزش و بحث در محورهای حزبی و آشنا ساختن اعضا^{۴۸} حزب به اصول تشکیلاتی حزب طبقه ی کارگری بود . ولی تنها با اقدامات آموزشی غلبه بر مشکلات سازمانی امکان پذیر نبود . اگرچه نگره اول حزب برخی اقدامات خود سرانه را شد بدامورد اشتغال قرار داد و حتی برخی افراد را که ناقل اندیشه‌های ضد پرتولتی بودند و مرتکب اقداماتی برخلاف خط مشی سیاسی حزب شده بودند از حزب توده ایران اخراج نمود ولی این قبیل اقدامات پراکنده ی رهبری نمیتوانست برای ریشه کن کردن این عیب که حیات حزب و وحدت و یکپارچگی آن را مورد تهدید قرار میداد کافی باشد .

اقدامات قاطعی که ردی حزب توده ایران در آستانه ی تشکیل نگره دوم علیه گروه اشعابگر و اپورتونیسیت خلیل ملکی انجام داد نخستین گام جدی در راه اجرا^{۴۹} و تحکیم موازین سازمانی حزب طبقه ی کارگری درون حزب توده ایران بشمار میروید . مبارزه پیروزمانده رهبری حزب علیه اقدامات اشعابی خلیل ملکی نعتها از لحاظ سازمانی بلکه از جهت سیاسی نیز دارای اهمیت فوق العاده است زیرا برای اولین بار حزب توده ایران با جریان سازمان یافته ای در درون حزب مواجه شده بود که بایک تفورم سیاسی اپورتونیسیتی راست ولی باشعارهای چپ روانه و با اهداف اصلاح طلبانه رهبری حزب را مورد حمله قرار میداد . پیروزی حزب در این مبارزه به تحکیم وحدت سیاسی و یکپارچگی سازمانی رهبری و مجموع حزب کمک شایانی نمود و در عین حال مسئله تقویت هر چه بیشتر اصل مرکزیت و موکراتیک و تحکیم بنای سازمانی حزب را بیشتر در دستور روز قرار داد . ولی دوران فعالیت غلظتی حزب بیرونی و پیروزی رهبری حزب ناگزیر بود و باقی اصلاح و تحکیم بنای سازمانی حزب را در شرایط فعالیت تصفیحی انجام دهد .

در دوران فعالیت تصفیحی لزوم مراعات سبب خدشی اصل مرکزیت و موکراتیک^{۵۰} (با تفوق ضروری مرکزیت در شرایط پهنایی) بیشتر از پیش رهبری حزب را به اتخاذ تصمیمات جدی در تروفاظ حری در جهت اجرا^{۵۱} و تحکیم هر چه بیشتر بنای سازمانی حزب کشاند ، امری که به حزب توده ایران امکان داد در شرایط تصفیحی شوار فعالیت مخفی در ایران نعتها سازمان حزب را سالمتر از گردن دشمن در امان نگاه دارد ، بلکه فعالیت حزبی را به عیان و وسیعی در میان توده های زحمتکش ، کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، جوانان ، زنان ، افسران و درجه داران ، دانشجویان و غیره با موفقیت گسترش بخشید . در همین دوران است که حزب موفق شد کارهای حزبی بسیاری را در رگورهای کارمنظم و با انضباط تشکیلات مخفی برای هرگونه عمل انقلابی و فداکاری آماده سازد . جانبازیها و فداکاریها ی بیشمار که در دوران فعالیت مخفی در باره محتوی این انحراف و نحوه مبارزه حزب آن و با انحرافات دیگر در همین ویژه نامه مقاله ی جدی اکتفا می تهیه شده است .

پنهانی حزب، چه پیش از کودتای ۲۸ مرداد و چه پسر آن، از جانب اعیان، حزب توده ایران بظهور رسیده خود گویانترین گواه بر انجام چنین تحول مثبت در درون سازمان حزب توده ایران است. مبارزه فاطمی که حزب مادر این دوران علیه انشعاب قاسمی - فروتن و انحراف مائوئیستی انجام داده است خود یکی دیگر از مظاهر تکامل سازمانی، قاطعیت ایدئولوژیک و هویتیاری سیاسی آن بشمار میرود. حزب از این ماجرا نیز پیروز بیرون آمد، از عناصر نامطلوب و پندمان از ناقلین انحرافات خرد و بوزوایی چپ گرا، دکماتیک، سکناریمت، بی انضباط و آناارشی گرا تصفیه گردید. نکات چندی که در این نوشته درباره‌ی تحول حزب توده ایران بمثابة حزب طراز نوین طبقه ی کارگر در کشد کراپشهای عمده‌ی این سیر تحولی را نشان میدهد و طبعا در کارآمد و در این مقاله نمیتواند تعامروند تکاملی حزب را در جزئیات منعکس سازد. آنچه از این مختصر برمیآید، و غرض ما از نوشتن این حاضر نیز جز این نیست، نشان دادن این واقعیت است که حزب توده ایران مانند هر ارگانیک نیمه زنده‌ی دیگر، مانند هر سازمان سیاسی دیگر در حیات و تحول است و لذا از روند تکاملی مشخص و تارییح تحولی ویژه‌ای دارد. عدم درک این حقیقت موجب آن میشود که گاه برسانی برخی پدیده‌های دوران کودکی حزب ماما هینتکارگری آن نفی میگردد و گاه بعکس با عدم توجه به روند ضرورت کامل و تحول آن نوعی مطنع میشود که گوئی حزب توده ایران از نخستین روز تا سپهر خود بصورت حزب طراز نوین طبقه ی کارگر پرداخته و تراشیده آفریده شده است. این هردو نظریات نهان غیر مارکسیستی است زیرا اولی بر اساس نسخه‌های آماده و جزئی به تشکیل حزب برخورد میکند و شرایط ویژه آن را که موجب پیدایش حزب توده ایران در اوضاع و احوال معین و مرحله‌ی تاریخی مشخص شده است از نظر دور میدارد و وی سازمان سیاسی طبقه‌ی کارگر را بصورت ارگانیک بی حرکتی تلقی میکند و مراحل کودکی، رشد و بلوغ آن توجه ندارد.

واقعیت اینست که حزب توده ایران بمثابة ادامه دهنده‌ی راه حزب کمونیست ایران از آغاز تا سپهر خود سازمان سیاسی طبقه‌ی کارگر ایران بوده است و طی زندگی پرنشیب و فراخود بندر بصورت حزب طراز نوین طبقه‌ی کارگر درآمد و اکنون نیز به روند تکاملی خود در این راه ادامه میدهد.

نقش حزب توده ایران در شناسائی و دفاع از منافع طبقه کارگر

(تحلیل دو سند از وضع کارگران)

حزب کارگران ایران در حال تبدیل شدن به معتبرترین نیروی طبقاتی و سیاسی جامعه است. تعداد شاغلان کارمردوری به پنج میلیون نفر نزدیک میشود. بهر از سه میلیون نفر کارگر هم اکنون طبقه فوایس موجود کارمیسه های اجتماعی واحد شرايطی هستند که باید زیرپوشش این فوایس قرار گیرند. در صورتیکه فوایس کارمیسه شامل کلبه کسائی گردد که از راه فروش نیروی کار ارتزاق میکنند و طبقه کارگر " شاهین عربان " و کارگر محض اند، در آن صورت اکثریت شاغلان ده ساله بالای کشور را تصدداً آسان برده اند که میلیون نفر است، در برمیگیرد. این همه بدام معنی است که طبقه کارگر ایران امروز با اکثریت العده ترش طبقه در جامعه ایران تبدیل شود.

وقتی کارگران تعدادشان قلیون بود و وزن مخصوصشان در جمعیت کشور نسبت ناچیزی را تشکیل میداد، البته مستند طبقه کارگر را نادیده گرفت و حتی از قبول نام کارگر امتناع ورزید. در جهان وضعی نسبتاً امر محسوس و طبقات حاکمه، بلکه نیروها و محافظانی که مدعی رهبری مبارزات مردم ایران در جهت بدل به استقلال و دموکراسی بودند، از کنار طبقه کارگر میگذشتند و نیروی شکوفائی را، که تاریخ بهتر رهبرین جامعه را سام او بشک زده، نادیده می گرفتند.

اکنون وضع عوض شده است. حالا طبقه کارگر ایران در باورن مخصوص برتر خود در جمعیت شاغل کشور در غلبه میکند و ارمواضعی که برای تحقق هدفهای خود و بگرطبقات مترقی جامعه ایران نیروی نافعه لازم را در اختیار دارد بخوادت و جریان و فایع میگرد. در این شرایط دیگر نمیتوان طبقه کارگر را نادیده گرفت. حالا باید برای بیرون کشیدن گنم خود از آب ادعای حمايت از منافع و حتی رهبری طبقه کارگر بود است. از همین حاست که منیم مدعیان بسیاری برای دفاع از طبقه کارگر در رهبری آن پیدا شده اند.

از یکسو طبقه حاکمه و در راس آن شاه با بساطت سلطنت استبدادی خود پرجم حانیداری از منافع طبقه کارگر را بدتر گرفته و مدعی است که این طبقه را از مترقی ترین فوایس کارمیسه بهره مند ساخته و در راس من خود او سها آن آرهیه کوششی فروگرد ارمیکند. از سوی دیگر طبقه وسیع نیروهای ماورا' جب افلاکی جامعه ان آمده اند و میگویند رسالت رهبری طبقه کارگر ایران با آنهاست و طبقه کارگر ایران زیر پرجم ثوریهی مائولینستی و سهاجمهائی تروریستی میتواند بحکومت برسد.

مدعیان روز حمايت ارمواضع طبقه کارگر ایران و طالبان این الوقت رهبری این طبقه، گرچه از دو جانب متفاوت فعل میشوند، لکن بیسجهوا حدی رسیده اند. این نتیجه ایست که گویا حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران نیست، گویا این حزب خدمتی به طبقه کارگر نموده و گویا امروز بویزه این حزب فایده حق رهبری طبقه کارگر ایران است. نیروهائی که در طاهر مواضع طبقاتی کاملاً متفاوتی



دارند در عمل روی واحدی راه اجرا گذاشته اند . این رویه تخطئه و بی نقشه حزبی است که موجود است آن مهربان پیدایش طبقه کارگر در حیات اجتماعی کشور است و بنوع خود طبقه کارگر ایران آشنایی بحساب خود و شناسائی نقش تاریخی خویش را مدیون فعالیت ۳۰ ساله تاریخی پرشمار است .

ارتجاع‌ها را ایران همچنان لبه تیغ حملات سیمانه خود را متوجه حزب توده ایران نگاه داشته است . نیروهای ماورا، چپ انقلابی نماینده رحله به حزب ما راهیج تلاش و لحن پاشی فروگسار نمیکند . هدف محروم ساختن طبقه کارگر ایران از وجود حزبی است که نظریه تحمل فشارهای طاقت فرسا از حیوانات مختلف ، پرچم مبارزات اصیل انقلابی مارکسیستی - لنینیستی را همچنان افران داشته نگاه داشته است . هدف طرد حزبی است که از منافع طبقه کارگر ایران در همه زمینه‌های مبارزات اقتصادی سیاسی وایدنولوژی با استواری تمام دفاع میکند .

ارتجاع راست و چپ دست بدست هم داد و می‌خواهند طبقه کارگر ایران را از حزب واقعی آن ، حزبی که در دفاع از منافع طبقه کارگر آزما پشهای سخت سر بلند بیرون آمده ، جدا کنند . لیکن طبقه کارگر ایران مدعیان این الوقت رهبری و حامیان دروغین حمایت از صاف خود را از حزب واقعی که موجود است آن با منافع گذشته ، حال و آینده طبقه کارگر ایران پیوند دارد ، بدرستی بازمی‌شناسد .

کارگران ایران حزب توده ایران را حزب خود و شایسته رهبری مبارزات طبقاتی خویش میدانند . کارگران ایران حزب خود را خوب می‌شناسد . کارگران ایران میدانند ، که از میان خیل به شمار احزاب ، گروه‌ها و مداخل سیاسی که در کشور ما مدعی حمایت و رهبری مبارزات طبقه کارگر توده هستند ، تنها یک حزب - حزب توده ایران است که نه بر پایه مقتضیات روز و حسابهای تنگ نظرانه سیاسی و طبقاتی ، بلکه بر پایه دفاع از منافع و آزادی و همبستگی طبقه کارگر وجود آمده است . تنها حزب توده ایران است که نه در رویت و اکنون که طبقه کارگر ایران با عاصم بیرونی عظیم کمین و کیفی خود در جامعه قد علم میکند ، بلکه آن هنگام که ارتجاع حتی نام کارگر را نمی‌پذیرفت موجود است خود را با خاطر این طبقه برای این طبقه اعلام نمود .

حزب توده ایران آن هنگام که هنوز کلمه کارگر شناخته شده نبود بیداری و خدمت به منافع این طبقه را سر لوحه کار خود قرار داد . حزب مادر همان سالهای اولیه موجودیت خود در سی سال پیش پیروزیهای مهمی را نصیب طبقه کارگر ایران نمود و بویژه به ابرمهم شناسائی طبقه کارگر ایران بخود و به جامعه کشور ما نائل آمد . در این نوشته قصد ما با برگردن تاریخ مبارزات حزب خود مان در راه دفاع مستمر و پیگیر از منافع طبقه کارگر ایران در تاریخ ۳۰ ساله حیات پرافتخار آن نیست ، که اگر مبارزات اولیه حزب عدالت و حزب کمونیست ایران را که ما وارث بالاستحقاق آن هستیم بدان اضافه کنیم ، تاریخ سه ربع قرن اخیر کشور ما را شامل میشود . ما در این نوشته تنها به ذکر دست و تحلیل آنها که بی‌انگیز تغییر و تحول در وضع طبقه کارگر ایران در فاصله سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ ، یعنی پنج سال قبل و پنج سال بعد از تأسیس حزب توده ایران است ، اکتفا میکنیم . خواننده در پایان این تحلیل قطعا خود تصدیق خواهد کرد که طبقه کارگر ایران از حزبی که هنوز در اوان تشکیل و فعالیت خود به چنین تغییر مهم در وضع طبقه کارگر ایران نائل آمده جدا شدنی نیست . همچنین خواننده با نظر کارگران ایران همراهم خواهد شد که احیاء آن پیروزیهای که در سالهای فعالیت آشکار حزب توده ایران نصیب آنها شد و ارتجاع هاروسیه در سالهای بعد با پیروزیهای بی‌درین پلنسی آنها با همال نمود در درگرو بسط فعالیت همه جانبه حزب توده ایران است . همچنین پیروزیهای که امروز در کسبان برای طبقه کارگر ایران ، که تا مدتی رسیده به حاکمیت را دارد میسر و رد ستور روز میباشند ، تنها و تنها در شرایط ادامه و اعتلاء مبارزات خود طبقه کارگر ، همه زحمتکشان و نیروهای مترقی جامعه ما تحت رهبری حزب توده ایران میتواند از توه بغفل درآید . خواسته‌های طبقه کارگر ایران تنها در چنین شرایطی تحقق می‌پذیرد .

پنج سال قبل از تاسیس حزب توده ایران - پنج سال قبل از تاسیس حزب توده ایران ، در سالهاییکه به آخر سلطنت مطلقه رضا شاه پایان می یافت ، طبقه کارگران ایران درگنای نگاه داشته شده بود و کارگران به معنی واقعی کلمه برد مکار فرمایان شمرده می شد ند . تسلط رژیم سلطنتی مطلقه باعث شده بود موفقیت های کفحتا شهر به روزی انقلاب کمپرسور سوسیالیستی اکثر بود و جریان مبارزات انقلابی ود موکراتیک سالهای ۱۹۲۰ نصیب مردم ایران و کارگران شده بود از آنها به ان گزفته شود . علائق کهنه نشودالی همزمان با بسط استثمار سرمایه داری طبقه کارگران ایران را در فشار طاقت فرسا قرار داده بود .

مجموعه این جریان در روابطی منعکس بود که بهین ارائه دهندگان نیروی کار - کارگران و خریداران این کالا - سرمایه داران در بازار کار و سرمایه داران ایران جریان داشت . سرمایه داران فقط کالای نیروی کار ، بلکه عملا خود کارگرا می خرید و مانند برده ، شرایط اسارت با راستنار و ظلم سرمایه داری را بهیوی تحمیل میکرد . آن موقع دورانی بود که کارگر " عمه " ، " نعله " ویا " اجیر " میگفتند ، برای او هیچ حقی قائ نبودند ، پولی که بنام دستمزد به او میپرداختند کفاف زندگی بخور و نینمیر کارگر را نمیکرد . سالهای سلطنت رضا شاه تا با آخر ، سالهای استثمار برحانه ، فقر به معنی واقعی کلمه و بی حقوقی کامل برای طبقه کارگران ایران باقی ماند .

برای تحسم وضع کارگران ایران در آن دوران کافیت به ارائه و تحمیل یکی از اصطلاح قرار - داد های کار منعقد در آن سالها بهر دزیم . این با اصطلاح قرار داد کار یکی از اجیرنامه های شست شده در رفتار ساندرسی است که همین آن را ما در زیر نقل میکنیم . این سند آئینه وار مجموعه روابط کار و سرمایه دار در دوران استبداد رضا شاهی در خود منعکس دارد .
قبل از تحلیل عین سند را که در صفحه ۲۵-۱۲۶ دفتر اسناد رسمی نمره شش اصفهان تحت شماره ۱۱۶۰۲-۱۳۱۵/۴/۲۳ به ثبت رسیده از نظر بگد رانیم (۱) .

دفتر اسناد رسمی نمره ۱
وزارت عدلیه
ثبت اسناد و املاک کل مطکسی
ورقم معاملات متفرقه
نوع سند اجیرنامه
حوزه اصفهان

اجیر آقای سید علی بحر هراتی بنا پویشان نمره ۳۸۱ صادره و ساکن رزان ولد سید علی محمد سعلی ستاجر شرکت نسبی رحیم زاده و شرکا* بعد بریت آقای محمد کتابی به نام پندگی آقای سید منوچهر طریقی مراسم نمره ۱۱۲-۱۶-۱۳۱۵/۴/۲
نوع عمل - حضور متوالی اجیر در کارخانه فوق واقن در خیابان شاهپور اصفهان در انجام امور موجوده با بقرا که ده ساعت در پشت شب یا روزه تعیین کارخانه خدمت نماید .
مدت - از تاریخ ذیل لغایت سه سال شمسی .

اجرت - در سال اول هر ماهی یکصد و بیست ریال - سال دوم هر ماه یکصد و سی و پنج ریال ، سال سوم هر ماهی یکصد و پنجاه ریال که آخر هر ماه دفتر کارخانه را اعضا* نمود و در ریافت دارد .

۱ - روزنامه " رهبر " شماره ۷۵۸ ، ۱۲ ، تیرماه ۱۳۲۵ (تکیه روی کلمات از ما است) .

وآخر هر ششماه رسید رسمی تحویل دهد و اجیر مطلق است هر پستی را الهی در ساعت باد ستور کارخانه فوق العاده خدمت نماید و متناسب اجرت فوق العاده دریافت دارد .

شریط - با تمدی یا تعریف اجیر و توجه ضرر باید بمصدق معمل کارخانه ارضه و خسارت وارده بر آید . با تعلل اجیر از حضور و انجام وظیفه مقرره بدون عذر موجه هر روز و برابر اجرت و با عذر موجه قبلا به اطلاع و تصویب کارخانه رسانیده باشد و با تعطیل رسمی مطابق اجرت از حقوق او کسر خواهد شد - هرگاه کارخانه را تعطیل نمود و یا در جای دیگر مشغول کار شد باید بیکم از پیمان شرکت مسنور بپردازد . هرگاه اجیر مرتکب خلاف یا خیانتی گردد و یا بمصدق ناظم و معلم کارخانه از اطاعت و انتظامات سرپیچی نماید و یا آنکه کارخانه بجهتی تعطیل شود (بعد تنبیه از سه روز) اختصار قسح بقیه مدت با مستاجر است .

بتاریخ ۲۳ تیرماه سنه ۱۳۱۵

محل امضا* هاسعلی منتصر سید علی بحر

قرارداد کارگری که بین ایران نقل کردیم ، اگر بتوان آنرا قرارداد کار نامید ، سندی استثنائی نیست . در این سند روابط حاکم بر تولید سرمایه داری ایران و مناسبات بین کارگر و کارفرما در دوره استبداد رضاشاهی و قبل از پیدایش حزب توده ایران ، بطور کامل انعکاس یافته است .

سند اجیرنامه قبل از هر چیز گواهی میدهد که سرمایه داری در دوره استبداد رضاشاهی با تکلیف محاکمیت دولتی ، کارگران ایران را در وضع کامل بردگی قرارداد کرده بود و در تحمیل استثمار و حشمانه بکارگران آزادی عمل کامل داشت . اجیرنامه همچنین وضع اسارت با رطبه کارگران ایران را بعارضه میدارد که هنگام حتی آزادی در فروش نیروی کار خود نیز محروم بوده است . از این گذشته هنوز با کارگر نمی شناسند ، بلکه به او " اجیر " خطاب میکنند . روزگار طولانی اجیر ، دستمزد بسیار نازل و ناچیز و تنگدستی که در سند اجیرنامه تحت عنوان جراثیم مختلف در مورد وی اعمال شده هم نشان دهنده اسارت کارگر ایرانی و بردگی کامل در برابر کارخانه در رضاشاهی است .

اجیرنامه بدون قائل شدن تفاوت برای کار روزی شب ، روزگار ۱۲ ساعته ، بدون تعطیل هفته و مرخصی سالانه و حتی تعطیلات رسمی اعیاد و عزا داری را ، بکارگر تحمیل میکند . در تنظیم سند ، کارفرما چنانکه معمول است ، از راه مستقیم به تحمیل روزگار ۱۲ ساعته بکارگر تنه میزند . او ابتدا شرط کار ده ساعته در پستی شب یا روز را بکارگر تحمیل میکند و سپس از وی التزام میگیرد که " هر پستی را در ساعت باد ستور کارخانه فوق العاده " خدمت نماید . طبق این اجیرنامه معلوم است که ساعات کار کارگر ایرانی در هفته در دوره رضاشاهی به ۶۶ ساعت بالغ بوده است ، تازه این در صورتی است که کارفرما خود را در چهارچوب اجیرنامه ای که بکارگر تحمیل نمود معتمد بداند و تحمیل کار اضافی را بهمان در ساعت محدود نماید . لیکن چنانکه میدانیم آن موقع کارگران ایران در کارخانه هاتا ۱۴ و حتی شانزده ساعت بکارگرفته میشدند و این چنین ساعات روزگاری در زمان سلطنتی رضاشاهی ، که خود یکی از کارخانه داران مهم شده بود ، امری عادی تلقی میشد .

در اجیرنامه مشاهده میکنیم که اجیر موظف شده است با " حضور متوالی " در محل کارخانه " واقع در خیابان شاهپور اصفهان در انجام امور موجوده . . . خدمت نماید " . اینها گذشته از آنکه هر نوع حتی از کارگر برای خفیت از کار سلب گردیده ، کارخانه را در خود را از تحمل هر نوع هزینه ای برای رساندن کارگر بمحل کار آزاد نموده است . اجیرنامه هیچگونه معافی برای تاخیر و سائقه ایاب و ذهاب برای کارگرنمیشناسد و او را موظف میدارد ولو این ایاب و ذهاب به قیمت چند ساعت از زندگی شبانه روزی و تمام شود ، سرمایه خنجر خود را در اختیار کارفرما بگذارد . برای آنکه بوضوح حال و روز کارگر

دوره " پهلوی " آشنا شویم باید این قسمت از وقتی را که کارگر برای رسانیدن خود به محل کار صرف میکند ساعات کار روزانه و میانفرانیم تا منظره کار ۱۲ و ۱۶ ساعته کارگر در دوران رضاشاهی برآید همان بهشروشن شود .

از جهت ساعات روزگار ، اجیرنامه مقرر می‌دارد اجیر در مدت سه سال متوالی ، بدون استفاده از هنر و هر خصی و حتی حق غیبت از کار (چنانکه سند نشان میدهد و ما بعداً به این موضوع خواهیم پرداخت ، کارگر در صورت غیبت از کار ، اهم آنکه با عذر موجه باشد یا نه ، جریمه میشود) و موسم از ساعات زندگی شبانه روزی خود را به کارفرما تسلیم نماید .

کارگران ایران در شرایطی بدین وضع استنمار میشدند که روزگار سه ساعته - روزگار قانونی کارگران در کشورهای دیگر شناخته شده بود و آنان از تعطیل هفته و سالانه و مزایای دیگر برخوردار بودند . در مقایسه با این وضع کارفرمای ایرانی در دوران رضاشاهی بطور رسمی در شبانه روز یک برابر و نیم ، در هفته دو برابر و در سال دو برابر و نیم و با احتی بیش از آن که کارگران در کشورهای سرمایه داری کار میکردند از کارگر ایرانی کار میکنند . تازه این در صورتی است که روزگار همان ۱۲ ساعته محاسبه کنیم که در سند اجیرنامه قید شده و نه ۱۴ تا ۱۶ ساعته که کارگر عملاً در اختیار و زیر استنمار کارفرما بوده است . اینست مفهوم استنمار کارگر ایرانی در شرایط تسلط رژیم مستبد و قرون وسطی - رضاشاهی .

اما اینکه در آراء چنین کاروانفرما و مارتا دیده استمردی باید عاقد اجیر شوند گرد ، چنانکه می بینیم کلمات سند اجیرنامه بسیار قاطع و کوتاه است . در اینجا سرمایه دار خشک و کوتاه سخن میگردد و برای کارگر " در سال اول هر ماهی ۱۲۰ ریال " اجرت تعیین میکند ، یعنی اینکه باز " روزگار ۱۴-۱۶ ساعته حتی کمتر از چهار ریال مزد میدهد از (در نظر بگیریم که در ششماه اول سال روزهای ماه ۳۱ روز است و نه ۳۰ روز . اگر ماه ۳۰ روز حساب آمده باشد ، در آن صورت کارفرما در همین قدم اول ۵ روز سرکارگر کلاه گذاشته و در سال بجای ۳۶۰ روز ، فقط مزد ۳۶۰ روز با کارگر پرداخت است) . لیکن مزد کمتر از ۹ ریال مزدی است که طبق سند اجیرنامه عملاً حد اکثر مزد را شامل میشود و بطور قطع میتوان گفت نصب هیچ کارگری نمیشود . چه شرط اولیه در یافتن چنین مزدی ، چنانکه در سند اجیرنامه قید شده " حضور متوالی اجیر در کارخانه " است و اجیر ، حتی اگر با عذر موجه غیبت داشته باشد و یا در " تعطیل رسمی " سرکار حاضر نشود ، مزد این روزها " مطابق اجرت از حقوق او کسر خواهد شد " . مافعلاً به این مسئله یعنی پرداختی که غیبت بدو در موزه سبب میشود " برابر " هر روز در برابر اجرت " اجیر کسر شود . در این باره و در باره موارد متعدد دیگری که کارگر در پرداخت جرائم بسیار که سبب کاهش مزد وی میشود ملزم شد باید بحث خواهیم کرد .

با در نظر گرفتن مواردی که بیان اشاره شد دید میشود که تعیین مبلغی نزدیک به چهار ریال بعنوان مزد روزانه فقط بدست مزد اسمی و صوری بوده است . با شرایطی که سند اجیرنامه به اجیر تحمیل نموده ، هیچ کارگری قادر به دریافت چنین دستمزدی نبود و نمیتوانستجا شد . دستمزد واقعی کارگر در روزهای مبراتب کمتر از چهار ریال بوده است . در ظاهر سند اجیرنامه دستمزد ماهیانه یکمده و بیست ریال و دستمزد متوسط روزانه ۹ ریال را به اجیر میدهد . لیکن کارفرما ، که در سند اجیرنامه شروط مختلف و متعدد دی را بکارگرتحمیل نموده و او را ملزم به پرداخت جرائم متعدد در همین دستمزد ناچیز نموده ، خوب میدانسته که حتی نیمی از این مبلغ هم باید کارگرتخواهد شد .

در سند اجیرنامه هر چه در مورد تعیین روزگار و تعیین دستمزد در صرف کلمات صرفه جویی شده در عوض در تعیین شروطی که کارگر ملزم به رعایت آنهاست و در صورت تغییر باید جریمه به پرداخت آزادی تصام

سخن رفته است . به متن سند اجیرنامه مراجعه کنید . از ۱۷ خط متن اجیرنامه ، هفت خط آن به شروط تعمیلی بکارگرو تمهین جرائم مختلف برای نقض آن اختصاص داده شده . این شروط ، چنانکه از سند اجیرنامه پدید میشود ، از تحمل پرداخت خسارت در صورت نقض فنی در وسائل کار گرفته تا جریمه غیبت از کار با عذر موجه و باید و آن را ، شامل میشود . اخیر در صورت غیبت با عذر موجه و با تعطیل رسمی در برابر هر روز غیبت مزد یک روز خود را از دست میدهد و در صورت غیبت بدون عذر موجه در برابر هر روز موقوف به پرداخت جریمه ای به مبلغ یک روز مزد خود میباشد . تعطیل کارخانه یا اعتصاب برای کارگر ۱۰۰۰ ریال جریمه دارد ، همانطور که اکثر کارگرها خواهد در جای دیگری بکار بپردازد ، باید مزد نماند خود را بعنوان جریمه بکارفرما بپردازد .

تازه موارد جرائم اجیریه آنچه گفته شد خاتمه نمی یابد . " تصدیق " ناظم و معلم کارخانه نیز از نظر جریمه کردن کارگر اعتبار قانونی دارد . تاحدی که کارفرما بخواهد حق میدهد تحت عنوان " سرچشمی " از اطاعت و انضامات " کارگر را تا سرحد " فصیح بقیه عدت " جریمه و مجازات نماید . سند اجیرنامه ، اجیر را بقول معروف چهارمخه میکند . بطوریکه از هر طرف بچرخد با پرداخت جریمه و با از دست دادن کار مواجه میشود . در اینجا گفته مگر صدق پیدا میکند که در کتاب " سرمایه " با اشاره به قوانین و مقرراتی که سرمایه داری برای استثمار کارگرو وضع میکند مینویسد - این مقررات " چنانست که تعذلف " از آن برای کارفرما " سود آورتر از اجراء آنهاست " (۱) .

سند اجیرنامه ای که ما آبرامورد مطالعه قرار دادیم تازه معروف وضع کارگران مرد آنهم در صنایع ماشینی در دهه قبل از جنگ دوم جهانی و سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۱۰ است . در این دوره کارگران زن و کودکان وضع مراتب ناگوارتری داشتند و صد ها هزار کارگران کارگاههای صنایع دستی کشور در شرایط مراتب بدتری نسبت بکارگران کارخانههای ماشینی استثمار میشدند .

بلغین رژیم سپاه سلطنتی استبداد نامروز مدعی هستند که رضاشاه منجی کارگرای ایرانی بوده و گویند " هویت کارگری در ایران همزمان با بنیان گذاری شاهنشاهی پهلوی شکل گرفته است " (۲) . اخیراً سید علی بحر زجرائی که " مزین " بمهمبروز ارتدلیه و ثبت اسناد رضاشاهی است نه فقط این ادعا را رد میکند ، بلکه نشان میدهد که سلطنت استبدادی تحصیل کننده سختترین ، ناگوارترین و بی حقوقترین شرایط کار روزنگی بکارگرای ایرانی بوده است . بویژه همین سلطنت مستبده سبب بود که اگر کسب هویت جنبش کارگری در ایران پیر از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت رکنش همسایه شمالی ما و هنگامیکه کشور ما ایران میتوانست تحت تاثیر الهام بخش این انقلاب و اعتلا جنبش انقلابی و دموکراتیک در داخل نغتنها استقلال واقعی خود را احیا کند ، بلکه به پیشرفتهای واقعی اقتصادی اجتماعی نائل آید ، جلوگیری بعمل آورد . درست برعکس این ادعا جنبش کارگری در کشور ما و قتی توانست هویت خود را احیا کند که رژیم استبدادی رضاشاهی ، که در آخر سر بقا ششم آلمان رو آورده بود ، در جریان جنگ دوم جهانی و در نتیجه ضرورت مبارزه جهانی علیه فاشیسم درهم کوبیده شد و شرایط براد احیا موازی دموکراسی ، آغا زواعتلا جنبش کارگری و بویژه ایجاد احزاب و سازمانها اصیل کارگرو در کشور ما فراهم گردید .

پنج سال بعد از تأسیس حزب توده ایران سی و پنج سال پیش هنگامیکه حزب توده ایران

۱ - کارل مارکس ، سرمایه " کاپیتال " ، جلد اول ، ترجمه فارسی ، صفحه ۳۹۳ .
 ۲ - روزنامه " رستاخیز " ، ۸ اردیبهشت ۱۳۵۵

ناسمج گشت ، شرایط کاروندگی کارگران ایران آن بود که ما با انعکاس آن در سند احیای نامه آشنا شدیم و واقعیت بردگی کارگران ایران را تا روزیکه بساط سلطنت استبداد ی رضا شاه پربا بود از نظر گذراندیم . لیکن تنهامت چند سال اولیه پدید آمدن فعالیت حزب ما مبارزه آن در راه منسافع کارگران کافی بود تا در شرایط کاروندگی این طبقه مشیارات بنیانی صورت گیرد و تناسب قوای جامعه بسود طبقه ای که قبل از پیدایش حزب ماحتی نام کارگران گفته میشد عوض گردد . در این قسمت نوشته نیز قصد ما بازگو کردن مبارزات حزب توده ایران در راه شناسایی طبقه کارگران ایران بخود و جامعه ایران که تاریخ پرافتخاری را تشکیل میدهد نیست . این کار در جریان تحلیل تاریخی از وقایع گذشته و حال صورت گرفته و میگیرد و جزوه حاضر کوششی در همین جهت است . ما در اینجا بهمان شیوه تحلیل قسمت اول این نوشته به ارائه و تحلیل سند دیگری میپردازیم که شرایط کاروندگی کارگران کشور ما را در دست پنج سال پیم از تاسیس حزب توده ایران در خود منعکس میسازد .

مبارزات حزب توده ایران به منظور تامین منافع طبقه کارگران ایران در فاصله تاسیس حزب در مهر ماه ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۲۵ موجب تشکیل صنفی و طبقاتی کارگران در سطح کشور گردید . صد ها هزار کارگر از کارگران به صفوف شورای متحد مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران پیوستند و پیشرو ترین این کارگران در حزب طبقاتی خود - حزب توده ایران متشکل شدند . در سایه رهبری حزب توده ایران و شورای متحد مرکزی ، کارگران ایران توانستند به پیروزیهای مهمی در زمینه بهبود شرایط کار و زندگی نائل آیند و از راه تصویب قوانین و انعقاد قرارداد های دسته جمعی کارگران فرمایان و دولت را بر رعایت حقوق قانونی خود وادار نمایند . قرارداد دسته جمعی کاری که متن آن در زیر درج میشود نمونه ای از قرارداد های دسته جمعی کارمست که در آن شرایط بهین کارگران و کارفرمایان منعقد شده و تفصیلات آن در پیوسته شماره ۱۳۲۵ این کتاب آمده است . این قرارداد در دوم تیرماه ۱۳۲۵ بین صاحب کارخانه شبروسازی از یکطرف ، نماینده شورای متحد مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران از طرف دیگر منعقد شده است . متن قرارداد ، که در روزنامه " رهبر " ارگان مرکزی حزب توده ایران انتشار یافته ، همینا چنین است :

* قرارداد زیر بین آقایان زخمون تلنگر صاحب کارخانه شبروسازی لوکس و محمود مشهدی نماینده شورای متحد مرکزی در تاریخ ۲۴/۲/۱۳۲۵ منعقد شده است .

- ۱ - برسمیت شناختن اتحادیه کارگران کارخانه
- ۲ - ساعت کار کارگران ۸ ساعت در روز
- ۳ - اگر کارخانه احتیاج به اضافه کار داشته باشد باید یک برابری حقوق پرداخت شود
- ۴ - مزد کارگران از تاریخ تصویب این قرارداد بطریق زیر اضافه خواهد شد :
الف - از دستتومان به بالا صدی ده
ب - از صد و پنجاه تومان به بالا صدی پانزده
پ - از صد و پنجاه تومان به پانزده صدی بیست و پنج
- ۵ - پرداخت استحقاق کارگران در ماه دومرتبه خواهد بود .
- ۶ - در سال دودست لباس کار و کفش و صابون و حمام بطور معمول باید بکارگران کارخانه داده شود .
- ۷ - روزهای جمعه تعطیل رسمی با استفاده از حقوق خواهد بود .
- ۸ - بیمه کارگران باید فوراً اعطای شود .
- ۹ - کارفرمایان اجازه اتحادیه حق بیرون کردن کارگران را ندارند .
- ۱۰ - اگر کارخانه بکارگر بیشتری احتیاج داشته باشد با اطلاع و موافقت اتحادیه استفاده

نماید .

۱۱ - مرخصی در سال ۲۱ روز با استفاده از حقوق خواهد بود .

۱۲ - تهیه دکتر ریخس کار .

۱۳ - هرگاه کارفرما از کارگران شکایتی داشته باشد به اتحادیه مربوطه رجوع نماید .

این قرارداد از تاریخ ۱۶/۲/۲۵ به اجرا گذاشته خواهد شد .

نماینده شورای متحد مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان

ایران
محمود مشهدی

صاحب کارخانه شبروسازی لوکس رقمون تلنگر (۱)

متن قرارداد کار منعقد شده بین نماینده شورای متحد مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران و صاحب کارخانه شبروسازی پیش از آنکه محتاج توضیح و توصیف باشد گویاست . این قرارداد ادواری میدهد که متنهای پس از گذشت پنج سال از تشکیل حزب توده ایران در وضع طبقه کارگر کشور ما تغییرات بنیانی روی داده است . در قرارداد منعقد شده در سال ۱۳۲۵ ما شاهد شناسایی حقوقی بسیاری کارگران هستیم که با وضع آنان در سال ۱۳۱۵ تفاوت ماهوی دارد . اکنون طبقه ای در برابر ماست که نه فقط کارفرما را از تحمیل اسارت باز خود باز میدارد ، بلکه وی را متحد میسازد به شناسایی و رها به حقوق قانونی کارگران تن در دهد .

قرارداد کار منعقد شده در سال ۱۳۲۵ ما را با وضعی کاملاً متمایز از شرایط اسارت باری که در سال ۱۳۱۵ کارگران تحمیل میشد آشنا میسازد . در سند اجیرنامه سید علی بحق زهرانی ما شاهد بردگی آشکار کارگر در برابر کارفرما بودیم . در قرارداد ما نماینده شورای متحد مرکزی کارفرما ما شاهد روابط قانونی بین کارگر و کارفرما هستیم و تناسب توأب بود کارگران را از سطوح قرارداد بروشنی و وضوح مشاهده میکنیم . در سند اجیرنامه کارفرماست که اختیار مطلق تحمیل هر نوع شرایط را به کارگر در دست خود قبضه نموده . در قرارداد جمعی کارگران هستند که شرایط بهره برداری از نیروی کار خود را معین میکنند و کارفرما به رعایت شرایط قانونی استفاده از کار خود طرز میسازند .

نهایتاً شمردن تفاوتهای بین دو قرارداد ، که یکی تحت عنوان سند اجیرنامه و دیگری تحت عنوان قرارداد کار در فاصله ۱۰ سال منعقد شده کافایت نشان دهد چه تغییرات مهمی همسود طبقه کارگر ایران در اولین سالهای پس از تشکیل حزب توده ایران در جامعه کشور ما صورت پذیرفته است .

در سند اجیرنامه سال ۱۳۱۵ روزگار ۱۰ ساعت معین شده بود . در قرارداد کار سال ۱۳۲۵ روزگار ۸ ساعت معین شده است . در سند اجیرنامه ، اجیر تعطیل هفته و مرخصی سالانه نداشت و اگر تعطیل رسمی درس کار حاضر نمیشد ، باید جریمه میبرد و اخت و از دستمزدش کم میشد . در قرارداد کار کارگران از تعطیلات جمعه و تعطیل رسمی و همچنین ۲۱ روز مرخصی سالانه با استفاده از دریا دستمزد بپذیرند شده اند .

در سند اجیرنامه سال ۱۳۱۵ کارفرما با وجود روزگار ۱۰ ساعته برای دو ساعت کار اضافی دستمزد اضافی نمیپرداخت . در قرارداد کار سال ۱۳۲۵ کارفرما برای ساعات کار اضافی پس از ۸ ساعت باید یک برابر بپردازد . دستمزد اجیرنامه کارگر در آخر هر ماه دستمزد میگرفت و طرز پرداخت آن رسید رسمی ششماهه بود . در قرارداد کار که نه فقط از چنین الزامی اثری مشاهده نمیشود ، بلکه کارفرما موظف

۱ - روزنامه " رهبر " شماره ۷۶۱ ، ۱۷ تیرماه ۱۳۲۵ (تکیه روی کلمات از ماست) .

است حقوق کارگران را در ماه دیواربرد اختل نماید . در سند اجیرنامه صحتی از بیمه ، دکتربخش کار ، دریافت لباس کار و نظایر این حقوق نبود و نمیتوانست باشد . اجیری که در وضع برگی قرارداد است کجا میتواند چنین حقوقی را بخواهد . در قرارداد کار همگس ، کارفرما موظف است بیمه کارگران را فوراً عطفی سازد ، برای بخش کار دکتربخش کند ، دادن لباس کار و تامین وسائل نظافت و حمام کارگران را متقبل شود .

در زمینه دستمزدها و میزان آن نیز در سالهای قبل و پس از تشکیل حزب توده ایران مسأله تغییرات کاملاً چشمگیری را شاهد می‌کنیم . در سند اجیرنامه ، اجیرموظف شده بود در برابر کار متوالی در سه هفته در کارخانه درآمدت سه سال به دستمزد روزانه حداکثر چهار تا پنج ریال قانع باشد . در قرارداد کار ما شاهد افزایش دستمزدها تا میزان ۱۵ الی ۲۰ برابر سال ۱۳۱۵ هستیم . بفرض آنکه تا شورتورم در سالهای پراشهریور ۱۳۲۰ را نیز در نظر بگیریم ، با این وجود دستمزدهای سال ۱۳۲۵ با دستمزدهای نازل و ناچیز قبل از جنگ تفاوت بسیار دارد . این تفاوت ناشی از همان تغییرات سبب قیام بود کارگران در جامعه ایران در سالهای پس از تأسیس و فعالیت حزب توده ایران و سازمانهای کارگری وابسته به آن میباشد . بعلاوه جالب است که در شرایط جدید توجه اساسی به افزایش دستمزد کارگرانی معطوف شده که سطح دستمزدهای آنان نازلتر بوده است . این خود نیز ارتفاع سطح آگاهی طبقاتی و سیاسی کارگران ایران را در سالهای اولیه فعالیت حزب توده ایران نشان میدهد .

بالاخره تفاوت اساسی عهد و عهد ، بین سند اجیرنامه منعقد در سال ۱۳۱۵ و قرارداد کار منعقد در سال ۱۳۲۵ ، در شناسائی حقوق کامل اتحادیه ای کارگران ایران است که بیانگر تغییرات عظیم درآمد تکتوانه بود و زمینکشان کشور ماست . در سند اجیرنامه ، اجیرتاج ویرد کارفرماست و کمترین حقی در برابر او ندارد . در قرارداد کار ۱۳۲۵ گذشته آنکه کارفرما به شناسائی اتحادیه کارگران کارخانه ملزم شده ، همچنین متعهد میشود که بدون " اجازه اتحادیه حق بیرون کردن کارگران را ندارد " ، و اگر از کارگران شکایتی داشته باشد " باید " به اتحادیه مربوطه رجوع نماید " . این جملات قرارداد کار ۱۳۲۵ را با حقوقی که برای کارفرما در سند اجیرنامه ۱۳۱۵ ذکر شده و گفته میشود ، " هرگاه اجیر مرتکب خلاف یا خیانتی گردد و یا بتصدیق ناظم و معلم کارخانه اراضاعت و انتظامات سرپیچی نماید . . . اختیار فسخ بقیه مدت (یعنی اخراج ارکار) با مستاجر است " مقایسه کنید تا روشن شود که بین پنج سال قبل و پنج سال بعد از تأسیس حزب ما چه تفاوت عظیم در وضع طبقه کارگر در جامعه ایران ایجاد شده است .

در سند اجیرنامه ، چنانکه موقع مذکور شدیم ، از ۱۷ خطمتن اجیرنامه ، هفت خط آن به بیان شروط و جرائمی که برای کارگرمین شده اختصاص داده شده است . اجیرنامه بجای آنکه قرارداد کار باشد ، عملاً سند محکومیت اجیر ، یعنی کارگراست . در قرارداد کار ۱۳۲۵ نه فقط کلمه " از جرائم و قیود و شروط وظالمانه نسبت به کارگر بد منمیشود ، بلکه این کارفرماست که متعهد میشود در بهره برداری از نیروی کار کارگرها را از حدود مقرراتی که اتحادیه کارگران معین نموده فراتر نبرد . در سند اجیرنامه ، طبیعی است که امضای کارفرما میباشد هم متقدم بر امضای کارگر و برینسند گذاشته میشود . اجیر را کجای آن بود که امضای خود را بالای امضای مستاجر بگذارد . لیکن در قرارداد کار ۱۳۲۵ ما شاهد می‌کنیم که امضا " نمایند شورای متحد مرکزی اتحادیه کارگران و زمینکشان ایران مقدم بر امضای کارفرماست شده است و همین تغییر جای امضا " خود بیانگر ارتفاع حیثیت طبقه کارگر ایران و شناسائی مقابله ای آن در جامعه ایران در سالها نا اولیه فعالیت حزب توده ایران و شوروی

متحد مرکزی است . حزب مابود که با تکیه بمباررات خود طبقه کارگران ، این طبقه را در مقامی که شایسته است در جامعه ایران قرار داد .

اسناد و واقعات در باره حزب توده ایران و خدداستان بمنافع طبقه کارگر چنین حکایت میکند .
 با هیچ رهبر و حربه تبلیغاتی نمیتوان خدمات حزب توده ایران را به طبقه کارگر ایران منسوم ساخت و با زیاد بود . با هیچ تهمت و افتراشی نمیتوان بین حزب توده ایران و طبقه کارگر کشور را جدائی بوجود آورد . حزب توده ایران یگانگت حزب طبقه کارگر ایران بوده ، هست و خواهد بود .
 در دو مان بیلهوی اکنون پنجاه سالگی سلطنت مستبد و پلیسی دستنشانده را حشمتن میگیرد . محمد رضا شاه مدعی است که گویا او در سه ۳ سالی که از سلطنتش میگذرد ، چنان مزایایی به طبقه کارگر ایران داد که حزب توده ایران " خواب " آنرا هم ندیده بود . از این لاف و کجاف شاهانه میگذریم و فقط به سئوال را مطرح میکنیم : آیا کارگران ایران امروز دارای چنان حقوق و اختیاراتی هستند که بتوانند با کارفرمایان همان قرارداد ناقص کاری را منعقد نمایند که مانند نمونه قرارداد رسمی سال پیش ذکر کردیم ؟ نه فقط کارگران و همه جامعه مترقی ایران ، بلکه ارتجاع و خود اعلی حضرت نیز به اجبار به این سئوال پاسخ منعی میدهند . زیرا در سالهای تسلط رژیم کودتا همزمان با تعقیب و ترور پلیسی حزب توده ایران و شورای متحد مرکزی ، به فقط پیروزیهای تحصیل شده از طبقه کارگر ایران باز پس گرفته شد ، بلکه کارگران از ضروری ترین حقوق قانونی خود محروم گردیدند . در شرایط تسلط ترور سیاه پلیس بر کارگران و سازمانهای صنفی و سیاسی اصیل آن چگونه میتواند از وجود روابط برابر بین کار و سرمایه ، بین کارگر و کارفرما و تانمین حقوق واقعی زحمتکشان سخنی در میان باشد ؟
 حزب توده ایران درسی و بیخسار بهتر کارگران ایران را باید آری طبیعت ، تشکیل داد صغی و حزب سیاسی مجهز ساخت . در برین و این وضع کارگران ایران توانستند در شرایطی که بیروی نمی و کجی اندکی را در جامعه ایران تشکیل میدادند ، به کسب شرایط کار و حقوقی ، که حتی امروز فایده آنند ، نائل آیند . امروز طبقه کارگر ایران به کثیرالعددترین طبقه جامعه ایران بدل میشود . اوضاع جهان و وضع داخلی کشور ما شرایط بالقوه مساعدی را برای تحقق خواستههای صغی و طبیعتی کارگران ایران بوجود آورده . در این شرایط امکان طبقه کارگر ایران برای تحصیل پیروزیهای معتبر عبارت بهیتر ارگشته است .

هرکس کینه طبیعتی و با خصومت ذاتی با طبقه کارگر ایران نداشته باشد و هرکس که در چار گراهی نباشد ، قطعاً از قبول این واقعیت ناگزیر است که احیا* موفقیت های پاهمال شده و کسب پیروزیهای بزرگتری برای طبقه کارگر ایران در گرو فعالیت و تانمین رهبری یگانه حزب متعلق به این طبقه حزب توده ایران است . حزب ما با استواری در این راه کام بر میدارد .



در پایان این نوشته خواننده قطعاً با ما هم عقیده خواهد بود که یکبار دیگر آنچه را در پایان قسمت اول این نوشته ذکر شده عیناً تکرار کنیم :

طبقه کارگر ایران از حزب توده ایران جدا شدن نیست . کارگران ایران میدانند که احیا* آن موفقیتهایی که در سالهای فعالیت آشکار حزب توده ایران نصیب آنها شد بواسطه ارتجاع هار و سیاه در سال های بعد با پیروزیهای بی درین پلیسی آنرا پایمان نموده و در گروست فعالیت همه جانبه حزب توده ایران است . همچنین پیروزیهایی که امروز کسب آن برای طبقه کارگر ایران ، که ما مدگی رسیدن

بهاکیت را دارد ، میسرود رد ستوروز می باشد ، تنها و تنها در شرایط ادایه واعتلا* مبارزات خود طبقه کارگر ، همزحمتکشان و سبزوهای مشرقی جامعه ما منحصر به این حزب بوده ایران میتواند از قوه بفعل در آید . خواسته های طبقه کارگر ایران تنها در چنین شرایطی تحقق می پذیرد .



این از دست ابراهیم رضایی است که سال گذشته به دست
سویس و آلمان - انگلند حزب ترسیم نموده است .

نبرد حزب توده ایران علیه انحرافهای راست و «چپ»

و در دفاع از مارکسیسم - لنینیسم

و در راه تلوین مشی درست انقلابی

آغاز سخن

یکی از شایستگی ها و سزاواریهای برجسته حزب توده ایران، که شهرت برداشته ای دارد، جان سختی و قابلیت حیات خارق العاده آنست. در کشوری که در آن جنتمنازات حزبی بگلی ناچیز و اکثر احزاب سیاسی مانند حباب صابون اند، حزب ماطی سی و پنج سال نبرد سه گین، شدید ترین هجوم ها را مداوم دشمن راد فک کرده و هر بار از زیر آوار حوادث کمرشکن، مردانه بها خاسته است تا راه دشواری را با افتخار خود را با پشتانی با زطن کند. به این سزاواری حزب ما دست و دشمن اعتراف دارند.

اما سزاواری و شایستگی بسیار برجسته حزب ما - که در قیام بردشمن طبقاتی (بقیاعر ایران و جهان) شناخته بوده و سرچشمه کینه حیوانی آن نسبت به حزب ماست - گاه برای تازه گساران جنبش انقلابی ایران ناشناخته میماند. این خصلت شایسته عبارتست از استواری اید و تولوزیک و پیگیری حزب ما در سمت گیری درست سیاسی و تکامل مداوم و بی وقفه ما در این سمت. سی و پنج سال است که حزب توده ای، نعتها مورد هجوم مستقیم از زمانهای پلیمسی است، بلکه در معرض انواع یورش های اید و تولوزیک - سیاسی دشمنان طبقاتی قرار دارد. این یورش ها مکمل هجوم های مستقیم پلیمسی است و چه بسا در قیامت و ما هر آن و با هدفهای به مراتب در یورد تری سازمان داد میشود. با اینحال حزب ما این یورش ها را هم در هم میشکند و ونه تنها از زیر آوار حوادث کمرشکن مردانه بها میخیزد بلکه در هر بار خیزش نوین از نظر اید و تولوزی و سیاست گاطر از گشته است.

دشمن طبقاتی به اهمیت این خصلت شایسته حزب ما واقف است و سیرید اوم ما را بسوی کمال به چشمی بیند و میداند که اگر این خصلت بد رستی شناخته شود و جنبش انقلابی ایران برشالود مجهان بینی علمی و دستاورد ها و تجربیات انقلابی حزب توده ایران بناگردد، راه پیروزی نهائی و مطمئن آن گشود نخواهد بود. اینست که با تمام قوا آنرا تاخت میزند، کوشش را که در این سی و پنج سال برای آموزش مارکسیسم - لنینیسم، انتشار آن در کشور و ناطق آن بر شرایط کشور با جعل آمده و سبب آمد زحماتی را که برای دفاع از مواضع اید و تولوزیک پرولتاریای ایران و حفظ آن از گزند انواع انحرافات، کشیده شده و میشود به هیچ میگرد و به لحن میکشد. مستقیم پیوسته مبارزین جوان را به تسبیح دستاورد های سیاسی - اید و تولوزیک طبقه کارگر ایران، آغا زاز صفر و زین صفر و برشالود " نویسن - بخوان انحرافی - فرامخواند. دشمن طبقاتی میکشود اید و تولوزی راستین طبقه کارگر و پیوند های

گسست ناپذیرانترناسیونالیستی آنها - که بنیان موجودیت جنبش اصیل کارگری و ضامن پیروزی آن است - بمشابه " اشتباهات " رهبران حزب توده جلوه داده ، خلا* در روشنی در جنبش کارگری و بطور کلی جنبش انقلابی ایران بسازد تا شاید بتواند آنها را بدترین نظریه توده کارگری و ضد انقلابی برگرداند . بررسی این جنبان از نبرد طبقاتی در جامعه ایران ، یعنی نبرد سیاسی - ایدئولوژیک حزب توده ایران با انواع انحرافهای راست و " چپ " از مهمترین مسائل روز جنبش انقلابی ایران بطور کلی و جنبش کارگری ایران بطور اخص است . آنچه در زیر میآید نظر گذرانی است به این نبرد بزرگ .

۱ - دوران فعالیت‌طلبی حزب توده ایران

زمانیکه حزب توده ایران پایه‌رصدگی می‌گذاشت معدود سازمانها و فعالین حزب کمونیست ایران و هواداران در وروزی که آن حزب نوین را پایه‌گذاری میکردند با مسائل بسیاری شواورتشورسک سیاسی و سازمانی روبرو بودند که برخی از آنها کاملاً تازه‌گی داشت . در یک برخورد سطحی شاید ساده‌ترین کارها عبارت از این بود که سازمانهای حزب کمونیست ایران را از نو احیا کنند و برنامه و سیاست آن حزب را در شرایط نوین دنبال نمایند . اما این ساده‌ترین کار در عین حال نادرستترین آنها بود . شرایط ایران و جهان ایجاب میکرد که کمونیست‌های ایران فعالیت خود را با سیاست برنامه قابل انعطاف تری تجدید نمایند تا بدین ترتیب بتوانند به نیازهای جنبش کارگری ایران پاسخ گفته ، جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران را زبر رهبری طبقه کارگر سازمان دهند .

پژوهش این اصل - که گامی در درک درست شرایط ایران و جهان و انطباق اصول عام مارکسیسم - لنینیسم بر این شرایط بود - از نظر تعیین مشی درست انقلاب انبوهی پرش سیاسی - ایدئولوژیک مطرح می‌ساخت : وقتی بنام حزب کمونیست و زبر شعارهای کاملاً آشکار کمونیستی درست نباشد و لازم آید که مبارزین کمونیست همکاری با قشرهای وسیعتری را زبر شعارهای معتدل‌تری دنبال کنند ، مرز این نمرش کجاست ؟ چه باید کرد که حزب توده ایران با وجود پوشش توده‌ای در عمل حافظ سنن حزب کمونیست ایران بماند ؟ از جانب دیگر مرز سمت‌گیری کجاست ؟ چه باید کرد که زبر نام دفاع از ما هیئت کارگری حزب سکتاریسم بر حزب مسلط نشود و نقض غرض پیش نیاید ؟ بهترین تناسب تلفیقی نبرد طبقاتی کارگران و دهقانان با نبرد عمومی ضد امپریالیستی و ضد استبدادی کدامست ؟ بهترین طریق بهم پیوستن و ادغام آنرا ناسیونالیستی و ملی چیست ؟ چگونه باید مارکسیسم - لنینیسم را در جامعه عقب‌مانده ای که سالها به زهر ضد کمونیستی آغشته و محیط روحی ویژه و نوانین جزایش و آئین شرعی ضد کمونیستی دارد ، تبلیغ کرد تا اندیشه‌های اساسی آن به‌سایب و وسیع‌ترین قشرهای مردم راه یابد .

نظراً بر این پرسش‌ها فراوان بود . و یافتن پاسخ آن بسیار دشوار . نسخه حاضر آماده‌ای از تاکتیک و استراتژی انقلاب ایران وجود نداشت و نمیتوانست وجود داشته باشد . میبایست در جریان نبرد سنگین و دشوار همه‌جانبه با دشمن طبقاتی خط مشی حزب را در هر گام دقیقتر کرد . در آنسالها حزب ما از همان آغاز در مبارزه شدید و در همه‌عرضه‌های زندگی درگیر شد و تقریباً بیست و یکسختین روز تا سپردن در همه‌فرد سیاسی شرکت جست . این وضع از یکسویه تعیین خط مشی صحیح حزب کمک کرد ، چرا که تئوری و پراتیک انقلابی را بطور مداوم بهم می‌پیوست و حزب نمیتوانست خط مشی خود را در هر بان پراتیک روزانه دقیق‌تر کند . اما از سوی دیگر ، درگیری دائم و در عرصه نبرد پراتیک سیاسی از همان نخستین روز تا سپردن حزب ، امکان تدارک تئوریک و جمع‌بست و تعمیم تجربه را کاهش میداد .



با احتمال مادر سالهای آغاز تا سهیم حزب توانستم بر پایه سمتگیری درست و مشی طبقاتی در مقیاس ایران و جهان ، و تکیه بر انترناسیونالیسم پرولتری بسیاری از تناسب ها را درست تعیین کنیم و به بسیاری از پرستش ها پاسخ درست بد هیم - ما توانستیم طبقه کارگر را متشکل سازیم و تقریباً کلیه کارگران را در صفوف حزب و یاد رصفوف شورای متحد مرکزی که با ورود فاد ار حزب بود ، گرد آوریم و نبرد طبقاتی کار و سرمایه را با ورود به سابقه ای گسترش داده و در خدمت رشد و موزکراتیک جامعه مگذا اریم روستای خواب آلود ایران را که حتی در زمان انقلاب مشروطه و نهضت های بزرگ پیر از اکتبر به طور عمد در و از جریانات سیاسی ماند نبود بحرکت آوریم و شعار لغو رژیم ارباب - رعیتی ، محو مالکیت های بزرگ راه شعار قابل هضم جامعه ایران بدل کنیم . و ضرورت ناگزیری تحول بنیادی مناسبات اجتماعی را - که در جامعه ایران کاملاً تازهگی داشت - چنان در افکار عمومی جا د هیم که در تکامل عادی سیاسی شاید در دهها سال نتوان بقایا دست یافت .

ولی مهم اینست که این وسعت نبرد طبقاتی نغتنما مانع از آن نشد که حزب توده ایران هدف های عمومی ضد امپریالیستی و د موزکراتیک خود را با وسعت دنبال کند بلکه بقا کک کرد و حزب ما توانست تا تکیه بر نیروی طبقاتی که گرد میآورد بسوی اتحاد های گسترده ای با سایر نیروهای سیاسی و " متحدین محتمل (ولوموقت ، متزلزل و مشروط) " گام بردارد و بگوید تا " از هر امکان ، هر اندازه هم کوچک باشد ، برای بد ست آوردن متحدین توده ای ، حتی موقت ، مردود ، ناپایدار ، مشکوک و مشروط حتماً و با نهایت دقت ، مواظبت ، احتیاط و مهارت " (۱) استفاده کند .

طبیعی است که مشی حزب و تعیین درست تناسب ها بقا سانی انجا هم گرفت . هر گام حزب توام با برخورد ناریات متفاوت و تبادل نظر های مداوم و گاه اختلاف نظرها در تمام سطوح اعضا و رهبری حزب بود . اما نکته بسیار مهم اینجاست که این تبادل نظر ها و حتی اختلاف نظرها تکیه اینجا و آنجا بد بد میآمد تا وقتی که جنبش رویه اوج میرفت از جارجوب اصول سازمانی حزبی خارج نشد و به ایجاد جریانهای موثر و مشخص و جبهه بندی و جناح سازی در ر و ن حزب نیا انجامد ، و به صورت فراکسیونها با پرتورم های مغایر مشی عمومی حزب شکل نگرفت . چرا که همه کمونیستها صدیق ایران جهت اصولی سیاست حزب و سمتگیری آن را تاپید میکردند و عناصر پر تو سیمت و دستان نیمه راه نیز تا وقتی جنبش پیشرفت حرفی بر آن گفتند نداشتند .

اما از زمانیکه ماجرا جراتورین محافل امپریالیستی با پایان جنگ صد فاشیستی ، کوشیدند ت فنگد را از یک د و شر بد و شر بد بگردانند از بد و با آتش و خون جلوه نهضت های انقلابی را بگیرند ، در ایران نیز که موقعیت بسیار حساسی داشت همه " هر مه با حرکت درآمد ، سازمانهای حزب توده ایران در سراسر کشور و حکومت های ملی در آن ریایچان و کردستان با آتش و خون سر کوبیدند و دستگا متلیفات سوسی امپریالیسم و ارتجاع ایران بنا را افتاد تا شاید جناهی را که به بهای خون هزاران کارگر و دهقان و روشنفکر ایرانی مرتکب شده بودند ، بگردن خود نهضت اندازند و حاصل " اشتباه رهبران " حزب توده جلوه داده و دست کشیدن از اصول اساسی مشی انقلابی را موعظه کنند .

در چنین شرایطی صاحبان نظریات ضد حزبی در ر و ن حزب نیز به جنب و جوش افتادند . آنها که در گذشته تنها به نبردهای گسخته با سیاست عمومی حزب مشغول بودند ، اینک نیروهای خود را در فراکسیون متشکلی گرد آورده و با سو استفاده از بحران ناشی از شکست و سپهر گیری از باسرها عصیانها ، ارتداد هایی که رفا آورد هر شکست و بحرانی است خواستار تجدید نظر در ارکان سیاست حزب ، ایدئولوژی و وابستگی طبقاتی و اصول سازمانی آن شدند . خلیل ملکی در سراسر این جریان

ضد حزبی قرار گرفت .

در آغاز رتخلیل ملکی و پارانش زهرنقاب * اصلاح * حزب پیش آمدند ، تغییر رهبری و * اصلاح * آبرخواستار شدند . در آن زمان چنین خواستی هواداران صادقی نیز از بهترین اعضای حزب داشت . و همین دلیل کمته مرکز این خواست عمومی اعضای حزب را بد گرفت و با توجه به امکان واقعی گسه برای تدارک کنگره حزبی وجود داشت هیئت اجرائیه موقتی تشکیل داد تا حزب را بسوی کنگره هدایت کرده مواضع اساسی ایدئولوژیک آنرا تحکیم و تقویت کند . از این تغییر رتخلیل ملکی و پارانش راضی نشدند . زیرا که هدف آنها : تغییر رهبری و * اصلاح * آن نقطه مقابل آن چیزی بود که هر عضو صادق حزب و هر کمونیست صدیق ایرانی داشت . خلیل ملکی و پارانش زیر نام اصلاح رهبری حزب و در زهرنقاب حمله به اشخاص جداگانه ، حمله به مواضع طبقاتی حزب را پنهان میکردند و میخواستند بنام تغییر رهبری ، ایدئولوژی و سیاست حزب را تغییر دهند .

بعین ترتیب مبارزه درون حزبی که ابتدا در زهرنقاب اصلاح طلسمی ، ایجاد رهبری بهشتی و وقوع * اشتباهات * آغاز شده بود به یک مبارزه بزرگ ایدئولوژیک و سیاسی میان ایدئولوژی پرولتری و ایدئولوژی خرد و بورژوازی و حشترده ایزد مبارزه طبقاتی بدل شد و مهمترین عرصه های زندگی حزبی را فرا گرفت . این مبارزه از آذر ماه ۱۳۳۵ تا دیماه ۱۳۳۶ بیشتر از ۱۳ ماه با شدت ادامه یافت و هر چه جلوتر رفت به پلای ریزش پیوسته بیشتر انجامید : نیروهای سالم حزب در زیر پرچم ایدئولوژی پرولتری و سیاست انترناسیونالیستی گرد آمدند و انوا و جنحرفین و دشمنان حزب بد زیر پرچم انحرافی خلیل ملکی جمع شدند . در داخل حزب فراکسیون متشکل ضد حزبی بوجود آمد و در خارج حزب و بیرون این فراکسیون عناصر مشکوکی شروع به فعالیت کردند . در مرد شکوهای چندین کتاب و جزوه و معادله پرزادی مقاله اورا و قیام حزبی نشر یافت که در آنها تجدید نظر پندار پندار و در مواضع طبقاتی حزب ، و ایستگی انترناسیونالیستی و اصول سازمانی لنینی آن طلب میشد . خلیل ملکی و شرکا * میخواستند که حزب توده ایران از شدت حملات خود به ارتجاع و امپریالیسم بگردد ، با * واقع بینی * بهیچ برده که امپریالیست های امریکا و انگلیس در کشور * منافعی * (از جمله در نفت جنوب) دارند ، قبول کند که در مبارزه ملی استبداد سلطنتی تند رفته ، قبول کند که شعارهای طبقاتی آن برای جامعه ایران تند بود ، است . آنان انترناسیونالیسم پرولتری حزب را سرمنشا * اشتباهات * رهبری معرفی میکردند و میخواستند که حزب توده ایران نیروی * سوم * باشد و در قاع از جنبش جهانی کمونیستی و کارگر و در قاع از اتحاد شوروی در قبال امپریالیسم ، * یک جانبه * و * متعصب * نباشد . از نارضایتی حزب نیز خلیل ملکی و شرکا * طلب میکردند که ترکیب طبقاتی حزب بزبان * با بقا کارگر و زحمتکشان و بسود فشرهای خرد و بورژوازی و روشنفکران * موکرات مسلک تغییر یابد و اصل لنینی سازمانی مرکزیت * موکراتیک * برآید . اصل عد تمركز و وجود فراکسیونهای گوناگون و عقاید و نظریات گوناگون در درون حزب برصمیت شناخته شود . خلیل ملکی و شرکا * در ۱۳ دیماه ۱۳۳۶ رسماً از حزب انشعاب کردند و این وقتی بود که نظریات آنان در حزب بطور قطع ورشکست شده و توده حزبی و کاردهای حزبی آبرابانگرت و قاطعیت طرد کرده بودند . از عد همدردی که با خلیل ملکی رفتند ، آنانانگه شرافتمند و صدیق و گمراه بودند ، به حزب خود بازگشتند ، برخی امیدان سیاست گم شدند ، اما خود طلسمی چند تن از نزدیکترین پارانش که در عرصه سیاست مانند نداشتند بدترین خیانتها به جنبش انقلابی ایران تنزل نمودند .

درست در زمانیکه حزب درگیر مبارزه با فراکسیون راست خلیل ملکی بود ، گروهی از عناصر مشکوک ماورشدند که از * چپ * به حزب توده ایران بتازند . سران این گروه که با پلیمس و مقامات امپریالیستی

مربوط بودند ، با این ادعا وارد میدان شد . میباید که حزب توده ایران حزب طبقه کارگر و پیشرو یکی نیست . آنان اقداماتی برای تشکیل " حزب کمونیست " بعمل آورده و محافل بنام " گروه های مارکسیستی " تشکیل داده و به این محافل ظاهر پنهانی و اسرار آمیز داده بودند و با ذکر نقل قول ها و جملات گسخته از انگلستان ها مارکسیسم - لنینیسم میکوشیدند تا کارگران را فریفته ، از حزب توده ایران روی گردان کنند . اما این گروه عملاً هیچگونه موفقیتی کسب نکرد و حتی بیک موضوع جدی سیاسی بدل نشد .

شکست مطلق انشعاب خلیل ملکی و قیام باندن کامل حمله از " چپ " قبل از هر چیز حکایت از آن میکرد که توده حزبی و اکثریت قاطع طبقه کارگران ایران اصول و مبانی ایدئولوژیک و مبانی سیاسی حزب را درست میدانند و حاضر به تعدیل نظر در آن نیست . در عکس خواستند توده حزبی حرکت باز هم پیشتر در همین راه است . شکست انشعاب ثابت کرد که حزب توده ایران ، اگرچه بنابه شرایط ویژه ایران بنام و به شکل حزب کمونیست تشکیل شده ، صاحب ایدئولوژی پرولتری است و هر نظری را که ضد آن و خلاف اصول حزب مارازنیون طبقه کارگر باشد ، نمی پذیرد .

دوره فعالیت مخفی حزب تا کورنای ۲۸ مرداد

در پی کار پیروز شدن با " ریاست خلیل ملکی و شرکا " ، حزب توده ایران گام بزرگی بسوی استواری و روشنی ایدئولوژیک و مبانی صحیح انقلابی برداشت و میتوان گفت که با طرد انشعاب بیون مرحله معینی از تکامل حزب طبقه کارگر ایران به پایان رسید . پیروزی بر انشعاب از جدا شدن معینی شکست آذربایجان و کردستان را در آن زمان مبارزان حیران کرد و شورمنازه را برافروخت . توجه بسه کار ایدئولوژیک و آموزش مارکسیسم - لنینیسم بر مراتب افزایش یافت و نه فقط توجه افزایش یافت بلکه امکان واقعی آن بیشتر شد . حزب دوران پویایی و فعالیت خود را آغاز کرد .

آغاز فعالیت نوین حزب توده ایران معاصر با دوران جنگ سرد و هجوم صلیبی امپریالیسم علیه جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بود .

در چنین شرایطی تدارک تغییر قانونی کردن حزب توده ایران آغاز شد و ماهها پیش از این نزد صهیون ۲۷ - که در آن شیراندازی به شاه دستاویز تغییر قانونی کردن حزب مافرا گرفت - نقشه این کار فراهم گشت . مادامی که حزب خود در سال ۱۳۲۷ بارها با ارائه اسناد و مدارک پرده از این توطئه برگزیدیم . و این امر با آن آغاز کار مخفی اقداماتی بعمل آورده و مدت تم اقیانوس شدن رسمی حزب ششگانه مخفی تشکیل دادیم و زمانیکه به سهان شیراندازی به شاه حزب مارا " محله " اعلام کردند کسیکه کمتر از همه غافلگیر شد ، ما بودیم . هم ما وهم ارتجاع ایران میدانستیم که مسئله بر سر چیست .

آغاز فعالیت مخفی حزب مسائل نوین ایدئولوژیک و سیاسی در برابر حزب مطرح کرد که بر سر آنها ، در درون حزب تبادل نظر اخلاقی و گاه اختلاف نظرهای شده بد بیشتر آمد .

نخستین مسئله عبارت بود از سازماندهی کار مخفی و تلفیق آن با کار علنی . در هیچ مرجع رسمی حزبی کمتر پیشتر بدی در این باره که باید بلا درنگ به سازماندهی کار پنهانی پرداخت بد نیاز نبود و حزب ما معنای بد حزب یعنی " پیغامی که تاریخ از این نظر در برابرش گذارده است بود و بشر گرفت و یکی از رزمندگان واحد های کمونیستی پنهانی زمان خود را بنیان گذاشته همواره باعث سر بلند شدن ما از انقلابی ایران خواهد بود .

ما با آغاز کار پنهانی ، گام دیگری در تحکیم مواضع ایدئولوژیک حزب برداشتیم . آند سده از اعصاب حزب که بکار پنهانی آغاز کردند و آسایش در شرایط پنهانی عضویت حزب مارا بد برافروختند ، گسسته های رزمندگان بودند ، در حوزه های حزبی پنهانی ما آثار مارکسیستی - لنینیستی با وسعت

ند ریسر میشد و در مطبوعات پنهانی حزب که در پیکر ملاحظات معین قانونی نیزند است ، دفاع از مارکسیسم لنینیسم با عراحت تام انجام میگرفت .

اما محاسب محافظ امپریالیستی و ارتجاعی از اعلام انحلال حزب ، از جانب دیگر ، این بود که اگر هر حزب توده ایران میباید کارگویی صریح پنهانی داشته باشد ، توان کارگسترده سیاسی نخواهد داشت و با غیر قانونی شدن حزب بر سر راه اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی سند محکمی ایجاد شده و حزب " منحل " توده ایران به یک گروه پنهانی تحت افتاده (سکت) بدل خواهد شد .

این جانب از حساب امپریالیست ها مستقیماً با خط مشی سیاسی حزب پیوند میبافت . حزب ما نه تنها میبایست سازمانها و مخفی خود را گسترش دهد بلکه میبایست راه حل های مناسبی برای حضور موثر خویش در هر صحنه سیاسی کشور ، برقراری تماس با وسیع ترین قشرهای مردم هوشنگل کردن مبارزات آسان و ایجاد تسهلهایی برای اتحاد با سایر نیروها میباید ، تا علیرغم تلاش ارتجاع و امپریالیسم به یک سگست سیاسی بدل نشود .

در انجام این بخش از وظایف نیز ، حزب ما موفقتهای بزرگی کسب کرد . ولی در این مورد برخلاف ضرورت آغاز کار مخفی - که مخالفی نداشته - با انواع گرایشهای راست و " چپ " و " بخور و نمید " چپ " روبرو شد . نکته ای که در آن اتفاق نظر بود ، این اندیشه لنینی بود که سازمان مخفی باید هاله ای از انواع سازمانهای علنی در سر خود داشته باشد ، از انواع امکانات علنی استفاده کند و از طریق تلفیق کار علنی و مخفی پیوند خود را با توده ها حفظ کرده نقش سیاسی خود را ایفا کند . اما اجرای این اندیشه درست و تأمین مشی صحیح انقلابی از درون دشواریهای فراوان میگذشت .

دشواری اصلی از تعیین مشی استراتژیک و تاکتیکی حزب بر میخواست که در شرایط نوین ایران و جهان میبایست به بسیاری از مسأله نوین پاسخ دهد . چنانکه میدانیم هر از پیروزی هم با اتحادی شوروی در جنگ دوم جهانی ویدایش دموکراسی های توده ای ، جنبش رهایی بخش ملی در مستعمرات کشورهای وابسته بینهایت اوج گرفت ، که فلحان پیروزی انقلاب چین بود . اوج جنبش های رهایی بخش توأم بود با پیدایش متنوع هم اشکال مبارزه از یکسو و توده اندر شدن این جنبشها و حرکت گستر بسیاری از آنها بسوی چپ .

تنوع هم اشکال مبارزه و توده ای تر شدن آن و شرکت هر چه بیشتر قشرهای وسیع مردم در جنبش رهایی بخش در پیوند با یکدیگر عمل میکرد و متقابلاً در یکدیگر اثر میگذاشت . با تغییر شرایط جهان زمینه عینی فراهم میآید که کشورهای وابسته مستعمرات سابق پس از آزادی راه رشد سرمایه داری را رها کنند و مرحله سرمایه داری را در ورزند و بسوی سوسیالیسم حرکت کنند . تجربه جمهوری های آلمانی شوروی که پس از جنگ بیشتر را اختیار مردم جهان قرار گرفت الهام بخش بود . طبعی است که این امر ، همانقدر که توده ها را بر حرکت میآورد ، خوشایند بورژوازی کشورهای " جهان سوم " نبود و امپریالیسم جهانی را نیز به اندیشه و امید است . غصت سازشکارانه بورژوازی ملی این کشورها را تقویت میکرد و متقابلاً آمادگی امپریالیسم را به سازش با آن و واگذاری امتیاز عقب نشینی و حتی " اعطای " بموقع استقلال بالا میدرد . و امپریالیسم تجاوزکار و تازنده امریکا میکوشید تا از این فرصت بحد اکثر بهره گیرد . درک درست وضع نوین آسان نبود . نمونه چنین گانه بصورت حکم جزئی مانع از آن میشد که

تنوع اشکال فهمیده شود . برخی نظریات سکتاریستی در باره نقش بورژوازی ملی در کشورهای مستعمره ، که در گذشته در محافل معینی از کمترین وجود داشت ، با تقویت جانب سازشکارانه بورژوازی ملی این کشورها ، از نوجان میگرفت و گاه شکل واحدی از مبارزه مطلق میشد و درک امکانات مثبت شده امپریالیستی را که جنبشهای رهایی بخش ملی زبرهبری بورژوازی و زبرهبری محافظ

خود به بورژوازی داشتند ، دشوار میکرد . برای نمونه میتوان گفت که مامد تهاد را این تردید باقی ماندیم که آیا جنبش رهاشی بخیر هندی که ما همراه استقلال را بصورت هدیه ای دریافت کرده است خواهد بود توانست آنرا به استقلال دائمی بدل کند یا نه ؟

در کشور ما بخرنجی اوضاع با زهم بیشتر و خصلت سازشکارانه بورژوازی ایران بعلمت ترس از جنبش انقلابی با زهم برجسته تر بود (این امر علت تاریخی واجتماعی فراوانی دارد که بررسی آن خارج از بحث ماست) . این خصلت سازشکارانه در زمان فعالیتتعلنی حزب توده ایران آشکارا احساس میشد تا جائیکه پرازنشکلی حکومت ها علی در آن رها بجان و کردستان و گسترش نهضت کارگسـر-د هذائی در سر تا سر کشور ، بخش عمده بورژوازی ایران به ارتجاع و امپریالیسم گروید .

وقتی حزب توده ایران غیرقانونی اعلام شد ، برای بورژوازی ایران در کنایه رخی نگرانی هسا از حلقه ارتجاع ، خرسندی و دنگانه ای پدید آمد . یکی اینکه حزب ما بقه کارگزاران لاقب برای مدتی از گردونه خارج شد و جنبش کارگری سرکوب شده و دیگر اینکه میدان برای فعالیت بورژوازی بسد و ن ترس از جنبش کارگرای بازنشده است . در این وضع برخی از محافل بورژوازی وحشی بخشی از ملاکین لیبیرال ایران به این نگرانی اند که دشمنی خود را با کمونیست ها بمشابه بند سرمایه وارد بورس سیاسی کنند و شاید با تکیه بر تعداد های امپریالیست ها و رهکاران با امپریالیسم امریکا امتیازاتی بدست آورند .

برای نمونه میتوان از آغاز فعالیت شد بد محافلی یاد کرد که نمایندگانی نادر کثرت فریقای ، حسین مکی و حاجزوی زاده در مسلح پایزده هم داشتند . آنان بلافاصله پس از غیرقانونی شدن حزب توده اسپران با رزفیرترینیه ای فعال شدند و خود نفا خود بقائی برای توضیح این شد بد فیرمنظر فعالیت خویش را آورده که " خواب نما " شده و پدرش میرزا شهاب را بخواب برده است و اعطاف کرد که اندیشه غیرقانونی کردن حزب توده ایران اندیشه تازه ای نیست . و خود او ما هیا پیش به " اهلحضرت هعابونی " پیشنهاد غیرقانونی کردن حزب توده ایران را داده است . بقائی رویه و دستوت گفت : " توده ای ها را بکشید ولی نگویید که هرکس مخالف شماست توده ای است " .

محیط سیاسی آنروز ایران و جهان به این محاسه میدان میداد . امپریالیسم امریکا در مقابل جهانی زیر پرچم آنتی کمونیسم و در دفاع از جهان " آزاد " در مناطق نفوذ امپریالیسم انگلیس و سایر نیروها وضع فتر امپریالیستی پیش میرفت . پیروزی انقلاب چین و شکست چانگ کای شیک که شکست امپریالیسم امریکا بود اینطور تعبیر میشد که امپریالیسم امریکا آماده است تا در سایر کشورها به نیروهای " ملی " بشردا بکشد کمونیستی باشند و جلو جنبش کمونیستی را بگیرند تکیه کند و با آنها یاری رساند . به این ترتیب در ایران - ونه فقط در ایران - برای قشری از بورژوازی و ملاکین این استراتژی پدید آمد و تقریبا بشکل منظمی فرموله شد : بر ضد جنبش کمونیستی و اتحاد شوروی با تکیه بر امپریالیسم امریکا ، بسوی کسب امتیازات مدین از امپریالیسم انگلیس .

در ایران محافل گوناگونی آمادگی خود را برای اینکه این استراتژی را اجرا کنند اعلام کردند هر یک از این محافل میکوشیدند تا با امپریالیسم امریکا واقف کنند که آنان بهترین مجربان این استراتژی و بهترین سد راه جنبش کمونیستی خواهند بود . متاسفانه بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای بالقوه ملی کشور نیز که نمایندگانی نظیر مصدق و قوامی داشتند و حزب مادر گذشته با آنها همکارهای بالنسبه وسیع داشت ، بعلمت عدم شناسائی بها هیت امپریالیسم امریکا در ام این استراتژی افتادند و در تمام دوران تداوم گسترش جنبش ملی شدن نفت آنرا دنبال نمودند .

هوادران استراتژی دشمنی با جنبش کمونیستی و تکیه بر امپریالیسم امریکا ، با هرگونه محسول اجتماعی مخالفت میکردند . آنان که بخش اعظمشان با ملاکین پیوند داشتند طرح اندیشه لغورریسم

ایران - رمیتی و محو مالکیت های بزرگ از حی راگناه میسرند و دست کشیدن از مبارزه طبقاتی را موعظ میگردند .

در برابر این وضع چه میبایست کرد ؟ این استراتژی مکتب - اعلام " انحلال " حزب تود فایران بود و بقصد تابع کردن تود مردم به منافع فشرک کوچکی از روزواهای ملاک، اجرا میشد . و در برابر آن حزب توده ایران تشبیه بود . این حزب بود که وظیفه شکستن این استراتژی و افشاگام کامل امپریالیسم امریکا و هواداران آن را در برابر خویش گذاشت .

امروز که به گذشته میگردیم با کمال افتخار احساس میکنیم که علیرغم دشواریهای فراوان توانستیم به بخش اعظم مسائل که در برابر ما قرار داشت برخورد صحیحی داشته و پاسخ درستی بدهیم . ما توانستیم امپریالیسم امریکارا افشا کنیم . ما توانستیم ضرورت مبارزه طبقاتی و تحول و رمناسبات اجتماعی و ضرورت مبارزه علیه ارتجاع و داخلی را بعنوان جزء جدائی ناپذیر مبارزه علیه امپریالیسم در افکاشای عمومی مردم در سوختن دهم و هواداران اتحاد با امپریالیسم امریکاه علیه جنبش ملی و کمونیستی ایران و جبهه را افشا کنیم . مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی حزب توده ایران در این عرصه ، بعنوان یکی از صفحات درخشان تاریخ جنبش رهاشتی بخش مردم ایران باقی خواهد ماند .

اما وظیفه حزب ما تنها این نبود که استراتژی اتحاد با امپریالیسم امریکارا بشکند ، بلکه میبایست این استراتژی را بگونه ای بشکند که نیروهای بالقوه سالم جنبش را از آن جدا کرده و بتشکیل جبهه واحدی از نیروها ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی با شرکت مستقیم و غیر مستقیم حزب توده ایران دست یابد . موفقیت ما در این زمینه کامل نیست . ما البته توانستیم در طول مدت به بخش سالم نیروهای ضد امپریالیستی غیر توده ای که با سیر جنبش تکامل مییافتند ، نزدیک شویم و به مقاومت آنان در همکاری با کمونیست ها متحد و مدینه فائقی آیم . اما این نزدیک حالی یک حرکت پیگیر و مداوم از جانب ما نبود (از جانب خود آنان که اصولا چنین حرکتی بسوی وجود نتوانستند) و فرازنشیب ها داشت که به بسامتن بود از بسیاری از آنم احتراز کرد . این فرازنشیب ها و نوسانهای قابل احتراز از توطئه های راستگرایان و فشارهای متقابل و مکتب " چپ " گرایان به حزب تحمیل میشد .

در این زمان در حزب توده ایران تلاش بزرگی برای شناخت ماهیت جبهه ملی ، امکانات انقلابی آن و بطور کلی سیر جامعه ایران انجام میگرفت و برای دسترسی به تجربه احزاب برادر رکوشتر فراوانی میشد . در همین سالها بود که نتایج آثار لنین بقاری در آمد و گزارش در میتروف به کنگره هفتم کمینترن - که در آن اندیشه های بسیاری در باره جبهه واحد نیروهای ترقیخواه (سد فاشیست) بیان شده بقاری چاپ شد و تجربه حزب کمونیست فرانسه در تشکیل جبهه واحد در اختیار افراد حزب و مردم قرار گرفت و به امدها اینکه تجربه حزب کمونیست چین میتواند کمکی به درک مبارزات ضد امپریالیستی کند ، آثاری از ماژولینو و شاتچی ترجمه و منتشر شد ، که تا سینه بجای کمک بدرك در دست مسائل بقوت نظریات چپ گرایانه کمک کرد ، چرا که در آثار ماژولینو از جمله در موزکامی نوین - علاوه بر همه معاصرت بدگرز تحول مسلحانه زهره مونی طبقه کارگر مطلق شده است .

مشکل بنوعی رجعتی را که در آن سالها حزب توده ایران برای تأمین خط مشی درست ، چه در مورد خود حزب و چه در مجموع جنبش ضد امپریالیستی و بد موکراتیک ایران متحمل شده ، بیان کرد . این کار است بزرگ و نیازمند فرصت . آنچه در پایان بحث باید تاکید کرد اینست که حزب توده ایران پس از یکدوران کوتاه توانست با هیت جبهه ملی و جناحهای آن پی ببرد و با وجود توطئه های مکرر مخالف امپریالیستی و جناح راستنواسته بقآن و عدم قاطعیت مصدق و پاراستر به اجرای عطفی شعار جبهه واحد با نیروهای سالم پیرامون مصدق برگردد . علیرغم مقاومتان و اطهار مداموم پیلی و گاه خصومت از جانب آنان همواره در لحظات حساس به کمک مصدق پشتابند و هر بار که حکومت مصدق مورد هجوم قرار

میگرفت ، در کنار آن باشد . در کودتای شاه - قوام در تیرماه ۱۳۳۱ ، توسط ضمیمه اسفند ۱۳۳۱
توطئه‌های مکرر بهار ۱۳۳۱ ، کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ ، حزب ماکه به بزرگترین نیروی متشکل
سیاسی جامعه تبدیل شده بود ، توانست در تابستان ۱۳۳۲ با تمام نیرو از مصدق حمایت کند .

دوران پمرازکودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در تاریخ معاصر ایران ، دوران پمرازکودتای ۲۸ مرداد از نظر رشد تدریجی ایدئولوژی -
وازنه رفیق و وسعت آشفته فکری در درون جنبش انقلاب ایران و کارموشی که حزب توده ایران برای
مقابله با آشفته فکری ، و دفاع از مشی درست انقلابی ، دفاع از اصول مارکسیسم - لنینیسم و انطباقی
هر چه در قیقتران بر شرایط تغییر یافته جامعه ایران انجام داده بی نظیر و ممتاز است .
برای درک وسعت و دامنه مبارزه ایدئولوژیک در این دوران باید به این اندیشه برگردیم
که در تابستان ۱۳۳۲ حزب مائونست به بزرگترین نیروی متشکل سیاسی در جامعه ایران بدل شود .
این بدان معنا بود که حزب توده ایران توانسته بود به پیمروزی بزرگ سیاسی دست یافته و در مشی
مواضع اساسی خود را در قیاس با همه نیروهای دیگر به اثبات رساند . به همین دلیل بود که به نسبت
رشد و تکامل جنبش ، جنبه ملی بهایی در چارنشاط مشید و هر روز بالا به جدهدی از آن به توطئه گران
ضد حکومت مصدق میپیوست ، اما صفوف حزب توده ایران و هواداران آن روز بروز انبوه تر میشد ، علاوه
بر طبقه کارگران ایران که همواره به وراستوارترین تزلزل در رهت سر حزب خود ایستاد ، نفوذ حزب در دهات
در میان قشرهای متوسط شهری و در ارتش گسترش میافتاد و جامعه ایران بطور عمومی بسوی چسب
حرکت میگردید .

محافل امپریالیستی و ارتجاعی برای مقابله با این وضع و فراهم کردن مقلد ماکتود تا آخرین نیرو
های ذخیره خود را وارد میدان کردند . آنها پیمروزی در این کودتای بهایی بسیار رنگین شکست
معنوی خریدند . این کودتای رجبیه دشمنان آشکار خلق خلاصه مطلق ایدئولوژیک و سیاسی بوجود
آورد و گسترش جان به و اعتباری برای کودتایچنان در میان خلق باقی نگذاشت . بعلاوه این کودتای
مجموعه سیر جنبش ملی شدن نفت ، در سازمانهای سیاسی غیر توده ای نیز خلاصه ایدئولوژیک و سیاسی
ایجاد کرد . نادرستی اصول اساسی استراتژیک آنان در عمل به اثبات رسید .

در این وضع دشواریهای کودتایچنان و محافل راست جنبش ، عمدتاً در حزب در ۲۸ مرداد ،
و شکست روحی حاصل از آن در میان توده ها ، تنها چیزی بود که به کمک آنان میآید و امکان میداد که در
هین شکست کامل معنوی ، به حمله متقابل علیه حزب توده ایران برخیزند و جنگ روانی حلیمان بکسار
اندازند تا امکان تحلیل خون سردانه حوادث را از مبارزین سلب کنند .

بزرگترین اشتباهی که حزب توده ایران در ۲۸ مرداد مرتکب شد عبارت بود از تعلل در اقدام
مستقل . مائوزستهای گرانقیمتی را صرف مذاکره با مصدق کردیم تا شاید مشترکاً علیه کودتای عمل کنیم .
را به مقاومت فراخواندند . با آنکه حزب و جمعیت ملی مبارزه با استعمار آمادگی خود را برای مقابله با
کودتایچنان در دفاع از حکومت او مکرر بار و گوشزد کرد ، نمتنها از این آمادگی استقبال نکرد ، بلکه با پس
بها نکهت و سوت بزود و بر اوضاع مسلط خواهد شد از ما خواست که مسأله را در عمل نشویم .
او ترجیح داد در ۲۸ مرداد مردم را به مقاومت دعوت نکند و پیشنهاد ما را در امر به اقدام قاطع بنا
شرکت حزب توده ایران ، رد کند . ما اشتباه بزرگی کردیم که در جنبش لحظه ای در ضرورت اقدام
مستقل خوبتر در چارتر بد شدیم و به گمان اینکه اقدام مستقل ما بدون نظرمصدق ، علیه مردم ناسود
ممکن است بحساب قیام ضد او گذاشته شود و بر دشواری کارها بیفزاید ، فرصت را از دست دادیم .

نیروهای انقلابی پرولتری ایران هر وقت که این حادثه را خونسردانه و بیاد قتلعلی بررسی کنند تنها نتیجه ای که می‌توانند بگیرند اینست که حزب توده ایران نمایانستند و مصدق به مانند - بمبارت دیگر شی اصولی حزب توده ایران آنگذردرست بود که ما می‌بایست ولیطوری مستقل ، قطع نظر از نتایج حاصله ، آنرا دنبال کرده و اجرا کنیم . عیب کار ما در ۲۸ مرداد ، در استراتژی عمومی ما ، وابستگی طبقاتی ما ، انترناسیونالیسم پرولتری ما ، دشمنی قاطع ما با هرگونه نفوذ استعمار ، کوشش ما برای نزدیکتر کردن جنبش انقلابی ایران با اتحاد شوروی وارد و گاه سوسیالیستی ، کوشش ما برای متحد کردن نیروهای ملی و سوسیالیستی ، تلاش ما برای طرح ضرورت تحول بنیاد جامعه ایران با تکیه به طبقه کارگر و متحدینش نبود . ما در همه اینها حق داشتیم . علاوه بر آن ما در مبارزه با مساشاوتونزلیزها و یکجور در امریزهای مصدق نیز حق داشتیم . عیب ما در این بود که در لحظه حساس این قاطعیت را به آخر نرساندیم . پس باید در آینده شی درست حزب را تا آخر دنبال کنیم و همه

پایان رسامیم .

روشن است که این نتیجه گیری منطقی - تنها نتیجه گیری که از بررسی علمی و خونسردانه واقعیت خارج - بدست می‌آید - خوشایند نیروها و محافل که در جریان ملی شدن نفت ، نادرستی شی سیاستمان به اثبات رسید ، و خطر بیک اولی خوشایند امپریالیسم پارتی است . از اینجا است که پراز ۲۸ مرداد - تابه امروز - در جریان ایدئولوژیک - سیاسی ضد کمونیستی جدا از هم ، بی مکل هم پدید آمده تا با ایجاد جنگ روانی علیه حزب توده ایران مبارزین انقلابی را از بررسی علمی و خونسردانه گذشته جنبش بازدارند . یکی از این جریانها علنا و رسماً ضد کمونیستی ، ضد انقلابی است و ایدئولوژی رسمی کودتا را تشکیل میدهد و مکل فشار بیسی و حشمتاک ضد حزب توده ایران است . این جریان رسمی با همکاری خود رازی و پاس و ارتداد گذاشتموسیکوشد کودتای ۲۸ مرداد را پایان دنیا معرفی کند و هر کوشش انقلابی را بی اثر جلوه دهد . بحث از این جریان خارج از موضوع نوشته است .

ولی جریان دوم نه از درون هیئت حاکمه رژیم کودتا ، بلکه از میان روشنفکران بیوز و واقشهرای متوسط جامعه بر میخیزد که بالقوه ظرفیت مبارزه با رژیم را دارند ولی از جنبش کمونیستی بهر از نفوذ امپریالیسم پترسند و از ترس و تنگ نظری و کوبته بینی سیاسی بد امان انواع نظریات نادرست بنا می‌نهند تا شاید نظریه ای قابل رقابت با ایدئولوژی و سیاست جنبش کمونیستی بیابند و در برابر آن علم کنند . در جریان مبارزه برای ملی شدن نفت این قشرهای اجتماعی هر دو روی خود را به سوی آشکار کردند : هم امکانات معین انقلابی و هم آمادگی به سازش و خیانت . آنها ثابت کردند که قادر نیستند ایدئولوژی مکل و یکپارچه و سیاسی متین و استوار به جنبش عرضه کنند و لذا ایمان پرولتاریا و بیوزواری - و در کشورهای نظیر کشور ما میان نیروهای ضد امپریالیستی و هواداران امپریالیسم پارتی است - در نوشتن در جریان جنبش ملی شدن بخش از این قشرها تکامل یافتند و آماد مبارزه قاطع تر شدند و بخش دیگر در برتگامیهای معوق کردند و درین کوشش برای پدید آمدن ایدئولوژی " مستقل " و مقابله با " کمونیسم بین المللی " بد امان کسانی نظیر خلیل ملکی و دکتر بقاشی افتادند و در پایان کار آشکارا بد دشمن پیوستند . کودتای ۲۸ مرداد نتنها در اردوی دشمن بلکه در اردوی این قشرها نیز خلاصه ایدئولوژیک ایجاد کرد . آنها پس از کودتا نمیتوانستند هیچ یک از اصولی که قبلاً عنوان کرده بودند متکی باشند .

اصفا کیم که سالها ایلافاصله پراز کودتای ۲۸ مرداد در ایران با نقطه عطفی در تاریخ معاصر همزمان است . در این سالها سرمایه داری جهانی مرحله دوم بحران عمومی خود را طی میکرد و میرفت بسوی مرحله سوم میرفت . اردوگاه سوسیالیسم و در پیشاپیش آن اتحاد شوروی تحکم تقویت میشد و ایفای نقش تعیین کننده در حوادث جهان را بعهده میگرفت . استعمار کهن فروصیا شید و شرابیسی

فراهم‌میشد که این کشورها بتوانند راه رشد غیر سرمایه داری پیشه‌کنند و برخی از آنان نظیر کوبا به اردوگاه سوسیالیسم بپیوندند. و این واقعیت همانقدر که بنوعی هم از جهتکتر جهان الهامی بخشید، بر وحشت محافل بورژوازی و قشرها معین‌خرد بورژوازی میافزود و جانب سازشکاران را در کشورهای نخبه‌ایران تقویت‌میکرد.

این سالها در همین حال سالهای آغاز ویران‌نویین فعالیت حزب توده ایران بود. سالهای تشکیل پلنوم چهارم، اتخاذ تصمیمات مشخص بر ادامه فعالیت در شرایط نوین پیکار کوه‌تسا، سالهای گسترش فعالیت در مباحث، احیاء سازمانها در ایران، انتشار دوره نوین دنیا و مردم، آغاز فعالیت پیمان ایران... بود. و این واقعیت نیز بر وحشت محافل بورژوازی و محافل معین‌خرد بورژوازی ایران میافزود.

در چنین زمانی بود که روشنفکران بورژوا و محافل معین‌خرد بورژوازی بقرا افتادند تا برای سپر کردن خلا واقعی ایدئولوژیک در صفوف خویش و مقابله با حزب توده ایران، ایدئولوژی "نوینی" بدست آورند. این کار ابتدا از جانب کسانی آغاز شد که در خارج از کشور خود را ادامه‌دهنده کار "جبهه‌ملی" و "هوادار" صدق "معرفی‌میکردند ولی در واقع امر هیچ‌گونه پیوندی با اصول نظریات و معتقدات گذشته و حال جبهه‌ملی و صدق نداشتند. اینان مدتی بدینال تئوری و آلت رومسترو افتادند، زمانی قانون را عمل کردند، روزی پیشنهاد انحلال احزاب را دادند و روزی تقسیم باقتی جامعه ایران را منکر شدند. شب هوادار چه‌گوارا و صبح مدافع ماثوسونند. اما همواره در قیقا توجه داشته‌اند که ایدئولوژی سالمارکسیستی - لنینیستی را نباید بریند و برعکس همه "تئوری" ها و همه ندریات را تنها بعنوان تخته‌پاره نجات در برابر سپین کونیسیم و بعنوان اسلحه ای در ریندر علیه آن مورد استفاده قرار دهند.

اما این تخته‌پاره‌ها همچنان تخته پاره باقی ماند و نتوانست خلا "ایدئولوژیک" ایدئولوژیک را بپرکند. حزب ما در مقابله با اینگونه نخبه‌سالما و این نوسانهای سریع که گاه بخشی از جوانان خارج از کشور را فرا میگرفت، با شکیبائی عمل کرد و برای کسانی که از روی صداقت گمراه بودند واقعیت را آشکار ساخت. در چنین شرایطی بود که ماثوسیم بعنوان پت ایدئولوژی عمیقاً ضد کمونیستی و خرابکارانه ولی ابتدا بارهای کمونیسم متعصب و قشری وارد عرصه بین‌المللی شد و همه‌کسانرا که در فکر تندر علیه بودند و گاه سوسیالیسم و جنبش کمونیستی و کارگری جهان و گمراه کردن جنبشهای رهائی بختر طلسی آوردند، برپیرجم خود فراخواند و در جنبش ایران همه مرتدین، همه ضد کمونیست‌های حرفه‌ای، همه وحشت زدگان از بهیشترفت جنبش توده‌ای و انواع خواستاران تجدید نظر رینینین سیاست حزب توده ایران و دشمنان اردوگاه سوسیالیسم و اتحاد شوروی را بد ورخود گرد آورد. و پمنا به یک کودتای ایدئولوژیک کودتای ۲۸ مرداد و فشار حیوانی پمراز کودتاه حزیتوده ایران را تکمیل کرد. از جمله در رون رهبری حزب قاسمی و فررتن و سغائی و در خات آران بشمارا محمد و ن از افراد حزب که در چار بیاری چپ روی و خود خواهی بودند به یک اشعاب ناموفق خائنه‌ماثوسیمی دست زدند و بار و گاه دشمنان حزب پیوستند. این بار نیز به مانند دوران اشعاب بخلیه ملکی حزب ما با قاطعیت در مورد خیت کاران عمل کرد و یکبارگی ایدئولوژیک حزب و صفوف آنرا از گرد این گروه معدود حفظ نمود. هواداران سازمان جاسوسی مرکزی امریکا (سیا) هر وقت صیخ خواهند از "شمرخی" سازمان خود دفاع کنند از کودتای ۲۸ مرداد در ایران نامیبرند. مسلماً در آیند کسانی هم که خواهند مثالی از "شمرخی" ماثوسیم در امر خرابکاری در جنبش‌های انقلابی بیاورند، بیاد ایران خواهند افتاد.

بررسی این دوران ایدئولوژیک - سیاسی خرابکارانه که اینک با عبور ترین سیمای فاشیسم

نویس در عرضه بین المللی مبارزه با رژیم پهلوی و در ایران باور مستقیم سازمان امنیت است. در نوشته حاضر می‌گردد. معنیجات حزبی مابین این کار برداشته اند و در رأیند هنوز بعد ضرور خواهند پرداخت. آنچه در اینجا لازم بنقد گوییم اینست که ما گنویسیم درست آن - بیرون راندن جنبش انقلابی ایران - مورد حمله قرار داد که میباید پایه تکامل آینده این جنبش قرار گیرد. ما گنویسیم همه دستاوردهای جنبش انقلابی و جنبش کارگری و گنویسمتی را در معیار جهان و ایران منسوخ اعلام کرد. تمام کارهایی را که دست و نتایجی را که بدست آمده است به لجن کشید و مدعی شد که گویا حزب توده ایران بعقل روش انترناسیونالیستی خویش از نخستین روز تشکیل سیاست و ایده مولوژی وسعت گیری درستی نداشته است. تجربه این حزب را باید در انداخت و با این تجربه را بعنوان " معلم فظی " مورد استفاده قرار داد و همه جا عکس آن عمل کرد! ما گنویسیم درست در لحظه ای که جنبش انقلابی و بطریق اولی جنبش کارگری ایران به کار عمیق سازمانی، متشکل کردن نیروها و تدات ارتش سیاسی انقلاب نیازمند بود، اصل لنینی ضرورت حزب کارگری را منکر شد و به انگار اعتبار گذشته حزب کمونیست چین و در شرایط روحی ویژه جنبش انقلابی ایران در دست همان هدفی را پیش روی خود گذاشت که - " منحل " گشتگان حزب توده ایران و کودتاچیان جلاد، سالها دنبال کرده و نتیجه نگرفته بودند. این هدف عبارت بود از انحلال واقعی حزب توده ایران و جلوگیری از احیای سازمانهای آن، و از این راه باز کردن میدان برای رسوم انواع ایدئولوژیهای منحرف، و ادامه اسارت با بقا کارگر همه مردم زحمتکش ایران. ما گنویسیم نقش خرابکاری در امر اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک و اتحاد نیروهای انقلابی را در معیار ایران و جهان، با حرارت کم نظیری ابطال کرد و از این رانیز به جنبش ما زانها بسیار بزرگ وارد آورد.

با آنکه ما گنویسیم، تنهایی جریان انحرافی در درون جنبش کارگری نبوده، و مجموعه جنبش انقلابی زبان میزند، متأسفانه سنگینی نبرد طیفان تنهایی و تر حزب توده ایران افتاد. بسیاری از نمایندگان فشرهای متوسط و روشنفکران بورژوازی و انتباه با ما گنویسیم مبارزه نکردند، بلکه با آن علیه جنبش توده ای متحد شدند و هنوز هم که هنوز است، این با آن اقدام علنا خرابکارانه یکی را در سیاست جهانی - که دیگر قابل دفاع نیست - با احتیاط البته احترام تمام، گوی مورد انتقاد نرم و بسیار مودبانه فراموشند ولی اصول عقاید ضد کمونیستی ما گنویسیم را هر روز بزرگی تازه حفظ کرده و تبلیغ مینمایند.

ما از اینکه حزب توده ای ما در نبرد ضد ما گنویسیم تنها ماند البته خرسند نیستیم. با آنکه جنبش انقلابی ایران در مجموع خویش به جهان سطحی از آگاهی و استواری برسد که اینگونه انحرافها با صف وسیعتری از مخالفین روبرو شود. ولی بهر صورت، مابین تنهایی نبراز عهد و تأیید یکباره بردوش داشتیم برآمدیم. و بعنوان جزئی جدائی ناپذیر بر این جنبش جهانی کمونیستی و کارگری در نبرد علیه ما گنویسیم بهر روش و در این بهر روزی را به ما بپایند و ما را به هم رسانند و همکارها را خواهیم کرد تا جنبش ما با طرف ما گنویسیم تمام آن - درک و کفایت و ماده و فساد را که از اشعاب خلیل ملکی تا به امروز بوجود آمده و در قطب ما گنویسیم جمع شده است بیرون بریزد و بر همه نوع باس، عصیان ارتد و تسلیم طلبی ناشی از شکست ۲۸ مرداد، که در ما گنویسیم ایرانی تجسم یافته غلبه کند.

از میان انواع اشقتفکری هائیکه ما گنویسیم به جنبش ما آورد، تحریف معنای واقعی مبارزه مسلحانه و جازدن تروریسم بجای مبارزه واقعی انقلابی، بیشتر از همه به جنبش ما زبان زد است و صد هانتان از عناصر شرقی کمونیستند در جنبش انقلابی ایران منشا اثر مثبتی باشند به این دام افتادند و جان باختند و هنوز کار بزرگی در پیش است تا ما ازین صدیق انقلابی برای اشقتفکری فائق آیند.

در نظری بمسائل از اید مولویك و سیاسی پیر از ۲۸ مرداد ، حادثه که ازسازمان ای‌نیز که در رابطه با " اصلاحات " سلطنتی و گرفتاری پادشاه . این رفرمها محصول فرعی مبارزات انقلابی مردم ایران و جنبش انقلابی جهان بود . درباره این رفرمها هم ازجیب وهم از راست تبلیغات و فحشا برآفتاد . محافل مائوئیستی اصولاً منکر اصلاحات شدند تا نظرات نادرست خود را توجیه و تزیین بفرمایند . خود را علیه حزب نموده ایران متوجه کنند . آنان و متحدانشان بمعنای واقعی کلمه منقرض عقب در رژیم را بازی کردند ؛ حزب ما را از طرف " چپ " نیز زیر آتش گرفتند تا رژیم در پوشش آن بتواند آسانتر مانور کند و در موضع جدید بهتر سنگر بگیرد .

بخش دیگری از روشنفکران بورژواکه آنروزها بطور مشخص پیرامون روزنامه‌های نظیر آینه‌نگار گرد می‌آمدند ، برعکس مائوئیست‌ها ، از طرف راست براه افتادند و چنین وانمود کردند که گویا با سرمایه داری خود بخود و الزاماً دموکراسی بورژوازی ، از نوع دموکراسی کشورهای اروپای باختری می‌آید پیرای نیروهای انقلابی ایران کاربرد دیگری باقی نیست جز اینکه در برابر این دموکراسی در حال طلوع کلاه از سر بگیرند و تعظیم کنند .

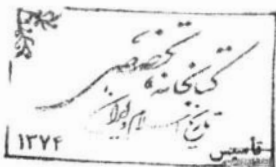
حزب خود ما ایران در محیط بسیار بفرنج " اصلاحات شاهانه " و در نیروی چند جانبه ، تنها تحلیل درست و علمی را از سر تحولات جامعه ایران و تاثیر اصلاحات ارضی بدست داد - کاری که هیچ حزب یا سازمان دیگری بران حاضر و قادی به انجام آن نبود . حزب مائوئیسم را که بعد و ستایشگران سینه چاک در اصلاحات شاهانه " از نیز افشا " کرد و نشان داد که جامعه ایران واقعا در حال تغییر سریع و بدل شدن به یک جامعه بورژوازی است " اصلاحات سلطنتی " به این تغییر سرعت طوفان برده است . امسالی دموکراسی بورژوازی - و بطریق اولی به شکلی که اکنون در کشورهای پیشرفته غرب اروپا موجود است همزاد الزامی سرمایه داری نیست . این دموکراسی حتی در خود این کشورها بیشتر به انگار " پرولتاریا زنده است تا از دولت سرمایه داری . در زمان ماد دموکراسی بورژوازی صطوریکی زیر بنادر نیسای جامعه سرمایه داری در مجموع خویش در جا و خط بهترین بحرانهای علاج ناپذیر است . و اگر بعد از این آگاهانه پرولتاریا در راه دموکراسی نباشد ، از درون این بحران ، بویژه در کشوری مانند ایران و شرایط کنونی آن ، فاشیسم بیرون می‌آید و نه دموکراسی .



لنین زمانیکه تجربه تاریخی روسیه و بلشویک های روس را جمع بندی می‌کند تا در اختیار مبارزان پرولتری جهان قرار دهد ، میگوید :

روسیه مارکسیسم را در نقش یگانه تئوری انقلابی صحیح و واقعا باخون دل فرا گرفت . بدین معنی که افراد طول نیفتن به بهای رنجها ، قربانیهای بی‌مهافه ، قهرمانی انقلابی بهمانند ، صرف نیروی عظیم تصورناپذیر و تلاش های جاننازانه در راه پژوهش و آموزش ، آزمايش در درصعمل ، سرخوردگی ، وارس ها و مقابله با تجربه اروپا در ریافت . آنچه لنین در حق روسیه میگوید ، در حق کشور ما و حزب ما نیز صدق میکند . بدین ترتیب پس از پیروزی جنبش جهانی کمونیستی و نشر اندیشه های تابناک لنین در سطح جهانی ، گسار جنبش کمونیستی و گسترش در هر کشور جداگانه با لنینیسم آسان تر شده ولی به صورت این اصل اساسی بجای خود باقی است که در ناگام مارکسیسم - لنینیسم و انطباق آن بر شرایط هر کشوری گذار از واحه

رنجها ، قهرمانیها ، قربانیها ، و تلاش جاننازانه در راه پژوهش و آموزش و آزمایش و در عرصه عمل است .
 حزب توده ایران در مدت سی و پنج سال موجودیت خویش ، کار بزرگی در این عرصه انجام داده
 و هر گام به پیش را واقعا به بهای خون دل برداشته و طبرقم همه دشواریها همواره از نثار آید مولوژیک
و سیاسی سالمترین ، گامترین و بیشروترین بخش جنبش انقلابی ایران را تشکیل داده است . حزب
 ما برنامه ای دارد که دقیقترین تحلیل را از جامعه ایران و نزد بکترین را متحول بنماید آنرا بدست
 میدهد . اصول اساسی سازمانی حزب ما محاسب شده ترین و درست ترین راه سازماندهی انقلابی
 را در اختیار مبارزین میگذارد . تردیدی نیست که نه رنج هایه پایان رسیده و نه کمال مطالب بدست
 آمده است . اما شالوده استواری گماننده را میتوان با اطمینان بر روی آن بنا کرد - ریخته شد مو
 این آینده بر روی دستاوردهای درخشان گذشته بنا خواهد شد .



حزب توده ایران

پرچمدار مبارزه علیه امپریالیسم

و در راه استقلال ملی

هنگامیکه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگران ایران، به صحنه سیاست ایران گام نهاد، نخستین و مهم‌ترین شعارش این بود که: "کارگران، دهقانان، روشنفکران، پیشه‌وران متحد شوید! بر علیه هرگونه استعمار کشور ایران مبارزه کنید!"

و در آستانه ۳۰ سالگی حزب توده ایران، در برنامه جدید حزب تاکید می‌شود که: "حزب مأمور دفاع پیگیر و سرسخت منافع واقعی ملی مردم ایران است و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و اقتصادی و حاکمیت ملی کشور را وظیفه خویش می‌شمرد."

سی و پنج سال مبارزه حزب توده ایران در راه اجرای این دو اصل، که از کسب پیروزی تا گسستن پیوند مبارزه علیه امپریالیسم و بهنگام در راه استقلال ملی را نشان می‌دهد، و از سوی دیگر به بیان کننده خصلت ملی و ضد امپریالیستی حزب توده ایران است، کارنامه‌ای است افتخار آمیز، که به بیان تفصیلی آن در این مختصر نمی‌گنجد. به همین جهت در اینجا فقط به چند نکته گریه‌ای اشاره می‌شود، که توضیح آن برای ناپدید شدن حقیقت که حزب توده ایران پرچمدار مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال ملی در زمین مایه دوهست، لازم بنظر می‌رسد.

امپریالیسم - دشمن واقعی و اصلی استقلال ملی

امپریالیسم دشمن واقعی و اصلی استقلال ملی مردم ایران است. ولی در تاریخ ۳۰ ساله اخیر ایران، که از زندگی حزب توده ایران جدا نمی‌تواند بیرون آید، این واقعیت با تمام عمق، وسعت، روشنی و اهمیت آن همواره و بر همه روشن نبوده است.

هنگامیکه حزب توده ایران به صحنه سیاست ایران گام نهاد، با واقعیت زیرین روبرو بود:

رژیم دیکتاتوری رضاشاه از کسب کوشیده بود که، با تکیه به استقلال سیاسی ظاهری ایران، کشور ما را برخوردار از استقلال ملی جلوه دهد و از سوی دیگر تلاش کرده بود که، با اتکا به سیاست ضد کمونیستی خود، اتحاد شوروی را دشمن استقلال ملی ایران و انجمن سازد. بدینسان رژیم دیکتاتوری رضاشاه خواسته بود تسلط امپریالیسم را در ایران و چهره امپریالیسم را بعنوان دشمن واقعی و اصلی استقلال ملی ایران، از مردم میهن ما پنهان کند. ناگاه با اکثریت مطلق مردم ایران از واقعیت آنچه که در داخل و خارج کشور میگذشت - و این خود از جمله نتیجه ترو و اختناق ناشی از رژیم دیکتاتوری بود - زمینه می‌ساختی مساعدی برای این سیاست گمراه کننده و ضد ملی بود.

در چنین محیطی، حزب توده ایران بعنوان نخستین و تنها سازمان سیاسی، با جسارت

صراحت و قاطعیت، اولا نشان داد که امپریالیسم بنا بر ماهیت و خصلت استثمارگر و تجاوزکار خود دشمن واقعی و اصلی استقلال ملی ایران است و ثانیاً ثابت کرد که با وجود تسلط امپریالیسم - در آن موقع امپریالیسم انگلستان و فاشیسم هیتلری - بر زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران سخنی هم از استقلال ملی واقعی نمیتواند در میان باشد و ثالثاً تاکید کرد که مبارزه در راه استقلال ملی از بیگانه بر ضد امپریالیسم جدائی ناپذیر است و برای نيل به استقلال ملی واقعی قبل از هر چیز میباید سلطه امپریالیسم را، بهر شکل و در هر زمینه ای که باشد، برانداخت و رایج روشن ساخت که اتحاد شوروی، نخستین و بزرگترین کشور سوسیالیستی جهان، بهترین دوست و مطمئن ترین نگاهامردم ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال ملی است.

اینک پرسشی وینج سال باطمینان میتوان گفت که بطور عمده در نتیجه افشاکاری، روشنگری سازماندهی و بیگانه ریزش توده ایران در تمام این زمینه ها بود که بزرگترین جنبش ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه در تاریخ معاصر ایران بوجود آمد، که حزب توده ایران در رهشاپیش آن قرار داشت. این افشاکاری، روشنگری، سازماندهی و بیگانه ریزش توده ایران در تمام زمینه های بالا، این نقش پیشاهنگ حزب توده ایران در مبارزه ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه، هنوز هم ادامه دارد نه فقط به این دلیل که به برکت رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه، تسلط امپریالیسم - و اینک تمام دول امپریالیستی - در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی گسترده شده، و نتیجاً به اینجست که رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه تلاش میکند زیر سرپوش "سیاست مستقل ملی"، پیوند خود را با امپریالیسم و جبهه امپریالیسم را بعنوان دشمن واقعی و اصلی استقلال ملی ایران، از مردم میهن مایوشاند و کمونیسم را "دشمن" استقلال ملی جلوه دهد، بلکه به این دلیل نیز که مفاصله آنتی کمونیسم، بعنوان سلاح اصلی ایدئولوژیک امپریالیسم، به اشکال گوناگون، از جمله بصورت تئوری امپریالیستی - مائوئیستی "اگر در تها"، حتی در بین بخشی از نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری هم اثرات سمعی بجای گذاشته است.

پس ارس وینج سال مبارزه ضد امپریالیستی، حزب توده ایران همچنان تنها سازمان سیاسی است که امپریالیسم را بعنوان دشمن واقعی و اصلی استقلال ملی ایران، بدرستی میشناسد و میشناساند.

شناخت ماهیت امپریالیسم

امپریالیسم بعنوان یک سیستم اقتصادی - اجتماعی فارغ از خصلت نژادی، ملی و جغرافیایی است. امپریالیسم بعنوان آخرین مرحله سرمایه داری، در هر جا که باشد و بهر شکل که بروز کند، دارای ماهیت استثمارگرانه و تجاوزکارانه است.

تکلیف معارف حاکمه ایران در این زمینه روشن است: آنها دستیاران و کارگزاران امپریالیسم اند، زیرا فقط در پیوند با امپریالیسم است که آنها میتوانند سلطه خود را بر مردم ایران حفظ کنند. لذا آنها نفی در شناختن و شناساندن ماهیت امپریالیسم ندارند.

ولی شناخت ماهیت امپریالیسم از جانب برخی از نیروهای میهن پرست و دستمعار هم همیشه بدرستی صورت نگرفته است. در گذشته بسیار از ناسیونالیستهای ایران، در رحمتجویی تکیه گاهی برای مبارزه علیه امپریالیسم روسیه تزاری و امپریالیسم انگلستان، چشم امید بقالمان و آمریکا دوخته بودند، بدون آنکه ماهیت امپریالیستی این دولت را درک کنند. این عدم شناخت، در ایران رضا شاه و پسر آن در دوران محمد رضا شاه دوباره بروز کرد.

هنگامیکه حزب توده ایران بصحنه سیاست ایران گام نهاد ، با واقعیت زیرین روبرو بود :

تلیغیات ضد کمونیستی ضد شوروی رژیم دیکتاتوری رضاشاه ، تلیغیات فاشیستی عمال هیتلری - که از طرف رژیم پشتیبانی و تقویت میشد - سابقه نهی ناسیونالیستهای ایران - که آلمان را " نیروی سوم " و " محارف " تلقی میکردند - و ناآگاه هی مردم موجب شده بود که تظاهرات خوشبینانه در قشرهایی از جامعه نسبت به آلمان هیتلری بوجود آید .

در چنین محیط ناسالم و گمراه کننده ای ، حزب توده ایران يك تنه پرچم مبارزه ضد فاشیستی را برافراشت ، تا منپرویی خود را برای افشا " فاشیسم هیتلری " ، بعنوان خشن ترین تظاهرات امپریالیسم بگمارد . از جهت ، تهدید و تعرض نیروهای آگاه و ناآگاه هواداران آلمان هیتلری نپراسید و با تکیه به همکاری ضد فاشیستی نخستین دولت سوسیالیستی جهان ، این مبارزه را با موفقیت کامل از پیش برد . بدون کمترین تردید میتوان گفت که در صحنه مبارزه ضد فاشیستی در جامعه ایران ، حزب توده ایران شیرمان اصلی بود .

اگر افشا " شکست فاشیسم ، پندارهای باطل را در برابر آلمان هیتلری از زمین برد و غطری را از مردم ایران دور کرد ، امید به امریکای همچنان در برخی از محافل اجتماعی ایران باقی بود . سابقه " نیک " امریکای درگذشته ، فقدان پایگاه در ایران ، دوری از ایران ، نداشتن مستعمره ، شرکت در ائتلاف ضد هیتلری ، زمینعبنی و " استدلالاتی " بود که در این محافل بسود امریکای وجود داشت . کاربرد انجا کشید که پایگاههایی که امریکایند رین و یکمک محافل حاکمه ایران - که در وجود امریکای اسباب جدید امید بودند - در ایران بدست میآورد ، مورد تأیید این محافل قرار میگرفت و در جریان جنبش ملی کردن صنایع نفت ، این محافل تمام امید و تکیه خود را روی امریکای گذاشته بودند .

در آرزمان که امپریالیسم تازه نفس امریکای با " چهره معصوم " وارد صحنه سیاست ایران میشد ، حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی بود که ماهیت امپریالیستی امریکای را افشا کرد و نقشه های مزورانه و مانورهای هوا مفریانه آنرا فاش ساخت . در جریان جنبش ملی کردن صنایع نفت ، حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی بود که نقش مؤدبانه و خطرناک امپریالیسم امریکای آشکار ساخت و خطرات امید بستن بآن و تکیه کردن بآن را گوشزد کرد . میتوان بحق گفت که بطور عمده در نتیجه فعالیت سیاسی ، تلیغیاتی و سازمانی حزب توده ایران بود و هست که ماهیت امپریالیستی امریکای در جامعه ایران شناخته شد و موشود .

شایان ذکر است که بلافاصله پس از سقوط رژیم دیکتاتوری رضاشاه ، حتی در مورد امپریالیسم انگلستان هم - که مورد نفرت عمیق مردم ایران بود - در برخی محافل تزلزلهایی بوجود آمده بود . امپریالیسم انگلستان با سو " استفاده از شرکت در ائتلاف ضد آلمان هیتلری ، با تلیغیات مزورانه و هوا مفریانه منی براهینکه گویا انگلستان خصلت امپریالیستی خود را از دست داده است و با مانورهای که برای نزدیکی بمفریهای ملی و دموکراتیک میگرد ، این خطر را بوجود آورده بود که بمسأله امپریالیستی انگلستان کم توجهی ویی توجیهی شود و به فعالیت مخرب آن کم بسا داده شود .

حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی بود که افکار عمومی را متوجه این خطر ساخت این واقعیت را که ماهیت امپریالیسم انگلستان تغییری نگرده است ، ثابت کرد ، از مانورهای مزورانه و هوا مفریانه آن پرده برداشت و کارزار عظیمی را علیه آن سازمان داد .

پس از سی و پنج سال مبارزه برای شناساندن ماهیت امپریالیسم ، باید گفت که هنوز هم این بار بنا و عمده برد و شر حزب توده ایران قرار دارد ، زیرا با اینکه ماهیت امپریالیسم ، به برکت همین مبارزه سی و پنج ساله ، بمقدمات وسیعی در جامعه ایران شناخته شده ، ولی هنوز هم بر خورد احساساتسی و غیر علمی به امپریالیسم ، پندارهای باطل در باره این پائل دولت امپریالیستی رزمنه برای قبول

تئوریهای از قبیل تئوری امپریالیستی - مائوئیستی * ابرقدرتها* در برخی محافل اوپوزیسیون وجود دارد .

پحرزسی وپنج سال مبارزه ضد امپریالیستی ، حزب توده ایران همچنان تنها سازمان سیاسی است که ماهیت امپریالیسم را بدرستی می شناسد و می شناساند .

شناخت امپریالیسم عمده

در مبارزه ضد امپریالیستی ، شناخت ماهیت امپریالیسم لازم است ، ولی کافی نیست . می باید در هر مرحله از مبارزه ، امپریالیسم عمده را شناخت تا بتوان ضربه اصلی را بر آن وارد ساخت . عمده ، تشخیص عمده از غیر عمده ، موجب پراکندگی نیروها و سرانجام شکست خواهد بود .

هنگامیکه حزب توده ایران به صحنه سیاست ایران گام نهاد ، با واقعیت زیرین روبرو بود :

فاشیسم هیتلری شناخته نمود . امپریالیسم آمریکا شناخته نمود . در مورد امپریالیسم انگلستان از یکسو تزلزلهای بوجود آمده بود و از سوی دیگر ، بد سال سقوط رژیم دیکتاتوری رضاشاه ، نفرت عمیق ، با سابقه و بدی مردم ایران نسبت به امپریالیسم انگلستان ، امکان تظاهراتی بزرگ بود . امریکاییان و انگلستان در اختلاف ضد آلمان هیتلری شرکت داشتند . ایران سرپلی برای کمک به اتحاد شوروی و نیروی اصلی در جنگ ضد فاشیستی بود .

در چنین محیطی ، در عین شناساندن امپریالیسم آمریکا و مبارزه علیه آن ، در عین مبارزه علیه تزلزلهای موجود نسبت به امپریالیسم انگلستان ، میبایست به اختلاف ضد آلمان هیتلری کمک کرد و فاشیسم هیتلری را بعنوان خشن ترین تظاهرات امپریالیسم و امپریالیسم عمده شناخت و شناساند و ضربه اصلی را متوجه آن ساخت .

حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی بود که این وظیفه را - که دشوار و غیرنرج بود ، بر نیروهای آنگاه ضد امپریالیستی در این زمینه دچار گمراهی و سردرگمی نبودند و عوامل امپریالیسم - هبامایورهای مزورانه و عوامل بریانه به این گمراهی و سردرگمی ادا میزدند - بدرستی انجام داد و موفق شد .

پیر از افشا* و شکست فاشیسم هیتلری ، دوباره امپریالیسم انگلستان بصورت امپریالیسم عمده در ایران درآمد ، نه فقط بهاین دلیل که امپریالیسم انگلستان از نظر داشتن پایگاههای اقتصادی و سیاسی همچنان امپریالیسم مسلط در ایران بود ، بلکه به اینجهت نیز که امپریالیسم انگلستان برای حفظ سلطه خود و برای مقابله با دیکتاتور ضد امپریالیستی و دیکتاتورهای مردم ایران از یکسو و با امپریالیسم آمریکا ، که رفیق وی بود و میخواست حاشین وی شود ، از سوی دیگر ، تمام نیروهای خود را جمع کرد و بتعرض پرداخت .

در این دوران ، که تا سال ۱۳۲۴ طول کشید ، حزب توده ایران در عین افشا* امپریالیسم آمریکا و مبارزه علیه آن ، ضربه اصلی را متوجه امپریالیسم انگلستان ، نه توان امپریالیسم عمده ساخت و خود در جنبش ضد امپریالیسم انگلستان نیروی عمده بود . بدون تردید عقیم ماندن تعرض امپریالیسم انگلستان و شکست فاشیسم آن در این دوران ، از حیطه در وجود فعالینشان سید ضیاء الدین - طباطبائی ، از حیطه نتیجه افشای* ، روشنگری ، سازماندهی و بیکار حزب توده ایران بود و این عامل در درون جامعه ما مستلما عامل عمده شکست توده سید ضیاء* الدین محسوب میگردد .

امپریالیسم آمریکا ، که پیر از پایان جنگ دوم جهانی ، در صحنه بین المللی بصورت امپریالیسم عمده درآمد بود ، پیر از آنکه با سو* استفاده از اختلاف ضد آلمان هیتلری ، به صحنه سیاست ایران نیز وارد شد ، در نتیجه تضعیف مواضع امپریالیسم انگلستان و بابت بد آوردن بد ریخی پایگاههای

اقتصادی، سیاسی و نظامی در ایران، از سال ۱۳۲۴، در ایران نیز بصورت امپریالیسم عمده در آمد. حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی بود که این واقعیت را شناخت و همه نیروی خود را برای شناساندن امپریالیسم امریکا بعنوان امپریالیسم عمده و تمام نیروی خلق را برای مبارزه علیه آن تجملیز کرد. در جنبش ضد امپریالیسم امریکا، تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی افشاگر، روشننگر، سازمانده و بهنگارگر علیه امپریالیسم امریکا بود. و اگر اینک نه فقط ماهیت امپریالیسم امریکا، بلکه عمده بودن آن نیز بمقتاس وسیع شناخته شده، این شناسائی را باید بحق و بطور عمده مدیون مبارزه اصولی و بهنگر حزب توده ایران بود.

اشکال تسلط امپریالیستی

مبارزه علیه امپریالیسم محرد نیست. تسلط امپریالیسم در زمینه‌های مشخص صورت میگیرد و اشکال مشخصی دارد. حزب توده ایران، پیش از همه و پیش از همه، این زمینه‌های مشخص و اشکال مشخص تسلط امپریالیستی را شناخت و شناساند و بهنگار ضد امپریالیستی مردم ایران را بطور مشخص سازمان داد.

در زمینه اقتصادی، حزب توده ایران نشان داد که تسلط اقتصادی امپریالیسم است که زمینه تسلط سیاسی، نظامی واید نولوژیک امپریالیسم را فراهم میکند و لذا مبارزه علیه پایگاه اقتصادی امپریالیسم اهمیت ویژه دارد. در زمینه اقتصادی نیز میباید پایگاه عمده را یافت و ضربه اصلی را بر آن وارد ساخت. از اینجاست که حزب توده ایران نخستین خود را بر روی شرکت نفت ایران و انگلیس و سپس بانک شاهنشاهی گشود. حزب توده ایران زمانی خواستار برچیدن این دو مهم‌ترین پایگاه اقتصاد امپریالیسم انگلستان - که در آن موقع مهم‌ترین پایگاه اقتصاد امپریالیسم بطور کلی هم بود - شد که نیروهای که بعد از این مبارزه پیوستند، هنوز خواستار "استیغاف حقوق ملت ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس" بودند و در مورد بانک شاهنشاهی هم شعار خاصی نداشتند.

در این جنبشی که سرانجام به غلبی کردن صنایع نفت ایران و برچیدن بانک شاهنشاهی منجر شد، حزب توده ایران افشاگر اصلی تمام توطئه‌ها، نیرنگ‌ها و مانورهای امپریالیست‌های انگلیسی و امریکائی وسازمانده اصلی جنبش مردم علیه آنها بود. و از زمانی که بهمرکت جانستعافیل حاکمه ایران بهسرکردگی محمد رضا شاه، نفت ایران مورد غارت استعمار جمعی قرار گرفته است، حزب توده ایران زیر شعار مبارزه برای "اجرای تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت ایران" در پیشاپیش جنبش مردم ایران برای محو تسلط انحصارگران امپریالیستی بر صنایع نفت ایران گام بر میدارد.

مختصه نفوذ اقتصادی امپریالیسم در ایران، پرازدنگ دوم جهانی، ویژه در این بود که امپریالیست‌ها میگویند، غیر از نفت، بر سایر رشته‌های اقتصاد ایران نیز تسلط یابند. در اینجا بود که بویژه سیاستواستعماری اعمال میشد و میشود. حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی بود که به این مسئله موقع دید رستی توجه کرد و از سیاست نواستعماری امپریالیسم پیروی برداشت. حزب توده ایران در مبارزه علیه اشکال گوناگون و نویین نفوذ اقتصادی امپریالیسم، از جمله در مبارزه علیه میلیون میلیپو، مستشاران گوناگون امریکائی، طرح امریکائی سازمان برنامه، اصل چهارم ترومن، سیاست درهای باز، فرقه‌های امپریالیستی، بانکها و شرکت‌های مختلف و صنایع مونتاژ همواره پیشگام بوده است.

در زمینه سیاسی، حزب توده ایران نشان داد که امپریالیسم فقط در شرایط تقویت ارتجاع و سرگردن مومگراس میتواند به حفظ و ادامه و گسترش نفوذ خود مفضل باشد. حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی بود که به پیوند ناگسستی بین مبارزه علیه امپریالیسم و درافتاد استقلال

ملی و پیکار بر ضد ارتجاع و در راه دموکراسی توجه کرد .

در مسی و پنج سال گذشته ، دست امپریالیسم در دربار ، در دولت ، در مجلس ، در مطبوعات و احزاب و سازمانهای سیاسی ، در ارتش و نیروهای انتظامی در کار بوده است ، بدین منظور که ارتجاع را تقویت کند ، نیروهای ملی و دموکراتیک را سرکوب سازد و زمینه را برای حفظ و ادامه و گسترش نفوذ خود فراهم آورد . و حزب توده ایران در دست همین دست راقیل ازمهه ، بمسوقع ویدرستی دیده است ، نمایانده است و نیروی خلق را برای قطع آن سازمان داده است .

مبارزه حزب توده ایران در مجلس و در دولت ، از راه مطبوعات و تظاهرات توده ای ، بوسیله " جبهه آزادی " ، " جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری " ، " جبهه مؤلفه احزاب آزاد بخواه " و سر انجام اینک با مبارزه برای تشکیل " جبهه ضد دیکتاتوری " علیه رژیم استبدادی محمد رضا شاه ، بمنظور افشای اتحاد نامقدس امپریالیسم و ارتجاع بر ضد خلق و نیروهای ملی و دموکراتیک ، افشای توپخانههای امپریالیسم و ارتجاع بر ضد دموکراسی و تجزیه و تشکیک همه نیروهای ضد دیکتاتوری ، ضد ارتجاع و ضد امپریالیستی گواهی است بر این واقعیت که حزب توده ایران در زمین پیشگامی در مبارزه علیه امپریالیسم و راه استقلال ملی ، پرچم پیکار علیه ارتجاع و در راه دموکراسی را نیز برداشته است . اینک هر روز امپریالیسم و ارتجاع به دموکراسی همواره و قیل ازمهه با یورش به حزب توده ایران آغاز شده است ، و خود تأخیری است بر صحت این مدعا .

در زمینه نظامی ، هدف امپریالیسم ، بلافاصله پرازنجنگ دوم جهانی ، این بوده که با مستقر کردن کارشناسان نظامی خود در ارتش ایران ، با فروش اسلحه به ایران و سرانجام با کشتاندن ایران به بلوک بندیهای نظامی امپریالیستی ، همبستگی برای تسلط اقتصادی و سیاسی خود در ایران فراهم آورد و هم از ایران بعنوان پایگاهی علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و همچنین جنبشهای انقلابی در منطقه استفاده کند .

حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی بود که این هدف امپریالیسم راقیل ازمهه ، بمسوقع ویدرستی شناخت و نشان داد که هرگونه پیوند نظامی با امپریالیسم ، بهر شکل و بهر عنوانی که باشد ، منافق استقلال و حاکمیت ملی ایران و مخالف منافع و مصالح ملی مردم ایران و آزادی و استقلال خلقهای منطقه است و خطری برای صلح و امنیت بشمار میرود . حزب توده ایران از به طرفی ایران ، بی طرفی نه فقط بمعنی عدم شرکت در بلوک بندیهای نظامی ، بلکه همچنین بمعنی مخالفت و مبارزه فعال با سیاست جنگ طلبانه و تجاوزکارانه امپریالیسم و قاع فعال از صلح و امنیت و سیاست همزیستی مسالمتآمیز ، هواداری کرد . حزب توده ایران در مخالفت و مبارزه با استخدام مستشاران نظامی از کشورهای امپریالیستی برای ارتش و نیروهای انتظامی ایران ، خرید اسلحه از کشورهای امپریالیستی ، قرارداد نظامی و جانانه با آمریکا و تصویب ایران در پیمان تجاوزکارانه سنتو (بغداد ۱۹۵۸) همواره پیشگام بوده است . با اطمینان میتوان گفت که اگر امپریالیسم ، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا تا کودتای ۲۸ مرداد نتوانست رسماً و علناً بی طرفی ایران را نقض کند ، نتیجه جنبشی بود که حزب توده ایران سازماندهی و اصلی و نیروی عمده آن بود . و اینک که امپریالیسم فقط با استقرار رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه نتوانسته است نقشه های استراتژیک خود را در ایران عملی سازد ، حزب توده ایران همچنان پیشگام جنبشی است که خواهان قطع هرگونه پیوند نظامی با امپریالیسم و تبدیل ایران از زاندارم امپریالیسم به عامل صلح و امنیت در منطقه است .

در زمینه ایدئولوژیک ، امپریالیسم میکوشد که با حفظ جهل و گمراهی ، با تقویت هر آنچه که در فرهنگ ایران ارتجاعی و عقب مانده است ، با تسلط بر نظام آموزشی و وسائل ارتباط جمعی ، بمنظور

تبلخ و رسیخ اید ٲولوزی منخط ٲوزوایش در افکار عمومی مردم ایران ، برای تسلط اقتصادی ، سیاسی و نظامی خود زمینه فکری فراهم آورد .

یکی از بزرگترین خدمات حزب توده ایران به جامعه ایران ، مبارزه اصولی و بیگربا این تلاش امپریالیستی است . خدمت حزب توده ایران در بیداری مردم ایران ، در آگاه ساختن مردم ایران به ملل عقبماندگی ، به شناختن رافعیل به آزادی و استقلال و پیشرفت ، در بحرکت در آوردن مردم به دفاع از حقوق و منافع خود ، در مبارزه با ارتجاع فکری و در تبلیغ اندیشه آزاد ، مترقی و علمی حسی مورد انکار مخالفان حزب نیز نمیتواند باشد .

حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی بوده و هست که آنتی کمونیسم ، این سلاح اصلی اید ٲولوزیک امپریالیسم ، در تمام مظهر آن و با تمام اشکال راست و " چپ " آن مبارزه کرده و میکند . در زمانیکه حتی برخی از کسانی که خود را " انقلابی " ، " کمونیست " ، " مارکسیست " ، " لنینیست " می نامند ، مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر و حتی مبلغ اشکال گوناگون آنتی کمونیسم اند ، استواری اصولی حزب توده ایران در مبارزه اید ٲولوزیک با امپریالیسم و ارتجاع بیشتر بچشم میخورد .

حزب توده ایران - پرچمدار مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال ملی

در برنامه حزب توده ایران گفته میشود که : " حزب توده ایران سازمان پیگیرترین مصلحت پرستان ایران است " . جسم این مصلحت پرستی ، پیش از هر چیز و پیش از هر چیز ، در مبارزه حزب توده ایران علیه امپریالیسم و در راه استقلال ملی مشاهده میشود . سی و پنج سال مبارزه حزب ما در این راه ، که با فداکارها و قربانیهای فراوان همراه بوده ، موجد این واقعیت است که حزب توده ایران بحق پرچمدار مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال ملی ایران بوده است . و اگر حزب توده ایران توانسته است که این نقش پیشاهنگ را ایفا کند ، برای آنست که حزب ما به مارکسیسم - لنینیسم ، این تنها اید ٲولوزی علمی و انقلابی عصر ما ، تکیه دارد ، به انترناسیونالیسم پرولتری و فدا دار است ، با خلق ، با طبقه کارگر و همزحمتکشان پیوند ناگسستی دارد و صادقانه ، جسورانه و بیگربانه از منافع آنها دفاع میکند .

در سی و پنج سالگی حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ، در برابر خلق ، طبقه کارگر و همزحمتکشان ایران تجدید پیمان میکنیم که پرچم مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال ملی ایران را همواره برافراشته نگهداریم .

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه

هیچ سلاح دیگری جز سازماندهی ندارد

لنین

حزب توده ایران

و

مبارزه در راه دموکراسی

حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران - از نخستین دم حیات با تکیه بر بیشتر علمی-مارکسیسم - لننیزم، مبارزه در راه دموکراسی را یکی از حلقه‌های اصلی مبارزه طبقه کارگر در راه انقلاب اجتماعی قرارداد. روشن است که مسئله دموکراسی با طبقات اجتماعی و خصلت دولت پیوند دارد و در سراسر تاریخ بشری انواع دموکراسی پدید شده‌اند و موکراسی برده داران در یونان، دموکراسی نظامی، دموکراسی قبیله‌ای و غیره، در دوران اخیر تاریخ بشری نیز انواع دموکراسی وجود نداشته و ندارد: دموکراسی بورژوازی که حقوق و آزادی‌های دموکراتیک را در چارچوب سیستم بهره‌کشی سرمایه داران و سلطه اقتصاد و سیاسی پدا اقلیت مستکار و استعمارگر محدود می‌کند لذا سطحی، تنگ، مسخ شده و سالوسانه باقی می‌ماند و دموکراسی سوسیالیستی که هائیشترین شکل دموکراسی در سراسر تاریخ بشری است، یعنی دموکراسی اصیل و واقعی برای اکثریت مردم، برای گنیه زحمتکشان است، شرکت‌وسیع آنان را در تصمیم‌گیری و حل مسائل اقتصادی و سیاسی ساختمان جامعه سوسیالیستی تأمین میکند، به حل اصولی مسئله آزادی و برابری زنان و حل اصولی مسئله ملی و نژادی توفیق می‌یابد، تضادهای طبقاتی را از میان برمی‌دارد و حق همه مردم را به کار فرهنگ، آموزش، بهداشت و شرایط مادی و تحقق این حق را تأمین میکند. اما در شرایط کشورهایانی نظیر کشور ما روشن است که راه حصول به دموکراسی سوسیالیستی بلاواسطه و فوری نیست. با پدید نخست مراحل معینی از مبارزه طبقه امپریالیسم و ارتجاع را به پایان رساند که در شرایط کشورهای نظیر کشور ما این مبارزه الزاماً معادله فاع از دموکراسی بورژوازی را نیز در برمیگیرد و وجود آزادی‌های سیاسی را برای تشکل و مبارزه زحمتکشان امری ضروری می‌شود. حزب ما در مبارزه خود برای آزادی‌های سیاسی هرگز در چارچوب آن محدود نمی‌ماند بلکه بر تحلیل علمی لنن از دموکراسی بورژوازی تکیه داشت که از یکسوی آن خصلت طبقاتی، محدود و سطحی آن می‌پزد و از سوی دیگر ضرورت مبارزه در میان بنظر تشکیلات سازماندهی و تربیت سیاسی و مبارزه توده‌ها تکیه می‌کند. برای ما شعار مبارزه در راه دموکراسی از آغاز امری اساسی بود تا بتوان با استفاده از امکانات علمی مبارزه، رشته‌های پیوند خود را با توده‌ها در سراسر کشور تقویت کرد، آگاهی سیاسی توده‌ها را اعتلا بخشید، آنان را در صفوف خود متشکل ساخت، به عرصه مبارزه طبقه امپریالیسم و ارتجاع گسیل داشت و برای درگیرکنی آنها به بنیاد جامعه آماده کرد. حزب ما از آغاز با ارزیابی صحیح وضع اقتصادی-اجتماعی کشور و تشخیص درست مراحل انقلاب این اصل لننی را رهنمود عمل قرارداد که: "... ما دام که مبارزه طبقه کارگر برای تصرف قدرت در دسترس نیست، بد و تود پد باید از اشکال دموکراسی بورژوازی استفاده کنیم" (۱).

حزب ما آقا ضمن آنکه مبارزه کارگران و سایر اقشار زحمتکش را علیه طبقات بهره‌کش سازمان میداد و رهبری میکرد با افتخار اقدامات اختناق آمیز رژیم ، با توضیح زبانه‌های جبران ناپذیر پرسیه‌ها و استبداد ای حکومت ، آنان را به هر صدمه مبارزه در راه حفظ آزادی و ضرورت گسترش و تحکیم دموکراسی سوق میداد . حزب توده ایران میان انجام وظایف سوسیالیستی حزب طبقه کارگر و وظائف عمومی دموکراتیک آن پیوند عمیق قائل بود و این رهنمود لنین را آویزه گوش داشت که : " مبارزه کامیابانه در راه امر طبقه کارگر بدین‌بیل به آزادی سیاسی و اجتماعی و دموکراتیزه کردن نظام سیاسی میسر نخواهد بود (۱) . حزب توده ایران اعتقاد راسخ داشت که وجود آزاد پهای دموکراتیک و سازماندهی طبقه کارگر و سایر قشرهای محروم در راه مصلحتهای صنفی و سیاسی شان پیروزی زحمتکشان را در مبارزه تسهیل خواهد نمود ، هر پیروزی ، هر پیروزی دگرزاید نهال خواهد داشت ، شوق مبارزه را در قشرها و طبقات محروم جامعه اغتلا خواهد بخشید ، آنان را در عرصه‌های گوناگون مبارزه‌آید به مواءم کرد و برای مرحله قطعی و نهائی مبارزه علیه دشمن آماده خواهد ساخت . ارتجاع و امپریالیسم د دشمن عهد مصلحتی میهن‌مادرست از همین مترسیدند . هنگامیکه به پای این شرایط کپی‌بیش مساعد پیر از شهریور سال ۱۳۲۰ تودهای مردم گذشته دموکراسی ، آزادی و استقلال بودند ، بهرامون حزب ما گرد آمدند و حزب توده ایران با تکمیل آنان به سازمان سیاسی نیرومند تبدیل شد ، ارتجاع و امپریالیسم بوحشت افتادند . جاذبه حزب ما که میانگرومانهای طبقه کارگر و طبقه قشرها و زحمتکشان بود ، آنان را انگران ساخت . با آنکه کات د پکتانوری رضاشاه فروریخته بود ، ولی ابزار و حال د پکتانوری دستخورد به باقی بود . آنها در دربار ، دولت و مجلس همه اختیارات را در رکاب داشتند و هر چند با سقوط رضاشاه ناگزیرگامهایی پس‌نشسته بودند ، اما گسترش جنبش دموکراتیک و ضد استعماری میهن‌مادر رفش حزب طبقه کارگر آنان را به مناک مبداشت . از این رو در همان نخستین سالهای تاسیس حزب توده ایران توسطه‌های گوناگون علیه حزب ما آغاز شد ، در اینجا مسا بعد از گذردن تاریخ حزب را نداریم ، ولی ضرورت اینجا می‌بیند که به برخی حوادث آنروز که میتوانست تجربه آموز مبارزان امروزی بویژه در شرایط کنونی که حزب ما بار دگر بیشتر تشکیل جنبه ضد د پکتانوری شده است ، با اشاره یاد کنیم :

حزب ما هنوز در آقا زحمات بود که با حمایت امپریالیسم ، گروهکهای ضد ملی چند ی بنایت مبارزه علیه حزب ما بد آمدند . هواداران بازگشت بد پکتانوری در دربار ، دولت و مجلس بدست مسامیران انتظامی و جاقو کشان گروهکهای ضد ملی ، پورفر گسترده ای به سازمانها و احزاب ، حزب ناپویزه د شهرستانها آنها زگردند . پورفر حزب ما در واقع پورفر به دموکراسی ، پورفر به مینروهای ضد د پکتانوری بود که هرگز این نیروها متشکل نبودند ولی بصورت گروههای کوچک ، عناصر مجزا ، روزنامه نگار و نما بند مجلس وجود داشتند و بنا برخواستهای قشرهای معینی از جامعه بودند . حزب ما که زیر فشار قرار گرفته بود ، زنگ خطر را بعد از آورد و کوشید توجه همگامانی را که مخالف بازگشت بد پکتانوری هستند بخوابت وضع جلب کند . حزب در این زمان با اقدامات گسترده ای دست زد . از یک سو مردم را علیه کسانی که خوابد پکتانوری میدهند به سنج نمود و از سوی دگر کوشید تا مخالفان د پکتانوری را در یک جنبه گرد آورد و نیروهای پراکنده را متحد سازد . حزب با آموزش از این رهنمود لنین که طبقه کارگر د مبارزه دموکراتیک یعنی سیاسی تنها نیست ، زیرا تمام عناصری که در پویسیون سیاسی هستند یعنی قشرها و طبقاتی که از سلطنت مطلقه بیزارند و بشکلی از اشکال علیه آن مبارزه میکنند ، در کنار آن قرار

دارند (۱) اینکار تشکیل جبهه ای که کلبه عناصر مخالف د یکتا توری را د رخود گرد آورد بد ست گرفت . تلاشهای پیگیر حزب ما د اینراه منجر به تشکیل جبهه ای بنام " جبهه آزادی " شد (سال ۱۳۲۳) . ماده ۲ برنامه عمل " جبهه " مبارزه شد بد برای برقراری حکومت ملی بر اساس قانون اساسی و رژیم د موکراسی " راتاکید میکرد . این جبهه د آغاز فقط با شرکت ۱۲ مد بر روزنامه تشکیل شد ، ولی پس از یکسال ۴۴ مد بر روزنامه نگار از سراسر کشور که د ر واقع نیمی از مجموع روزنامه ها و مجلات منتشره د ر آذربایجان بودند و مواضع سیاسی بگلی گوناگونی داشتند بصورت " جبهه آزادی " درآمدند (۲) . جبهه مبارزه مشترکی راعلیه اقدامات اختناق آمیز د ولت آغاز کرد . این نخستین وحدت عمل نیروهای ضد د یکتا توری د برابر هواداران با گذشت بد یکتا توری بود که جا دارد برای مبارزان امروزی پند آموز باشد . با آنکه دشمن هیچ فرصتی را برای تفرقه افکنی د صفوف نیروهای ضد د یکتا توری از دست نداد و این نخستین تجربه وحدت عمل ، بعلل گوناگون عالی ازتقصی نبود ، ولی نمونه اقدامات غالب " جبهه آزادی " را باید از جمله : مخالفت بانخستونزیری ضد رالا شراف با زیرس آزاد بخوانان جنبش مشروطه ، مبارزه علیه تمدید مجلس چهارم هم (۳) ونیز مبارزه علیه اقدامات ضد د موکراتیک د ولت دانست .

د وسین تجربه اتحاد د نیروهای ضد د یکتا توری د رسال

جبهه مطبوعات ضد د یکتا توری

۱۳۲۷ بود . رژیم شاه پس از آنکه با دستگیری مطبوعات

ها موفق شد جنبش د موکراتیک خلقهای آذربایجان

و کردستان را کمورد پشتیبانی کامل حزب ما و سایر نیروهای مترقی بودن د سرکوب کند و ستاورد های گرانقدر این د وجنش را با محال سازد ، حزب ما را که بمثابة پرچمدان مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و مدافع پیگیر حقوق خلقهای مستعبده ایران د ر صحنه بود آماج پورشهای بعدی خود قرار داد .

حزب که یارد یگرا احساس خطر میکرد ، ضمن افشاکری برداشته از اقدامات ضد د موکراتیک رژیم تصمصم گرفت بصیغه نیروهای ملی و مترقی همدارد هد و آرزوان بخواد ک نیروی خود را یکی سازند و مبارزه مشترکی راعلیه دشمن مشترک یعنی هواداران د یکتا توری آغاز کنند . هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران د ر این هنگام اعلامیه ای انتشار داد که د ر آن پر از جلب توجه مردم به اقدامات تصفیس رژیم و نقشهای بلند پنهانی آن گفته میشد :

" . . . توطئه ارتجاع فقط بر ضد مجاهدین حزب ما جبهه منتهه ، بلکه هدف آن وسیع و عمومی است . هدف آن برقراری حکومت مطلق العنانی و سلب هرگونه شخصیت از افراد ملت است " (۴) . د ر این اعلامیه بمنظور جلوگیری از خود سری رژیم حاکم ، صیانت آزادی و دفاع از مشروطیت و قانون اساسی از مطبوعات ، نمایندگان مجلس و رجال اجتماعی دعوت شده بود تا با حزب توده ایران همصد شوند . دعوت : ب توده ایران همراه با تلاش شبانه روزی اعضا " آن برای جلب توجه افکار عمومی ، سازمانها و رجال سیاسی سرانجام منجر به تشکیل جبهه ای بنام " جبهه مطبوعات ضد د یکتا توری " شد . (اردیبهشت سال ۱۳۲۷) . شعار جبهه عبارت بود از : " همه با هم بساری دفاع از مشروطیت و قانون اساسی " . د ر جبهه مطبوعات ضد د یکتا توری " ۷۴ نفر از مدبران و سر د بهران روزنامه ها و مجلات منتشره د تهران و شهرستانها گرد آمدند و موجودیت خود را با انتشار اعلامیه ای اعلام داشتند . اعلامیه " جبهه مطبوعات ضد د یکتا توری " نشان میداد که شرکت کنندگان

- ۱ - مراجعه شود به جزوه وظایف سوسیال د موکراتها ی روسیه - صفحه ۱۰ .
- ۲ - نظری به چیستر کارگری و کمونیستی د ر ایران - صفحه ۹۹ .
- ۳ - صفحه ۱۸۷ .
- ۴ - نامه مردم - ۲۵ فروردین سال ۱۳۲۷ .

حیبه چگونه بد رستی خدای برادر یافته ، عمده را از غیر عمده باز شناخته و طبعی هم اختلاف عقیده سیاسی به صورت وحدت عمل در برابر دشمن مشترک پی برده اند . در اعلامیه گفته میشود : " . . . حلات استبداد و دیکتاتوری منوجه روزنامه خاص و مسلک مخصوص نیست ، بلکه هر کسی ابراز وجود کند و شخصیتی برای خود قائل باشد و نخواهد در شمار نوکران هم رنگ و مشکند دیکتاتور آید ، دارای هر عقیده و مسلکی باشد با حکم خاتمه خدمت و یا مشورت سلیبی و با گلوله طهانه از او استغفال خواهند کرد . . . مطبوعات که رکن چهارم مشروطیت و یکی از پایه های سدید دموکراسی است نیز مستقلاً در معرض این خطرات و چنانچه می بینیم صاحبان قلم دارای هر عقیده و مسلکی که هستند از طرف مزدوران جنا پیکار دیکتاتوری مورد حمله مرگبار قرار میگیرند .

از این جهت ما اعضا کنگدگان ، ارباب خرابد و سرد بهران با حفظ عقاید و مسالک متفاوت و خویش بمنه ورجل و گیری از با وجود دیکتاتوری و بمنه ورجل حفظ مزایای قانون اساسی و حفظ آزادیهای فردی از قبیل آزادی قلم ، آزادی بیان ، آزادی مسکن ، آزادی اجتماعات با انکسار ب روح مشروطیت متفق که در مجلس شورای ملی ایران نیز تصویب رسیده است ، یک حیبه مطبوعاتی بنام " حیبه مطبوعات ضد دیکتاتوری " بوجود آورده ایم (١) .

در این حیبه روزنامه های متعدد وابسته بحزب توده ایران ، روزنامه های وابسته بحزب دموکرات و نیز روزنامه های آتش ، خدنگ ، وظیفه ، فکام ایران ، آزادگان ، ملی باها ، آتشبار ، الفبا اقدام ، اختر شمال ، مجله محیط ، روزنامه ستاره ، کشور ، ایران نو و دهها روزنامه و مجله دیگر با مواضع سیاسی گوناگون همصوت داشتند . عمده ای از نمایندگان مجلس مانند حاجی زاده و طلسی اقبال و برخی دیگر همصوت حیبه را پذیرفته بودند . " حیبه مطبوعات ضد دیکتاتوری " در اصل زیرین راههای فعالیت خود قرار داد :

- ١ - بررسی علل پیدایش دیکتاتوری و عوامل ایجاد آن
- ٢ - افشا ، اقدامات ضد دموکراتیک ، دولت .

تشکیل حیبه ضد دیکتاتوری هشداری به هواداران دیکتاتوری بود . آنها که قصد داشتند به توفیق و سپین روزنامه ها و بازداشت و تبعید مخالفان دست زنند مجبورند ولو به طور موقت هتسب بنشینند . روزنامه آتش از قول یک مقام کامیوشت :

" تا اثر اتحاد مطبوعات ایران به پایه ای بود که در عرض هفته اخیر از یک تحول بزرگی که منظور اصلی آن توفیق جرایم و تبعید بعضی افراد و شخصیتها ی سیاسی و دیگرگون ساختن اوضاع بود جلوگیری کرد و فعلاً این نقشه را نماندنی بتعمیق انداخت (٢) و روزنامه " خدنگ " بوشت : " خداره ها غلاف شد ولی نبرد ماعلیه دیکتاتوری باشد ادامه دارد " (٣) . " حیبه مطبوعات ضد دیکتاتوری " گهمینواست آغازی برای تشکیل حیبه وسیع همه نیروهای ضد استبداد باشد مناسبانه با صحنه سازی ١٥ بهمن ١٣٢٢ نتوانست بحیث خود ادامه دهد . حزب ما غیر قانونی اعلام شد و ارتعاب و امیرالمجمع بپوش گسترده ای را بمنیروهای مخالف آغاز کردند .

حزب توده ایران در شرایط محفی سارزه هم که تا امروز ادامه دارد ، لحظه ای از ز مبارزه برای احیای آزادیهای مصرحه در قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر بازنایستاده است . مبارزات حزب ماعلیه دستبردهای مکرر شاه به قانون اساسی ، برای تامین فعالیت علنی احزاب و سازمانهای مترقی

- ١ - نامه مردم - ٢٩ اردیبهشت ١٣٢٢
- ٢ - " ٧ اردیبهشت ١٣٢٢
- ٣ - " ٧ اردیبهشت ١٣٢٢

برای آزادی فعالیت سند یگانه ، برای دفاع از حقوق خلقهای محروم ایران و رفع ستم ملی ، برای برابری حقوق زنان ، برای آزادی مطبوعات و آزادی بیان ، علیه خود سزی نظامیان ، برای برچیدن دادگاههای نظامی و واگذاری مجدد اختیارات قوه قضائیه به مراجع دادگستری ، علیه سازمان جاسوسی و آدمکش ساواک ، علیه تروریستکجه مخالفان و برای آزادی زندانیان سیاسی همواره حلقاتی از مبارزه حزب مادر راه آزادیهای دموکراتیک است .

مبارزه حزب مادر راه آزادیهای سیاسی ، هم از طرف اپورتونیست های چپ و هم از طرف جناح افراطی هیئت حاکمه بسرکردگی شاهنخسته شده است . اپورتونیستهای چپ بر مبارزه حزب مادر راه احیا آزادیهای دموکراتیک بکاره قلم بطلان میکنند و آنرا بمسخر میگردانند و هواداران حکومت مطلقه و در رأس آن خود دیکتاتورهای پنهانگه دموکراسی بورژوازی " الگوی غرب " و " ویژگی های " ایران تطبیق نمیکند ، تمام حقوق و آزادیهای اساسی مردم را باهمال ساخته است . باین هر دو مفسطه پاسخ میدهم :

" اپورتونیستهای چپ " مبارزه حزب مادر راه دموکراسی و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر " سازشکارانه " و به " آرزوی مقامات حساس " و " در انتظار عنایات شاه برای استقرار دموکراسی " و " اپورتو

" اپورتونیستهای چپ "
و مخالفان با شعار مبارزه
برای آزادیهای دموکراتیک

نیسم " تعبیر کرده اند .

همانطور که در آغاز یاد آور شد هم حزب مای آنکه در باره مصلحت دموکراسی بورژوازی دچسار پندارند رست باشد ، همین دموکراسی را علیه مردم نارسائیهای آن چون روزنه ای برای تنفس آزاد توده ها ، آگاهی ، تجهیز و تشکل آنان ضرور میدانند . لنین میآورد : " در شرایطی که حکومت مطلقه پلیسی تمام اجتماعات ، تمام روزنامه های کارگری و انتخاب نمایندگان کارگران را منسوخ ساخته ، کارگران نمیتوانند با هم متحد شوند . برای آنکه این اتحاد تحقق پذیرد باید حق تشکیل

اتحادیه های دلخواه را داشت ، باید آزادیهای سیاسی برخوردار بود " (۱) .
کسانی از " چپ " برای تخطئه مبارزه حزب مادر راه دموکراسی چنین استدلال میکنند :
" اصولاً طرح خواستهای دموکراتیک و مبارزه در راه آن برای رسیدن به دهدف مرحله ای صورت میگیرد : هدف اول بالا بردن سطح آگاهی توده ها و آحاد نمودن آن برای قیام قطعی و نهائی است و هدف دوم ایجاد شرایط مناسب برای فعالیت علنی و وسیع در بین توده ها و متشکل نمودن آنهاست . ولی تروریسم و قیاسی کمندت فریب به ۱۸ سال است سرانگشور را فرا گرفته و روز بروز بر شدت و دامنه آن افزوده میشود و شدت عملی که رژیم در منکوب کردن مخالفین خود بخرج میدهد و بگسله بستن هر تظاهراتی و لواپنداشتن ترین خواستها ، نشاندهنده این واقعیت است که اکثریت خلق از ماهیت رژیم شناخت صحیحی داشته " (۲) و بدنیسان مبارزه در راه دموکراسی را امری عبث و غیر ضرور قلمداد میکند و عامل تروریسم و احتیاج را غیر مستقیم حلال مسئله آگاهی و تجهیز زحمتمندان میدانند .
اولاً ما " فعالیت علنی و وسیع در بین توده ها " و " بالا بردن سطح آگاهی توده ها و آحاد نمودن آنها برای قیام قطعی و نهائی " پیوند ارگانیک وجود دارد و اولی باید مآله هدف دوم را تامین کند .
ثانیاً ما با شناخت صحیح اکثریت خلق از ماهیت یک رژیم سیاسی و آحادگی او برای تشکل و مبارزه

۱ - لنین - جلد ۶ - صفحه ۳۶۷ .

۲ - ایران آزاد - شماره ۷۴ مهروآبان ۱۳۴۹ .

پایان رژیم سیاسی تفاوت وجود دارد . حزب ما آزاد بهای سیاسی را قبل از همه برای تبه پستل شناخت زحمتکشان از رژیم بیمارزه عظمی علیه رژیم ضرور میدانم .

"اپورتونیستهای چه" چنان خود را در برابر بود و نبود آزاد بهای سیاسی بی تفاوت نشان میدهند که گوش اشکال متفاوت و یکنوازی بورژوازی برایشان یکسان است . اما در مسائلی که فاشیسم در اروپا سر بلند کرده بود ، گورگی دیمیتروف رهبر زحمتکشان بلغارستان در کنگره هفتم بین المللی کمونیستی کسانی را که در چنین موقعی نادرستی بودند آثار شیمت خوانند . او گفت : " ما آثار شیمت نیستیم و نمیتوانیم در برابر ایس امر که چه رژیم سیاسی در یک کشور مشخص حاکم است بی تفاوت باشیم ؛ یکد یکنوازی بورژوازی بشکل دموکراسی بورژوازی هر چند که حقوق و آزاد بهای دموکراتیک را محدود کرده باشد ، با هم که دیکتاتوری بورژوازی بشکل فاشیسم آشکار " (۱) .

اپورتونیستهای چه مبارزه در راه دموکراسی را با مبارزه طبقاتی در تضاد میبینند . در حالی که حزب طبقه کارگر معتقد است مبارزه برای آزاد بهای سیاسی نه تنها مبارزه طبقاتی راغنی نمیکند ، بلکه بعکس مبارزه طبقاتی را آگاهانه تر و گسترده تر میسازد ، عقب ماند هترین افشار مردم را با مبارزه جلب میکند و آنان را میآموزد که چگونه از نافع خود دفاع کنند . دموکراسی بورژوازی از نظر تاریخی در قیاس با استبداد قرون وسطی ، حکومت فردی و سلطنت مطلقه پیشرفت بزرگی است و در شرایط مشخص کشور ما آزاد بهای مصرحه در قانون اساسی شمره دانیازی های مردم در انقلاب مشروطیت علیه شاهان مستبد قاچارود ستاورد مبارزات مردم در مرحله معینی از روند انقلاب اجتماعی میسر ماست . طبقه کارگر باید بتواند از هر وجهی از ستاورد های دموکراتیک مردم ، که طی سالهای دراز مبارزه بدست آورده اند دفاع کند و برای گسترش آن مبارزه نماید ، نه آنکه فقط با فاشا دیکتاتوری میرد دارد . حزب ما از آن جهت با ستفاده از دموکراسی بورژوازی علاقه مند است که آنرا بخشی از روند تدارک انقلاب طلوسی و دموکراتیک و سپس انقلاب سوسیالیستی میدانم . لنین میآموزد : " دموکراسی برای جنبش رهشائی بخش طبقه کارگر علیه سرمایه داران دارای اهمیت عظیمی است . اما دموکراسی مرز طبقه را غیر قابل عبور نیست ، بلکه تنها مرحله ای از گذار فئودالیسم به سرمایه داری و سرمایه داری به کمونیسم است (۲) . اپورتونیستهای چه که مبارزه حزب ما را در راه دموکراسی به " اپورتونیسیم " تعبیر میکنند خوبست پاسخ خود را از زبان لنین بزرگ بشنوند که میگوید : " انقلابیون بی تجربه غالباً میپندارند که کار نیست شیوه های عظمی مبارزه جنبه اپورتونیسیتی دارد و فقط کار نیست شیوه های غیر عظمی مبارزه اقدام انقلابی است . . . ولی چنین تصویری نادرست است " (۳) .

سفسطه رژیم در باره دموکراسی
پس از کودتای ۲۸ مرداد ، رژیم شاه تلاش کرد تا با بصحنه آوردن احزابی درباری " مردم " و " ملیون " و سپس " مردم " و " ایران نوین " بنام احزاب اقلیت و اکثریت

و با تشکیل مجالس فرمایشی ، با انتشار روزنامه های مجار ، یک الگوی تقلبی از دموکراسی بورژوازی را در معرض نمایش افکار عمومی کشور وجهان بگذارد . اما این حیل مگرفت کسی بدان باور نکند . در شرایطی که امکان هیچگونه فعالیت عظمی برای احزاب سازمانهای ملی و مشرقی ، اتحاد بهما و سند پگاهای واقعی کارگری وجود نداشت ، از آزادی میان واجتماعات خبری نبود و یاد ستبرد های شاه به قانون اساسی ، اختیارات قوه مقننه و مجریه و قضائیه بهتر از پیش در دست او متمرکز میبافت

- ۱ - گورگی دیمیتروف - آثار منتخب - جلد ۲ - صفحه ۶۴۴-۶۴۵ .
- ۲ - لنین - جلد ۲۵ - صفحه ۴۸۶ .
- ۳ - بیماری کودکی " چه گراشی " دموکونیسم - صفحه ۵۶ .

دعوی دموکراسی مسخره بود. شاه که بهیژه در برابر افکار عمومی جهان مجبوره پاسخگویی در ساراه شیوه حکومت فردی خود میشد و در پاسخ در میباید، دست بهتئوری باقی زد. از آن پس بود که مردم راه "فقدان رشد اجتماعی" متهم کرد، مردمی را که ۲۰ سال پیش در برابر استبداد شاهسنان قاجار قید علم کرده بودند به بهای خون خود قانون اساسی را دستورشده داری قرار دادند. شاه که اجرای آزاد بهای مصرحه در قانون اساسی را پایان حکومت مطلقه خود میداند، نسخه "دموکراسی ارشادی"، "دموکراسی منسجم"، "دموکراسی سالم" برای مرد پوشت کمحتوی همانها اعمال د پکتئوری فردی داوست. حتی سیستم روحزینی من در آوردی هم بهذاقش خوش نیامد، آنرا برچسب و تگ حزب درباری رستاخیز را برایش نشانند. او کتاد پروزد در محاسن "سیستم روحزینی" داد سخن میداد، به توصیف سیستم تک حزبی خود پرداخت. "دموکراسی غریب" را منتها برای کشور مسا، بلکه برای کشورهای اروپا و غریب هم زبان بخش خواند و "الگوی ایرانی" دموکراسی را برای مسردم تجویز کرد که بقول او بر بنیان اتحادیه های کارگری، شرکتها و تعاونی روستائی، انجمنهای شهر و ده و خانهای انصاف استوار است. شامیخواهد شرکت اجباری و یا ناگزیر کارگران و دهقانان را د این مجامع ساواک زد و فرمانی د لیل وجود دموکراسی قلمداد کند، به خیال خود زحمتکشان را بفریبند و از مبارزه برای تاسمین حقوق دموکراتیک خود بازدارد. اما بگفته لنین: "بدون آزاد بهای سیاسی تمام اشکال شرکتکارگران یک غریب و در ناک استوربولتا ریابد و نوروها، بد و ن میدان مانسوری که برای مبارزه بخاطر رهایی قطعی خود بدان نیاز دارد، در زندان میباند" (۱). طبقه کارگر ایران به پیشاپیش سایر مردم زحمتکش هرگز شیوه فاشیستی حکومت را بمعنوان "دموکراسی ویژه شرایط ایران" نپذیرفته و یا تا پذیر و طبقان مبارز کرده است.

رژیم شاه با تشدید وابستگی خود با مبرها لیس در همه جهات آن بهتر از پیش به شیوه های فاشیستی حکومت توصل میجوید تا این سیاست ضد ملی را آسانتر اده دهد. اگر روزگاری فقط توده ایها آماج پورشهای وحشیانه رژیم بودند، امروزه مخالف رژیم از نظر د پکتئوری یک "مارکسیست" است و هر مارکسیستی سزاوار اعدا و اوتیر باران، تا آنجا که از "احط آرامش" هفتاد ساله و "گلی خانم" پهریزی که این اواخر بر حمانه هدف گلوله ما موران ساواک قرار گرفت سیمای جریک تصویر میکند. مردم را بی آنکه حتی هویتشان معلوم باشد برگبار مسلحی میبندند و خود را پاسخگوی هیچ مرجع وقانونی نمیدانند. در واقع پلکشت آدمکش بهره ریز بزرگ فرمان داد بکشان بر مردم حکومت میکند.

در شرایطی که شیوه های فاشیستی حکومت آنچنان

گسترش یافته کفنتها توده های مردم بلکه برخی از عناصر بالائی جامعه را نیز در بر گرفته و امنیت و آزادی

ضرورت تشکیل جبهه ضد د پکتئوری

اکثریت مطلق طبعه دست سازمان آدمکش شاه است، تشکیل جبهه ضد د پکتئوری به ضرورت صبرم بدل شده است. کمیته مرکزی حزب توده ایران با تشخیص بوقع این نیاز صبرم جامعه ما و مسئولیت تاریخی خود از همصبروهای مخالف د پکتئوری دعوت کرده است تا در جبهه ای برای سرنگونی رژیم استبدادی شامتحد شوند. اگر بهتر از دهه پیش کنبروهای مترقی هنوز به بلوغ سیاسی دست نیافته بودند، ضرورت تشکیل جبهه واحد برای جلوگیری از بازگشت د پکتئوری را درک کردند و دست بعمل زدند، امروزه کتروهای ملی و مترقی مراحل معینی از مبارزه را پشت سر گذاشته و کج میبند

گرانبهای ارتجریه درست دارند وظیفه مندند با احساس مسئولیت عمیق بخاطر منافع خلقهای ایران بدعوت ما پاسخ مثبت گویند . باید اری نیروهای گوناگون در برابر رژیم مطلقه بطور جد اجداموجب شده است که منتها در یکتا نور برجای خود نشسته است ، بلکه پاسانی قادر به سرکوب نیروهای ضد دیکتاتوری است . با چنین رژیم باید بدون تردد وتعلل بان نیروی متحد روبرو شد وحکومت مطلقه ای راکه سد راه پیشرفت اجتماعی مین ماست ، از میان برداشت .

درس‌های پدرکار

هیچ خلق از بندگی آسان نرسد
 خصم بد کردار از زر زین سرپس
 زر و آهن خادم درگاه اوست
 مدبر و دژخیم و قاضی * دارد او
 ارتجاع دبوخود رسان او
 میتوان با این مستغرم ساخت؟ بی
 تا بود شام صیبه صبح سپید
 باید این دژ از میان برداشتن
 این سرد الحق سردی بپوش است
 عقلم باید، سعی باید، اتحاد
 حتم باید و زمین و راز زمین
 خون پزشکی کوشناسد حالش
 سخت بفرنج است علم انقلاب
 پیر سپاه رنج را در کسارزار
 گرسبامت باشاعت یار بود
 ورگه گرد و عقل مانع به حس
 آرمون دیگران را بسادگیسر
 لبند در راه و روش آگه بران
 چونکه ارتقهد تند بیری نرساد
 هر د باری را خصوصیات اوست
 گرتو از این ویژگیها بگذری
 کارهای قالبی و نسخیه وار
 چون برآورد دست رزم آراستین
 چون نباشد کاره از صدق دل
 آنکه پدویان شده راه انقلاب
 آهرا دم از حقیقت هازند
 باطنش پیدا شو در دژ اهرش
 زین د و گونسی کار مگرد تپناه
 خود پسندهای زشت و بی محل
 گسرتو شخص خوبتر را گیری اساس
 روزوشب در ریج و تاب خوبش
 آرمان - آلت برای رهبری

تا گمر محو او هر یمن نیست
 کی بملل خوبش آید بزرگ
 گشتن و نابود کردن راه اوست
 صد هزاران عبد راضی دارد او
 دیواستعارش تبیان او
 میتوان از وی سخود برداخت؟ بی
 کی پدید آرد نرسور امید
 کانه نو برگرد وی افراشتن
 زانکه دشمن دام گستردهش است
 آتش عشقش بشیراند ز نهاد
 هر آریقی را نماید بازین
 نیت باید در احوال و وطن
 کار باید کرد از روی حساب
 شیوه آن باید که باید اعتبار
 فتح شایان حاصل بیکار بود
 دفتر تند بپیر گردند مندرس
 وز آریقی کاملاً امیدادگیر
 عکسبرداری مکن از دیگران
 * خلق را تقلیدشان بر بادان *
 سنت و افکار روحیات اوست
 کی بری از کار و کوش خود بسری
 می کند یا نامراد یغان در چار
 باید تا یغان و شوررا شتین
 لشکر نماید گرد مضعحصل
 زان سپر از نفع خود گیرد حساب
 با طناد رسدود خود مسودا کند
 رنج بازبهای چست و ما هشرش
 خوبشتن حیران شود در گوره راه
 افکند خود نهضتی را در و جمل
 حب و بغض خوبشرا گیری قیاس
 محوری نی جز حساب خوبشتن
 سازمان - افزار رهبر سروری

این چنین طُریقی نباشد سود مند ؛
 گریناشد کار برفوق " اصول "
 فرد باید جمع را تابع شود
 گزینگر در کار طبق رای " جمع "
 گر که باشد کبریت از ایمان فزون
 گر " موازن " را بریز پانهسی
 اشتباهاتی نمائی گونه گون
 " مرکزیت " ، " انضباط آهنین "
 لیک بر فرماندهان انقلاب
 حزب محکم میشود و اتحاد
 فرد را این میدان غرض آید پدید
 از زیاست جوجبهان پرفته شد
 این سخن را خوانده ام در " مثنوی "
 " صد خوردند مگنجد اندر گرد خوان
 رزم مارا بهره بخش از سراد -
 اتحادی نی بحرص زب و سهم
 اتحادی طبق ایمان در مست
 رهبری کاین اتحاد آرد پدید
 از نین آموزان اعجاز را
 چون سخن در سرخود اینجا کشید
 هست بین مردمان این جهان
 اولین : اسلوب " تحمل است زور "
 دومین : اسلوب " مکر است و فریب "
 سومین اسلوب ، گان رهن نگوست
 بین همزمان حسزی لا جرم
 زمین دو ، پیوند صف رزمندگان
 لیک ، چون رزمند باورمند شد
 چشم بیدار است ، دل آگه بود
 انضباط اینجا ز روی آگهی است
 انضباط اینجا نباشد با تمساق "
 این چنین رزمند ، در ایام سخت
 " رهبری " - علم است و تدبیر و هنر
 نیست اینجا صحبت " توپ و قمار "
 شیوه‌هایی حاصل از علم و عمل
 فرد جزئی را سه رکن محکم است
 اولی باشد جهان بینی او ،
 دومی برنامه پیگزاراوست
 سومی اسلوب شد عنوان آن
 بر توید نامی است ، بر مردم گزیند.
 مقصد عالی نی باید وصول
 بی که او را در عمل مانع شود
 کن فروزان مینوی مانند شمع
 پرچم پیگراگرد و سرنگون
 ره دمی بر شیوه فرماندهی
 نیست فتحی ، چون خطا کرد و فزون
 هست بهر ماصولی راستی
 واجب عینی است شور و انتخاب
 اتحادی بر اساس اعتماد
 رشته هر اتحادی را در بست
 وای از آدم کاین بلا در خانه شد !
 از افادات شگرف مسولوی
 در ریاست خونگشود در رجبان "
 قدرت ایمان و شور اتحاد
 اتحادی نی ز روی ترس و بیم
 یک چنین وحدت نکرد هیچ سمت
 بهتر دشمن میکشد سد پدید
 شیوه خلاق در دوران ساز را
 نکته ای دیگر بر آن ساز مزید
 خود سه " اسلوب " مقرر ، این بدان
 کرتوجوید طاعت و تسلیم گور
 هست باز بهاد را این طرز عیب
 شیوه " افتاع علمی " نام اوست
 نیست جانی بهر ترس و پروستم
 بگسلد چون سختی آید در میان
 محکمتر باد و ستان پیوند شد
 نیک میداند که امتر ره بسود
 از اطاعت های لا شغفر ، تنی است
 یا نگردد حاصل آن اختناق
 سر بلند آید بیرون از دام سخت
 ورنه باشد هر تلاشی بی ثمر
 شیوه های دیگر آید بگسار
 خالی از سولوس و فغانی از غل
 فتنه بسیار است چون رکنی کم است
 پایه فکری و آئینسی او
 ره گشای گوشتر و کردار اوست
 هست گسترده بسی میدان آن :

شیوه برخورد و کاروردهایی
 ای چه بکارگین رکن ثالث نیست راست
 ای بسازمندگان سخت و چست
 برتویا ایوانی و رزمند ای
 " انقلابی " برتویناتی سزاست
 آن تقلا آن ایام مدید
 از نین آموزسم کار را !
 آن یکی گوید که تا من زنده ام
 کوشم اندر عسرت و زور و مقسام
 - و کنگردم ، با نسی گریبدم
 " داور تاریخ " بانگش باوه است
 وان دگر گوید که هست این زندگی
 " داور تاریخ " را در پیش روی
 زور و شهوت ترسش زندگی است
 آدمی از سر انسا آدمی است
 زاصل شوم خود پسند ناکزیر
 زین سبب کز آدمی خاوا درهید
 آد باق بسود خوبشستن
 - و نکه باشد عه و انواع بشر
 فکرفردن ، مشا^۱ بی دردی است
 کز صیفی با همه افاقت بکوش
 ورتوی گشتی ، مشود روا لاف
 تا توانسی دوست را بغزاعدد
 دشمن اصلی چنان کن منسرد
 واژه های خود بسنج وخر کن
 واژه های خود میافشان بر زمین
 حال خوبتر و حال دشمن با زمین
 گاه در ایام سخت کسارزار
 چون رسد روز مساعد بهرحنگ
 و ز برای یک چنین روز ای رفیق
 حربه خلق است حزبی رهتورد
 سازمان ، گوید لنین ، باشد هیچ
 سازمان ، گوید لنین ، خود دانشی است
 تا باشد جامعه دارای رشد
 تا که گشتی خود پسند و باوه ایتم
 غیر رزم و سازمان تدبیر نیست
 با- نین تدبیر ، دشمن مضطراست
 فتح اندر سازمانست ای رفیق

شیوه پیگار و سازد اورن
 زین قبل بحر فتنه و فوجا بیاست
 گاندرین میدان خاا کارند و حسمت
 محکم ویرگوشتر و بندنده ای
 لیک گراسلوب کار تو خطاست
 بر عواقب برزیان آرد پس بد
 شیوه دان علمی بهکار را !
 در حمان زندگی بایندده ام
 اص من ، باقی است فرع ووالسلام
 نیک باید خلق می راند سخن
 بهره ضحاک آران چون کاوه است
 بهر رزم ضد جهل و بندگی
 دارد انکتر آدمی و اراحت خوی
 فرق چه با عالم د زندگی است ؟
 ورنه کی از جانور وراکی است ؟
 الم زاید بر صفت و بر کمیسر
 باید ترا این د بود زندان کشید
 زیر قید آرد وجود خوبشستن
 رزم بی پروا نماید ضد شر
 فکری جمعی ، ضد فکرفردن است
 تا نیافتد رزمگ از جنب و جوتر
 گان خطای هست شهادت - بی خلاف
 شیوه دشمن تراشی هست بد
 تا زبون گردد عدوی مستبد
 اندر آن معنی فراوان درج کن
 تا که قول توشود قوی و زمین
 گه تر مرغ کن ، گهی واپس نشین
 پیشه خود ساز رسم انتظار
 اندرین میدان سزاشعر درنگ
 خوبتر آماده کس از هر طریق
 سازمانی سخت کوشتر اندر نبرد
 سازمانده باید از " شتم " بهره ور
 تا چندین فکرها همای رشد
 کی برای خلق خود چون کاوه ام
 وانکه این چاره نداند جبر نیست
 خلق پیروز است ، نصرت برد راست
 وین نهاد و رازی نهان است ای رفیق

سازمانی گان بود قائم بمخلق
سازمان ، هر چند پیشاهنگ شد
سازمان با خلق اگر پیوست داشت
سازمان ، که خلق در او افتاد ناست
چون جدا گرد در خلق زوربخش
چون طلا به و اینرید از لشگرش
با طلا به ، نتج کی آید بدست
دشمنی گان هم محیل وهم قسمی است
سازمان گشود امین توده ها
گربود در رمش خود با رای وهوش
هست فرصت نوزن بسان در گریز
بیش بینی ها اگر باشد درست
و ربود مشی سیاسی با حساب
گوشی باید که باشد توامان
حاصل کار تو چون مثبت نبود
خلق را بک گام مایی در عمل
در سخن ، این گفته هائی روشن است
گرتوخواهی رهبری برانقلاب
جا رخصت باید ت باشد نصیب :
دانش ، تایی بری بی اشتباه
قلب نبروندی ، از هم بر نبرد
گرچه اکنون تیرگی چیراست چیر
بهر ختم این سخنها ی گزین

در تلاشش ، منگی دایم بخلق
عرصه اش ، بی خلق کشور ، تنگ شد
زور خارا اینم چونک الوند داشت
عاجز عاری ز زور افتاده است
این ، نهی رستم فرود افتد ز رخس
بس بلا آید زد شمن بر سرش
گا ربازی نیست دشمن را شکست
در جهان ، بکتا ز فرط ناگمی است
تود ه ها را سازد از خفت رهسا
پرجم فتح و ظفر گیرد بدوش
باید از آن بهره جستن تند و تیز
گرت فرصت ها شمر گیری تو جست
نیمت شکلی ، فانی در انقلاب
در عمل ، اش صحیح و سازمان
سود یاز " توجه " آحالت نبود
خوشتر از صد قول خالی در عمل
در عمل ، دشوار و برنج این فن است
پشتاز و در نبرد ی پر عذاب
دانش وهوش و دلبری و شکیب
هوشبندی تاب دانی راه و چاه
زان سپن اعصاب محکم ، مغز سرد
لنک آخرت رفتد خصم از سر بر
داستانی گویم اینجاد ل نشین

رهروی صبرفت در تارک شب
گفت باوی ، بندی پابسته ای :
ای شگفت این نغمه ناجور چیست ؟
مادرون در خفته وحشت اسیر
گفته هایت بهتر ما با د هوست
مرد واقع بین چو بجد در خجال
گفت : ای در قید حرمان مستمند !
تیرگی شب دلت را تیر مگرد
نزد کومه بین هر آن حالت که حال
واقعیست سایه ای به پایه است
اعتقادش نیست بر نیروی حلسق
من در آن سوی شب بی مهور داد

فکرتوروش بود دایم ورد لب
" گرتنقل راستین نگسته ای "
در شب ، بدو روصف نور چیست ؟
گرد ما ظلمت بهره شو گشته چیر
بندۀ پند ارگشتن نارواست
بهره ای آخرت نیستد جز وسال
از چه ، برای خرد هشتی تو بند
بأس را بر خاطرتو چیره کرد
نیمت ظاهر ، اوش پندارد معال
حکم عقل و آرزوی پایه است
وانتکاپش نیمت بر با روی خلق
فاش ، بنم نوریاک با مسداد

واقعی ترزین شب پاینده است
لینک در اندیشه معجزتساثر
زین شب تاریک پرخون و عذاب

نزد من آن برتوشی پاینده است
بادل و جان در طلب میکن تلاش
خیز و باطل ساز شعرا انقلاب



این مجسمه را در نبرد ابراهیم "رضا اولیا" بنیاد خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران ساخته است. مراسم است مجسمه "بنیاد خسرو روزبه" در میدان شهر "میانرودمانو" در دهمه شهر رم نصب و در ماه اکتبر ۱۹۷۶ از آن برده سرداری شود. روزنامه "اوتینتا" ارگان حزب کمونیست ایتالیا در شماره ۶ ژوئیه خود عکس مجسمه را چاپ نمود و در زیر آن نوشته است که: "این مجسمه بنیاد خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران که در سال ۱۹۵۸ شهید شد و معمار ریابداری برای "تعمیر بیمارستان ابراهیم" است، ساخته شده است."

حزب توده ایران و نهضت زن در ایران

موضوع زن یکی از صورت مسئله اجتماعی است، ما همزمان یک تحول اجتماعی می‌باشیم که هر روز گسترده می‌شود، یک نهضت، یک جنبش فکری در همه طبقات محروم اجتماع هر روز با شدت بیشتر به چشم می‌خورد. طبقات تمام کشورهای سرمایه‌داری متوجه هستند که زیر پای آنها سست شده است هزارها پرسش پیش آمده که در باره حل آنها بحث می‌شود، یکی از مهمترین این مسائل که امروز برابر همه قرار گرفته است موضوع زن می‌باشد. زن چه مقامی در ساختمان اجتماعی ما باید داشته باشد؟ چگونه می‌تواند هم‌میزبانی خود، همه استعداد خرد و تکامل بخشد تا بتواند در اجتماعات انسانی یک عضو کامل دارای همه‌گونه حقی باشد و بتواند فعالیت خود را به‌کمال برساند؟ از نقطه نظر ما این پرسش هم‌با مسئله دیگری است که با هم ارتباط می‌یابد: انسان چه سازمان اجتماعی باید داشته باشد تا به‌جای ستم، بهره‌کشی، احتیاج، فقر با هزاران شکلی که به‌خود می‌گیرد، بشریت آزاد، اجتماعی کاملاً تند درست چه از نقطه نظر جمعی وجه از نقطه نظر اجتماعی به‌وجود بیاید؟

پس مسئله مربوط به زن برای ما یکی از جنبه‌های مسئله اجتماعی به‌طور کلی است که امروز همه اندیشه‌ها و همه افکار را به‌حرکت در آورده است. در نتیجه این موضوع نمی‌تواند چنانکه بیل در کتاب "زن و سوسیالیسم" می‌گوید، را حاصل نهایی خود را به دست بیاورد مگر اینکه تضاد های اجتماعی از میان برداشته شود و دردهای ناشی از آن از بین برده شود.

اکنون باید دید حزب توده ایران در باره زنان در طی زندگی خود و از آغاز چه راهی را انتخاب نمود و چه کرده است؟ حزب توده ایران در جائزده است، ناپستارده است و برای یک روز هم به‌وجود نیامده. راه پیمان زندگی و سازندگی آن می‌باشد و به همین دلیل با نشیب و فرازها روبرو گشته و با عقب‌نشینیها و پیشرفت‌های دست‌اندرکاران خود را با سرسختی کوشیده از جلو بردارد و هر بار از همان آتش و خاکستری که دشمن می‌خواسته او را در آن نابود سازد سرزند مگر، هشیارتر، آزمون ترس بر آورده و ندا و دعوت خود را بگوش مردم رسانده است.

وزنها هم که از مردم ایران می‌باشند از همان آغاز حزب توده ایران در برنامه خود گذاشته است که متعینا باید کوشید که زن با هم‌حق مساوی با مردان برسد بلکه آنها را دعوت نمود که در درگیری و در ره مبارزه ای که کشور و مردم ایران با آن روبرو می‌شوند شرکت جوید و مخصوصاً کار دفاع از حق خود را خود در دست گیرند.

پس از حزب کمونیست ایران کمی‌وران بسیار کوتاهی توانست فعالیت نماید نخستین و یکتا حزبی که جنبش آزاد پیش‌تر زنان را از جنبش کارگری جدا نکرد و این هر دو را وابسته هم دانست و به‌شرفت هر دو را در یک خط و در یک راه دید حزب توده ایران می‌باشد. آن روز که حزب توده ایران چنین نظر سب و عقیده ای را اعلام کرد، نهضت کارگری و نیروی آن در ایران ضعیف و پراکنده بود. آن روز که حزب توده ایران خواست که زن حق مساوی با مرد در همه شئون اجتماعی داشته باشد قانون رسمی ایران او را نابالغ میدانست و هم‌میزبانی ارتجاع زن را از صحنه اجتماع می‌راند و هر جا هم که میشد و لازم نبود

اورای برای استفاده بیشتر استوار می نمود ، کارزنان در دهات ، در کارگاه های قالبیابی ، پارچه بافی و غیره . . . نموداری از این وضع بود .

در گوشه و کنار درگذشته زنهایی برای گرفتن حق بهما خواستند بودند زنان ارجمندی که با این وضع اجتماعی و این قوانین ننگین در افتادند . مبارزه آنها در آن شرایط دشوار اجتماعی در خورا احترام و شایسته تکریم است ، اما آنچه که مبارزه حزب توده ایران را از گذشته شخص میسازد همین نقطه احساس میباشد و بستگی آزادی و ترقی زن از مبارزات و آزاد شدن طبقه کارگر و برپایی این پایه علمی و منطقی حزب توده ایران در دست خود را آغاز نمود و تا به امروز هم آنرا پایه کار خود در این زمینه میداند و بگانه راه درست برای آزاد شدن زن .

در رهنه خستهای گذشته اروپا زنان میدان وسیع تری برای مبارزه داشتند ، روی اصل پیشرفت صنعت و آزادیهای اجتماعی بیشتر در این کشورها اما تا روزی که مبارزه خود را با مبارزه پرولتاریا شایسته نمیدانند موقعیتی نصیبشان نگردد ، و این پیوند آن روز امکان پیدا کرد که مارکس و انگلس پایه های فلسفه خود را برین ختد و نقش سازنده و رهبری طبقه کارگر را در اجتماع بشری روشن نمودند .

هنگامیکه حزب توده ایران زنان را دعوت به چنین مبارزه ای نمود هنوز زن آنقدر وابسته به مرد بود که حتی زنان بیدار ، زنان آرزومند آزادی و خواهان حق این برابری و این مبارزه را با نگرانی مینگریستند و نمیتوانستند باور کنند که چنین چیزی امکان دارد و گروه کثیر زنان به سرور پی در پی روشهور و با برادر رگسردن میباشدند و آنرا امری درست میدانستند و فرمانبرداری خود را در رستتر .

قدرت بی حد و حصری که قانون و آداب بصر داده بود در طی قرون این روحیه و این برخورد را به این موضع اساسی به وجود آورده بود ، و حزب توده ایران کمر همت بست که با آن مبارزه نماید و همه این قوانین را ناد رست اعلام نمود و زن و مرد را دعوت کرد که برای از میان برداشتن آنها مبارزه و همکاری نمایند و خود پیشتاز و پیشقدم شد و در سازمانها را در صفوف خود پذیرفت به آنها حق رای مساوی در همه شئون حزبی و در همه مسائل مربوط بآن داد و رسما خواست که به زن حق شرکت در سیاست کشور داده شود و در انتخاب کردن و انتخاب شدن همانند مردان شرکت نماید .

و این کار در اجتماعی بود که شهادت یک زن به معنای در هیچ محکمه ای پذیرفته نمیشد و زن را ناقص العقل میخواندند ولی حزب توده ایران حزبی طراز نوین بود و با این اقدام اثبات کرد . با پیشرفت فنون حزب در طبقه کارگر و متشکل شدن آن در اتحادیه های کارگری ، زنان از قشرها و طبقات مختلف اجتماعی روم حزب آوردند و در سازمانهای مختلف وابسته به حزب راه یافتند ، عضو شدند و همکاری قابل تحسینی نمودند در اتحادیه های کارگری ، دانشجویی ، صنفی ، سازمان جوانان و بالاخره در سازمانهای مربوط به خودشان مانند " تشکیلات زنان " و " سازمان زنان ایران " زنان با شور و شوق نشان دادند که دعوت حزب را در رنموده و پذیرفته اند . این رغبت همه اندازه ای چشمگیر بود که دستگاه محاکمه و ارتجاع ایران برای مبارزین به این غلبان و خشنی کردن نقش حزب در میان توده های زن سازمانهای گوناگون دیگری از معام خیره گرفته تاحزب خاص زنان تشکیل داد اما هیچیک از آنان نتوانستند نفوذ در میان زنان به دستبیاورند و یکی بعد از دیگری از میان رفتند .

حزب توده ایران صادقانه و مصرا نه برنامه کار خود را دنبال مینمود و با حوصله و ابراه تشکیلات زنان وابسته به حزب کوشش میکرد که زنهارا به اصول سیاسی آشنا سازد و به راستی بآنها بقبولاند که آزادی و برابری از کار سیاسی جدا نمیتواند باشد و سیاست هم از زندگی هر روزی آمیخته است . در حوزه های حزبی برای روشن کردن بز از هیچ کوششی فرونگد از نمیشد و نباید از چشم و برداشت کسه بودند و فراتر از هم ، کارگران و اعضا " حزب که با همه جان و دل معتقد به حزب و خط مشی سیاسی آن بودند

اما با چشم لازم بهرین سبب میسرند و او را موجودی بپرا حقوق نمی‌شمرند . حزب توده ایران هم از همان مردم برخاسته بود و آتشها همه رسوم و آداب خوب و بد اجتماع بود و در اینجا هم باید باید با دید احترام به‌کوشتر حزب نگریست و آزان یاد کرد چون این مبارزه نعتنهاد رسطح اجتماع آن روز بود بلکه مبارزه ای هم بود با خود و با سبب که آنها هر فرد ایرانی با رأی داده است .

با این دشواری که کوچک هم نبود در همه جا و با هر کس می‌بایستی با حوصله و درافتاد روشن کرد گفتود فاع نمود . میتوان بهجرات گفت که یکی از سخت ترین مبارزات حزب از نقطه نظر نهضت زنان ایران از همین بود و امروز هم میباشد . حزب توده ایران قدرت دولتی در دست ندارد که قوانین را به خاطر مردم بپویای مردم وضع نماید اما درستی را با آن فلسفه اجتماعی بزرگ و صحیحی که پایه آنست توانائی کار و نفوذ آنرا در مردم همچنان پابرجا نگاه داشته و روز به روز هم ریشه‌های زیاد میدواند و راه درست را برای مردم روشن مینماید .

اگر امروز هم در ایران نهضتی به نام نهضت زن به وجود می‌آید یکی از علل اساسی آن نفوذ حزب و شعارها و متروقی آن برای زنان میباشد تا آن اندازه این نیرو بزرگ است که حتی بعضی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن میدهند علیرغم تعامل شخص شاه که زن را آشکارا بپست و تاولا بق میدانند ، در اینجا مارا کاری به شکل دیگر برودن این قانون نیست امروز چه زن و چه مرد در ایران بعد ستور انتخاب میشوند و شب آن کسانی که صد درصد سرسپرده دستگاه و امیرالایم هستند ، اما این واقعیت را هم باید دید که قانونی دیگر وجود دارد و اینها از نهاد یون مبارزه بپیکر و روشن حزب توده ایران میباشد .

این مبارزه در طی این سالها که حتی نام حزب توده ایران متشکک و زنده را " حزب منحلده " گذاشته اند در نیال شده و نتیجه ای درخشان در ایران به بار آورده است . بیداری توده مردم و آماجگی دلوفتاد بهترین عناصر آنم ایران مبارزه .

بهترین نمونه اعتصابات است که امروز در سراسر ایران به وجود می‌آید طبقه کارگران در دوران خاموشی را پشت سر گذاشته است و از زخوس و پورا کندگی بیرون آمده است . آیا زنان را میتوان از این نهضت جدا کرد ؟ هرگز ! نزارشات از ایران نمود از شرکت مستقیم زنان در این اعتصابات میباشد نقش خانواده‌های کارگری که با اعتصاب کارگران جانبداری مینمایند ، کمک می‌رسانند ، بسیار چشمگیر است و نقش بزرگ " مادر " را در رکاب مادر رگی به یاد می‌آورد .

دانشجویان پرشوری که دست به اعتصاب می‌زنند برای شرایط بهتر تعلیماتی برای رهائی از فشار ساواک باشند ارهاق سیاسی در راه آزادی ایران تنها از مردان نیستند ، دختران زیادی با آنها هم‌آهنگ هستند و چه بسا که هر چند از این تظاهرات غایب شوند و زیاد هستند دخترانی که کشته شده‌اند و شعارهایی گمراهی معنی ساختن آنم این جوانان شهید میشوند شعارهای حزب توده ایران بر آن آتیه و زندگی فردای ایران است

گروه بشماره مادران و زنان زندانیان سیاسی در پشت دیوارهای زندانهای هولناک ، بیداری آنها ، مبارزه هر روزی آنان ، درافتادن دانشی آنها با مامورین زندان ، نمود این نیرو بزرگ و هشتمیاری است که هدف دارد ، میداند و از راه زندانی خود دفاع مینماید . این گروه بزرگ زن که با اعتمادگسی اراده ، دشواریها و سختگیریهای مامورین را خنثی مینمایند ، سرچشمه وحشت برای دستگاه حاکمه شده است تا آنجا که برای خاموش نگاه داشتن آنان زندانیان را شکنجه بیشتر میدهند ، آنها میتوان این نیرو از خود گذشته و بیدار را از میان برد ؟ مادران نشان داده اند که نمی‌شود ، مگر نه این است که مادر هوشنگ تیرایی شهید بزرگ حزبی با سر بلند ی به مامورین میگوید : افتخار میکنم که پسرم در راه آرمان بزرگتر کشته شده است " این است آنچه را که حزب در زندهای بسیار به وجود آورده است فد اکساری

و گذشت بیداری و ایستادگی تا آن انداز که مرگ فرزند در برابر هدف عالی هم مردم تنهادر صادر خاموش میسازد اما نیروی مبارزجوی او را .

نفوذ حزب توده ایران در تظاهرات زنان که مرتب در گوشه و کنار ایران به وجود میآید به چشم میخورد . دستجمعی باشعور و اتحاد بهمخیا بان میآیند و صدای خود را به گوش جهان بان میرسانند . این راه را احزاب توده ایران جلوی پای زنان گذاشته است . تظاهرات اتحاد های افسران و سپاهانی کلمه ظفار فرستاده شد . مودت تظاهرات خانوادگی زندانها سیاسی تظاهرات زنان برای کمپو آب ، و با همراهات مصاب دستجمعی زنان در مقابل گوشت پخ زده و گندیده ای گمبه آنها با فشار میخواستند بغرو شوند ، اینهاست نمونه ای از مبارزات زنان در ایران امروز که از دستورات حزب الهام گرفته و از طرز کار آن سرمشق میگیرند .

یکی از علل دیگری که امروز دستگاه معاکه را وارد انموده که روز از زن وحق او بگوید نیازمند ی بنیروی کار زنان است و این برای برد موطنها همیگویند از شما گرفته تا اشرف وهیدا .

حزب توده ایران از روز نخست اعلام داشت که نیروی زن نباید عادل بماند و در رک و شوخصیت او را نباید باطل گذاشت و میخواست که راه برای شکوفان شدن این نیروی زن باشد تا زن بتواند استعداد او را فکری و ادراکات موخستن ، پرورش داد و مؤثر بکار بندند . بهینهم دستگاه معاکه با این گفتار خود چه نظری دارد ؟ لا فارگ " میگوید : سرمایه داری زن را از خانه بیرون نکشید و بکار تولید اجتماعی وارد نکرده که او آزاد نماید بلکه میخواستند او را بیشتر و وحشیا نتر نسبت به مرد بهره کشی نماید زن استعنا شده از طرف سرمایه داران با قرونیک یک زحمتکش دست به گریبان است بعلاوه که با رسمه زنجیرهای گذشته راهم باید بکشد ، فقر اقتصاد او شدت میدهد ، در عوض اینکه پدر و مادر شوهر که قانونی براجو حکم فرما هستند نان او را بدهند ، باید او زندگی خود را خود تامین نماید و زیر این عنوان که نیازمند بیها او کمتر از مرد است مزه تر کمتر از مرد میباشد و هنگامی که کارش با بان میآید تا زوجه شوهر میخوانند . . . چه مگواید و رست است این گفته لا فارگ ، اکنون در نمونه از زندگی زنانی که امروز در ایران کار میکنند آورد میشود .

۱ - در کارخانه پارس توسه یاد کرد و در هزار کارگر زن کار میکنند بهتر از شصت درصد کارگران این کارخانه را زنهای تشکیل میدهند و بکارگران زن در ابتدای استخدام پیر از سه ماه روزانه پانزده تومان دستمزد داد میشود و در هر سال دستمزد آنها بیشتر از سی ریال افزایش نخواهد یافت و به همین دلیل کمترین کاری پیدا میشود که دستمزدی بجز از ۲۵ ریال دریافت دارد . بسیاری از کارگران از دهات اطراف رشت بکارخانه میآیند و علاوه بر آنکه روزی سه الی چهار تومان از دستمزد خود برای کرایه ماشین میبرد از بند و ساعت از وقت آزاد خود را باید صرف آمدن به سرکار خود بینمایند زیرا این کارخانه با این تعداد کارگر اصلا وسیله رفعت و آمدند ارد و سپاه بکار فرمایان این است که کارخانه در وسط شهر است و به همین دلیل باید اکثر برای رسیدن به سرکار از تاکسی استفاده نمود که برای هر بار باید بیست الی سی ریال پرداخت و با وضن ترافیک شهر رشت باید در ساعتی را از تاکسی استفاده نمود تا به موقع رسید . و اگر کارگری پنج الی شش دقیقه در بعضی موارد حتی یک دقیقه در سرکار بماند یک ساعت از دستمزد او کم میشود . از نظر مسکن وضع کارگران بسیار بد است ، در شهر بپرد رت اتاق پیدا میشود و اگر هم پیدا شود حداقل کرایه آن ۳۰۰۰ ریال در ماه است ، بنابراین وضعیت زندگی یک کارگر این کارخانه که حتی به گفته خود کارگران از سایر کارخانه های رشت سبتر است به صورت زیر است : اگر کارگری را بد و فرزند در رت بگیریم و حداقلی حقوق او را ۷۵۰۰ ریال بدانیم زندگی او بدین شکل است : درآمد ۷۵۰۰ ، کرایه اتاق ۳۰۰۰ ، کرایه رفت و آمد ۹۰۰ ریال ، باقی میماند ۳۶۰۰ ریال ، لذت این کارگر باید با این ۳۶۰۰ ریال پوشاک ، خوراک ، درمان و همه چیز بگردد تا همین نماید

وفراوش نشود که سبب زمینی کلبوش ٥٠ رمال ، پهاژ کلبوش ٥٠ رمال ، تخم مرغ ٦٢ رمال و کوجه فرنکی
 امسال در احوال نه در رشت کلبوش ٢٠٠ رمال میباشد . به آنکه کارگران بر طبق قانون کار ١٢ روز در
 سال مرخص دارند ولی کمتر کارگری پیدا میشود که بتواند از این ١٢ روز مرطابق دلخواه خود استفا ده
 نماید . زمان این مرخصی را کارخانه تعیین مینماید و کارگرانی هم که با تولید مدا م سروکار دارند حد اکثر
 در سال سه روز یا چهار روز مرخص بیشترند . در بعضی از قسمتهای کارخانه کاروانفر ساست ،
 کارگرانی که مواد شیمیائی خطرناک سروکار دارند و با در محیطی پر از گرد و خاک حاصل از مواد شیمیائی
 و در گرمای بسیار زیاد کار میکنند هیچ حقی از این باسند نمیگیرند . در باره مسود ویزه و پاداش جمعاً با به
 کارگران همانند از همه حقوق یعنی در حد و در هزار تومان پرداخت میشود که البته این مبلغ را کارگران
 با بخود کارخانه و پابه افرادی در بیرون بد ه کار هستند . و کمتر کسی پیدا میشود که مبلغی از
 آنرا بتواند صرف خرید لباس و وسایله لازم برای زندگی نماید این گزارش این جمله لا فارک رایه خوبی
 منعکس میسازد : " سرمایه داری میخواهد آرزین بیشتر و وحشیانه تر از مرد بهر مکتبی نماید " .

و اینک مثال از بیم راز روزنامه کیهان ٢٦ اردیبهشت ١٣٥٥ شماره ٩٨٦٢ نقل میکنم :
 " مسئولان سازمان تامین درمانی معلوم نیست با چه هدفی به ساعات کار پرستاران ، در هفته
 افزوده اند و برنامه خستگننده ای به پرستاران بیمارستان تحمیل میکنند و میگویند اشکالی ندارد اگر
 پرستار ایرانی نتواند در این شرایط کار کند پرستار غلبه پهنی که هست ، در بگرایند که در بیمارستان سرخه
 چهارم ١٥٠ تومان اضافه حقوق که بعنوان حق تقویت در محیط نامساعد پرداخت میشود ، قطع شده
 است " .

در این خبر کوتاه و وحشیگری ، ستم بی حد و حصر ، توهین بی مرز نسبت به زن دیده میشود ، و آرا
 استثمار میکنند ، حق او را سلب میزنند و با کوچکترین بهانه ای او را بیرون میماند ازند و پرستار غلبه پهنی به
 جایش میباشند . این است ادعای برابری زن و داشتن حق او از نقطه نظر دستگا محاکمه .

انکون برنامه حزب توده ایران - حزب مارکسیست - لنینیستی چه بوده و چه هست ؟
 خوب است ابتدا گوش به سخنان لنین بد اریم : لنین در " قدرت شوهرها و وضع زن " میگوید
 وضع زن به وجه خاص پرورش تفاوت میان دموکراسی بورژوازی و دموکراسی سوسیالیستی رانشان
 میدهد و به طوریست پاسخگوی پرستی است که شده در یک جمهوری بورژوازی (یعنی آجاشی
 که مالکیت خصوصی زمین ، کارخانهها ، کارگاههای دستی و غیره ... وجود دارد) هر اندازه هم
 که دموکراتیک باشد ، زن از تساوی کامل در هیچ جای دنیا ، در هیچ کشوری جلا افتاده ترین آنها
 برخوردار نیست در حالی که پیش از ١٢ سال است که از انقلاب بزرگ فرانسه گذشته است ، انقلاب
 دموکراتیک بورژوازی " حتی جلا افتادترین آنها تساوی قانونی را با مرد بعد ست نیاورده اند و در هیچ
 جا آنها از قید قیومت بیخ مرد آزاد نشده اند ، دموکراسی بورژوازی ، دموکراسی جمله های پر مظهر است ،
 کلمات رسمی ووده های گندگنده و شعارهای آزادی و تساوی میباشد ، همه این جمله شویشی است
 برای اسارت و نابرابری زن و برتری و نابرابری زحماتشان استثمار شده .

دموکراسی شوروی و سوسیالیستی جلا ت قلمبه ، دروغ پرداز را به دور میماند از د وطلوبه
 در روشهای " دموکراتیا " مالکین بزرگ ، سرمایه داران ، دهقانان سرکه با فروش زیاد ی گند شان
 به کارگران گرسنه و پهاژ رسیاه خود شان را جاق و چله نگاه میدارند جنگی بی امان اعلام میدارد ، سرگ
 بر این دروغ ننگین هرگز " برابری " میان ستم دیده ستمگر استثمار شده و استثمارگر نبوده ، نیست
 و نخواهد بود . برابری حقیقی زن شوروی نیست و نخواهد بود تا آن زمان که زن از قید امتنازاتی که قانون
 به مرد داده است آزاد نگردد ، تا آن زمان که کارگران بیوع سرمایه منجات نیافتند ، تا آن زمان که دهقانان
 زحمتکش از بیوع سرمایه منجات بزرگ ، سوداگران ترشمندهائی نیافتند است .

تاسیس
 کمیته
 ۱۳۵۵

بگذاریم در روشها ، در وروها ، احقها ، کورها و بورژواها و با طرفدارانشان مردم را با گفتن از آزاد به طور کلی ، از برابری به طور کلی و از مکرسی به طور کلی به اشتباه بهمانندند .
 ما با کارگران و دهقانان میگوئیم ، روئند را از روی این در روشها بکنید ، چشمان این کورها را باز
 نماند و از آنها بپرسید برابری کدام جنس با کدامین جنس ؟ برابری کدام ملت با کدامین ملت ؟ برابری
 کدام طبقه با کدامین طبقه ؟

آزادی از نقطه نظر کدام نوع و با نوع کدام طبقه ؟ آزاد برای کدام طبقه ؟ آن کس که ما ز
 سیاست مکرسی ، آزادی ، برابری ، سوسیالیسم صحبت می‌داریم اینک این پرشها را مطرح نمائید
 بی اینکه آنها را در درجه اول قرار دهیم ، بی اینکه علیه کوششهایی که برای پوشاندن ، قایل کردن ، بسی
 ضرریشان دادن آنها میشود مبارزه نمائید ، بدترین دشمن زحمتکشان است ، گرگی است در لباس
 گوسفند و حشی‌ترین دشمن کارگران و دهقانان ، نوکر مالکین بزرگ ، تزار و سرمایه داری میباشد . در
 طی دوستان دریکی از عیافتانده ترین کشورهای اروپا ، قدرت شوراها برای آزادی زن ، برای برابری
 او با " جنس " قوی بیشتر از آن کرد که در طی بیچارگان ۱۳ سال همه جمهوریهاد موزکاتیک به پشرفتنه
 و روشن شده و نیانوده اند . تعلیم ، فرهنگ ، تمدن ، آزادی همه این واژه‌های قلمبه ، در همه
 جمهوریهای بورژوازی - سرمایه داری با قوانینی همستگي دارد که برای پستی آستانامی نیست و پله‌ها
 آنها تهنوع آرواست و خوشنآنهاست و منس و برینا برابری زن و قوانین ازدواج و طلاق آنها تازمانسردان ،
 پستکردن و توهین نمودن به زنهای صاحب میگردد " (نوامبر ۱۹۱۹) .

حزب توده ایران به سیاست ماهیت فلسفه مارکسیستی - لنینیستی که دارد از همان آغاز
 از این گفته و بزرگ گفته‌های بزرگان این مکتب الهام گرفته است و کوشش نموده که از همه در وضا و تزویر
 ها پرده در نی نماند و همیشه در برابر همه ادعاها این پرش را مطرح کرد و میگوید برابری زن با مرد در
 کجا و چه مشکل آید آنها در ریای کارگاه ها با کار با طاققت فرسایا بدستزد کمتر است و آنها برابری زن و رکشته
 شدن در صرف مبارزین است ، آیا ما در ایرانی میتوانیم با دلی آسوده امید واره به روش و آموزش فرزندان
 باشد آیا فرقی میان بچه دهان با بچه سرمایه دار نیست . .

پرشها به شمار هستند و تنهی بودن قوانین فرمایشی در ایران که حتی در مکراتیک بورژوازی
 نیست و کوشوری است تحت فشار وستم یک دیکتاتور خواریاد و نمونه بالاها انداره کافی روشن شد است .
 حزب توده ایران با این در وضا ، با این ستمها با این دستگاه مبارزه ای اساسی میکند و قدم
 به قدم روئند از چهره کره قامت ابرمیدارد و در وضا در زیبا را رسوا می‌نماید و مردم ایران را دعوت به مبارزه
 مینماید و در این مبارزه زبان راه می‌برد از صداند و از آتم می‌خواهد که حق خود را بگیرند .
 " حزب توده ایران با راهنما آنها با کوشش دستگی نباید بر ، آئی اوضاع مردم ایران غاف نبوده و
 نیست و اگر روزی بالا جبار عقب نشینی کرده این است که دست از مبارزه برداشته و با کارزار کارگزاران
 است در هر جا که باشد با سرش بیشتر و همیشه آماده در صرف حلوی نیروهای مترقی ایران است ، و با
 فلسفه بزرگ خود راههای آنها .

عماگونه از روی که پرولتاریا در اتحاد جماهیر شوروی قدرت را در دست گرفت شکل و وضع
 اجتماعی در سایه طور بار تغییر کرد و مینماید ، حزب توده ایران هم در رفیق ایران با مبارزات خود
 به سیاست اینک تنگنه به میروی طبقه کارتر دارد در تغییر و وضع شکل اجتماع ایران آنها مؤثر نبوده بلکه
 فخر بسیار برگی داشته است .

حزب توده ایران از آغاز کار برای روشن کردن مردم ایران چهرن وجه مرد را در دست رانشان داد
 و دست که آنها با همواره خود را بر روی تحلیل و منطقی بگذارند و خود جوابا شنید و بیننده که شکل
 اجتماعی ایران و ساختار آن ، چگونه است و چه باقی وجود دارد و اهرم زندگی در دست کدام طبقه

وقتر است و امروز هم همین را میگوید و روشن میسازد.

اجتماع ایران که بر پایه سرمایه داری گذاشته شده است تود مردم در آن اسیر و استعمار شده میباشد. در گذشته در ور زین برده بود و در اجتماع ایران از هر حقی محروم بود و امروز هم این بردگی همچنان ادامه دارد. نه حلقه ای از این زنجیر اسارت کم شده و نه به راستی و بمعنای واقعی حقی به زن داده شده است.

و باید یادیده روشن به این واقعیت نگریست و همیشه و در هر جا پرسشهای لنین را در برابر پیش آمده ها، لاف و کترافها، قوانین پسر و صدا و توغالی و تظاهرات ریاکارانه مطرح نمود و یاد درست داشتن پاسخ درست میتوان ساززه پیگیری و صحیح را دنبال نمود. این است آنچه را که حزب توده ایران در طی ۳۵ سال عمر پرازنشیب و فراخود نمود، ۳۵ سال که لحظه ای است در تاریخ اما به جای خود عمری است و در این لحظه حزب توده ایران بیدار آمده بود و موظف به ای که همین تاریخ انسانهای او را گذار نمود و تا آنجائی که توانسته انجام داده است و وفادار به گفته ها و خواستههایش بود و چنان اثر این ساز و همی بود که امروز حتی در ایران که وحشت، شکنجه و مبدادگری حکمفرما است ناگزیر شده اند که از حق زن بگویند.

یگانه سازمانی که زن را از هر طبقه و هر قشر از هر طبقه و از هر مذهب برابر با مرد میدانند و میخواهد که نیروی او و فکر او و ابتکار او و پرورش یافته و برای پیشرفت ایران به درستی به کار بسته شود حزب توده ایران است. برای سازمان بزرگ توده ای روشن است که بدین نیروی زن اجتماع پیشرفتند. بگذارد با گفته ای از مارکس این گفتار پایان یابد * در نامه ای که مارکس برای کوگلمان در ۱۸۶۸ فرستاده چنین مینویسد:

* همه آن کسانی که اطلاعی از تاریخ دارند، میدانند که کمپنیات بزرگ اجتماعی بدون خسر مای نیروی زن غیر ممکن میباشد، ترقی اجتماعی دقیقاً با موقعیت اجتماعی جنس زن با انداز مگیری میشود (نارنباها هم جزو آن هستند).

زنده باد اتر ناسیونالیسم پرولتری

درفش شکست ناپذیر مبارزه در راه

صلح ، دموکراسی ، استقلال ملی و سوسیالیسم

انترناسیونالیسم پرولتری صحت چند جانبه و متوسطیست . وحدت منافع بنیادی طبقه کارگر همه کشورهای ولت با هم یعنی آنرا تشکیل میدهد .

انترناسیونالیسم به همراه توسعه و تعمیق روند انقلابی غنی تر میگردد ، دایره عمل آن گسترش می یابد ، محتوی آن بر پایه تعمیم تجربه انقلابی راه کمال می یابد . تکامل انترناسیونالیسم پرولتری با رشد و تکامل طبقه کارگر رابطه گامیستنی دارد .

رشد آگاهی طبقاتی پرولتاریا یکی از جهات مهم تکامل انترناسیونالیسم پرولتری است . در اثر تشدید تضاد میان کارسرمایه و درک این تضاد از طرف بخش پیشرو طبقه کارگر شرایط بسطی اقدامات سیاسی بین المللی طبقه کارگر فراهم میشود . حزب سیاسی پرولتاریا از منافع بنیادی و مشترک پرولتاریای همه کشورهای ولتها را می بیند . گذار از درک عاطفی اشتراک منافع طبقاتی کارگران ملتهای مختلف به درک معنای همبستگی طبقاتی در سطح شعارها و برنامه های سیاسی نخستین جنبش مهم در جریان تحول آگاهی انترناسیونالیستی پرولتاریاست . این جنبش با فعالیت حزب سیاسی طبقه کارگر ، با فائق آمدن برخورافات ناسیونالیستی ، با مبارزه اش ناپذیر علیه ایدئولوژی بورژوازی و جریانات روزبه نیستی بستگی دارد . بدون این مقدمات پیروزی انقلاب اکثریت بزرگترین مظهر پیروزی انترناسیونالیسم پرولتریست مقدور نبود . با پیروزی انقلاب اکثریت تشکیل نخستین دولت دیکتاتوری پرولتاریا اصول انترناسیونالیسم پرولتری در پایه سیاست دولت شوروی قرار گرفت و سرای نیروهای انقلابی جهان تکیه گاه نیرومندی به بد آمد . پیروز و زمین جنگ جهانی و تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی ، انترناسیونالیسم پرولتری به اصل مناسبات میان دولتهای سوسیالیستی به اصل اتحاد سیاسی و نظامی کشورهای سوسیالیستی برابر حقوق و مستقل مبدل شد . برپایه این اصل است که روابط فرهنگی و ایدئولوژیک و همکاری اقتصادی جامعه کشورهای سوسیالیستی گسترش می یابد و هم پیوندی سوسیالیستی بنیان گذاری میشود .

جهت دیگر تکامل انترناسیونالیسم پرولتری توسعه دایره عمل آنست . انترناسیونالیسم پرولتری در آغاز تنها اصل ایدئولوژیک طبقه کارگر بود ، در دوران امپریالیسم توده های مستعبد و مستعمرات نیز بعد از آن کشیده شدند ، اکنون توده های وسیع دهقانی ، خرد و بورژوازی شهری ، روشنفکران و کارمندان نیز علیه سرمایه داری انحصاری مبارزه بر می خیزند . اگرچه در سافت اصل انترناسیونالیسم برای قشرهای غیر پرولتری سرراست واریزه بیخ و خم و تضاد نیست و بدون مبارزه دیگر با افکار ناسیونالیستی که در آنها ریشه های عمیقی دارد میسر نمیشد ، معذک قشرهای نامرده ، انترناسیونالیسم پرولتری را درک میکنند و با تجربه خود به ضرورت وحدت عمل با طبقه کارگر و سیستم سوسیالیستی جهانی می میرند .

به‌وزارت این تحولات پس از انقلاب اکثر شعار " پرولترهای همه‌کشورها متحد شوید ! " که مارکس و انگلس فرموله کرده بودند ، طبق رهنمود لنین تکمیل شد و شکل " پرولترهای همه‌کشورها و خلقهای ستمدیده متحد شوید ! " درآمد و اکنون جنبش کمونیستی جهانی محتوی این شعار را بشکل مشخص زیرمان کرده است :

" خلق‌های کشورهای سوسیالیستی ، پرولترها ، نیروهای دموکراتیک کشورهای سرمایه داری ، خلقهای آزاد شده و خلقهای اسیر ، در مبارزه مشترک بر ضد امپریالیسم برای صلح ، استقلال ملی ، ترقی اجتماعی ، دموکراسی و سوسیالیسم متحد شوید ! " (اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری بزبان فارسی ، صفحه ۲۳) .

گسترش روابط دوستی و همکاری میان احزاب کمونیستی و احزاب دموکراتیک انقلابی پس از آمدن مستقیم توسعه دایره انترناسیونالیسم پرولتری است . دموکراتهای انقلابی در مبارزه علیه امپریالیسم نقش فعالی ایفا میکنند . برخی از احزاب دموکراتیک انقلابی سوسیالیسم را هدف خویش اصلاح میدارند . در گزارش رفیق برژنف در کنفرانس بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی چنین گفته شده است :

" مادر کشورهای در حال رشد بطور کلی در همه جا هوادار نیروهای خواستار ترقی ، دموکراسی و استقلال ملی هستیم و آنها را در استان ورفقای همزمین پیش میدانیم ، حزب ما از خلقهای مبارز راه آزادی پشتیبانی کرد و خواهد کرد . " (جزوه یک کنفرانس تاریخی ، صفحه ۱۱) .

تکامل نرسمای حاکم بر مناسبات متقابل احزاب طبقه کارگر کشورهای مختلف نیز جهت سوم تکامل انترناسیونالیسم پرولتری را تشکیل میدهد . جنبش کمونیستی در آغاز پیدایش یک سازمان متمرکز بین‌المللی بود و احزاب کشورهای مختلف به‌شبهای آت‌ات‌تشکیل میدادند . امروز مناسبات احزاب کمونیستی و کارگری طبق نرسمای مصادف جلسه مشاوره احزاب برادرسال ۱۹۶۰ برقرار است . این نرسمای استقلال و برابری حقوق کلیه احزاب مارکسیستی - لنینیستی را تصریح میکند ، آنها را در برابر طبقه کارگر و جنبشگران کشورهای خود مسئول می‌نماید و در همین حال ضرورت همبستگی بین‌المللی و کمک متقابل احزاب را خاطر نشان می‌سازد و مسئولیت آنها را در برابر جنبش بین‌المللی کارگری و کمونیستی گوشزد میکند . تکامل نرسمای دموکراتیک در مناسبات میان احزاب طبقه کارگر ایجاد میگردد که برای تحکیم همبستگی بین‌المللی کمونیستها اشکال مناسبی درنا گرفته شود . در سند مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری سال ۱۹۶۹ گفته میشود : " اکنون که جنبش جهانی کمونیستی دارای مرکز رهبری نیست هماهنگ ساختن و اولیایان عمل احزاب به‌سود انجام موفقیت آمیز وظایفی که در برابر آنها قرار داده اهمیت بیشتری کسب میکند . و برای روابط بین‌المللی کمونیستها اشکالی از قبیل اقدامات همبستگی مشترک ، گسترش تماسها و مشاورات میان احزاب و تحلیل جمعی واقعیت معاصر را بهتر بینی میکند . در تأیید اهمیت این مشاورات رفیق برژنف طی سخنرانی در جلسه مشاوره احزاب کمونیستی اروپا در ژوئن ۱۹۷۶ چنین گفت : " تجربه ای که جنبش کمونیستی اندوخته و آموخته است . . . همه این تجارب مستلزم تحلیل و تعمیم است بویژه آنکه در تجربه هر حزب برادری علاوه بر ویژگی‌های تکرارناپذیر که با خصوصیات ملی بستگی دارد جنبه‌های عام نیز وجود دارد که برای سراسر جنبش مافوق توجه است . . . معیار درستی یا نادرستی این‌ها آن‌هاست که جنبش را در تجربه عملی میتوان یافت . اما پیش از آنکه عمل حکم نهایی را صادر کنند ، امکان ضرورت آن وجود دارد که این نظریات بحث رفیقانه از طریق مطالعه و وسیع‌نظریات و تجربه احزاب مختلف مورد بررسی قرار گیرد . آشکار است که در نتیجه این کار هم تئوری بهره خواهد برد و هم عمل ، امر مشترک ما بهره مند خواهد شد . "

ملاکهای انترناسیونالیسم پرولتری

ملاکهای عینی انترناسیونالیسم پرولتری برحسب قانونمندیهایی روند انقلاب جهانی، آرایش نیروها در عرصه بین‌المللی و موقعیت هر کدام از گردانهای انقلاب در جنبه مشترک تعیین میشود. نامرئی رشد روند انقلاب جهانی و یک سلسله علل تاریخی موجب میشود که همه این گردانها الزحاط عینی برای عمل انقلابی امکان یکسانی ندارند. لنین با توجه باین امر امکان پیروزی انقلاب سوسیالیستی را در یک کشور جداگانه بهتر بینی کرد و مستدل ساخت. وظیفه انترناسیونالیستی طبقه کارگر کشوری که شرایط عینی انقلاب در آن فراهم شده این است که با بنکار انقلابی ابراز دارد، وظایف پیشاهنگ را انجام دهد و منتظر آن نباشد که همین امکانات در همه جا فراهم آید و شک نیست که پشتیبانی از اقدام گردان پیشاهنگ از طرف کلیه گردانهای دیگر طبقه کارگر در این شرایط اهمیت خاصی کسب میکند و بستگی محکم انترناسیونالیسم مدلل میگردد. بدین سبب است که پیروزی انقلاب اکثر لنین و کمترین دفاع از نخستین دولت سوسیالیستی را ملاک عمده انترناسیونالیسم پرولتری اعلام داشتند.

در وضع کنونی که روند انقلاب جهانی گسترش یافته و وظایفی که در برابر گردانهای آن قرار دارد تنوع پذیرفته است، تعیین ملاکهای عینی انترناسیونالیسم پرولتری باید با توجه به منافع همه گردانهای کارمبارزه علیه امپریالیسم شرکت پیورزند، انجام گیرد، زیرا فعالیت کلیه نیروهای انقلابی در سراسر جهان و همه بخشهای مبارزه طبقاتی تاثیر متقابل و اهمیت دارند. اما واقعیت عینی چنین است که در کامیابیها و خنجرهائی بحر جهان، سیستم سوسیالیستی جهانی و تقویت مواضع آن نقش تعیین کننده ایفا میکند. عد توجه بآرایش واقعی نیروها در جهان امروزه نه تنها گسرتنی و سرانجام به تعریف ملاکهای عینی انترناسیونالیسم پرولتری کشیده میشود.

از آنجا که در وضع حاضر امکانات و اشکال ابراز بنکار انقلابی گردانها ملی گسرتش یافته است اصل انترناسیونالیسم نیز هم از جانب فرمیستها و هم از طرف رومیونیستها و عناصرنا سونیالیست مورد حمله قرار میگیرد. ولی همبستگی پرولتری این حمله و دشمنان خنجر انقلابی را دفع و تلاشهای تفرقه افکنان را نقش بر آب خواهد کرد.

برپایه تصمیمات جمعی و اسناد برنامه ای احزاب کمونیستی و کارگری انترناسیونالیسم پرولتری را میتوان بشکل زیرین بیان داشت:

- همبستگی و کمک متقابل کلیه گردانهای ملی طبقه کارگر در مبارزه علیه سرمایه داری انحصاری بین‌المللی، علیه همه نیروهای ارتجاعی، برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم.

- بکار بستن حداکثر کوشش از طرف هر یک از گردانها و طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری برای تحکیم مواضع نیروهای انقلابی و همه نیروهای دموکراتیک درون کشور و استفاده از قدرت روزافزون جنبش دموکراتیک کارگری برای تضعیف مواضع سرمایه داری انحصاری هم در عرصه ملی و هم در عرصه بین‌المللی، برای مبارک کردن اقدامات ستیجا و کارانه و ارتجاعی آن و برای درهم شکستن حلقه سجد پدی از زنجیر امپریالیسم.

- اجرای آنچنان سیاست ملی و بین‌المللی از طرف احزاب کمونیستی که بتحکیم سیستم جهانی سوسیالیستی بنانه عامل تعیین کننده روند انقلاب جهانی کمک کند، برقع سریع اختلافاتی که میان احزاب کمونیستی بروز میکند، باری رساند.

— تأمین کثمتقابل و همه‌جانبه جریانهای سه‌گانه جنبش انقلابی جهانی یعنی سیمتسم جهانی سوسیالیستی ، پروولتاریای بین‌المللی و جنبش‌های بخش ملی ، برای نیل به هدفهای مشترک صدامپریالیستی و ضد سرمایه‌داری انحصاری .

— پیروان اعضا* حزب ، طبقه‌کارگر و همه‌محتمل‌کنان با روح دوستی خلقها ، برابری ملت‌ها و نژادها ، آشتی ناپذیر با هرگونه مذهب و هرگونه مبارزه با هرگونه گرایش‌های مونیستی و عداوت با ناسیونالیسم ارتجاعی که طبقه‌کارگر و جنبش دموکراتیک را بتفرقه می‌کشاند و از نیروی عمده آن یعنی از اتحاد و مطالبه با نیروهای امپریالیستی محروم می‌سازد .

— دفاع پیگیر از وحدت صفوف جنبش کمونیستی جهانی ، فعالیت در جهت رفع انشعاب‌ها و اختلافات برای تأمین وحدت عمل : مه‌گردانهای مارکسیستی — لنینیستی در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و برای نیل به هدفهای عالی سوسیالیسم .

— دفاع از یکپارچگی و یگانگی تئوری مارکسیسم — لنینیسم ، پیشبرد و تکمیل خلافاً آن‌ها بتشریک مساعی جمعی همه احزاب کمونیستی و کارگری .

— وفاداری به منشی عمومی کمیته‌ترکان از راه جلسات مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری نتایج می‌شود . فعالیت پیگیر و صبورانه برای فائق آمدن بر انحرافات رایجی که در جهت ریزش سوسیالیسم راست ، خواه در جهت سکتاریسم و ریزش سوسیالیسم* چپ* .
دقت و تعمق در این اصول ارتباط نزدیکی موجود میان انترناسیونالیسم پروولتاری و مصلحت‌پرستی را نشان می‌دهد .

و نتیجه مردم‌پندگشور سوسیالیستی برنامه ساختن جامعه سوسیالیستی و کمونیستی را اجرا میکنند هم و آنچه می‌بینی خود را انجام می‌دهند و هم و آنچه انترناسیونالیستی خود را .

و نتیجه مردم‌پندگشور سوسیالیستی برنامه ساختن جامعه سوسیالیستی و کمونیستی را اجرا میکنند هم و آنچه می‌بینی خود را انجام می‌دهند و هم و آنچه انترناسیونالیستی خود را .
وجود تئوریهایی نمی‌کنند هم و آنچه می‌بینی خود را انجام می‌دهند و هم و آنچه انترناسیونالیستی خود را .
همین جملات را در مورد مردم‌پندگشور ، اغراض غلبه‌ای ، مردم‌شیللی و مردم‌پندگشوران سراسر جهان که علیه امپریالیسم ، در راه صلح ، دموکراسی ، استقلال ملی مبارزه میکنند میتوان تکرار کرد .

مبارزات مردم ایران در پیشاپیش آنها حزب توده ایران نیز برای برانداختن رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه و بطور کلی برای استبدادیک حکومت ملی و دموکراتیک در ایران هم انجام وظیف می‌بینی .
استوهم انترناسیونالیستی . این حقیقت در برنامه حزب توده ایران بشکل زیر تصریح شده است :
* حزب توده ایران بنا بر ماهیت طبقاتی و جهان‌بینی و خصلت‌های پرستانه خود به انترناسیونالیسم پروولتاری معتقد است و بر اساس شرایط حیاتی پیروزی انقلابی می‌شود ، مصلحت‌پرستی و انترناسیونالیسم حزب ما باید پذیرفته‌ناگسستی دارد* .

نئین می‌آورد هنگامیکه طبقه‌کارگر در مرکز همه ستم‌دیدگان و استعمارشوندگان قرار می‌گیرد و بطور خستگی ناپذیر برای حل تفرقه‌خواهانه مسائل ملی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی مبارزه میکنند ، هم و آنچه طبقاتی خود را انجام می‌دهند و هم و وظایف ملی و مصلحتی را . طبقه‌کارگر کمترین ، وفادارترین و وارث ، مدافع و ادامه‌دهنده سنت‌های ملت و ثروت فرهنگی آنست . بزرگترین رسالت مصلحتی طبقه کارگر آنست که برانداختن مالکیت بروساکن تولید و سرنگون کردن قدرت سیاسی استعمارگران ،
شاهرا پیشرفت جامعه را در راه مبارزه و شرایط رشد و تکامل ملت را فراهم نماید .

انترناسیونالیسم با بهترین مصلحت‌پرستانند و بر این حقیقت عمیقاً وفادارند که تلفیق

انترناسیونالیسم و صیبهن پرستی پیگیر برقراری تناسب صحیح میان وظائف ملی و وظائف بین المللی شرط لازم موفقیت مبارزه طبقه کارگراست .

زیرد فتر انترناسیونالیسم پرولتری است که سوسیالیسم در اتحاد شوروی ساخته شد ، بهرروز بر فاشیسم هیتلری تحقق پذیرفت ، حلقه‌های تازه ای از زنجیر امپریالیسم در کره زمین گسسته شد ، سیستم جهانی سوسیالیستی تشکیل یافت و اکنون مبارزه پروتوان نیروهای سه گانه جنبش انقلابین جهانی علیه امپریالیسم برای صلح ، استقلال ملی ، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم جریان دارد . حزب ما بحثا به یکی از گردانهای جنبش پرولتری جهانی دارای خصلت ملی و صیبهن پرستی واقعی است . برای اعضای حزب توده ایران ملت و صیبهن مقوله‌های زنده ای هستند . آنها نمیتوانند کم‌کم ملیت را نافی میکنند ، بلکه هیئت حاکمه و در رأس آن شاه است که با تسلط ساختن امپریالیسم با صیبهن ما ، احیا کاپیتولاسیون ، و بیخاریت دادن ثروت ملی ما ، پیوستن به پیمانهای تجاوز کارانه امپریالیستی ، تبدیل ایران به بازار فروش کالا ها و حتی محصولا شکستنا و زوری امپریالیستسا ویا نبرانی کردن صیبهن پرستان ایران برای حفظ فارتگری بیگانگان بمنافع ملی ما خیانت کرد و ملیت را نافی میکند .

اعضا حزب توده ایران صیبهن وزادگاه خود را دوست دارند و مبارزه میکنند تا استقلال واقعی آن تأمین گردد ، و مسائل رفاه و بهر روزی صیبهنمان فراهم آید ، ثروت طبیعی کشور بیخاریت امپریالیست های بیگانه نبرد و فرهنگ ملی ما مورد دستبرد گانگسترهای بین المللی نشود . حزب ما در این مبارزه از صیبهنکی بین المللی و انترناسیونالیسم پرولتری برخوردار است و متقابلا به ملت خصلت انترناسیونالیستی خود از جنبش جهانی پرولتری و جنبشهای متحد امپریالیستی و کوششهایی که در راه صلح و امنیت بین المللی میشود با تمام قوا پشتیبانی میکند .

اعضا حزب توده ایران در صفاک نظامی ، درهای اهدام هم از صیبهن پرستی وهم از انترناسیونالیسم پرولتری قهرمانانه دفاع کردند .

قد رمان ملی خسرو پوزنه در دفاع دلیرانه خود چنین گفت : " من باقتضای آتشی که بخاطر خدمت خلقهای ایران در درون سینه ام شعله میکشد راه حزب توده ایران را برترزید و او با پاد اذمان کم که جانم ، استخوانم ، خونم ، گوشتم ، پوستم و همه تار و پود وجود دتود های است ، من عشاق سوسیالیسم و عاشق صادقی آن هستم . . . حزب ما حزب استعمار شکن و مدافع استقلال و تمامیت ارضی خاله کشور است ، مقاصد اجتماعی حزب ما همه از منبوع بشر دوستی و احترام بانسانیت و خدمت به مردم آب میخورد ، ما میخواستیم برای همیشه با استعمار انسان از انسان که ما در همه مفاسد اجتماعی است خاتمید هم " .

پرویز حکمت جوئی آخرین دفاع در دادگاه متجدد نظر نظامی چنین گفت :
 " تا چند باید این غل و زنجیراتهامات در دست و پای دروستان خلق باشد و دشمنان قسم خورده ترقی و تعالی صیبهن و بد خواهان سعادت این مرز و بوم برگردانگان با یکویی کنند . بنده و امثال بنده نه جا سومر هستیم و نه خائن . جو اسیر و خائنین کسانی هستند که هزار حازد و بنسند دارند و دشمن این آب و خاک و تنگه گاه غارتگران خارجی میباشد و زهد آنها رهایی ، احساساتشان در وطن ، صیبهن پرستی آنها کاذب و تنها امر قدس در نزد آنها منافع فارتی و استعمار وحشیانه ای است که سالبها و از راهها و طرق مختلفه بآن پرداخته اند " .

رفیق خاوری میگوید : " احترام ما به اتحاد جماهیر شوروی احترامی است که ما کاملا طبیعی ، اتحاد شوروی نخستین وطن سوسیالیستی در جهان است ، بوجود آورندگان چنان نظام اجتماعی است که

همیشه معقول بزرگترین متفکرین جهان آرزوی آزاد داشته اند و امروز هم ترین نمونه تحقق آرمان ما و ایدالها^۱ انسان آزاد را جمهوری ایران می دهد . . . اتحاد شوروی دوستوفادار ملتهاست . تاریخ نظام اجتماعی نوین این کشور از نخستین روز وجود آمد نثر تا کنون مبین این ادعا است . . . حزب مسلمان خواهان تحکیم دوستی ملت های ایران و اتحاد شوروی است و بخواهی میدانند که این دوستی - شعرات گران بها و پرازری برای کشور ما در بردارد . کوشش حزب ما در تحکیم این دوستی چه از نظر منافع انتزاعی و سبوتالیستی و چه از نظر منافع ملی کوششی است منطقی و معقول . ما این کوشش را نمیتوان معنی ساز و مفهومی دیگری داد . علیرغم آنچه گفته میشود ، حزب ما در کار وفاداریت سیاسی خود استقلال کاملی دارد و انسانی که اخلاص احزاب بزرگ در کار احزاب کوچک مدتهاست که در پیش خریدارند دارد رفیق کارتر ما صاحب محمد زاده میگوید : " اگر سازمان های وابسته به حزب توده ایران در ادامه برنامه خود آزاد بودند و با پادشاه اینها و بربر همانه حمله نمیشد آنها آزاد می شدند و در مملکت ما بدین روز می رسید که امروز کمترین آثار آن زمان نیست . نه مجلس ، نه دولت ، نه رجال سیاسی ، نه طبقات و دیگر مملکت هیچ کدام نمیتوانند کمترین مداخله در امور داخلی مملکت خود شان بکنند . . . ادامه این وضع بنفع چه کسی است ؟ اگر این آزادی کشی و محو کلیه آثار دموکراسی از ناحیه افراد و رجال داخلی سرچشمه میگردد چرا وجه علت است ؟ و اگر بیگانگان و بالاخره امپریالیسم جهانی به نظر او استوار بازم بیشتر ملتها وضع موجود را ایجاد کرده است پس نظر ملت در این کار چیست ؟ چرا و چگونه باید مناسبت باید ساختنشست و با آن اجازه داد در امور داخلی کشور ما به روشنی که بخواهند مداخله کنند و از ما بپوشد سرشار و منافع ما بومی کشور ما مانند نفت و غیره نفع بیکران ببرند ؟ "

رفیق آصف زرم دیده در دادگانه ای میگوید : " من میخواهم بدانم که چرا در قانون مجازات عمومی ایران فعالیتها^۲ که بر مبنای ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم استوار است ، به عبارت ساده تر تشکیل مجامع دموکراتیک را بجهت مناسبت جرم شناخته اند ؟ . . . این خود تا صاف آوار است که به پروان چنین مکتبی را مذهب بوغان فروشی و اجنبی پرستی و جاسوسی میکنند . و تکیه باین سلسله مطالب سبب و اتهامات بر میخوریم و افعال ابرای من این شک پیش میآید که تمام مردم شوروی ، ملت کشورهای سوسیالیستی و حتی عده کثیری از مردم فرانسه ، ایتالیا و دیگر کشورها^۳ تکیه بر سوسیالیسم کرده اند ، باید جاسوس و اجنبی پرست باشند و من نمیدانم این اسم نام ای مترقی و پیشرفته با چه اسمی علمی بنفع چه کشوری جاسوسی میکنند و کدام اجنبی را می پرستند ؟ "

حزب توده ایران از نخستین روزی که فعالیت آغاز کرد استوار در مواضع انتزاعی سبوتالیسم پرولتری قرار گرفت و به ترویج ایدئولوژی دموکراتیک و ضد فاشیستی پرداخت . این امر در زمان جنگ دوم جهانی اهمیت فراوانی داشت زیرا اعمال فاشیسم نتایج مبنای ورتور پرستی به تشکیل احزاب پرداخته بودند ، بلکه نتوانستند با تبلیغات ناسیونالیستی و شوونیستی بخرامی آرزو شنگران و گروهی از محققان راسوی خود جلب نمایند . حزب توده ایران علیرغم همه تهدیدها و فشارها^۴ از رفقا صرفاً شجاعت و ارتجاع بعمل می آمد ، اهمیت پیروزی اتحاد شوروی در جنگ علیه تجاوزکاران فاشیستی را توضیح می داد و زمینکنش را برای گدیده مردم قهرمان شوروی بسیج میکرد . انتزاعی سبوتالیسم حزب توده ایران از درون صفوف خود سبز و با رمورد حمله قرار گرفته است . یکبار از جانب گروهی ضد انقلابی و ناسیونالیست برهمن خلیل ملکی ، بار دیگر از جانب گروه ضد انقلابی و ماوئیست فاسق - فروتن . حزب ما توانست در هر مورد ماهیت ضد انقلابی و ناسیونالیستی این گروه های انشعابی را افشا کرده از توسعه فعالیت در این کارها^۵ جلوگیری نماید .

تدریجاً نشان میدهد که در ماهیت سوسیالیسم و حقایق مربوط به جامعه سوسیالیستی و جنبش

حزب توده ایران در دفاع از منافع طبقاتی دهقانان زحمتکش و بخاطر حل بنیادی مسئله ارضی

حزب ما میتواند بخود ببالد که - طی سی و پنج سال گذشته - سرسخت ترین مدافع منافع دهقانان زحمتکش ایران بوده و بیگمترین برنامه را برای اصلاحات ارضی واقعی و حل بنیادی مسئله ارضی عرضه داشته و کوششهای بیمانندی برای بیدار کردن و متشکل کردن دهقانان نموده است. حزب ما برخوردی اصولی، طبقاتی و انتقادی بکار خود در روستاها و سیاست دهقانی خود داشته و ششادت اسناد و کارنامه فعالیت خود بر درامتها من اتحاد کارگران و دهقانان و تشکل مبارزده دهقانان کوشش بسیار کرده است. در عین حال حزب ما، همچونیک حزب لنینی، که خواستار بهبود مداوم کار خود و پیشبرد امر انقلاب است با وقت و موشکافی بحنیه‌های ضعیف کار خود در روستا و برخی موارد با اشتباهات خود بیشتر توجه نموده است. زیرا که همه برنامه‌ها و شعارها را مفاعلیت تشکیلاتی و سازمان دهی مادی رزمینه‌ها و مختلف و در رشته‌های گوناگون بسیار دقتتروود فستد تروموثرترا رزمینه ارضی و مسائل دهقانی بوده است.

حزب ما کار خود را در رزمینه دهقانی برشالوده‌ی سنت و سابقه ای غنی آغاز کرده و در این رزمینه نیز

۱ - حزب توده‌ی ایران وارث سنتهای حزب کمونیست ایران است.

حزب کمونیست ایران همواره مدافع قاطع منافع دهقانان فقیر و ستمکش بوده و کوشیده است مشی خود را در رزمینه ارضی بتدریج کاملترو د قیتر کند. حزب کمونیست ایران بر پایه تجربیات و سوابق جمعیتها ن سوسیال و موکرات انقلابی یکی از مواد اصلی نخستین برنامه خود را " معادله زمینهای مالکان بزرگ و فتودالها و تقسیم بلاعوض آنها در میان دهقانان " قرار داد. ولی در میدان عمل و پیرویه در زمان حکومت گیلان حزب د چار اشتباهات و جیب رویهائی شد که پسر از پلنوم مهبر ۱۹۲۹ و انتخاب حیدر عموا و قلی بد بزرگی حزب تصحیح کرد بد و تفاوت بین شعارهای استراتژیک نذیر " ضبط زمینهای مالکین بزرگ " و اقدامات مرمیوناکتیک نذیر " اضافه کردن سهم دهقانان " مشخصترو د قیتر شد. برنامه‌ی سال ۱۳۰۶ حزب کمونیست و ذیغی استراتژیک " محو کامل بقایای فتودالسم و الفسای اصول ملاکی ارضی و تقسیم بلاعوض زمینها ن اربابی و وقفی و خالصه بین دهاقین " را تعیین میکرد. و در برنامه حدائق " با در نظر گرفتن نرضنها ن لازم " هم بود وضع اقتصاد د دهقانان را بحساب مالکین " متذیر میداشت. بطوریکه در مسئله ارضی حزب کمونیست در مبارزه باراستگرائی موفق تریود و از آنجا که هنوز مرحله کودکی خود را میگذراند بیشتر در معرض بیماری جیب گرائی قرار میگرفت. پس از شهریور ۲۰ و پیاپی دیره رضاشاهی که در مرتکب مناسبات ارباب - رعیتی و تشد بد ظلم مالکسان برتت بود،

۲ - سیاست حزب توده ایران در مسئله ارضی

در شرایطی تند و پید شده اربابان فتودان همچنان حاکم مطلق بود و در هات بساط غارت و ستم

بسیار به ای رابراه انداخته و دهقانان را در عقب ماندگی مادی و معنوی باور نکردنی نگه داشتند. این سیاست در طول تاریخ سی و پنجساله حزب بتدریج شکل گرفته و کاملتر شده ، بفرمولبندی بهای در قیقتدرست یافته و همچنانکه از یک حزب زنده و در پیوند با توده ها و با تکامل جامعه انتظار میسر بود ، منجمد و خشک باقی نماند بود رجعت عمیقتر شدن ، در قیقتدرستن و در دستبرد بودن تحول پیدا کرد .^{۳۳} بعد از ده دهانیکه اساس مسئله و راه حل مارکسیستی - لنینیستی مسئله ، همواره برای حزب مسا روشن بوده ، در هر مرحله مشخص جزئی شرایط مشخص زمان و بویافته اصلی مبرم روز و امکانات و مقدرات عملی موجود توجه داشته و آنها را در فرمولبندی بهای خود در نظر گرفته است . مثلاً نخستین طرح برنامه حزبی بعلت و یافته خاص نبرد ضد هیئتروی و خطر بازگشت دیکتاتوری هنوز تصویر روشنی از یک برنامه ارضی را بدست نداد ولی یکسال بعد در ماده سوم برنامه ایکه توسط کفرا نرانی پالتی تهران (سپهر ۱۳۲۱) بتصویب رسید " تقسیم بلاعوض املاک خالصه و املاک اختصاصی رهاشاهه بین دهقانان ، با خرید املاک اربابی و تقسیم بلاعوض آنها میان دهقانان " ، طلب میگردید . در نتیجه اساسی و دواندیشه راهنما در این سند که بیانگر موضع اقباقی حزب مادی در دست مسئله است ، عبارتند از :
 اولاً تقسیم بلاعوض زمین بین دهقانان ، یعنی پول با قسطی بابت زمینهای میگیرند نباید بردارند و ثانیاً تفاوت بین زمینهای خالصه و سلطنتی از یکسو که فیض و معاد رهمشود و زمینهای اربابی که با خرید میگردید . با اینحال سند هنوز اندازه کافی دقیق و مشخص نیست . چرا که بین خود مالکان تفاوتی دیده نمیشود و مقصود از " املاک اربابی " روشن نیست ، تکلیف مالکان کوچک و متوسط معلوم نیست و در مورد دهقانان نیز فرمولبندی بسیار کلی است .

هنگامیکه حزب ، هنوز در ویرانعلنی ، سازمان دهقانی وابسته مبدود " اتحادیه دهقانان را بوجود آورد (سپهر ۱۳۲۲) در برنامهمان چنین نوشته شد : " با خرید املاک بزرگ و تقسیم بلاعوض آنها در میان دهقانان بی زمین و کم زمین ، تقسیم بلاعوض زمینهای خالصه و الخالی روابط مساوی و وجود ارباب - رعیتی " . مشاهده میکنیم که در اینجا اولاً صراحتاً و راستاً مسئله الخالی روابط ارباب - رعیتی بنماینده هدف اساسی تعیین شده ، ثانیاً بعشریندی مالکان توجه شده و مسئله با خرید در مورد املاک بزرگ مطرح گردیده و ثالثاً وجود فشریندی در میان دهقانان نیز در نظر گرفته شده و اعلام شده که نهضت دهقانان بی زمین (امم از صاحب نسق و با فاند نسق) باید زمین بگیرند ، بلکه دهقانان کم زمین که مقدار کم زمینشان ننگ افوی زندگی و رشد تولید را میگرد باید بحساب " املاک بزرگ " صاحب زمین بهتری بشوند . در آرزمان ، یعنی سی و دو سال بهتر ، بهنگامیکه اربابان بزرگ سلطه بسلا مزاح داشتند و در برابر جلوی تکیهگاه اصلی آنها و امیرالیم هنوز حامی آنها بود ، این تنها حزب توده ای ایران ، حزب طبقه کارگر ایران بود که چنین سیاست برداشتی از مسئله ارضی داشت . بداست که مدعیان امروزی ، آنهاشیکه میگویند حزب توده ایران خواستار اصلاحات ارضی نشد و بسیر مبارزات حزب مادر اینزمینه خطا بظلال میکشند ، این واقعیات انکارناپذیر را نادیده نمیانگارند . چند سال بعد هنگامیکه نهضت صد امیرالیمستی مبین معاصرات سنگین بر استعمار بود رسار وارد ساخته و عملاً کمربست دهقانی رژیم ، بویژه بر اثر اصلاحات ارضی ۱۳۲۵ حکومت دموکراتیک آذربایجان و رشد نهضت توده ای و دهقانی شکسته شد مبد ما با مرحله تازه ان از سیاست ارضی حزب و تدقیق و تعمیق آن روبرو هستیم . در حالیکه حد اکثر آنچه که دولت بد دهقانان ایران پیشنهاد کرده بود میداد " قانون ارضی سهم کشاورزان و سازمان عمران کشاورزی " بود که بنا بر آن ۲۰٪ از سهم مالکان کسرمیشد (۱۰٪ بسود دهقانان مربوطه و ۱۰٪ بر این عمران منقوئه ارضی) ، " انحصار کمت بد دهقانان ایران " یعنی سازمان علنی دهقانی که حزب غیر قانونی اعلام شده من مابوجود آورد .

بود خواستار " زمیند ارکردن کلیه د هفانان بی زمین و کیزمین ، تقسیم کلیه اراضی فئردالها و خانها ، بخشودگی کلیه قروض د هفانان بطور قطع و تقسیم مجانی و بلاعوض کلیه اراضی خالصه و املاک عصبی شاه " بود . این مطالب در نامه سرگشاده ای که از طرف انجمن مزبور بد کتر محمد مصدق نخست وزیر ضمن تشریح وضع روستاها فرستاده شد آمده است .

در آن زمان ، یکبرق قرن پیش ، مسئله مرکزی اصلاحات ارضی بنهادی یعنی حذف مالکیت بزرگ خصوصی بر زمین و زمیند ارکردن د هفانان زحمتکش با قاطعیت و بد رستی توسط حزب طرح شد . هیچگونه دروغ ، پرده پوشی یا افترا نمیتواند این واقعیت تاریخی را مخدوش سازد . بنظر حزب ، از همان زمان ، اولاً کلیه د هفانان میبایست از اصلاحات ارضی برخوردار شوند (نغآنکه مشمل اصلاحات متعلقه شد و ملوکا نمیمی ارض هفانان بمعنا وین مختلف محروم بمانند) ، ثانیاً کلیه اراضی فئودالها میبایست مشمول اصلاحات ارضی شود (نغآنکه مشمل اصلاحات نیم بند شاهانه اغلب مالکان مرغوبترین و بهترین زمینها را بپناهانه های مختلف در دست خود نگهداشته و زمیند اران صاحب سرمایه بدل گردند) ، ثالثاً زمیند ارشدن د هفانان میبایست مجانی و بلاعوض باشد (نغآنکه مشمل شیوهی ضد د هفانی شاه نکرد هفانان در مراحل چند گانه زیر با قسط و اجاره بپردازد) و بالاخره عوارض و آثار سلطه اربابان و زورگویی و دستاویز با بستگیها که بد هفانی د هفانی ، در زمینه مالی ، مهمترین و بد دردناکترین آنها بود ، میبایست از بین بردن شود و کلیه قروض بخشوده گردند (نه آنکه مشمل شیوه های شاهانه درین تعسیر گردن و با تنزیل و نرخ بهره اضافی هر ساله زنجیر و با بستگی د هفانان بد با خواران و سلفخرها و بانکهای دولتی و شخصی افزوده شود) .

در ضمن موضوع گیری طبقاتی ناطع ضد فئودالی و ارائه برنامه روشن ارضی در نامه نوشته شده بود : " نغمتها باید بد هفانان بی زمین و کم زمین مساعدت کرد تا بتوانند از خود آب و ملک داشته باشند بلکه بخرد مالکین و د هفانان دولت مند نیز باید کمک کرد تا از زیر فشار مالکین بزرگ و تعدیات ماسوران دولتی آزاد شوند " . حزب خود در ایران نوانسته مسئله ارضی را بعنوان تابعی از منافع عمومی طبقاتی نگار کرد و هفانان زحمتکش و همعزیزان کشور و روابستگی کامل با مسئله اساسی زمان ، نسرود ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه و آزاد بخواهانه ، و با در نظر گرفتن مقتضیات بکار باطرطی کردن نفت و صنوبر و شنگی مطرح نماید که موجبات جلب فخرهای هر چه وسیعتری از طبقات و قشرها و شیکه میتوانستند در پانینبرد سهم باشند فراهم آید .

از آنجده که گفتیم تحول مشی سیاسی حزب ورشد و تکامل سیاست و برنامه ارضی آن در طول زمان دید میشود . برپایه این برنامه و سیاست بود که

۳ - فعالیت عطفی حزب خود در ایران برای تشکیل و سازماندهی مبارزه د هفانان

انجام گرفت . اولین گامهای مقاومت و حق طلبی و جنبش د هفانی که با فافزار شاهانه (شهریور ۲۰) و انفجار حاصله در محیط سیاسی و اجتماعی ایران ابعاد کمی و کیفی تازه آن یافته بود ، میبایست توسط حزب جدید التامیر خود در ایران (مهر ۱۳۲۰) گشاده دهنده فعالیتها و سنننهای حزب گونیمت ایران بود ، سازمان یابد ، رهبرین شود و باشعراهای مشخص مجبهر گردند . فعالیت عطفی در میان د هفانان را حزب خود در ایران هم بصورت عطفی و استفاده از آزاد بپای قانونی موجود و امکانات عطفی و هم بصورت مخفی و غیر عطفی انجام میداد . باید توجه کرد که این امر تنها مربوط بتقسیم تاریخ زندگی حزب بد و دوره عطفی و مخفی نیست . چه بناد در وهله که حزب در مقابل کشور عطفی بود و حتی نماینده در مجلس داشت ، بعلمت تسلط کامل ارتجاع در مناطق معین و مطلق العنان بودن ارباب و خان متذوق و همچنین سوء استفاده آبان از برخی سننننا و مقبعماند گیها حزب ناچار

میشد در این مناطق بدو ورمخفی بکار سازمانی بهر از دواند پشه‌ها و شعارهای خود را بطور غیرعلنی و مخفیانه بمبارد هفانان ببرد. فعالین توده در این موارد مطابق موازین فعالیت مخفی شعارهای حزب را تبلیغ و منتشر میکردند و هسته‌های تشکیلات روستائی را در اینگونه مناطق بوجود می‌آوردند. پس از آنکه حزب را غیرقانونی اعلام کردند (بهمن ۲۷) با استفاده درست از آموزش‌لبنینی در آمیختن فعالیت‌علنی و کارمخفی، حزب توانست، درحالی‌که در مقام روستائی، "منحله و غیرقانونی" بود، تا سال ۳۲ فعالیت‌های آشکار و متعدد علنی و پراورزشی را سازمان داد و موازیه‌های علنی و قانونی کسار تشکیلاتی عظیمی را در راهات اریزش ببرد و در همه‌شکل و هفانان و تبلیغ میان آنها و وسیع آنها و مید اریشان، بگامیابیهای چشمگیر ناآل آید. برای فعالیت‌های آینده توجه باین گذشته غنی و پربار و در سرآموزی آران لازم است.

نمونه برجسته کار سازمانی در زمان علنی بودن حزب، تشکیل "اتحادیه" در هفانان و ابستنه و حزب توده‌ی ایران* (مهر ۲۳) و پراورزش قانونی شدن حزب، تشکیل سازمان علنی* انجمن کعبه هفانان ایران* بود.

پس از آنکه طی در میان اول موجودیت خویش بیکر حزب سربرعاشد یافت و حزب بویژه بتوسعه تشکیلات خود در شهرها و در کاخانه‌ها و در میان روشنفکران توجه نمود، کنگره اول حزب توده ایران (مرداد ۱۳۲۳) منجمله متوجه کمبودها و نواقص کار در راهات شد و اعلام کرد که " اکنون بیکر هنگام آرسیده که حزب توجه بنگار در روستاها معطوف دارد". خود ترکیب اعضای حزب نشان می‌داد که واقعاً هم باین جهت نیروها متوجه کار در روستاها کرد. در آنموقع ترکیب اعضای حزب عبارت بود از ۷۵٪ کارگر، ۲۳٪ کارمند، و تنها ۲٪ دهقان. در اجرای این رهنمود در اوائل پائیز سال ۱۳۲۳ تصمیم بتشکیل "اتحادیه هفانان" گرفته شد. قبلاً نخستین تشکیلات مخصوص دهقانان باینکار تود فایها، در دهات اطراف تهران و در برخی روستاها از ریاچان اخبر در سال ۱۳۲۲ ایجاد شده بود. برپایه این سازمان‌های محلی بود که "اتحادیه هفانان" بوجود آمد. تشکیل اتحادیه در تگان نیرومندی بجنبش در هفانی داد و آسرا متشکل و هدفمند ساخت. سازمان یافتگی تغییر کیفی در این جنبش بوجود آورد. طی سه سال عد فاعضای اتحادیه در هفانان بچندین هزار رسید. مبارزات روزمره بجا آورده‌استهائی سرمد در بسیاری نقاط منجر بآلغای بیگاری و جلوگیری از تجاوزات مالکان شد. در هفانان بحدود خود و بیرونی متشکل خویش و بلزوم مبارزه بی میبردند و این مسئله کوچک نبود. در ریاچان سال ۱۳۲۵ اتحادیه در روستاهای گلان و مازندان و کرمان و تهران و کردستان و خراسان و همدان و کرمانشاه و اصفهان و فارس و قزوین و اراک و یزد دارای سازمان‌های وسیع بود. تنها در اتحادیه‌های هفانی اطراف اصفهان ۱۵۰ هزار نفر نام‌نویسی کرده بودند. در مای سازمان‌های مستحکم دهفانی در برابر نیروهای زاندرم مسلحانه رزمیدند، در نقاط دیگری نیز کار بزد و خورد مسلح کذید. بعلوه حزب توانست با جمعیت دهفانی "مختلط طلی" که بک سازمان شرقی و پایگاه عمد طاش در روستاها بود، در آبانماه ۱۳۲۵ وحدت سازمانی بعمل آورد. فقط در زرنند ۱۵۰۰ نفر دهقان عضوا جمعیت حزب ما و اتحادیه در هفانان" ملحق شدند. همچنین حزب از فرصت کوتاه شرکت در دولت (از مرداد تا بهمن ۱۳۲۵) برای ژرفتر کردن رخنه در روستاها و ایجاد سازمان‌های دهفانی استفاده برد.

نقاه ایوان مبارزات دهفانی در سالهای ۲۵-۲۱، دستاورد‌های درخشان نهضت ۱۱ آذر از ریاچان و اصلاحات ارضی توسط حکومتلی در این منأقه بود که هم ستون فقرات سیاست دهفانی هیشکامه را شکست و هم بری جرد کند. ان برشالوده‌ی تمام ارباب - رعیتی وارد کرد و موجب تحولات آتی دانه دارن کرد و هم در تمام نقاط ایران - شم ارا را بکرد و تحرت بپسابقه ان در میان دهقانان

بوجود آورد. سازمانهای حزب توده ایران در آذربایجان که در دهات شبکه‌های فعال و برقدرتی بوجود آورده بودند، با الحاق بفرقه موکرات آذربایجان و اعلام حکومت ملی فرصت یافتند آنچه را که می‌گفتند وعده میدادند و در برنام خود مطرح می‌ساختند، به مرحله عمل درآوردند. پیانگی گتارو کسردار و وفاداری باصول اعلام شده را در عمل ثابت گشتند، زمین‌بد هفتانان زحمتکش را گردآوردند و برای اولین بار در تاریخ ایران اصلاحات ارضی بنیادی بدست دهفتانان و بسود منافع باقناتی دهفتانان زحمتکش اجرا شد.

هجوم خونین ارتجاع هار همراه با بازگشت اربابان، بسیاری از این دستاورد را نابود ساخت و دوسان بعد با توطئه بهمین ۲۷ و بد نبال غیرقانونی اعلام کردن حزب توده ایران " اتحاد بسود دهفتانان " نیز منحل گردید.

اما حزب بعد از چند سالی توانست تشکیلات علیی جدیدی برای دهفتانان بوجود آورد. این سازمان یعنی " انجمن کمک‌بد دهفتانان ایران " که دارای شبکه تشکیلاتی و روزنامه علیی مخصوص بخود بود توانست بنویسد و بیشتر کار مهمی در رهبرد سیاست حزب انجام دهد. در سالهای ۳۲-۳۷ حزب توده ایران در تشکل مبارزات سوزیهی دهفتانی و برای مطالبات خاص آنها پیشقدم شد. در مسواری مربوط بدعاوی ارضی و بهر مالکانه و بیگاری و آرزو اجرای قوانین مختلف کشاورزی و در مسئله مالیاتها و همچنین برای روشن ساختن طرز فکر دهفتانان آشنا ساختن آنها با ماهیت امورشان و دادن رابطه بین وضع مشخص و خواستها و مرم آنها با جریانات سیاسی و منافع اساسی طبقاتی خویش را با وضجهان حزب فعالیت و روشنگرانه تشکیلاتی و تبلیغاتی گسترده ای با انجام رسانید.

همچنین حزب توده ایران در زمینه درآمیخته ساختن مبارزات سوزیهی دهفتانی با مبارزات عمومی خلق در راه استقلال و آزادی علیه شرکت نفت، علیه امپریالیسم و برای خواستهای هگانی خلقسی و مهمی نظیر اساسی و راهگشاداشته و از امکانات علیی موجود برای جلسید دهفتانان بجایزه در راه این هدف ها استفاده نمود. نمونه: در میتینگ بزرگ ۸۰ هزار نفری اول ماه مه ۳۰ دهفتانان اذراف تهران در کنار کارگران و روشنگران و پیشموران بخیا با آنها آمدند، هزاران دهفتان رودباری پای پیاده بسود استقبال، گاندیدای نمایندگی در انتخابات مجلس که از جانب حزب توده ایران پشتیبانی میشد، شتافتند (فروردین ۳۱)، در کرمان نیز نمایندده حزبی از جانب دهفتانان روی دست تا مسافت زیادی برده شد، تشکل کمتهای مشترک ضد امپریالیستی در برخی از روستاها پس از سی تیر ۳۱، اعزام مرتب گروههای کارگری و روشنگری بد هات برای کار روشنگری و جلب دهفتانان... در این دوران بی میتینگهای چند صد نفری در دهات و در برخی قضبات با گرد آمدن زارعین چند ده نزدیک میتینگها چند هزار نفری تشکل میشد، دهفتانان ابتکارات جالبی برای خنثی کردن د سایر ساشران و زاندمهانشان میدادند تا میتینگ خود را برپا کنند. بدست نشستن در تلگرافخانه و اجتماع در مقابل ادارات کشاورزی و استناد اری و فرمانداری و جاری ساختن سیلنامه و ظومار و تلگرام اراشکل روز مرمبر حق طلشی شده بود. در دهات آذربایجان - چند سال پس از شکست حکومت ملی - دهفتانان مالک را از ده بیرون میراندند و حتی دستجات زاندمرم هم قادر نبودند مالک را بد بازگردانند. هفتای نبود که از ادمعان باچالوس، لنگرود، بانوشهر، شاهای یار دکان، مراغه یانسنجد خبراتراضات و دادخواهی در جراید منتشر نشود.

در مجموع مبارزات سازمانی و تبلیغاتی حزب توده ایران، فعالیتهای انجام شده، بازتاب اصلاحات ارضی سال ۳۵ در آذربایجان و عقب نشینیهای عمومی هیئت حاکمه در سطح کشور را بر مبارزه نیروهای مترقی، بیلا رفتن سطح سیاسی توده‌های دهفتان و مبارزه جوشی و آگاهی آنان واقع تازه

جنبش دهفانی گم کرد . اما درحالیکه جنبشهای دهفانی وسعت مییافتند ، رهبری سازمانهای
حزبی همواره قادر نبودند هدایت آنها را بعهده بگیرند و تکامل سازمان یافتن آنها را تأمین کنند .

اما هرچاکه کمیته‌های حزبی یا فعالین حزبی اهمیت فعالیت سازمانی درده را عمیقاً درک
میکردند ، بر دشواریهای ویژه این کار و منحنی آهستگی و کند ی آن و برناباوریها و عدم اعتماد اولیه
غلبه میکردند ، بلافاصله نتایج درخشان کار آشکار میشد . توده‌های دهفانی در اکثریت قابل ملاحظه
خود بسوی حزب جلب میگردد . این واقعیت ، نشانه نادرستی نظریه ناآمادگی در هاست و عیب
ماندگی ذاتی دهفان و میباید که صرف انرژی در آن و در نتیجه ی همه اینها گواهی اثر نبودن یا کسب
اثر نبودن فعالیت درده است . درست در همانجا که فعالیت تشکیلاتی و روشنگری در بین دهفانان
باهت و شور فعالین حزبی انجام میگرفت ، نهضت‌های دهفانی اوج مییافتند .

با گذشتن ۲۸ مرداد ۳۲ این مرحله از سیر نیز پایان یافت . سازمانهای حزبی در هم شکسته
شد . سازمانهای علمی و موزیکالیک تار و مار شدند . هیئت‌ها که از مبارزان توده ابا اعدادم و زندان
انتقام میکشید . با وجود آنکه امکانها سازمانی توده ایها بعد اقل کاهش یافته بود ولی ثمرات نبرد های
پیشین ، آگاهی روز افزون دهفانان ، خاطر موقتتها و روشنگریها همچنان اثر حق طلایی و پیکار را
در روستاها فروزان نگاه داشته تا جائیکه بر اثر همان مبارزات طولانی و پیگیر بود نشان عظیمی که
روستاها آورده و دیگر حاضر بتحمل بساط ارباب - رعیتی نبودند ، رژیم شامانچاردست به رفرم
از بالا زد و اصلاحات ارضی نیم بند و ناقصی را که در حال یک عقبنشینی و شمره فرعی آن مبارزات بر
شور انقلابی و برپا جلوه گیری از اعتلای جنبش دهفانی و انفجار رزائین بود براه انداخت . در جریان
اصلاحات ارضی تنها حزب توده ایران بود که از موضع مارکسیستی - لنینیستی توانست بد رستی
ماهیت ، عمق ، جهت و هدف تدابیر رژیم را ارزیابی کند . تنها حزب ما بود که با فعالیت روشنگری
و تبلیغاتی خود کوشید مرد مپو توده دهفانی را با این ارزیابی آشنا سازد و تبلیغاً معاوم فریانه را بر صلا
نماید و مبارزات وسیع دهفانان که میگویند حتی المقد و اصلاحات ارضی را در مسیر خواستهای خویش
سیر دهند باری رساند . گله ار سنجانی و زیرکشا و روزی وقت از اینکه دهفانان بجای آنکه بحرفهای
دولت توجه کنند ، بیشتر بر ادبوی پیک ایران گوشت میدهند و همچنین انعکاس وسیع شعارها و رهنمود
های مشخص حزب مادر زمینه‌ها و مراحل مختلف اصلاحات ارضی و نبرد اختن اجاره بها و د هبسا
و رانندان مالک بد و خواست تعمیق مواد قانون ، نشان مریخشی این مبارزه است . در این مرحله
که حزب فاقد شبکه سازمانی لازم در روستاها بود وزیر صر بات داعی ترور و اختناق رژیم شاه قرارداد است
نقدر درخور وسیع کننده و میدان آورنده را نتوانست در روستاها انجام دهد ، اگرچه علیرغم همه
مشکلات عمومی و دشواریهای داخلی همواره صدیق ترین مدافع منافع دهفانان زحمتکش باقی ماند
و همچنان و بحق ، از نظر اکثریت عظیم دهفانان آگاه تنها حزب مدافع صمیمی و پیگیر آنها ، تنها راهنما
و دلسوز آنها و بیانگر منافع طبقاتی و خواستهای صرم و د راز مدت آنها است .

نتیجه اینکه طی این سن و پنج سال چه از نظر رشد و بین مشی سیاست دهفانی و بر نامه ارضی وجه
از نظر فعالیت عملی و سازماندهی و تبلیغاتی برای بهداری و تشکل دهفانان ، حزب توده ایران آن
چنان کاری در دهات انجام داده است که حتی دشمنان هم نمیتوانند اثرات آنرا انکار کنند . دست
کم ، شکست انگیز است که گاه مدعیان بررسی " مارکسیستی " تاریخ معاصر ایران این واقعات را نسا
دیده میگیرند . هنگامیکه دسترسی به اسناد ممکن گردد و فعالین که خود دست اندر کار این کار
پر تپ و تاب بوده اند ، چند وجون آنرا بیان نموده و ارزیابی نمایند ، تا زمانیکه در بخش و ژرفای اینکار
پرشور و پراثر آشکار خواهد شد .

سیاستور برنامه ارضی و شعارهای حزب ما مبارزات علمی و اقدامات سازماندهی که همراه آن

بود ، جامعه ایران را در ارکان خویش تکان داد . از همان سالهاست که پرتو دهقانان ایرانی عوز شدند . قشراها ی هر چه وسیعتری از دهقانان با عرضه نبرد اجتماعی نهادند و حقوق طبسی برخاستند و موجبات سر دانی در بارو هیئت حاکمه شدند . از همان زمانهاست که تشکل و مبارزات دهقانان و آگاهی فزاینده آنان بصورت شعبی هولناک برای در بارو هیئت حاکمه درآمد و آنها را به فرمها و گدشتهها و عقب نشینیها و عوامل فریبها واداشته است . از همان زمانست که جرایم اصلاحات ارضی و انقادی بساط ارباب - رعیتی با من ناگزیر بدل شد . این همه ، مدیون حزب توده ایران است . و عشق و علاقه دهقانان زحمتکش بحزب توده ایران که آنرا حزب خود میدانند از همین جا ریشه و ما بصیگر د . به ارزیابی رفیع فقید کاخمش ، دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران * اگر چه حزب در زمان کارمخفی نتوانست توجه کافی بکار در ده کند ولی اثری که مبارزه حزب در ده گذاشت زد و ندی نیست . . . و هرگز هیچ سازمان سیاسی دیگری چنین نقشه عمیق برای ما * نمود البسم و نجسایت دهقانان ایران مناسخ ساخته بود * (نظری بدینتر کارگری و کمونیستی در ایران ، جلد اول ، صفحا ۱۷۸-۱۷۷) .

باتکیه بربک سابقتهاریخی بهتر از ۶۰ ساله ، مشحوب از نبرد و راه دفاع از منافع دهقانان ، و کوشش برای تنهیم بکبرانه در دستوجامع ارضی و بپاند آموزی مستقیم از تاریخ ۳۰ ساله اخیر خود ، با استفاده از آموزش جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم و بهره گیری از تجربیات د پرتکوشورها و احزاب برادر است که

۴ - برنامه ارضی حزب توده ی ایران

تدوین گردید و مرتباً جامع تر و دقیق تر شد و مشخص تر شد و خواهد شد . سیاست ارضی حزب ما و راه حلها یی که در مسائل دهقانی و کشاورزی عرضه میکند بویژه در اسناد رسمی حزب ، برنامه حزب توده ایران ، گزارشهای پلنومها ، قطعنامهها ، اعلامیهها ، تزار و رهنمود های کمیته مرکزی حزب و همچنین در مدارک و جزواتی که از جانب حزب انتشار یافته مندج است و نگاشته مختلف و جزئیات مشخص آن توسط دستگاه تبلیغاتی حزب توضیح داده میشود .

وجه مشخصه ی این برنامه عبارتست از مبارزه قاطع علیه بهره کشی و ستم بد دهقانان (چه در شک اربابی آن وجه در شکل سرمایه داری و نواستعماری آن) و اجرای تمام و کمال اصل زمین مال کسی است که روی آن کار میکند ، عبارتست از موضعگیری قاطع و روشن طبقاتی و طرح مسئله در چارچوب عمومی مسائل کشور و پیشرفت جامعه ما . یکی از مهمترین هدفهای آن جلب دهقانان به مبارزه و کمک بایجاد یک جبهه واحد از همه نیروهای میهنی و ترقیخواه است که اتحاد کارگرو د دهقان استخوان بندی آنرا تشکیل میدهد . خصوصیت د پرتان عبارتست از گرایش بسوی مشخص شدن هر چه بیشتر مواضع و اراده ی راجع لهای مشخص در زمینه های مختلف ، عرضه رهنمود های عملی در مورد افشار مختلف دهقانی و خواستههای متنوع زحمتکشان روستاها ، در مورد مسائل ویژه اقتصاد کشاورزی .

برنامه ی حزب توده ایران (مصوب پلنوم پانزدهم - تیر ۱۳۰۵) مسئله ارضی را در چارچوب کلی تکامل جامعه ایران و موافق با مرحله کنونی رشد اجتماع و انقلاب ایران طرح میکند . برنامه یی حزب با بررسی دقیق و علمی و واقع بینانه تحولاتی که در روستاها روی داده و نتایجی که اصلاحات ارضی به بار آورده ، این واقعیت مهم را که حائز اهمیت درجه اول است خاطر نشان میکند که * حل بنیادی مسئله ارضی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین و بسود تمام جامعه همبندان در دستور و مبارزه باقی است * (برنامه ی حزب توده ایران - صفحه ۱۳ ، چاپ آذر ۱۳۰۴) .

حزب ما در این زمینه هر د و انحراف راست و چپ را طرد کرد . نه معتقد شد که اقدامات شتم بنسند

و متفقد هی شاهانه مسئله ارضی را حل کرده و اصلاحات ارضی بنیادی انجام گرفته و نه منکر هرگونه تنگی و درگیری در روستاها و وضع مالکیت شد. حزب مابعد، جا، نقش و ماهیت این اقدامات را بنیاده پنداشتند و بنیادین همرا با عوام فریبی ها، ملو از نارسائیهها و باروش آشکارا ضد دهقانی و بنیاده کوششی نو استعماری برای ایجاد محملها و شرایط لازم برای بسط مناسبات سرمایه داری در روستای ایران ارزیابی کرد که بناچار زوان تدریجی مناسبات ارباب - رعیتی را به همراه دارد، بدون آنکه مسئله ارضی را بسود دهقانان حل کند. در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بنیادین اعلام خاتمه یافتن اصلاحات ارضی رژیم گفته میشود که ما " طرفدار انجام یک فرم ارضی بنیادی و همه جانبه توسط دولت ملی و دموکراتیک بر اساس منافع با بقای دهقانان زحمتکش و با شرکت خود آنان هستیم " .

عواملی که در حال حاضر در تعیین سیاست و برنامه ی حزب مابعد نظر قرار میگیرند عبارتند از: رشد نسبتا سریع مناسبات بهره کشی سرمایه داری در روستاها و سعی فراوان دولت در این جهت، رسوخ روز افزون سرمایه های امپریالیستی در کشاورزی، بی زمین ماندن میلیونها تن از دهقانان، سلب مالکیت ارضی و غارتگری از دهقانان کم زمین و زیر مالکان و خرید مالکان، رکود تولید کشاورزی، بحران زندگی مزیستی که تقریبا همه رشته های کشاورزی را در بر گرفته و ریشه این زمینه حیاتی اقتصاد ما را میپوساند، بیخانی وورشکت و مهاجرت های روستائی به بیرویه و غیره با بی آمدن های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و انسانی آن، با رستگین انواع پرداختها، فشار از اندام و ساواک و رستاخیز انواع ادارات دولتی و رنتیجه و باروشی مستقیم دهقانان با دولت، وضع بد زندگی و مسکن و بهداشت و آموزش در دهات .

در این شرایط، مشخص تاحین بنیادی مسئله ارضی را با طرد راه رشد سرمایه داری، تأمین استقلال کامل سیاسی و اقتصادی و وارد سلطه امپریالیسم، با سرنگونی بساط تورپو و اختناق و سيطرة سلطنت استبدادی مربوط میکنیم. ماحل قطعی و نهائی مسئله ارضی را در سمت گیری سوسیالیستی جامعه توسط یک حکومت جمهوری ملی و دموکراتیک می بینیم که راه را برای زدودن هرگونه استثمار خواهد گشود. در این چارچوب مایقشریندی درون دهقانان و تشبیرات مداوم لایه های مختلف آن در روستاها، مبتلاشی مالکان قدیم و قشرهای مختلف زمینداران صاحب سرمایه توجه داریم و تضاد هایی را که در حال زایش و نمو هستند و بهتر از بهتر سیمای روستای ایران را مشخص میکنند در نظر میگیریم و در نتیجه برنامه ارضی همه جانبه ابراه ارائه میدیم .

دینک فرمول بندی کلی در باره جنگونی حل مسئله ارضی، برنامه حزب توده ایران (در بخش ۴ فصل ۲ ماده ۸) چنین میگوید:

" اجرای اصلاحات ارضی بنیادی از طریق مصادر زمینهای متعلق بزمینداران بزرگ و ملی کردن موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری، در برگردن زمینهای با پرومووات و هرگونه زمین قابل کشت بنیاد و تأمین زمین کافی برای دهقانان بی زمین و کم زمین، تضمین مالکیت دهقانی، کمک همه جانبه با ایجاد شرکتهای تعاونی تولیدی دهقانی مجهز به تکنیک و شیوه ملی تولید، تأمین و تسهیل اعتبارات و دینکی برای دهقانان، گسترش شرکتهای تعاونی فروش و مصرف بسود دهقانان، گسترش تولید کشاورزی و تثبیت قیمت عادلانه برای محصولات کشاورزی، بکار بردن کلیه وسایل و امکانات لازم برای حل مسئله آب، انقاع و امپا، اقساط زمین و بکارگیری تکنیک توسط مالکان و دولت علیه دهقانان بعمل آمده ... " (برنامه، ص ۴۲) .

در این در تمام آن نکاتی که مستقیما مربوط به مسئله است مطرح شده ولی البته تمام جنبه های سیاست ارضی مانند شرایط و پیشنهاد های ما و برنامه ما را در زمینه ارضی و مسائل دهقانی در بر نمیگیرد. همانطور که از مطالب خود برنامه پیداست برای ما مسئله ارضی در جامعیت و بیشتر در رابطه با مسئله

تولید کشاورزی و رشد آن و تأمین خود کفائی معذور، در رابطه با تحول تأمین اجتماعی بفع اکثریت مردم و مندمله در قانون زحمتکش مطرح میشود. در همین برنامه هنگامیکه از "تحکیم استقلال اقتصادی کشور" و "خانه دادن به سلب مفارقت و مداخلات انحصارات و دلبتهای امپریالیستی و پایان دادن بسبب سیاست همیوندی با امپریالیسم در زمینههای اقتصادی" سخن میرود نتایج عملی آن مستقیماً متوجه اقتصاد کشاورزی ماست. مادر رابطه با مسئله ارضی و هسته مرکزی آن مسئله مالکیت بر زمین و دیگر مسائل تولیدی، مسئله اتخاذ یک سیاست کشاورزی ملی و مستقل و همکارانه است که ادعای حاکمیت رورافزونی و درجه اولی یافته استعمار میکنیم (بندب، ص ۳۰). بعلاوه آن مواد برنامه که مربوط به تأمین حقوق مکارانیک و انحلال سازمان امنیت و حق کامل زحمتکشان در تشکیل اتحادیهها در دهقانان و خالصت واقعی آنها در امور تولید و شرایط کار و زندگی و تأمین حق اعتصاب برای زحمتکشان در است (بندج، صفحه ۳۰ و ۳۱ برنامه) مستقیماً بوضع دهقانان و رابطه دهقان - دولت مربوط میشود و دوامی بر مهم از مسائل حیاتی اجتماعی و سیاسی و دهقانی را حل میکند. در برنامه حزب توده ایران رابطه‌ی مابین بیومدن مشی سرمایه داری رشد در اقتصاد و تشدید استعمار باشد بد جهت صدور دموکراتیک در سیاست و تسلط استبداد خاطر نشان شد و معلوم میگردد که حتی بنیادین مسئله ارضی جز در پیوند با استقرار دموکراسی و تأمین شرکت توده ها در دهقان در تعیین سرزینت خود و عمل آزاد و مستقل سازمانها در دهقانی یعنی جزایا زمین بردن رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کونی ممکن نیست. همچنین در برنامه حزب هنگامیکه از "ملی کردن موسسات متعلق به انحصارها و مصادر اموال خاندان پهلوی و سایر خائنین بخل و میهن" سخن میرود (ص ۳۱) جلوه دیگری از عملکرد سیاست ارضی حزب توده ایران و از راههای پیشنهادی در مارامتوان دید. حتی مواد میمانند "انحصار زرنگایی خارجی در دست دولت و تشدید بیومدن ملی بودجه دولتی با توجیه اولویتهای اقتصادی..." (ص ۳۱) با برنامه ارضی حزب ارتباطی غیر مستقیم دارند، برعکس، این جزو لاینفک سیاست ارضی ماست. حل مسئله تولید داخلی کشاورزی و دموکراسی و لزوم رشد سالنوموزی آن، جلوگیری از واردات بی بند و بار و یاد کردن محصولات داخلی و نوسان بازار و غیر اقتصادی شدن کار کشاورزی و اعمال و رشکتهای و بیخانمانیها بخش از یک برنامه جامع ارضی است. بالاتر از این، مسئله ارضی را باید در کنار یک سیاست اقتصادی و مالی و اعتباری و صحیح، سالم، علمی و دهقانی بسود زحمتکشان حل کرد. حل مسئله ارضی بنیاداً جامعیهها، اجتماعی مسئله نظیر سطح زندگی دهقانان و مسائل مشخص و انسانی ناشی از آن، تشدید مبارزتها در روستای بصورتی عقلانی و برنامه ای و سانه سازان اقتصاد و اجتماعی، مسئله تنظیم قانون کار دموکراتیک و از زمین بردن بیثاری و نیمه بیگاری در روستاها که بلیعه تأمین ده ایران شده، تأمین بیمه اجتماعی مترقی و باز نشستی زحمتکشان روستاها، مسائل بهداشتی و شبکه درمانگاهها و داروخانه ها و مسئله آموزشی و شبکه مدارس و مراکزها، تأمین مسکن شایسته و مناسب برای دهقانان با کمک دولت و اجراء طرحان نوسازی روستاها و غیره را نیز در بر میگیرد و همه این نکات در رنددهای مختلف برنامه حزب ما (صفحات ۳۲ و ۳۳ برنامه) آمده. ما آنها را جزو لاینفک سیاست ارضی خویش تلقی میکنیم.

مسئله اساسی اصلاحات ارضی بنیادین، مسئله مالکیت است که در برنامه حزب ما با اصول مصادره اعلان سلباتی و زمینداران بزرگ و ملی کردن موسسات بزرگ سرمایه داری و امپریالیستی از سوسیالیسم و مسافیت دهقانان از هرگونه برداشتی در مفاید و گذار زمین و انقادی هرگونه وام و قسط و دیگر سبب تدهیلات مشخص میگردد. راه حلی که ما ارائه میدهم - بدجانبه است و از باقی دید وسیعی برخوردار - ماصورتها در رشد تولید و لزوم داشتن بازار معالی کار و تأمین مصرف و نیاز بازار را جمعیتی رورافزونی را در نظر

داریم و میدانیم که بویژه در شرایط نوین عصر انقلاب علمی و فنی، روی آوردن به تولید وسیع میتواند امکان بهره‌گیری از تکنولوژی مدرن و - تاورد های علمی و فنی را بسود جامعه و همه مردم امکان پذیر سازد. از این رو در برنامه از یکسوی مقتضای محل و بنا به مورد مشخص، ملی کردن موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری و ایجاد واحدهای وسیع دولتی تولید کشاورزی در نظر گرفته شده است و از سوی دیگر - با در نظر گرفتن تعادل و اولیای دهقانان و کمندولت تشکیل تعاونیهایی تولیدی دهقانی در مدارج و مراحل مختلف تکامل با استفاده از وسائل جدید و تکنولوژی مدرن بدست خود دهقانان و زیر - ندرت خود دهقانان پیش بینی شده. در همین حال کشور ما وسیع و شرایط اقلیمی و جوی آن گوناگون است و دهقانان دارای سنتها و عادات مختلف و سطح تکامل مادی و معنوی نامتکون هستند. این وضعیت و همچنین درجه آرجوب منافع مشخص اقتصاد ملی و شرایط معین اجتماعی - اقتصادی تعاونیهایی و تعاونیهایی تولیدی شخصی دهقانی نمیتوانند یکسان نباشد بلکه در ولت ملی و در موکراتیک ممکنه که در ایران بالا بردن سطح بهره‌دهی آنها و اقتصاد کردن آنها و بالا بردن سطح زندگی مادی و فرهنگی این دهقانان انجام خواهد داد. تخصیص مالکیت دهقانی در برنامه‌های ما تصریح و تاکید گردیده است.

برنامه ارضی علاوه بر بردن فهای دراز مدت و استراتژیک، هدفهای کوتاه مدت و اقدامات تاکتیکی را نیز در بر میگیرد که پاسخگوی خواستههای مردم روز مسائلی من روجه در جریان زندگی روزمره مناسطی مختلف و در مقابل با تدابیر و اقدامات رژیم کنونی است. حزب توده ایران گام به گام در جریان حصول رویدادها و همراه با املات مشخص قشرهای مختلف روستائی، شعارهای مشخص و مرموز را ارائه داده و در رساندن آنها و حفظ منافع آنها و راهبردی و راهبردی آنها و نشریاتی و تبلیغاتی خود با این مسائلی مشخص روز توجه خاص مبذول داشته، عواقب سیاست دولت و قوانین مصوبه را بهر بلا ساخته، در رسیدن دهقانان و دست دادن به مبارزه و حق طلبی آنان بنده و مشخص در هر مورد مشخص میگوید.

در حان حاضر که " تضاد های نوینی در روستاهای ایران در کار بردن است و شرایط برای گسترش آتی مبارزات دهقانی نضح مییابد " (برنامه، ص ۱۳) وظیفه خود را بر وحساسی در مقابل حسرت قرارداد: وظیفه توجه با هم عمیقتر مسئله ارضی، مشخصتر و قیتر کردن برنامه ارضی، تعیین شعارهای مردم بسیج کننده روز، جلب دهقانان مبارزه برای گرفتن حق خویش و اعتقاد بد رستس راهی که حزب توده ایران نشان میدهد.

بانه از صفحه ۶۸

ها و ناقلین بهسولت انجام نمیگیرد، بویژه هنگامیکه سنخ را بسته و سنگ را گذاشته باشند. امیریا و ارتجاع و همدست آنها ما نویسیم برای تحریف حقایق و دروغ برداری در مورد واقعیت اتحاد شوروی و جنبشهای انقلابی کوشر فراوان بگام میروند. بدین سبب ما رز علیه جعلیات ارتجاع و کوشش برای تبلیغ حقایق بمثابه و حفظ انترناسیونالیستی بخش مهمی از فعالیت حزب توده ایران را تشکیل داده و تشکیل میدهد. حزب توده ایران پیوسته از مبارزه همه خلقها در راه صلح، دموکراسی و استقلال ملی پشتیبانی کرده است. تمامشریات، گفتارهای رادیویی و تبلیغاتی شغاهی حزب توده ایران در مورد مبارزات مردم همه کشورهای جهان سرشار از روح همبستگی و انترناسیونالیستی است.

حزب توده ایران و حل مارکسیستی - لنینی مسئله ملی

طرح مارکسیستی - لنینیستی مسئله ملی در انطباق با واقعیت ایران بعنوان کشوری زیر سلفه امپریالیسم با اقتصاد دهقانی و کثرتالطه از ستاورد های حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر کشورماست . با قاطعیت میتوان گفت که این تنها حزب توده ایران است که در مسئله ملی با نگاه کردن به واقعیات از دید ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی و توجه به تجارب غنی مارکسیسم - لنینیسم در حل مسئله ملی صحیح ترین و یگانه راه حل مسئله ملی را به جامعه کشور ما و کلیه ملل و اقوام ساکن این سرزمین ارائه داده است .

سیاست مارکسیستی - لنینیستی حزب توده ایران در حل مسئله ملی سیاستی است که هم با مقتضیات تاریخی - اجتماعی کشور ما بعنوان کشوری زیر سلطه امپریالیسم و کثرتالطه که تا همین امروز توده های دهقانی در آن اکثریت دارند انطباق دارد و هم در جهت تامین منافع طبقات زحمتکش و متزقی جامعه و کلیه ملل و اقوام ایرانست که برای کسب حقوق اجتماعی و ملی مبارزه میکنند . سیاست مارکسیستی - لنینیستی حزب توده ایران در حل مسئله ملی همچنین با مبارزات ضد امپریالیستی و رهاش بخش ملل کشورهای در حال رشد برای نیل به استقلال و آزادی ملی پیوند ناگسستی داشته و در اردو و پیروزی جوامع کشورهای سوسیالیستی در حل کامل مسئله ملی و ایجاد اجتماعات فارغ از هر نوع استثمار و تبعیض ملی الهام بگیرد .

راه حل صحیح مسئله ملی و تدوین سیاست مارکسیستی - لنینیستی که در این زمینه امروز از خا گرانهای د شورویک حزب مابود و رانهای پراتیک انقلابی آنست یکباره و بدون اشکال تدوین نشده . حزب مادریکاری امان علیه سیاست مستعمراتی امپریالیسم و سیاست ستم ملی طبقات خاکمه و ارتجاع داخلی ، در مبارزه سرسخت علیه گرانپشاهای شورونینیستی و ناسیونالیسم ارتجاعی در جامعه ایران و سایر طسرد ناقلان افکار انحرافی در مسئله ملی از رون خود به انتخاب مشی مارکسیستی - لنینیستی مسئله ملی و پیروزی آن در جنبش کارگری - کمونیستی ایران نائل آمد و همیآید .

راهی که حزب مابری تدوین و پیروزی مشی مارکسیستی - لنینیستی مسئله ملی در جنبش ملی و موکراتیک و کارگری کشور ما پیموده و همیآید مانند خود زندگی بفرنج ، پریچ و خم و مشکلات بسیار مواجه است . امپریالیسم و ارتجاع ایران هیچ فرصتی را به منتظر تحریف سیاست و مشی حزب توده ایران در مسئله ملی بلا استفاده باقی نگذاشته و نمیگذارند . آنها ابراهین مشی ، حزب توده ایران را مورد خصمانه ترین حملات تبلیغاتی و پلیمسی قرار داد و میبندند . منحرفین داخلی نیز بنوبه خود کوشیدند تا با زهر شورونینیسم ملت حاکم و یا تکیه به ناسیونالیسم ارتجاعی ملل و اقوام زیر ستم ، حزب ما را به قبول مشی های انحرافی راست و " چپ " در مسئله ملی بکشانند . این افتخار بزرگی برای حزب توده ایران است که در مدت ۳۰ سال موجود پت خود نتوانسته هم حملات مفرضانه امپریالیسم و ارتجاع داخلی را به سیاست ملی خود دفع کند و هم منحرفین درون حزبی را افشا ساخته و به پیروزی مشی مارکسیستی - لنینیستی مسئله ملی در شورای و پراتیک انقلابی خود نائل آید .

مش مارکسیستی - لنینیستی حل مسئله ملی در ۳ سالی که ارتاسپهر حزب توده ایران میگذرد از عناصر مهم و پایه ای بقای حزب ماست که بتصدیق دست و دشمن باشد بدترین وسعانه ترسین حملات بی درین امپریالیسم و ارتجاع داخلی مواجه است . شبهه نیست که ادامه این مشی و دفاع بهیچر و مستمرا از اصول آن در آینده ، از عوامل مهم بهر روزی مجموعه جنبش ملی و دموکراتیک و کارگری در جامعه ایران بود و همین گفتمل و اقوام ساکن این سرزمین راه برابر حقوق و اتحاد و اولتانه در چارچوب مین واحد و برپایه حفظ تمامیت ارضی ایران تامین و تضمین میکند .



درباره برخی جهات و جوانب آموزش مارکسیستی - لنینیستی مسئله ملی

مارکسیسم - لنینیسم در مسئله ملی و حل آن آموزش جامع و از تجربه گذشته بسیار غنی دارد . مسئله ملی و یاد تفریق نگفته شود ، مسئله رهایی از استعماری و تامین شرایط آزاد برای رشد ملت در مارکسیسم - لنینیسم منوله مشخص تاریخی شناخته شده است . این بد انمعنی است که پیدا بشد ملت و شکل گرفتن ملی اقوام دارای جهات مشترک محصول دوران معینی از رشد اقتصاد - اجتماعی است . مضمون و اهمیت مسئله ملی نیز تا تغییر بشری است . متفاوت است .

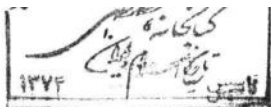
ملت انسجام اقوامی است که از اشتراك در شرایط مادی زندگی برخوردارند - یعنی دارای سرزمین مشترک ، حیات اقتصادی یکسان ، زبان واحد و فرهنگ مشترک هستند . این انسجام با زوال فئودالیته و پیدا بشد رشد سرمایه داری آغاز میگردد . پایه اقتصاد پیدا بشد ملت توسعه و تحکیم روابط اقتصادی و ایجاد بازار ملی در کشور مفروض و معینی است .

در جریان پیدا بشد رشد سرمایه داری اقوام دارای وجوه مشترک بصورت ملتهای بورژوازیسی انسجام می یابند . سیمای سیاسی - اجتماعی و معنوی این ملتهار اشد بد تضاد های طبقاتی ، آنتاگونیسم ملی ، کینه و نفرت نسبت بملل دیگر ، با آمدن باروحیه توسعه طلبی و تمایل به برده ساختن و تصرف سرزمینهای دیگران تشکیل میدهد . این وضع از آنجائشانی میشود ، که در این دوره تاریخیسی بورژوازی و احزاب ناسیونالیستی آن نیروهای رهبری کننده جامعه هستند .

پیروزی انقلابهای پرولتاریائی ، که از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر آغاز میشود ، شرط نوینی برای تغییر سیمای ملتهای و انسجام اقوام دارای وجوه مشترک بصورت ملت پیدا آورده . با محسوس سرمایه داری و انتقام حاکمیت به طبقه کارگر در کشور مفروض سیمای ملت بکلی دگرگون میشود . تضاد های طبقاتی و آنتاگونیسم ملی از میان ملت رخت برمی بندد . کینه و نفرت نسبت بملل دیگر ، جای خود را به خیرخواهی و بویهرستی میدهد . موجبات با آمدن ملت باروحیه توسعه طلبی و تمایل به تصرف و نصب اراضی دیگران ازین برداشته میشود و جای خود را به اعتماد متقابل ، دوستی و کمک ملتهای اقوام ساکن بند . سرزمین بیکدیگر میدهد . در این شرایط ملتهای پیشرفته بکمک ملل و اقوام عقب مانده میثابتند و با ابراز کمک ، همجانانه به آنها کمک میکنند تا برفع عقبماندگی خود نائل آمده و انسجام ملی خود را بصورت تمدنی به ملتهای پیشرفته سوسیالیستی بپایان برسانند .

نمونه گام اینوضع را ما هم اکنون در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی که در آنها ملل سوسیالیستی در نارهم ، فارغ از هر نوع خصوصیت ملی و طبقاتی زندگی میکنند و بر پایه ملی بمعنی واقعی گمفائل شده و میشوند در حل و جزم داریم .

آموزش مارکسیستی - لنینیستی مسئله ملی حاکمیت که جنبش ملی تمدنی اقوام دارای وجوه مشترک



بعلمت‌های بورژوازی و سوسیالیستی از آغاز تا کنون مراحل تکاملی پیوسته و پیوسته‌گیری را طی کرده است. جنبش‌های تبدیلی اقوام دارای وجود مشترک بعلمت مانند خود سرمایه داری ابتدا در غرب آغاز شد و دوره اول انقلابات بورژوازی - دموکراتیک سالهای ۱۷۸۹ تا ۱۸۷۱ در اروپای غربی و آمریکا بنا به تعبیر لنین " دوره اول جنبش‌های ملی " را شامل می‌شود. در این دوره بورژوازی نیروی رهبری کننده در تشکیل ملت و " دولت‌های واحد ملی " است. دوره بعدی جنبش ملی سپهر رخا و اروپا، روسیه و آسیای در دوران انقلابات نوین بورژوازی - دموکراتیک از اوایل قرن بیستم آغاز می‌شود.

ویژگی دوران اخیر رآنست که از یک جانب هژمونی پرولتاریا در انقلاب‌های بورژوازی - دموکراتیک در دست‌وروز قرار گرفته بود و از جانب دیگر سرمایه داری با ورود مرحله امپریالیسم ملکی‌غیراروپائی راه اسارت استعماری را آورد و ملت مستعمره و نیمه‌مستعمره علیه این ستم به مبارزه جلب شده بودند.

طبیعی است در چنین شرایطی جنبش‌های حجم و مضمون به مراتب وسیع‌تری کسب می‌کند. این جنبش گذشته از آنکه از مرزهای ملی خارج شده به صورت جنبش بین‌المللی در می‌آید و درین حان با مبارزات طبقاتی پرولتاریا و همه‌جستگشان به منظور طرد تسلط سرمایه داری ارتباط ناگسستن و مفروضی میبافت. جنبش ملی دیگر نمیتوانست در چهارچوب منافذ بورژوازی محدود بماند. این جنبش به صورت جنبشی در می‌آید که سرنوشته آنرا مبارزه طبقاتی پرولتاریا در کشورهای پیشرفته و جنبش ضد استعماری و ضد امپریالیستی همه ملل است به طور توانان حل و فصل مینماید.

بویژه در همین دوره است که طرح و حل مسئله ملی و مستطکله از آن تا همین پیروزی انقلاب‌های نوین بورژوازی - دموکراتیک بسرگردگی پرولتاریا کسب اهمیت میکند و لنین صحیح‌ترین پاسخ‌ها و راه حل مارکسیستی این مسئله را که تا به امروز بقوت خود باقیست به گنجینه مارکسیسم لنینسیم میافزاید. لنین در اثر معروف خود بنام " درباره حق ملل در تعیین سرنوشته خویش " که در فوریه - مه ۱۹۱۴ برشته تحریر آمده، ضمن انشاء نظریات نادرست در مسئله ملی چنین خاطر نشان میسازد: " در اروپای خاوری و آسیا، در درون یک انقلاب‌ها بورژوازی - دموکراتیک آغاز گردیده است. در دوران بیداری وحدت یافتن جنبش‌های ملی، در دوران پدیدایش احزاب مستقل پرولتاری، و تأیید این احزاب در سیاست ملی باید در و حدانه باشد. یکی قبول حق تعیین سرنوشته برای همه ملتها، زیرا در گرونی بورژوازی -

دموکراتیک هنوز بیاپان نرسیده است و دموکراسی کارگری پیگیر، جدی و صادقانه ... از برابری حقوق ملتها جانبداری میکند. و دیگری وحدت کاملاً فشرده و ناگسستن مبارزه طبقاتی پرولتاریا تا ملتها را یک کشور معین، در همه و هنر نوع بهی و خصم‌های تاریخ آن و علی‌رغم همه و هنر نوع تغییریه که بورژوازی در مرزهای کشور معین بدهد " (۱).

لنین در همین اثر با اشاره به اینکه بیداری ناسیونالیسم در ملتها و مستطکله ناگزیر به موجب تقویت ناسیونالیسم خرد بورژوازی در ملت حاکم می‌گردد و هرچه در گرونی دموکراتیک‌کننده تر صورت گیرد زمینه مساعدتری برای تحریک احساسات ملی و ستیزه جوش بورژوازی ملتها را مختلف فسرنا هم می‌گردد بویژه با آرمی‌شود که تشدید خصمت ارتجاعی رژیم حاکم در کشور کنترالمه تا ملات تحزیه طلایی در میان این با آن ملت مستطکله " راه را میسازد. (۲).

لنین منجمله با در نظر گرفتن این نکات از واقعیت روسیه تزاری به حل مارکسیستی مسئله ملی پرداخته و چنان‌نامه ملی را به پرولتاریای روسیه عرضه داشته است که عنایا می‌تواند بر نامه هنده پرولتاریا در کشور کنترالمه و حزب آن محسوب گردد.

۱ - لنین، مجموعه آثار، چاپ چهارم، جلد ۲۰، صفحات ۴۰۵-۴۰۴.
۲ - مراجعه شود به لنین، همانجا.

لنین اثر معروف خود را با این جملات بنیایان می‌رساند: "جنس اوضاع و احوالی و شیوه دوگانه و با عبارت صحیح‌تر و جان‌بخای را در برابر پرولتاریا می‌روسیه قرار می‌دهد: مبارزه با هرگونه ناسیونالیسم و در برابر آن ناسیونالیسم و نیکاروس (بخوان ملت بزرگ م. ک. س.) و شناسائی نه تنها برابری حقوق تمام ملت‌های ورگلی، بلکه همچنین برابری حقوق در مورد تشکیل دولت، یعنی حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، حق جدا شدن و موازی با این، وویژه بحث پرولتاریا در مورد موفقیت آمیز با هر نوع ناسیونالیسم هر ملتی، حفظ وحدت مبارزه پرولتاریا با سازمان‌های پرولتری، و آزمایش کامل این سازمان‌ها بر بنیاد انترناسیونالیسمی، و علی‌رغم گوشه‌نویزی پرولتاریا در راه تعارض این ملی‌ها - اینست آن برنامه ملی که مارکسیسم بکارگران می‌آموزد و اینست آنچه که تحریک تمام جهان و تحریک روسیه می‌آموزد" (۱).

این جملات ۶۲ سال قبل برشته تحریر آمده است. اما گوئی نتیجه گیری است که همین امروز از تجربه فنی آن وحی مارکسیستی مسئله ملی بدست می‌آید. مسئله این که اکنون مانند آن زمان شی صحیح شوریه نموده، بلکه در تجربه نیز صحت کامل آن تأیید گردیده.

مارکسیسم - لنینیسم می‌آموزد که مسئله ملی باید به مثابه جزئی از یک مسئله تکامل اجتماعی - سیاسی جامعه و روابط عده‌ها که در برابر انقلاب اجتماعی قرار دارند نگریست. از همین جا است که مثلاً به نام طرح انقلاب پرولتاریا و موکراتیک، در روسیه مارکسیست‌ها حل مسئله ملی را با سرنوشت این انقلاب وابسته دانسته و متذکر می‌شدند که سرنگون ساختن سلطنت استبدادی تزاری و از بین بردن بنیای فئودالیسم و دموکراسی نمودن کامل کشور به مترین راه حل ممکن مسئله ملی است. لیکن - تا اینکه انقلاب سوسیالیستی در دستور پرولتاریا زلفت تحقق این انقلاب، سرنگون ساختن قدرت سرمایه، استقرار دیکتاتوری پرولتاریا و ایجاد اقتصاد سوسیالیستی به مترین راه حل مسئله ملی تشخیص داده شد و به آن عمل گردید. تجربه نیز نشان داد که در شرایط سوسیالیسم میتوان به حل قاطع مسئله ملی نائل آمد.

صاحب نظران پرولتاریا بر آنند که حل مسئله ملی تنها منوطاً به جدائی ملت‌ها و ایجاد دولت‌های واحد ملی است. آن‌ها می‌گویند که تنها این وسیله است که میتوان به ستم ملی پایان داد. لیکن تجربه مارکسیسم - لنینیسم و انقلاب سوسیالیستی نشان می‌دهد که به حل مسئله ملی باید از راه انقلاب سوسیالیستی و در کشورهای در حال رشد از راه انقلاب ملی و موکراتیک، با ستمگیری سوسیالیستی نائل شد. این راه‌ها که در کشورها و راه‌ها و ملل، جداگانه تقسیم ننموده بلکه آن راه وطن برابری حقوق واقعی ملت‌ها و اقوام ساکن آن‌هاست. راهی که صاحب نظران پرولتاریا برای حل مسئله ملی پیشنهاد می‌کنند در نتیجه نهائی به تشدید اختلاف بین ملل و تسلط یکی بر دیگری منتهی می‌گردد. راهی که مارکسیسم - لنینیسم بر آن حل مسئله ملی ارائه می‌دهد به مترین راه حل ملی است و این برین دلیل است که با استعمار از میان رفتن هر نوع ظلم ملی و دوستی باید ارملی می‌آید.

انقلاب ملی و موکراتیک، با ستمگیری سوسیالیستی نه تنها به پایان دادن به برابری ملی - طبقاتی و تأمین منافع زحمت‌کشان کشورهای در حال رشد تحقیر می‌بخشد، بلکه موثرترین راه پایان دادن به ستم ملی و تأمین برابری حقوق ملل و اقوام در آن دسته از این کشورهاست که در عین حال کشورهای کمزورالعده بشمار می‌آیند. چنین است نتیجه معده‌ای که میتوان از بررسی حقایق عمده آن وحی - مسئله مارکسیستی - لنینیستی مسئله ملی در این‌ها با شرایط کشورهای کمزورالعده در حال رشد که کشورها

ایران یکی از آنهاست بدست آورد .

برخی ویژگیهای کشورما ایران از نظر طرح و حل مسئله ملی

کشورما ایران در پانجاه سده گذشته میلادی و اوایل سد معاصر استقلال سیاسی خود را از دست داد و یکسوی نیمه مستعمره و حتی نه دم مستمره تبدیل گردید . امپریالیسم در کار سیطره جوشی جهانی خود ایران را نیز مانند دیگر کشورهای آسیائی و افریقائی بجز سلطه استعماری و امپریالیستی درآورد . بدینسان از همان اوایل قرن گذشته مبارزه علیه شتم و فارتگری امپریالیستی و در راه تامین استقلال و راس مبارزات همه ساکنان کشورما قرار گرفت .

تسلط امپریالیسم بر ایران با نفوذ و رشد سرمایه داری همراه بود . جنب ایران به بسا از جهانی سرمایه داری از همان اوایل قرن گذشته موجهات توسعه با زار داخلی و زوال نفوذ البته را آغاز نهاد . طبیعی بود که این امر رفته رفته به انسجام اقوام ایرانی ، که دارای وجود مشترک چهارگانه ضروری برای تشکیل ملت بودند ، بصورت ملل گوناگون مناجامد .

انسجام ملی در ایران در اوایل قرن در اقوام فارس و آذربایجانی زبان در شکل کم و بیش بسط یافته خود مشاهده میشود . دیگر اقوام ایرانی نظیر کرد ها ، بلوچها ، ترکمنها بعلت آنکه هنوز به اندازه روابط پولی - کالائی و رشد سرمایه داری جلب نشده بودند به این مرحله پا نگذاشته بودند . انسجام ملی کرد ها در کشورما عملاً طی دهه های نیمه اول قرن بیستم صورت گرفت و انسجام ملی دیگر اقوام ساکن کشورما نظیر بلوچها ، ترکمنها و سایر هم اکنون در جریان است . طبیعی است که رشد سرمایه داری در دهه های اخیر این جریان را بهر از پیشتر تسریع نموده است .

بدینسان میتوان گفت که از همان اوایل قرن میلادی حاضر کشورما ایران کشور کثیرالمله ای بشمار میآید که در آن ملل اقلیت ، و در نتیجه اول آذربایجانیها ، بحقوق ملی خود آشنا میشوند و کسب حقوق ملی را مطرح میساختند . در انقلاب مشروطه ، که هم اکنون هفتاد سال از آغاز آن میگذرد ، خواست تشکیل انجمن های اهلالتی و ولایتی با واگذاری اختیارات شتام در اداره امور محلی از خواست های اساسی انقلابیون بود . طرح این خواست و انعکاس آن در قانون اساسی و ضم آن در اوایل قرن در همین حال بیانگر وجود تمايلات رشد یافته و شکل گرفته ملی ، بویژه در آذربایجان بود . مردم آذربایجان ، ضمن آنکه در پیشاپیش همه مردم ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم استبدادی قاجار شرکت داشتند ، برای تضمین حقوق ملی خود در چهارچوب کشور واحد ایران مبارزه میکردند .

با چنین ویژگی بود که در کشورما ایران مبارزه رهایی بخش به منظور طرد تسلط استعمار و امپریالیسم و رژیم بوسیده استبدادی - فئودالی همزمان بیداری و آگاهی ملل اقلیت برای کسب حقوق ملی و حق تعیین سرنوشت آغاز گردید . سبب عمده همزمانی این دو مبارزه آن بود که تبدیل ایران به مستعمره امپریالیسم و رشد سرمایه داری در ایران ، که موجب انسجام اقوام بصورت ملت است عملاً پاهای هم آغاز گردید . از همین جاست که از همان اوایل قرن مسئله ملی در کشورما عملاً از وجانب متفاوت در همین حال مرتبط بهم مطرح میشود . یکجانب مبارزه رهایی بخش هم مردم ایران برای رهایی از تسلط امپریالیسم و تامین استقلال . جانب دیگر ، مبارزه برای تامین حقوق ملی ملل اقلیت ، جلوگیری از تسلط سطحی و ایجاد شرایطی که واحد های ملی ساکن کشورما بتوانند آزادانه به تصمیمات ملی خویش نائل آیند .

در صورتیکه انقلاب مشروطه بهدفعهای عمده خود ، که عبارت از طرد تسلط امپریالیسم ، محفوظ نمود البته ودموکراتیزه کردن کامل کشور بود ، نائل میگردد ، در آن انقلاب قدم مهمی در طرح و حل مسئله ملی ، لااقل در چهارچوب رژیم سرمایه داری ، برداشته میشود . لیکن چنانکه میدانیم

انقلاب مشروطه ایران با وجود دسکب پیروزیهای بزرگ در طی شش سال مبارزه ، بالاخره در نتیجه هجوم مشترک مسلحانه امپریالیسم و ارتجاع سلطنتی سرکوب گردید . بدینسان نه فقط مردم ایران به هدفهای ضد امپریالیستی و ضد فئودالی انقلاب مشروطه نائل نشدند ، بلکه در راه تامین حقوق ملی ملت اقلیت نیز قدمی برداشته نشد .

در سالهای پیرا از انقلاب مشروطه ارتجاع فئودالی ایران ضمن اینکه با تمام قوا به حمایت از تسلط امپریالیسم برخاست و کوششهای مکرر مردم ایران را بهمنظور نیل به استقلال عقیم گذاشت ، رفته رفته بیشتر به دستمطلی افزود و متلاشهای مذبحخانه تریبمنهٔ و سرکوب مبارزه رویه رشد طلب اقلیت بخدا را کسب حقوق ملی اقدام نمود . بدینسان بود که پیوسته در دوره استبداد رضا خانی سیاست تبعیض ملی ، در سطح سیاست دولتی ، آگاهانه به اجرا گذاشته شد و دولت ایران بنا به تمایلات بورژوازی وابسته طلب اقلیت را زیر فشار تحلیل جبری قرارداد . محمد رضا شاه به خواستهای ملی ود موکراتیک جنبش آزادیبخان و کردستان در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۶ با زور و سر نیزه پاسخ داد . او با توصیه دول امپریالیستی این جنبشها را در خون غرق نمود وستم و تبعیض ملی را در سطح گسترده تر و عمیقتری به اجرا گذاشت . طلب اقلیت و اقوام گوناگون سرزمین ایران تا همین امروز از اداره امور اجتماعی ، اقتصادی ، اداری و فرهنگی خویش محروم مانده اند . این در حالی است که بخشهای دیگر این ملتها و اقوام در کشورهای مساوی با اتحاد شوروی آزادیهایی واقعی برخوردارند و در داخل کشورهای ملی و مطالبه حقوق ملی همچنان رویه رشد است . بدین دلایل است که مسئله ملی در کشورهای همچنان حدی حدی باید و متنافا شناسی آزان رفته رفته انباشته تر میگردد .

ماد در کشورهای وابسته رشد آگاهی و مطالبه حقوق ملی روبرو هستیم و میدانیم که سیاست تحلیل جبری خلفا وستم و تبعیض ملی ، که رژیم استبدادی حاکم به اجرا گذاشته ، به تشدید و تنافس در رویی مناجمید . لیکن در همین حال این واقیعت در برابر ماست که ستم امپریالیستی رژیم دست نشانده مان بر همه مردم ایران ، که در همین حال مانع عمده در راه تحولات و موکراتیک است ، نسبه تنها بقوت خود باقیست ، بلکه در تقنین فرمانروایی سلسله پهلوی و پیوسته در رند یک به ربع تقنینی کواز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ میگردد ، بعد تشدید آن بحراتب افزوده شده است . بدینسان ضرورت درجه اول مبارزه ضد امپریالیستی ود موکراتیک نه فقط اهمیت خود را از دست نداده ، بلکه همچنان بعنوان وظیفه عمده در جنبش استقلال طلبانه ملی مردم ایران باقی مانده است .

این اوضاع و احوال بیانگر آنست که در کشور ما ایران مسئله ملی همچنان از وجانب متفاوت در همین حال مرتبط بهم مطرح است . بدینجانب ضرورت تحقق مبارزه ملی ود موکراتیک که باید استقلال کشور ، گرد کامل تسلط امپریالیسم ود موکراتیک کردن حمایت اقتصادی و سیاسی را بسود زحمتکشان و طبقات شرقی جامعه ما منجمد نماید . جانب دیگر ضرورت تامین حقوق ملی طلب اقلیت و یابان دادن به ستم ملی که دامان اجزایب رژیم حاکم خدایات جدی متوجه تمامیت ارضی ایران میباشد و چنانکه لنین بدستی در موقوع خود در باره تزارسم در روسیه گفته است و ما به آن اشاره کردیم " موجب پدیدایش (و تقویت) تمایلات " تجزیه طلبانه " در همین ملتها ی مستکثر میگردد " .

هیچیک از طبقات و نیروهای مخالف رژیم حل مسئله ملی را با در نظر گرفتن ویژگیهای کشورهای ما و وظایف انقلاب ملی ود موکراتیک در گذشته و حال مورد توجه قرار نداده و همه آنها را زکار این مسئله سرنوشتی با سلوت بی اعتنائی گذشته میگردند . ماد بگرد باره خود رژیم حاکم که با سیاست تمحیمق و وابستگی کشور ما به امپریالیسم از یکسو و سیاست تبعیض وستم ملی از سوی دیگر خدایات جدی متوجه استقلال و تمامیت ارضی ایران ساخته سخنی نمیگوئیم . آنچه باید بصراحت خاطر نشان سازیم اینست که تنها با بقا رگر کشور ما و حزب با بقای آنست که از همان ابتدای تشکیل سیاسی و اعلام آمادگی بسرای

رهبری مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران حل مسئله ملی را مورد توجه قرار داده و با انطباق خلاق آموزش مارکسیستی مسئله ملی پرشرایط ویژه ایران متنی صحیح طرح و حل این مسئله را در ارتباط با مراحل تکامل انقلاب به جامعه ترقیخواه کشور عرضه داشته است .

مبانی اصولی و عملی سیاست حزب توده ایران در حل مسئله ملی *

حزب ما با در نظر گرفتن آموزش مارکسیسم - لنینیسم در مسئله ملی و شرایط و ویژگیهای کشور ما از نظر طرح و حل این مسئله ، مسئله ملی و حل آن را از دو جهت مرتبط بهم مطرح میسازد . یک جهت وابستگی کشور ما به امپریالیسم و لزوم رفع و برد این وابستگی است که مستلزم پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک است . محتوی این انقلاب در شرایط کنونی مبارزات آزکوتاه ساختن دست انحصار های امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشورهای کمونیست است . استقلال کامل اقتصادی و سیاسی ایران برچیدن بقایای نفاذ اما متعاقب سرمایه داری و اتخاذ ستمگیری سوسیالیستی ، دموکراتیزه کردن حیا سیاسی و فرهنگی کشور . شرط ضروری چنین تحول انقلابی و ازگون کردن رژیم فئودالی و انتقال قدرتها که از دست طبقات ارتجاعی و وابسته بدست طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک است . تکیه شرط اساسی تأمین پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک نیز ایجاد جبهه واحد کمونیستروهای ملی و دموکراتیک شمرده میشود .

جهت دیگر در مسئله ملی در کشور ما واقعیتکنیاطله بودن ایران و این امر است که در آن ملتها و اقوام گوناگون مانند فارسها ، آذربایجانیها ، کردها ، بلوچها ، ترکمنها ، هرهبان زندگی میکنند . همچنین در نواحی مختلف ایران در داخل واحد های ملی دیگر ، اقوام و عشایر ترک زبان ، کرد زبان و غیره بسر میبرند . علاوه القیبتهای ملی دیگری وجود دارند که در سراسر کشور پراکنده اند : مانند ارمنیها ، آسوریها ، پهلویها و غیره . حزب توده ایران معتقد است که باید حقوق ملی همه مسلسل و اقوام ساکن ایران محترم شناخته شود .

حزب توده ایران معتقد است که ما این دو جهت مسئله ملی در کشور ما پیوند درونی و جبرود دارد و از نظر تئوری به پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک توجه به هر دو جهت مسئله از اهمیت حیاتی برخوردار است . ما برای هر دو جهت مسئله ملی اهمیت ویژه قائلیم . لیکن در همین توجه به این اهمیت بد رستی خاطر نشان میسازیم که محرومیت ملی و اقوام ایران از حقوق ملی در شرایط کنونی با آنکه از تضاد های مهم جامعه ماست ولی تضاد عمد نیست . تضاد عمد ما مبارزات از تضاد هم مردم ایران با امپریالیسم و رژیم دست نشاندگان آن ، تضاد با سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ . از اینجا این نتیجه حاصل میشود که وظیفه مقدم زحمتکشان و هممنیروهای مترقی ایران ، در درجه اول توجیه مساعی برای مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای تکیه به استقلال و دموکراسی است .

حزب توده ایران معتقد است و با صراحت اعلام میدارد که تضاد ملی و مسئله ملی را فقط در چهار چوب حل تضاد های اصلی جامعه و تحت رهبری حزب طبقه کارگرمیتوان بد رستی و با پیگیری و وظیفه نهایی حل کرد . به پیروزی رسانیدن این چنین مبارزه این نیز مستلزم وحدت رهبری و سازمانی گلبه سازمانها و طبقه کارگر در مقام سراسر کشور ، داشتن برنامه و سازمان واحد ، متنی استراتژی و تاکتیک واحد است و وحدت اراد و عمل حزب طبقه کارگر در سراسر کشور تأمین گردد .

* - برای اطلاع بیشتر رجوع شود به نشریه حزب توده ایران تحت عنوان " نکات گریه در بار مسئله ملی در ایران و حل آن از نظر حزب توده ایران " ، چاپ ۱۳۰۲ .

حزب توده ایران همانا ورگه نئین توصیه میکند شناسائی حق کیهملی در تعیین سرنوشت رانه میشناسد و از برابری کامل حقوق کیهملی واقوام و اقلیتہای ملی ساکن سرزمین ایران و اتحاد دواولیا آنها در اجروب میهن واحد و برپایه حفظ تمامیت ارضی کشور ایران دفاع میکند . برچیدن مقایسای نایمات ماقبل سرمایه داری و اتحاد ستمگیری سوسیالیستی و دموکراتیزه کردن حمایت سیاسی و فرهنگی کشور که در برنامه جدید حزب مآئمه ، ریشهکن ساختن واقعی ستمی راتضعیف میکند . ضمن توجه به این جانب مسئله ملی ، حزب ماد زمین حال به این توصیه نئین توجه دارد که " اتحاد کامل فشرده و وناگسستی مبارزه با بقای پهلوتارهای تمامیل ساکن بند کشور " را ضروری شمارد . نئین به احزاب پهلوتاریاد رگورهای کنتروللله توصیه میکند : " حفظ وحدت مبارزه پهلوتاریا و سازمانهای پهلوتاری و بهم آمیختن کامل این سازمانها " را همیرقم کوششهای یوزروائی در راه تاسیز لای ملی " مورد توجه قرار دهند .

حزب توده ایران معتقد است مطابق کردن تضاد ملی وجد کردن آن از تضاد های اصلی جامعه منجر به انحراف ملت گزائی و انزوائ ملی میشود . حزب ماد زمین حال منذ گزاین واقعیتمنیز هست که انگار مسئله ملی و سگوت گذاردن آن انحراف جدی د پیکر هست که از شونیم ملت بزرگ ناشی میشود . مبارزه با هرگونه ناسیونالیسم و در رجه اول ناسیونالیسم ملت بزرگ را ما و با بقه خود میدانیم . وحدت مبارزه ما علیه " بان ایرانیم " ، که ما هراید کولونیزیک شونیم ملت بزرگ . در کشور ما ست وجود واحد های ملی در ایران انگار میکند و ستمی و تحلیل جبری ملل واقوام اقلیت راحت عنوان " وحدت ملی " توصیه مینماید ، از همین ناشی میشود . ما همچنین معتقدیم گنایم پیروزی انقلاب در کشور ما مستلزم مبارزه با هر نوع انحراف در مسئله ملی ، منجمله مستلزم مبارزه با رخنه ناسیونالیسم ارتجاعی در ملل اقلیت و مو ملی است که ما هر چنین انحرافی هستند .

حزب توده ایران نعتیاد رتئوری ، بلکه در عمل کوشیده است تا اعتماد کامل خلقها ن محرووم ایران را بسوی خود جلب کند و خود رانه تنهاد افق پیشرو منافع با بقای آنها ، بلکه همچنین منافع ملی نشان دهد . در این زمینه حزب توده ایران تجربیاتی حمایتگاملا صادقانه از جنبشهای ملیسی و دموکراتیک خلقهای آزاد با حجان و کردستان در سالهای ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ را در راه تدار دارد . وقتی در این مناطق شرایط برای تحصیل آزادیها ن دموکراتیک و تامین حقوق ملی فراهم شده و بر این پایه احزاب دموکرات آزاد با حجان و کردستان بوجود آمدند و به مبارزه قهرمانانه این بر این مصالح خلق دست زدند ، حزب توده ایران با تاع پیرونی خود بکفت آنها شتافت . حزب ما خواستهای مردم آزاد با حجان و کردستان را که با روح قانون اساسی ایران مطابقت کامل داشت مورد پشتیبانی قرار داد ، نهضتہا ن ۲۱ آذر و ۲۲ بهمن ۱۳۲۴ آزاد با حجان و کردستان را با آغوش باز پذیرا شد و آنان را بتاسیه خاص و تنگنا گیه معتبر آزادی در ایران و جز " لاینگ نهدت انقلابی ایران تلقی نمود .

سوی خود ما دارای تجربیاتی از درک صحیح مسئله ملی در ارتباط با و با بقه عمد انقلاب ملی و دموکراتیک ، در کشور خود از جانب ملل اقلیت و سازمانهای سیاسی خاصا منافع واقعی آنان ، بویژه منافع با بقا ن ستمگزار این ملل ، هستیم . فرقه دموکرات آزاد با حجان در عمل نشان داد که مسائل مربوط بگنایم وحدت ر برون و سازمانی حزب با بقا گارگر در کشور کنتروللله و این امر را که حل مسئله ملی بتاسیه جزئی از کل مسئله تنگنا اجتماعی - سیاسی به تبع از و با بقه عمد نتر انقلاب معین میشود ، عمیقاسا درک میکند و با قف روحی ناسیونالیستی و احیانان تجزیه لای " است . این اتهام ناروائی است به جنبش ملی و دموکراتیک خلق آزاد با حجان که تا همین امروز ما میرالیتها و فاطمی ایرانی آن و محرفین آن از راه با بقا گارگر بقصد اخلاص در مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک و جلوگیری از اتحاد همه خلقهای

ایران در مبارزه بخاطر استقلال، آزادی و دموکراسی در ایران از آن استفاده میکنند .
 درك صحیح مسئله ملی از هر دو جانب ، یعنی هم از جانب حزب توده ایران هم از جانب
 فرقه دموکرات آذربایجان ، به کمیته های مرکزی هر دو این احزاب امکان داد در سال ۱۳۳۹ در
 " کنفرانس وحدت " در مساعی خود برای تأمین وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر و تارک اسناد
 این وحدت (برنامه و اساسنامه واحد) بصوفیقت برسند . کنفرانس موافقت کرد که حزب واحد طبقه
 کارگر در سراسر ایران بنام " حزب توده ایران " اعلام گردد و کمیته مرکزی حزب توده ایران مرکز واحد
 رهبری کلیه سازمانهای طبقه کارگر را برآورد باشد و سازمان واحد طبقه کارگر آذربایجان با حفظ نام
 " فرقه دموکرات آذربایجان " دارای کمیته مرکزی خود ، با حقوق کمیته ایالتی باشد .
 وحدت رهبری و سازمانی حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان بر پایه اصولی که بدان
 اشاره شد بهانگردك صحیح مسئله ملی در کشور ماست که همین منافع طبقات زحمتکش در سراسر ایران
 و بهانگردك خلق منافع ای با مختصات ملی است .

برنامه جدید حزب مادر طرح صحیح مسئله ملی در چهارچوب تبعیت این مسئله از وظیفه عمده
 در مرحله کنونی انقلاب ، که عبارت از نبل به پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک است ، جای هیچ
 اهمیتی باقی نمیکند . در این برنامه در باره حل مسئله ملی گفته میشود : " حکومت جمهوری ملی و
 دموکراتیک ایران طرفدار اتحاد و خلیقهای ایران بر بنیاد موافقت و اولیایانه آنها است و معتقد است
 که برای ایجاد یک اتحاد واقعی و معنوی بین خلیقهای ایران بر اساس برابری و دوستی باید مسم ملی
 ریشه کن شود . بنابراین این حکومت در مورد حل مسئله ملی اصول زیرین را پایه عمل خود قرار میدهد :
 الف - تأمین حق کامل خلیقهای ایران در تعیین سرنوشت خویش .
 ب - شناسایی حق اقلیتهای ملی ساکن ایران در برخورد ارشدن از کلیه حقوق ملی ، اجتماعی
 و فرهنگی خود " .

برنامه جدید حزب توده ایران بهانگردك حزب مادره مزمنتهای فعالیت سیاسی و سازمانی
 مبتابه حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است . طرح وحل مارکسیستی - لنینیستی مسئله ملی در
 این برنامه گواه دیگری بر این ادعاست .

دشمن باش، رفیق سمیر و سن، روز اتم

رفیق ارجمند ماسيروس بهرام (آخوند زاده) یکی از پیشگامان و پلایندگان جنبش انقلابی و کمونیستی در ایران و از هم‌زمان نزدیک حیدر عموعلی و عضو هیئت نمایندگی حزب کمونیست ایران که موفق بدیدار اولاد میرالنج لیس ، پیشوای داهی زحمتکشان جهان شده ، طی نامه ای که در زیر به یاد خوانندگان گرامی میرسد سال‌هاست حزب توده ایران را شاد باش گفته اند . ما با عنایت این نامه از رفیق محترم که اینک بهتر از نود سال از عمرشان می‌گذرد و در سراسر زندگی به آرمان خلق وفادار مانده اند ، سپاسگزاریم .

* تنها *

حزب توده ایران طی سی و پنج سال مبارزه دشوار خود خط مشی حزب کمونیست ایران را ادامه داد و در افشا* فحایع امپریالیسم و ستیزان ایرانی اثر ، در اشاعه افکار مارکسیستی - لنینیستی ، در بالا بردن سطح جهان بینی رنجبران ایران و در سازمان دادن مبارزه آسان ، با وطن فروشان و مفت‌خواران راه بسیار شرافتمندانه ای را طی کرد و قربانی های گرانبایی داد . وطن فروشان در سیمای کارکنان فعال حزب توده ایران دشمنان خود را ، خود را خرد می‌کنند و نسبت به آنها از هیچ‌گونه فتنه و فساد و بهتان زدن خود داری نگرفته اند و نمی‌کنند . فعالیتهای سیاسی حزب توده ایران در مدت سی و پنج سال عطیاتی سیاسی خود از هر جهت قابل تقدیر و تحسین است . من سی و پنجمین سال فعالیت حزب توده ایران را شاد باش گفته و باور دارم که این حزب برای به شناختن و مبارزه با کمینسم - لنینیسم و تعارض با احزاب انقلاب جهان ، در آینده نیز فعالیت خود را با زحم جدیتر ساخته و خلق رنجبران ایران را به غلبه آخرین بر مفت‌خواران نائل خواهد ساخت .

زنده باد حزب توده ایران ، پشاهنگ رنجبران ایران !

نیست باد امپریالیسم و اهدم ستان ایرانی آنها !

میروس بهرام

۱۰ مه ۱۹۷۶

حزب توده ایران و جوانان و دانشجویان

نگاه اجمالی بوضع جوانان

جوانان کشور ما از جهت منشأ اجتماعی به طبقات و قشرهای مختلف بستگی دارند و اکثریت مطلق آنها جزء "خلق" بوده و بالقوه در ردیف نیروهای ملی و مترقی و دموکراتیک هستند. جوانان زحمتکش در شهر و ده، مانند پدران خود از هرگونه تجمع آزاد و شرکت در امور کشور و تعیین سرنوشت خویش و بهره بردن از نعم مادی و معنوی محروم اند و گاه بیشتر از پدران خود به ملتکمی سن در محل کار تحت فشار قرار میگیرند و استعمار میشوند.

جوانان محصل و دانشجویان روزی که با آموزشگاه گذاشته اند از نابرابری، زورگویی و بی عدالتی رنج میبرند و میجویند آنچه را که با آنها تعلیم میدهند بدون چون و چرا قبول کنند، وضع موجود را بستانند شاه را بپرستند و خدمتگار صدقانی رژیم موجود باشند. از نظر فرهنگی رژیم طرفدار معدود کسب و درن تحصیلات عالی است و مانع از آنست که فرزندان زحمتکشان به دانشگاهها راه یابند.

رژیم میکوشد تا جوانان در مسائلی عمومی، بخصوص علوم اجتماعی و سیاسی بسمواد و گمراه بمانند و اجازه نمیدهد که کتب اجتماعی و سیاسی مترقی، کتب مارکسیستی و ادبیات مترقی و انقلابی ترجمه و منتشر گردد و اگر در این زمینه نشریاتی هم وجود داشته باشد، مخدوش و تحریف و مسخ شده است. رژیم میکوشد که جوانان از واقعات کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیستی بی اطلاع بمانند و دروغهای مطبوعات امپریالیستی را در مورد این اجتماعات بپذیرند.

در بین جوانان تحصیلکرده، معلمین و دبیران جای خاصی را اشغال میکنند، این قشر به علت سروکار داشتن با کتاب و مطالعه، داشتن کار پر زحمت و پر مسئولیت، تماس با فرزندان قشرهای مختلف و لمس کردن محرومیت فرزندان زحمتکشان و امتیازات فرزندان وابسته به دستگاه حاکمه، و نداشتن حقوق کافی و احترام لازم در کشور، از قشرهای پر خاشاک و مپا رزمی باشند.

دانشجویان ایران در اجتماع دارای نقش فعالی هستند. این جوانان که پس از شکستن هفت خوان رستم، در دانشگاهها با علم و دانش و آخرین اکتشافات بشر سروکار پیدا میکنند، بتدریج افکارشان باز میشود و دیگر تبلیغات رژیم نمیتواند آنها را خاموش نگهدارد. آنها طالب دگرگونی عمیق جامعه ایرانند و خواهانند که در این دگرگونی نقش آنها بر سمیت شناخته شود.

مطالبات جوانان زحمتکش و دانشجویان مبارز بطور اعم اینست که رژیم بحقوق آنها احترام گذارد آید و آنها را تا همین نماید و با آنها اجازه دهد که سازمان خاص خود را برای دفاع از خواستههای خود تشکیل دهند و مطالبات آنها را اجرا کند.

جوانان زحمتکش و دیگر قشرهای جوانان علاوه بر این درخواست عمومی، برای بهبود شرایط زندگی و کار و تحصیل خود نیز درخواستهای مشخص و خاص خود را دارند.

رژیم ایران به هیچکدام از خواستههای جوانان توجه نمیکند و هر نوع اعتراض و جنبش را با اعمال زور

پاسخ میگوید .

در سالهای اخیر رژیم در اثر فشار توده‌ها و تحولات جهان و برخی پیشرفت‌های نسبی کشور از جهت رشد نیروهای مولده مجبور شده است تا اهرایق جوانان را برسمیت بشناسد . با گذشتن برنامه‌های مخصوص در راه پروتلیوزیون برای جوانان ، انتشار مجله تنبرای جوانان و ایجاد کاهسای جوانان و سازمان جوانان " حزب رستاخیز " مدعی است که به جوانان توجه میکند ، در حالیکه رژیم از این طریق کوشش میکند جوانان را بفریبد ، مشغول و سرگرم کند و خدمت خود بگمارد .

سپردن پستهای حساس به جوانان مذایع و بدوین عقیده سیاسی که با حروصا ی زیاد تبلیغ میشود ، برای استفاده از نیروی جوان در راه تکامل کشور و شناختن حقوق آنها نیست ، بلکه نیاز جامعه امروزی ماست . با پیشرفت نسبی صنعت رژیم به نیروی فعال و دانش آموخته نیاز دارد و مجبور است پستهای دولتی را به دانش آموختگان بسپارد . ولی فقط به آن فشار را در دانش آموختگان که شاه و دیگر اصول " انقلاب " او قائلند ، آتم‌انیکه وفادار نیستند و رژیم وارد بیکارمیشوند به زسندان و شکنجه‌گاه میروند ، با ضرب گولمانا بود میگردد . شاه روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۹ در سخنرانی خود در برابر دانشجویان ایرانی در ترکیه گفت : " مانسبت به تمام کسانیکه راه‌ما را نمی‌پذیرند و ما ما را در این راه همراهی نمیکند خشن و بیرحم خواهیم بود " (آژنگ ، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۹) .

جوانان کشور ما در جنبش توده‌ای ، دموکراتیک و ملی نقش برجسته‌ای داشته‌اند . جوانان در تمام مبارزات حزب ما در صفوف مقدم بیکار نبودند و هستند . بسیاری از آنها جان شهبین وزند گسی نوشکنده خود را در این مبارزات از دست دادند . جوانان عضو حزب توده ایران ، جوانان عضو سازمان جوانان توده ایران ، جوانان عضو سازمان افسری حزب توده ایران و دیگر جوانان عضو سازمانهای توده‌ای ، کاریگری و روستائی در مقابل جوجه‌های اعدام با سرود حزبی و بین الطلی ، با چشمان باز تیرباران میشوند .

هیچ اعتراضی ، هیچ تظاهراتی ، هیچ نمایشی توده‌ای وجود ندارد که در آن پسران و دختران جوان نقش فعالی نداشته باشند .

سازمان جوانان توده ایران

سازمان جوانان توده ایران در فروردین سال ۱۳۴۴ ، بر اساس تصمیم رهبری حزب توده ایران تشکیل شد . برای تشکیل سازمان اعضای جوانتر حزب ، اولین حوزه‌های آنرا با شرکت هواداران حزب تشکیل دادند . در این حوزه‌ها که هفته‌ای بیکبار در کلوب حزب توده ایران تشکیل میشد ، جوانان کارگر ، دانش‌آموز و دانشجو بران اولین بار از زبان گویندگان حزبی حقایق رامسی شنیدند که تا آنوقت بگوششان نخورده بود . این جوانان که در دوران سیمای حکومت رضا شاه متولد و بزرگ شده بودند ، از اوضاع کشور خود و اوضاع جهان بیخبر بودند . آتم از رمد ارس و کارگاهها سخنسی جز شاه پرستی ، اطاعت کورکورانه از روسای خود و پذیرفتن آنچه که دستگهای رسمی دستور میدهند ، حرف دیگری نشنیده بودند . بران اولین بار جوانان بین میبردند که سماع طبیعی کشور را توسط امپریالیست‌ها فرستشود ، توده‌های مردم از هیچ حقی برخوردار نیستند و زندگی و سرنوشست آتم از دست دستگها کماکه است .

آنها برای اولین بار می‌شنیدند که در همسایگی آنها ، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وجود دارد که در آن زحمتکشان حکومت را در دست دارند و همه درهای پیشرفت بر روی جوانان گشوده است . و حکومت رضا شاه با این کشور همسایه خصومت میورزد و از راه افسران و ما مورین دستگهای

جاسوسی آلمان هیتلری علیه این کشور توطئه میکرد و میخواست زمینهرخته فاشیستهای آلمانی را در میهن ما فراهم آورد و ارتش سرخ را که سرگرم جنگ قهرمانانه با ارتش تجاوزکار هیتلری بود از سوی جنوب مورد ضربت قرار دهد .

مذالعی که در حوزهمباحث میشد باند آزادی بگردد همین حال ، آینده ای که تشریح میشد در آن ریباید که شرکت کنندگان بدین احساس خستگی تانیمه های شب به بحث میپرداختند و برای هفته دیگر دوستان تازه ای بحوزه میآوردند . بعد از چند ماه در حوزهم سازمان جوانان تبدیل به پنج حوزه شد و در کارگاهها و کارخانه ها ، در دانشگاه و مدارس مهم تهران نظرفه های سازمان جوانان بوجود آمد .

همزمان باتوسعه تشکیلات در تهران ، در شهرستانها نیز کمک و رهبری حزب ، حوزه های سازمان جوانان تاسیس میشد و با انتشار " مردم برای جوانان " این سازمان بیک سازمان کشتوری تبدیل شد .

در سالهای تاسیس سازمان جوانان ، ارتش هیتلری زیر ضربات خردکننده ارتش سرخ تارومار میشد و نقاط اشغالی را از دست میداد ، و پایه جوانان توده ای این بود ، که جوانان ایرانی را که با تبلیغات فاشیستی افکارشان منحرف شده بود به راه راست هدایت کنند . بآنم ابفهمانند که این جنگ ، جنگ بشریت مترقی علیه اشغالگران هیتلری است و با پیروزی متفقین که اتحاد شوروی سهم عمده آنرا بر دوش دارد ، پایان خواهد یافت و جهان آینده ، جهان صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم خواهد بود . این مبارزه در آن زمان کاربرد شواری بود و جوانان توده ای مجبور بودند انوار اقوام تهمت هارا تحمل کنند و ضرایب سنگروه های فاشیستی را خنثی نمایند و با توضیحات خود ، حقانیت خود را ثابت کنند . سرانجام تسلیم بدو قید و شرط آلمان هیتلری ، پیروزی امروح را نشان داد و قشرهای وسیعی از جوانان بسوی سازمانی آمدند که حقیقت را بآن نشان میداد . بعد از تشکیل اولین کنگرانسی ایالتی تهران ، کاردهان جوان به کمیته شهرستان و کمیته های محلی و بخش وارد شدند . فعالیت سیاسی ، ورزشی ، هنری و صنعتی در همه جها آغاز گردید . مبارزه با ارتجاع ، بقایای دیکتاتوری رضاشاه ، مبارزه با نفوذ امپریالیسم امریکاکه اکنون در کنار استعمارطلبان انگلیسی بکشور ما رسوخ میکرد ، مبارزه علیه آنتر افروزان جنگ و دشمنان صلح از جمله مبارزه سازمان جوانان بود که زیر رهبری حزب انجام میگرفت . از نظر صنعتی در کارگاهها از حقوق کارگران دفاع میکرد و با شرکت فعال در اعتراضات کارگری و اعتصابات آنها شوروی متحده کمک مینمود . سازمان جوانان در مدارس فعالیت اجتماعی و هنری و ورزشی گسترده داشت . در کلاسهای مبارزه با بیسوادی ، جوانان دانش آموز در انجمنهای کمک کارگران میرفتند و رشته های محکم همکاری و دوستی پدید میآید . برای جلب قشرهای وسیع جوانان سازمان جوانان موفق شده بود گردشهای وسیع جمعی برگزار کند . صد ها جوان روز جمعه را با هم میدراندند ، با رهبران حزب و مسئولین سازمان بحث میکردند و با برنامه های ورزشی و هنری پیوند خود را عمیقتر مینمودند . در این سالها گروههای کوهنوردی سازمان جوانان بارها پرچمهای سبز و سازمان را برقله های مرتفعی چون توجال و دماوند نصب کردند . در این دوران ، روزنامه های دیواری بنا باینکار سازمان در جنب حوزه ها و کلاسهای درس در مدارس بوجود آمد . این روزنامه های دیواری توانستند عدای جوان بلا استعداد را در ور خود جمع کنند . در این نامه ها ، فعالیت حوزه ها مطرح میشد ، رپرتاژهای مختلف درج میگردد . جوانان شاعران شاعر خود را مینوشتند و کارگران از وضع کارگاه خود گزارش میدادند .

در تابستان سال ۱۳۲۵ نخستین نما یثر ورزشی جوانان در روزرنگاه امجدیه زیر شعار صلح و استقلال ملی برگزار شد . هزاران جوان بالباس مخصوص ورزش از جلوی تریبون که رهبری حزب در آن

جای گرفته بود رژه رفتند و سپس در پهنای ساحت ورزشگاه با موبیت مخصوص عطا - ورزشی احداث شد.
 هنگامیکه در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ کارگزاران ورزشگاه آن را با جان و گردن سنان اسلحه به دست برای
 دفاع از حقوق ملی و اجتماعی خود علیه ستم ملی و ولسمرکری قیام کردند، جوانان توده ای در سراسر
 کشور جوانان را برای پشتیبانی از این نهضت تشویق می نمودند. پیرارغب شدیدی نهضت همدستان
 آن را با جان و گردن سنان که با پورترها جوان مردانه ارتش ایران بدینا امیرالیمت با آمریکا بی موقع پیوست
 جوانان توده ای به رند انبیا این نهضت و تشدید آن در هر جا که بود نگه میگردند. در این زمان
 محضر "رزم" ارگان مرکزی سازمان جوانان که در نزدیکیهای خرمآباد از اردوگاه اسیران آن را با جان
 یازدید کرده بود، نوشتند این را برده اند، ولی کورهای گمانی مانده و میمهای خاردار، از
 رنج بارداشت شدن حکایت میکنند. اعضای سازمان جوانان در این مرحله از دانش همه حال را حقیقتاً
 نهضت آن را با جان و گردن سنان دفاع کردند و می گفتند این نهضت عصب نشینی کرده اند ولی عقب نشینی
 شکست نیست. در پایان سال ۱۳۲۶ نخستین کنگره سازمان جوانان تشکیل شد.
 در این دوره با آنکه وزرای توده ای در اثر سیاست غدارانه دوام کابینه اورا بهرام وزیر دارگستر
 از حزب ایران ترک کردند و کمیته های جوانان در بیشتر شهرستانها محور شده بودند مدعیان تارشد،
 ولی سیاست جوانان همواره با تمام جبهه رشد می نمود. این رشد بعضیها که را شکران ساخته بود.
 آسمان پر از حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ همراه حزب توده ایران سازمان جوانان توده ایران را با سبزه
 غیر قانونی اعلام کردند.

دوران کارمخفی سازمان جوانان

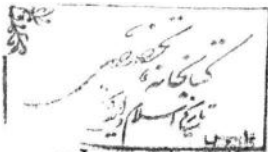
در همان شب حادثه ۱۵ بهمن، اسناد سازمان جوانان زیر پیگرد پلیس از گلوسپهانغاف مخفی
 حفظ شد و افراد تحت تعهد پنهان شدند. در مردان ۱۵ بهمن جلسه کمیته مرکزی مخفیانه
 تشکیل جلسه داد و روح سازماندهی مخفی را تجدید نمود، بموجب این طرح فرار شد سازمان پر تحرک
 و فشرده ای بصورت شبکه های سفیری ایجاد کرد. کارمخفی با علنی توأم کرد و در اتمام سازمانهای
 علنی که در آنها جوانان متمرکزند، برای برقراری تعادل با جوانان استفاده شود.
 در آن وقت چند هفته بعد از شب حادثه های مخفی سازمان در شهران و شهرستانهای مهم تشکیل
 شد. اعضای کمیته مرکزی برای سازمان دادن کارمخفی در شهرستانهای مهم با این نقاط اعزام شدند
 در ۶ من موقع اولین ارگان مخفی جوانان بنام "حقیقت پیروز خواهد شد" بصورت پلی گنی منتش
 شد. یکسان بعد از حادثه ۱۵ بهمن، "رزم" ارگان کمیته مرکزی سازمان جوانان منتشر گردید. در
 تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۲۲ "رزم" نوشت که "پارسانالست رزم زیر پیگرد اثنی پلیس بد و وقفه و متناً
 منتشر میگردد. رزم به پرچم مبارزه جوانان در راه صلح و استقلال ملی و آینده بهتر تبدیل شده بود.
 رزم هفتامه محبوب جوانان است و هابا ریسنتر زوری پاره ای علنی که این روزها منتشر میشود،
 خوانند دارد.

در اردیبهشت ۱۳۲۹ کارگزاران شاهی برای گرفتن حو حود اعتصاب کردند و مابین ترتیب آغاز
 رشد جبهه توده ای را اعلام نمودند. نمایندگان دانشگاه تهران و اعتصابات آنها که در اسه
 اثر بهمد امر عقب تهران جبرسید، اوج جنبه را بنویسید داد. با اعتصاب کارگزاران و رستمان و دیگر
 نمایندگان توده ای جنبه وارد مرحله جدیدی شد و در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مبارزات وسیع و واحد مردم
 در تهران و شهرستانها حکومتی را که مصلحتی را مجدد اسرار آورد.
 در این دوره سازمان جوانان با استفاده از تخریب کار علنی و مخفی و استفاده از اماکن

علمی بدست آورده بود. تلاش خود را برای بوجود آوردن یک سازمان علمی وسیع - و اما آغازگر بدستنامه "آیندگان" منتشر شد و بزودی دفتر آن محل تجمع جوانان کارگر، دانشجو و دانش آموز گردید که برای "آیندگان" مقاله، خبر و رپورتاژ میآوردند و شماره‌های آن - آپشنده را برای توزیع بیسی جوانان با خود میبردند. بعد از انتشار "آیندگان" که ارگان علمی سازمان جوانان بود، در سال ۱۳۳۰ کانون جوانان دموکرات تأسیس شد. کانون جوانان دموکرات مرتزقه‌الیت‌های سیاسی، اجتماعی، هنری و ورزشی جوانان بود. کانون جوانان توانست در صفوف خود قشرهای وسیع جوانان دموکرات و استقلال طلب را بآب واحد کند. در تظاهرات و مسیح صد دسته‌های و دفاع از مصلح که در آن دوران تشکیل میشد، شرکت موثر داشته باشد. کانون همدنشین مرکز جمع جوانان هنرمند، نویسندگان و شاعران و ورزشکاران بود. در سالن کانون منظم با برنامه‌های هنری و ورزشی اجرا میشد. "جوانان دموکرات" ارگان کانون از پرتیراژترین مطبوعات آن روز بود. در "جوانان دموکرات" مسایلی مورد توجه قشرهای مختلف جوانان چاپ میشد. هر جوانی مطلبی برای خواندن در آن میبافت. از تمام نقاط کشور برای جوانان دموکرات "خبر، مقاله و رپورتاژ و کسر ارسال میشد.

برای دفاع از خواسته‌های صنفی دانش آموزان و از بیم بیوشن سازمان‌های دانش آموزان مدارس مختلف تهران، سازمان دانش آموزان تهران و سپهر سازمان دانش آموزان ایران در سال ۱۳۳۰ تشکیل شد. در تشکیل این سازمان، دبیران مترقی مدارس و اعضای سازمان جوانان نقش فعالی داشتند در صحنه جهانی نیز، سازمان جوانان یکی از سازمان‌های فعال جوانان بود. سازمان جوانان یکی از موسسین فدراسیون جهانی جوانان دموکرات است که امروز بزرگترین سازمان جهانی جوانان است. سازمان جوانان در کارزارهای جهانی جوانان، برای حفظ صلح برای جمع آوری اعضاء زیرمیانیه استکهلم، برای دفاع از جوانان کره بهنگام تجاوز آمریکا به کره، دموکراتیک، علیه جنگ تجار و کارخانه آمریکا در ویتنام با اینکارا که گوناگون شرکت کرده است. معاینندگان سازمان جوانان در دیدارهای جهانی و جلسات فدراسیون با جوانان عضو سازمان کمسومول یعنی با راه‌ملاقات کرد و با آنها به گفتگو بنیسته، از تجارب آن‌ها استفاده کرده‌اند. با جوانان کشورهای سوسیالیستی با جوانان اسپانیا، یونان و کشورهای عربی و دیگر کشورهای سال‌ها داشته‌اند. سازمان جوانان در تمام قسمتی‌ها شرکت کرد و هموارات فستیوال سوم در برلین و فستیوال چهارم در بخارست، فستیوال‌های ملی در تهران با شرکت جوانان سراسر کشور تشکیل داده است. در سال ۱۳۵۳ که تدارک تشکیل کنفرانس جهانی دفاع از حقوق جوانان در جریان بود، صد هزار جوان در تارخانه‌ها و پارک‌ها، مراکز و مدارس دانشکده‌ها کمیته‌های دفاع تشکیل دادند و مطالبات مردم جوانان مدون شدند و کنفرانس کشور در دفاع از حقوق جوانان برگزار گشت.

در این دوران کمهضت اوچ میگرفت و توده‌های تازه‌م بیشتر بی‌صفت روی میآوردند، و فعالیت سازمان جوانان وسعت زیادی بد خود گرفته بود، سازمان جوانان توانست از نقائص دور بماند، گاه سازمان جوانان خود را با حزب آشنا نمیکرد، در جلسات کمیته مرکزی، در غیاب مسئول سیاسی مطالب سیاسی بحث میشد و بدو مشورت با حزب براساس نتیجه گیری خود در "رزم" مقاله میبوست و بحوزه‌ها رهنمود میداد. در روز ۸ فروردین ۱۳۳۱ بماسیت هفته جهانی جوانان، مثبت را علیه رژیم دستور صریح حزب به دموکرات‌ها میبوست شد بدین کرد. در اثر این حادثه جوئی در تصادفی که با بنیسی رخ داد، نفرکشته‌وقد، ای زخمی شدند و کانون جوانان با اشعار و ایمان درآمد. رهبران سازمان جوانان نمیتوانستند بدو در صبح فردی بین سازمان جوانان کمیرویی در حیره حزب است و اعضاء آینده حزب را که غالبترین سازمان "به کارگزار است تربیت میکند و کانون جوانان که بین سازمان دموکرات است، تمام جوانان دموکرات را متحد میکند رعایت نمایند. گاه در کانون ارگان‌ها آلس نوشته میشد گسده



در کنگره برای هرجوان عشوکانوں با هواداران مشک بود و این اختیاب بزبان توسعه آن بود .

تشکیل سازمان دانشجویان

در اوائل سال تحصیلی ۱۳۲۳-۱۳۲۴، بعد از سارزه اولانی دانشجویان عضو حزب و سازمان جوانان بوده ایران برای گرفتن حقوق صغی خویشتر اتحادیه دانشکده های پزشکی ، داروسازی و دندان پزشکی و معاشی تشکیل شد . محافظ ارتجاعی در داخل و خارج دانشگاه برای مقابله با اتحادیه دانشجویان ، سازمان های قلابی برای دانشجویان در دانشکده فنی و علوم وجود آوردند که در ازمبارزه دانشجویان فنی باکمت استادان مترقی ، این سازمان قلابی جاروب شد و اتحادیه دانشجویان دانشکده فنی در سال تحصیلی ۱۳۲۴-۱۳۲۵ وجود آمد . در همان سال در دانشکده علوم نیز اتحادیه واقعی دانشجویان تشکیل گردید . در سال ۱۳۲۴ ، دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج نیز برای تشکیل سازمان صغی خود دست باعصاب زدند و ارتکز به وزارت کشاورزی آمدند . در نتیجه این سارزه سازمان صغی آنها تشکیل شد و دانشکده کشاورزی کرج به دانشگاه تهران ملحق شد . پرازمسکوبی نهضت و موکرمند آذربایجان و کردستان و ولت از فرصت استفاده کرد و فعالیت سازمانهای دانشجویی خویشتر بحمل آورد و در سال ۱۳۲۷ که سارزه محمد داوون میگرفت ، دولت تعهد نامه امتنا بهم کرد که بموجب آن شروع فعالیت صغی و سازمان را برای دانشجویان ممنوع ساخت . هر دانشجویی که این تعهد نامنکین را امضا نمیکرد از تحصیل محروم میشد . بعد از حادثه ۱۵ بهمن سارزه برمد این تعهد نامنکین متوقف شد و بعد ای از فعالیتین اخراج شدند و بعد از مدت نعام و ایغه اعزام گردیدند . در سال ۱۳۲۸ مجدداً سارزات دانشجویی تشدید شد . در ۷ آبان ماه ۱۳۲۸ دانشجویان مقیم کوی دانشگاه تهران بسیاری اعتراض به شرایط بسیار دشوار زندگی خویشتر دست به اهرزدند و از امیر آباد به بیرخانه دانشگاه آمدند . در نهم آذرماه ۱۳۲۸ سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه تشکیل شد .

در فروردین ماه ۱۳۲۹ اعتصاب دانشجویان دانشکده پزشکی برای حل مشکل "اثرنا" آغاز شد . این اعتصاب چهار ماه طول کشید . دانشجویان دانشگاه از خواست دانشجویان پزشکی پشتیبانی کردند و در روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۹ نمایت بزرگی تشکیل دادند . در جریان این اعتصاب و فعالیتین مختلف ، همدردی با دانشجویان اعصابی ، دانشجویان بجز از بجزیه ضرورت وجود سازمان واحد و متشکل صغی بی بردند و در ۲۶ اردیبهشت همان سال نمایندگان سازمانهای دانشکده های دانشگاه تهران گرد هم آمدند و در ۲۶ اردیبهشت ضمن میتینگ باشکوهی که در محوطه دانشگاه برگزار شد تشکیک سازمان دانشجویان دانشگاه تهران اعلام گردید . این سازمان بزودی عضو اتحادیه بین المللی دانشجویان شد . نامه " دانشجو " ارگان سازمان دانشجویان دانشگاه تهران نامه محبوب دانشجویان و دانش آموزان بود . سازمان دانشجویان دانشگاه تهران در اثر رهنمود های حزب همیشه میکوشید تمام دانشجویان صیون پرست صرفتاً از فعالیت سیاسی و اجتماعی خود برای گرفتن حقوق صغی و مبارزه در راه آزادی و استقلال و دفاع از صلح در صف واحد ای گرد هم آیند . در ۱۶ آذر ۱۳۲۹ که در دانشجوی عشو سازمان جوانان و دانشجوی صغیبه ملی شهید شدند ، در دسترنامه ارا متوجه کرد که تاجه حد مساوت مشترکی دارند و متقابله کنترا جمعی در دانشگاه اعتراض کردند . این هماهنگی و یکپارچگی که مورد تأیید زحمتکشان تهران بود کوی تاجیان را وارد کرد که " ابرازندامت " کنند و " پوزش " بخوانند .

سازمان جوانان و دانشجویان در خارج از کشور

حزب توده ایران، همیشه جوانان توصیه میکرد که تحصیلاً خود را در کشور با تمام برسانند و تنها برای گرفتن تخصص بخارج از کشور مسافر نکنند. حزب معتقد بود که جوانان دانشجوی عضو حزب و دانش آموزان عضو سازمان جوانان، باید صحنه مبارزه را ترک نکنند و در کنار جوانان زحمتکش برای صلح و موکراسی و آینده بهتر بنویسند. ولی در عین حال حزب و سازمان جوانان با آن عدد از جوانانی که در خارج تحصیل میکردند و با علیرغم توصیه حزب بخارج میرفتند توجه میکرد و در مورد تربیت سیاسی آنها، مسئولیت خود را انجام میداد.

سازمان جوانان حزب توده ایران با دانشجویان فعال ایرانی در فرانسه، آلمان فدرال و نقاط دیگر تماس منظم برقرار کرده و با ارسال مطبوعات برای آنها و دادن رهنمودهای لازم برای مشکل کردن دانشجویان ایرانی خارج از کشور تلاش مینمود.

فستیوالهای جهانی جوانان و دانشجویان، یکی از بهترین امکاناتی بود که جوانانی که در خارج از کشور بودند با جوانان داخل کشور که برای شرکت بفرستید میآیند تماس بگیرند و مشترکاً در برنامه های فستیوال شرکت کنند.

بعد از ۲۸ مرداد که مکانات کار صنفی علمی در کشور محدود شده بود، سازمانهای صنفی دانشجویان که در کشورهای مختلف وجود آمده بودند، توانستند واقعیت کشور را با اطلاع جهانیان برسانند و با تشکیل کنگره ها، کنفرانسها و انتشاریهایی ها اقدام میکردند که در ایران آزاد بهیچکدام از موکراتیک تامین شود، قائلین دانشجویان مجازات شوند و همه دانشجویان و استادان و دیگران در سینه پرستان که فقط بخاطر دفاع از منافع مردم بزند ان افتاده اند آزاد گردند.

در سال ۱۹۶۰، دانشجویان ایرانی خارج از کشور موفق شدند کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا را بوجود آورند. در تشکیل سازمانهای صنفی در کشورهای مختلف اروپا و متحد کردن آنها در "کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی" حزب توده ایران سهم مهم و اساسی و گاه قطعی داشته است.

دانشجویان ایرانی عضو کنفدراسیون با فعالیت خود موفق شدند وضع حقان آورو کشور را در چنان منعکس کنند و با برنامه متحدی از زندانیان سیاسی و محکومین با اعدام دفاع نمایند. دفاع مشترک هم در اندیشه و با عضو کنفدراسیون صرفتاً راز با بستگیهای سیاسی آنها، کمک کرد تا چنان حکمت جو و خاوری، اعضای حزب و جوانان بخوردن عضو حزب ملای اسلامی را که محکوم با اعدام شد بودند نجات دهد. این یکی از نمونه های روشن و محسوس ثمرات وحدت عمل نیروها و مختلفاً پیروسیون در سمت یزد هدف و واحد است.

سازمانهای دانشجویی در خارج از کشور همانا ورثه در پیکار (سال اول شماره یک) خاطر نشان شده است میبایست در دار و وب قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشرید دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی دانشجویان و به مبارزه در دفاع ترین شعارهای ضد امپریالیستی و موکراتیک سپرداختند، ولی "تحمل یک سیاست و ایدئولوژی خاص یک سازمان صنفی، سازمانی که در آن افراد با عقاید گوناگون سیاسی و اجتماعی شرکت دارند و باید داشته باشند، تحمل یک مضمی چپ روانه و سکتاریستی که ما ماهیت و خصیلت کنفدراسیون و نه با واقعیت مبارزه در شرایط مشخص کنونی تطبیق میکند، تحمل روش ضد توده ای و ضد شوروی با نقاب "چپ" که ما هیئت ضد کمونیستی است" آنم اراد چار بحران کرد همه بن بست کشانده است.

حزب توده ایران که بیشتر دانشجویان ایرانی را بخش از جنبش ضد امپریالیستی و موکراتیک

بجنگند و آنرا سرنگون کنند . اینها اکثر اعضاء صمیمین پرست و جوانان پاکدلی هستند که بر صورت
وحشیانه ساواک ناپود میگردند و عظیمات مسلحانه آنها نمیتواند به نتیجه حاصلوب نمیرسد بلکه موجب
زیانهای فراوان برای خود آنها و جنبشتر میشود .

در شرایط کنونی ، وظیفه جوانان تودهای این است که مبارزه در راه خواستهای روزمره
مردم هرچه بیشتر بمشود و برای جوانان نزدیک نشود و با کار توسعهی ، پیگیری و دستگیری ناپذیر و در
سازماندهی و مبارزه را با جوانان نشان دهند و اشکال تازه مبارزه را میبایند و زیر رهبری حزب در راه
تشکیل جبهه ضد دیکتاتور برای سرنگونی رژیم استبداد و شاه مبارزه نمایند .

حزب توده ایران و نیروهای مسلح

جنبش دموکراتیک در درون ارتش ایران در تاریخ مبارزات آزاد بخوانه و ضد استعماری خلق های ایران ریشه‌های عمیق دارد . این جنبش از دوران جنگ جهانی اول با اشکالی مشخص تجلی یافته است . از آن دوره به بعد گروه‌های مختلف از افسران و درجه داران سپه پرست و ترقیخواه ارتش همواره در جنبش‌های بخش ضد امپریالیستی مردم ایران شرکت داشته اند ، با باطنی جداگانه ، با گروهی و با اشکال گوناگون علیه سیاست استعماری دولت امپریالیستی و هیئت حاکمه ارتدعی برخاسته و اعتراض و ناراضی خود را ابراز داشته اند . از نمونه‌های بارز این قیامها و اعتراضات قیام گلن محمد تقی پیمان ، قیام‌ها و راهپیمایی‌ها در سال ۱۳۰۵ و اقدامات گروه سرهنگ پولا در این راهپیمایی نام برد . انگیزه این گونه قیامها و شرکت کنندگان در آنها بطور عمدتاً از احساسات صمیم پرستانه و ناراضی از سیاست محافل حاکمه سرچشمه میگرفته و غالباً مبتنی بر جهان بینی شکل گرفته ای نبوده است ، یعنی با اینکه برخی از افسرانی که در اس‌این قیامها قرار گرفته بودند در گذشته به گروهها و احزاب سیاسی مختلف وابستگی داشته اند ، ولی اقدامات آنان از جانب حزب و جمعیتی رهبری نشده و با جانبداری دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌های خلق پیوند مستقیم نداشته است .

پیدا یتر جنبش کمونیستی و تشکیل حزب کمونیست در ایران آغاز یک تحول بنیادی و تغییر کیفی در جنبش دموکراتیک و آزاد بخوانی در درون نیروهای مسلح را بنیان نهاد . حزب کمونیست ایران با توجه به اهمیت که جنبشهای دموکراتیک درون ارتش برای مجموعه جنبش‌های بخش مردم ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و هیئت حاکمه و ارتجاع داخلی دارد ، پی‌ر از وسعت کنگره خود بنام کنگره ارومیه (۱۳۰۶) به مسئله جلب افسران و افراد نیروهای مسلح به حزب و جنبش توجه ویژه ای معطوف داشت . حزب فدا الهی برای جلب افسران و درجه داران به صفوف حزب را در برنامه کار خود منظور داشت و برای فکلیت در این زمینه مسئولی تعیین گردید . بنیاداً و با ایجاد کانونهای حزبی در درون نیروهای مسلح رهبری حزبی اعضای جوان حزب را به خدمت در ارتش و ورود به آموزشگاههای درجه داری و افسری ارتش تشویق میکرد . با وجود دشواریهایی که در آن دوره برای تحقق بخشیدن به این برنامه موجود بود ، حزب موفق شد هسته ای از افسران حزبی در درون ارتش ایجاد کند که پی‌ر از تأسیس حزب توده ایران این افسران به ایجاد سازمان توده‌ای حزب توده ایران اقدام کردند .

فدا الهی حزب توده ایران در درون نیروهای مسلح

ارتش ایران که در دوران دیکتاتوری ۲۰ ساله رضاشاه به تبعیت از رشد جامعه در جاده سرمایه داری وابسته و تلویحاً قدرتمندتر گردید و گسترش میافت ، در راه تبدیل شدن به یک ارتش مدرن گامهایی برداشت . گسترش کمی و رشد کیفی ارتش همراه با تغییراتی که در سازمان آن داد میشد ، در ساختار

اجتماعی درون ارتش نیز در گرونیهای راموجب گردید . گسترش واحد های ارتش و پیشرفت تکنیک نظامی و تسلیحات از یکسو ، افزایش شماره کادر افسران و درجه داران ، ازسوی دیگر ، بالا بودن سطح آموزش و بهای تحصیلی آنان را ضروری میکرد . این دو عامل موجب گردید که توده های وسیعی از زمان قشر های متوسط جامعه به صفوف ارتش و کادر افسری آن راه یابند . ورود چنین افرادی به ارتش که از میان باقیات و فشرهای مختلف جامعه برخاسته بودند و روحیات و دریافت های متفاوتی از مسائل مربوط به جامعه و منافع باقیات مختلف داشتند ، نمیتوانست در قشر بندی کادر افسری ارتش بویژه افسران جزیی تاثیر باشد .

با سقوط دیکتاتوری رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ جنبش آزاد بخوانی و دموکراتیک مردم ایران اوج گرفت و در جریان این حوادث افسران میهن پرست ارتش بهتر از پیش به ما هیت ارتجاعی ضد ملی رژیم دیکتاتوری رضاشاه و سران ارتش پی بروردند . حوادث شهر بهر مسائل اجتماعی و سیاسی بررسی راد در جامعه ایران مطرح نمود . یکی از مسائل مهمی که ضرورت های تاریخی جامعه ایران ناشی میشد مسئله تشکیل حزب طبقه کارگر بود که شرایط عینی و ذهنی برای پیدایش آن مساعد نشده بود . حزب توده ایران در مهرماه سال ۱۳۲۰ در جنس مومسان که توسط عده ای از کمونیست ها و عناصر انقلابی تشکیل یافته بود ، تأسیس گردید . فعالیت عینی حزب توده ایران و انتشار آموزش مارکسیسم - لنینیسم در مطبوعات و نشریات حزبی مهمترین عامل در بالا بردن سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر و روشنفکران و همه اقشار جامعه کشور بود . این نقش روشنگرانه حزب بویژه در زمان قشر روشنفکران و آنچه افسران جوان تاثیر فراوان داشت و موجب گردید که براندختن بار دستان تاریخ جنبشهای دموکراتیک خلقها در ایران توده وسیعی از افسران ایران را بپذیرد جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم به جبهه طبقه کارگر توده های زحمتکش بپیوندد .

نیروی جاذبه آید تلویزی حزب توده ایران که روز بروز با دامنه گسترده تری در زمان توده های مردم ایران و از جمله افسران جوان میهن پرست و آزاد بخوانه تأثیر بی بخشید و آنان را به راه های مبارزان و در امانت طبقه کارگر جلب نمود ، هیت حاکمه راد جا روحشت ساخته بود . واکنش هیت حاکمه در برابر این وضع بنحوی خشن ترو گستاخانگ در ارتش با زتاب می یافت . افسران آزاد بخوانه در ارتش تحت فشار رو به گرد قرار میگرفتند . ازسوی دیگر پاره ای از سران مرتجع ارتش گروه ها و دستجات سیاسی در ارتش تشکیل میدادند و تلاش داشتند زبیر در مشاعر های ملی ، افسران را به این دستها بکشاند . از نمونه های روشن این تلاشها تشکیل حزب فاشیستی " نهضت ملی " بود بوسیله سر لشکر ارفع و سرهنگ منوچهری (ارتشبد آریانا) . بموازات این اقدامات تعدادی از افسران میهن پرست مورد بگرد قرار گرفتند و بازداشت با تبعید شدند . نخستین واکنش در قبال این اقدامات هیت حاکمه و سران ارتش از جانب افسران میهن پرست و آزاد بخوانه که به عضویت حزب توده ایران درآمد ه بود بد قیام گروهی از افسران خراسان بود .

قیام خراسان در ۲۴ مرداد ۱۳۲۴ با شرکت ۲۰ تن از افسران و چند تن درجه دار و سرساز آزادگان خراسان به رهبری سرگرد توبخانه اسکندانی آغاز گردید . درین این اقدام تعدادی از افسران پادگان مرکز نیز در ترکن صحرا به گروه افسران خراسان پیوستند . قیام افسران خراسان یکی از وقایع پراهمیت تاریخ مبارزات دموکراتیک و آزاد بخوانه در ارتش ایران بشمار میرود . این قیام معاند حاکمه ایران را سخت و جا روحشت نمود و در همین حال در رشد و گسترش جنبش آزاد بخوانی و دموکراتیک در درون نیروهای مسلح تاثیر فراوان داشت . نگرانی از قیام خراسان و تاثیر آن در مرکز موجب آن شد که سر لشکر ارفع رژیم ستاد ارتش افسرانی را که در پادگان مرکز بازداشت شده و تحت بگرد بودند به مواجی جنوس تبعید کند . روزنامه " رهبر " در شماره ۲۳۸ بتاريخ ۲ خرداد ۱۳۲۴

در این مورد نوشت: "از روز به روز بیشتر در محافل ارتشی شایع بود که افسران توقیف شده را بزود یبوسه جنوب تبعید خواهند کرد، زیرا مترسند مرد مهجور آورد و زند انبیا را خلاص کنند * .
اما تبعید افسران به جنوب و دیگر اقدامات فشاری و دیگر نعتها از شد و گسترش جنبش در مکرانیک و ترقی در درون ارتش جلوگیری نکرد بلکه برعکس گرایش افسران بسوی حزب توده ایران و جنبش آزاد بخواهی توده‌های مردم شدت یافت و این گرایش به درجه داران و سربازان نیز سرایت نمود .
در تظاهرات و نمایشهایی که از جانب حزب توده ایران تشکیل مییافت ، اغلب اتفاق میافتاد که واحد های نظامی مابرونه اقدامات نسبت به شرکت کنندگان در این تظاهرات ایراز احساسات میگردند و حتی در مواردی از اجزای دستورفرماندهان ارتش برای جلوگیری و یا سرکوب این تظاهرات سرپیچی میکردند . بعنوان مثال ، در زمان دولت حکیمی هنگامیکه صفوف تظاهرات کنندگان میخواستند بسوی مجلس پیش بروند ، فرمانده واحدی که برای جلوگیری از این اقدام مامور شده بود دستورفرمانده ارتش ای تهران را اجرا نکرد و راه را برای تظاهرات کنندگان باز نمود .

پس از پیروزی جنبش در مکرانیک و آذربایجان و کردستان ایران عدای افسران عضو حزب توده ایران به این جنبش پیوستند . قیام افسران پادگان خراسان و پیوستن آنان به اتفاق عسده دیگری از افسران ترقیخواه به جنبش در مکرانیک ملی و آذربایجان نمونه برجسته ای از رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی در میان افسران میهن پرست و ترقیخواه ارتش ایران بود که زهره‌ریزی حزب توده ایران با روح انتزاعی و ناسیونالیستی پرورش یافته بودند و منافع ملی و طبقاتی خلقها و زحمتکشان ایران را بدرستی تشخیص میدادند .

در اعلامیه ای که از جانب افسرانیکه به جنبش آذربایجان پیوستند ، انتشار یافت چنین گفته میشود: " چون همکاری با این سازمان ارتش کفایت بی اراده ارتجاع و استعمار و عمل بی وطن است ، از نظر هر آزاد بخواه با شعوری خبیانتمحسوب میشود ، بر او مقدم ورنموده در جرگه این گروه در زد و خاشن ادامه خدمت دهم و از طرفی در این دقایق حساس تاریخی که برادران قهرمان آذربایجانی ما جان بکف در راه آزادی و استقلال واقعی ایران مشغول فداکاری میباشند ، نمیتوانستیم ساکت و ناظر بیطرف باشیم و با ایمان به این نکته که رهائی ملت رنجبر ایران وابسته به دوام و قوام جنبش آزاد پیشر آن سامان میباشد ، لذا استغفا به ارتش ملی که از برادران آزاد بخواه و پاکدامن و دلور مسا تشکیل گردیده ملحق گردیدیم * .

پیوستن این افسران و افسران شرکتکننده در قیام خراسان به جنبش در مکرانیک و آذربایجان نمونه درخشانی از رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی در میان افسران جوان میهن پرست ارتش ایران بود که زهره‌ریزی حزب توده ایران پرورش یافته بودند و منافع ملی و طبقاتی خلقها را بر اید رستسی تشخیص میدادند . تعداد زیادی از این افسران پس از شکست جنبش در مکرانیک ملی آذربایجان و کردستان بدست رژیم شاه اعدام شدند .

سازمان افسری حزب توده ایران

شکست جنبش در مکرانیک ملی و آذربایجان و کردستان ایران و سرکوب و حشیانه ششروکت کنندگان در این- نیز از جانب رژیم محمد رضا شاه و اعدام و کشتارهای دستجمعی هزاران تن از مردم این استانها که بدستور حاکمان امپریالیستی رژیم انجام گرفت ، گرایش افسران آزاد بخواه و میهن پرست نیروهای مسلح ایران را که عدای آنان ناظر این تنه‌کاریهای دشمنانه رژیم بودند ، بسوی حزب توده ایران بیشتر نمود . صد هاتن از افسران ارتش و شهرهای و زندانهای به صفوف

حزب طیفگاران ایران پیوستند و در سازمان واحد خود بنام سازمان افسری حزب توده ایران متشکل شدند. این سازمان بررهنبری کمیته مرکزی حزب توده ایران فعالیت میکرد. سازمان افسری حزب توده ایران بزرگترین و فعالترین سازمان سیاسی بود که در تمام دوران تاریخ جنبش دموکراتیک در ارتش ایران وجود داشته است. سازمان افسری که خود سازمانی کاملاً محفی و سرمنای اصول سازمانی خاصی تشکیل یافته بود در دوران فعالیت پنهانی حزب توده ایران در دوران نهضت ملی شدن نفت به حزب توده ایران و جنبش دموکراتیک مردم ایران خدمات ارزنده ای کرد. این سازمان نفوذ حزب و باورگی حساس دموکراتیک را در میان ارتش توسعه میداد. سازمان افسری در دستگاه حاکمه، ارتجاع داخلی و محافل امپریالیستی راسخونگران ساخته بود. پیراگود تا ۲۸ مرداد که بدستگیری و شرکت مستقیم سازمانهای جاسوسی دولت امپریالیستی علیه دولت قانونی دکتر مصدق انجام گرفت رژیم کودتایه وجود جنبش سازمانی در نیروهای مسلح تأخیر و دیرین برده بود و وجود چنین سازمانی در میان نیروهای مسلح را بزرگترین مانع اجرای نقشه های خباثناآمیز نیشگاه را خود - واگذاری منابع ترویجی به احزاب امپریالیستی، پیوند ایران به پیمان نظامی ستو، بستن قرارداد های نظامی و حاد سازی امریکا و تبدیل ایران به پایگاه نظامی امپریالیستی - میدانستند. رژیم کودتا سازمان افسری حزب توده ایران را یکی از ارکان مهم سازمانی حزب توده ایران بشمارد و تلاش میکرد تا کشف و نابودی این سازمان حزب توده ایران را در هم شکند. رژیم با تمام وسایل و دستگیری و شرکت مستقیم سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلیس برای کشف این سازمان به تلاش افتاد. در پائیز سال ۱۳۳۳ سازمان افسری حزب توده ایران کشف شد و نزدیک به هفتصد تن اعضای این سازمان - افسران ارتش شم ربانی، وزاندارمری بازداشت شدند. دادگاههای فرمایشی رژیم با شرکت مستشاران نظامی امریکایی در آرزو چند هفته با شتاب بهما بقیه اعضای ۳۱ تن از این افسران را به اعدام و بقیه را به زندان های ابد و زندانهای دراز مدت محکوم کردند.

اعضای سازمان افسری حزب توده ایران در دادگاههای نظامی با شهادت و مردانگی حماسه آمرینی از ماضی بقات زحمتکاران ایران، از مواضع و ایدئولوژی حزب توده ایران دفاع کردند. رژیم کودتا تلاش میکرد تا افکار عمومی جامعه ایران را در مورد وجود یک جنبش سازمان سیاسی بزرگی در میان نیروهای مسلح ایران گمراه سازد و این سازمان را به یک سازمان جاسوسی متهم سازد. رفیق شهید سرهنگ سیاحت در دادگاه نظامی به این اتهام چنین پاسخ داد: "حق اینست که من به تعویب جاسوسی تن در داده ام. بلی من هر روز صبح تمام اخبار و اطلاعات ژاندارمری را تئذ بهم میگردم و تحویل بسک افسر خراچی میدادم. . . این افسر یک افسر امریکایی و ما موسس سازمان جاسوسی وزارت امور خارجه امریکا بود که بنا به مستشار در راز ژاندارمری میهن من قرارداد داشت و من این عمل تنگن را بموجب دستور شخص بزرگ ارتش تاران فرمانده انجام میدادم" (یادنامه شهیدان، ص ۴۸)

رفیق شهید خسرو زبیه قهرمان ملی ایران در دادگاه نظامی به دفاع از سازمان افسری حزب توده ایران که خود یکی از بنیادگذاران آن بود پرداخته، ضرورت اجتماعی و قانونی مداخله ارتش در سیاست و شرکت افسران و سربازان را در تعیین سرنوشت میهن به اثبات میرساند. رفیق شهید خسرو زبیه در دفاع از حزب توده ایران میگوید: " من به اقتضای آتش که بخاطر خدمت به خلقهای ایران در درون سینه ام شعله میکشد، راه حزب توده ایران را برگزیده ام، و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پود وجودم این راه را راه مقدس شناخته است و تمام سلولهای بدن من و تمام ذرات وجودم توده ای است. . . من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم. . . مطالعه سطحی اوضاع گیتی جامعه ایران و مقایسه شرایط زندگی طبقات مختلف نمیتواند موجب تاثر و محسوس و تألم نگردد. شکاف عمیق و عذایی که بین طبقات مرفه و محروم جامعه دیده میشود و روز بروز نیز ژرف تر

میگرد و هرسان صاحب احساس را متاثر و طول میسازد و بنگر و امیدارد * (خسرو روزبه در دادگساره
نظامی ، ص ۲۴ - ۲۵) .

کودتای شافه زاهدی که موجب سرنوشتی دولت قانونی دکتر صدق و سرکوب جنبش ملی و ضد
امپریالیستی مردم ایران گردید ، برای استقرار سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی دولت امپریالیستی
و در درجه اول امپریالیسم امریکایی بر همین مارا راه و موار ساخت . هدف محافل امپریالیستی از این
کودتای بود که با سرکوب جنبش ملی و ضد امپریالیستی مردم ایران بر شرورتهای منافع نفت ایران دست
یابند و در ایران رژیم استقرار یابد که برای تأمین منافع امپریالیسم و شیعه اشمنان بخت باشد و کشور را
در دسترس سیاست نظامی ، شرکت در بلوکهای نظامی و مسابقت سلجاحتی قرار دهد .

پس از انعقاد قرارداد نفت با کنسرسیوم بین الطلی در مه ماه سال ۱۳۳۴ دولت علامت تصمص
دولت رامینی بررورد بنیماستو (بغداد) در مجلس اعلام کرد . پنجم ماه مارس ۱۳۳۶ بهمان
نظامی دو جانبه ایران و امریکایه امضا رسید . در سال ۱۳۴۳ بموجب قانونی که بتصویب مجلس
رسید به مستشاران و افسران و درجه داران و کارشناسان نظامی امریکادار ایران حقوق مصونیت
سیاسی داده شد و بدین ترتیب در واقع رژیم کاپیتولاسیون در ایران احیاء گردید . بدین ترتیب
رژیم کودتای م ۶۸ در راه بستگی اقتصاد دوساسی و نظامی ایران به امپریالیسم امریکایی بهتر رفت و
ارتش ایران را به زاننده پنتاگون تبدیل نمود .

با وجود اینکه رژیم کودتای مستشاران حامیان امپریالیستی خود موفق شد جنبش ملی و استقلال
طلبانه مردم ایران را سرکوب کند و سازمانهای حزب توده ایران را تجله سازمان افسران آزاد را هم
شکند و اعضای این سازمانها را به میدانهای اعدا بزند آنها را نه سازد ، اما موفق نشده و هیچگاه
موفق نخواهد شد اندیشههای میهن پرستانه و دموکراتیک سازمان افسران حزب توده ایران را در میان
نیروهای مسلح ایران ریشه کن کند .

ابد آنها و اندیشههای آزادخواهی و دموکراتیک سازمان افسران حزب توده ایران که زیر رهبری
حزب توده ایران سازمان داده شد و پرورش یافت در شرایط کنونی ایران نیز در میان نیروهای مسلح
همچنان نفوذ دارد . نامهمانیکه از جانب افسران و درجه داران به حزب توده ایران و اصل میسود
موجب آنستکه سنن انقلابی در میان افسران و درجه داران میهن پرست و آزادخواه همچنان زنده است
و بارور میگردد . مضمون یکی از نامههایی که گروهی از افسران و درجه داران ارتش ، ژاندارمری و کارمندان
سازمانهای ضد جاسوسی به حزب توده ایران نوشته اند از اینقرار است : " گروه ما از چند نفر درجه دار
و از افسران ارتش ، ژاندارمری و شهرداری و کارمندان سازمانهای ضد جاسوسی تشکیل یافته
ما طرفدار عدالت اجتماعی و اعمال واقعی قانون اساسی میباشیم (مانند رفقای عزیز کمونیست خود)
معتقدیم که برای رسیدن به هدف و ایجاد حکومتی کلیه نیروهای مبارزه با باید از هم انشون حد و برنامه
کار خود و نحوه همکاری و دستهای مورد نظر خویش را در چنان دولتی بروشی تعیین کنند ۱ - در
حکومتی که کارشکیلات نظامی دفاع از مردم و ایران و کار سازمانهای پلیس حفظ حرارت آزادی و
جان و مال مردم میباشد ، ۲ - قطع امارت بیگانه از اقتصاد ایران و کنترل سرمایه گذاری لازم خارجی
بمنفع ملت و ایجاد ارتباطات سوسیالیستی معتدل باید در برابر برنامه های این دولت قرار گیرد . "

این نامه نمونه های روشنی از آنستکه اندیشههای انقلابی کمونیست سازمان افسران حزب توده
ایران در میان افسران و افراد نیروهای مسلح ایران اشاعه یافته همچنان زنده است و در شرایط تسریر
و اختناق کنونی نیز افسران و درجه داران میهن پرست و ترقیخواه را به صفوف حزب توده ایران که طی سال
و پنج سال پرچم انقلاب را برافراشته نگاه داشته و در رهش بهتر طبقه کارگروهه نیروهای ملی و دموکراتیک
کشور گام بر میدارد ، هدایت و راهنمایی میکند .

حزب توده ایران

پیگیرترین نیروی ضدامپریالیستی و دموکراتیک کشور

همه نیروهای ضد رژیم را بوحلت عمل

در جبهه ضد دیکتاتوری فرا میخواند!

اکنون سی و پنج سال از مبارزه پیگیر و بی‌امتن حزب توده ایران میگذرد و در پایان آن ، میتوانیم ما با وجود فراز و نشیب های بسیار تند ، با سر بلند ی بی‌مانجه که این حزب برای خلقهای ایران و در درجه اول برای زحمتکشان شهروده انجام داده نگاه افکنیم .

در این سی و پنج سال همواره حزب ما ، حزب طبقه کارگر ایران ، محکمترین پیوند را با زحمتکشان داشته و در رده اول مبارزه برای استقلال ملی ، آزادی و خواستههای زحمتکشان بدون تزلزل گام برداشته است .

هیچ سازمان سیاسی دیگری در دوران پهلوی سی و پنج ساله گذشته ایران نتوانست بهتر از چند سالی دوام آورد و موجودیت خود را نگهدارد . تنها حزب توده ایران بود که بر پایه وابستگی ناسستنی به طبقه کارگر و قاع از خواستههای همه زحمتکشان شهروده ، بر پایه در دست داشتن برنده ترین سلاح در مبارزه اجتماعی ، یعنی تئوری انقلاب طبقه کارگر ، بعلمت اعتماد بدون تزلزل به نیروی شکستناپذیر خلق ها و اعتقاد به اینکه دوران ، دوران پیروزی انقلابهای کارگری ، خلقی و ملی است نتوانست آن برنامه سیاسی راتهی و پهنشناد کند که برای دوران درازی پاسخگوی خواستههای همه خلقهای ایران در مبارزه برای استقلال ، آزادی و پیشرفت اجتماعی باشد ، نتوانست در کار سازمانی و سیاسی خود در هر دوره آن شیوههای مبارزه سیاسی را برتر کند که بکنک آنها بتواند رود روی سهمگین ترین گریزها های نامساعد ارتجاعی موجودیت خود را نگهدارد و زمینه را برای گسترش مبارزه در آن بعدی آماده سازد .

بدون تردید در جریان این مبارزه حزب ما روی جاده ای هموار گام برنمیداشت . راهی که در این دوران به خود راهی بود بسیار نا هموار ، با پستی و بلند پهنایی بسی تند . در این راه حزب ما همواره رود روی جبهه ای از دشمنان ، مخالفین و منافقین جای داشت و هر گاهی راکه جلوسو بر میداشت تنها با مبارزه ای سرسخت و گاهی پرتلفات امکان پذیر بود . بارها در این نبود تا براسر دشمن نتوانست ضربه های سنگینی بحزب ما وارد سازد ، ما را واداره عقب نشینی کند ، ولی در هیچ حالی نتوانست به موجودیت حزب ما پایان دهد . حزب ما بارها شکست ها داشت که خورده و لسی هرگز ایان در نماند . هر بار پس از شکست ، زود و بیاد برماند و نتوانستیم برخیزیم ، قدر استنکیم ، کار خود و اوضاع را بد رستی بررسی کنیم ، بی روی خود را گرد آوریم ، جهت حرکت به پیش را بیابیم و با گامهای استوار برآه بیفتیم .

در همین دوران اخیر، پس از شکست دشواری که بر اثر خیانت سنگین شهرپاری صریح مختسی به حزب ما وارد شد، باز هم حزب توده ایران توانست توافق کار خود را بر طرف سازد، برنامه سیاسی خود را دقیق کند و آن را با تحولات دوران اخیر در زندگی اجتماعی ایران و جهان هماهنگ سازد و درست ترین شیوه های کار سازمانی و مبارزه سیاسی را برای بهد ار کردن و تجهیز و متشکل ساختن نیروهای خلق برگزیند و صحیح ترین شعار سیاسی را برای گرد آوردن هممنبروهای ضد دیکتاتوری جامعه ایران بپوشد. یاد حاید به مد سارزان و رژیم کمونی را برای وحدت عمل در راه برانداختن استبداد سیاه محمد رضا شاه و باز کردن راه پیشرفت اجتماعی فراخواند.

در تمام این دوران دشمنان و مخالفین که دریافتند که سرچشمه شکست ناپذیری حزب ما همان پیوندش با طبقه کارگر، نیرومندترین سنگر نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه است، بدست بازی به هر جنایت و نیرنگ کوشیدند حزب ما را از طبقه کارگر جدا سازند، ولی در پایان سی و پنج سال زندگی حزب ما، علیرغم همه نیرنگ ها و دسیسه ها و فشارها، نفوذ حزب توده ایران در جامعه هر روز گسترش مییابد و پیوندش با طبقه کارگر محکمتر و پایدارتر میگردد.

رژیم استبدادی شاه در این مبارزه همه شیوه ها و جنگ افزارهای جهنمی خود را بکار انداخت رژیم به صورتی میگردد که با تطبیق اختناق سیاسی، با تبلیغات گمراه کننده و مردم فریب گامهای نچندی در جهت برخی اصلاحات اجتماعی در چهارچوب رشد مناسبات سرمایه داری، میتواند بسیاری خود پایگاه مردمی بنا کند و پیوند طبقه کارگر، پیشقراول جنبش انقلاب ایران را، از حیزش بگسلد. امروز رژیم مجبور است این واقعیت را بشناسد که سیاست اختناق سپاه ساواکی که پایه اش بر زندان کشیدن دهها هزار مبارزان انقلابی، شکنجه ها و قرون وسطایی و کشتار آشکار و پنهانی آنان استوار است نتایج فاجعه انگیز و تفرق انگیز دستگاهی خیری در دولت و ساواک و برنامه های پرزوری و برق "انقلاب شاهانه" و احزاب دولتی و نه برخی گامهای نیم بند اصلاحات اجتماعی نتوانسته اند بر اثرش پایگاههای در میان خلق بوجود آورند. برعکس بر اثر سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم هر روز فشارهای تازه ای از مردم، منتسباً از حرکت گشتان و مبارزین نیروهای خلق، بلکه حتی از وابستگان به طبقات حاکم به صفوف مخالفین رژیم رومی آورند و بفرج چاره برای پایان دادن به این استبداد قرون وسطایی محمد رضا شاه میافتند.

در چنین شرایطی است که شه ارحب ما در فراخوانی برای گرد هم آیی هممنبروهای ضد رژیم در جهت وحدت یکتاتوری برای انداختن رژیم استبداد محمد رضا شاه، زمینه مینی بی اندازه مساعد و مناسبی پیدا میکند و بدون تردید این زمینه بخود روز افزونی در حال گسترش است.

نگاهی به گسترش مبارزات در یکساله اخیر این بهتر بینی ما را ثابت میکند. یکسال پیش بود که اعتراض عظیم مبارزه در خشان کارگران کارخانه پارچه بافی شاهی آغاز گردید. این مبارزه در خشان لرحه با مقاومت در دشمنان رژیم و نیروی گشت و دست اندکشان ساواک بخون کشیده شد، ولی در سر بزرگی برای طبقه کارگر ایران و همه مبارزان بود. مبارزان جوانی که تنه به فد اگاری خود و هفتستیر و نارنجکی که در جیب دارند تکیه میکردند و برای مبارزه طبقه کارگر ارزشی قائم نبودند، نشان داد که چمنی روی عظیم انقلابی در درون طبقه کارگر ایران نهفته است. بخود طبقه کارگر ایران و مخصوص به بسیاری از آن صدها هزار کارگری که تازه آرد به پیشپار آمد روزی کارگری آغاز کرد، اند نشان داد که دشمن واقعی آنان کیمست و تشنه با مبارزه میتوان از این دشمن خونخوار و فارتگر حقنی را بد ست آورد و در این مبارزه طبقه کارگر در ره و جاعول باید به نیروی عظیم انقلابی خود متکی باشد.

این در امر انقلابی باعث شده که زمان کوتاهی پس از مبارزه پرافتخار کارگران شاهی، آنتسش

اعتصاب‌کنارگری در گوشه‌وکار کشور شعله‌کشید .

تنها در یک ماه پیمشت ساا جارن بیتر از ۲۶ کارخانه با بیتر از ۳۰ هزار کارگر در سراسر ایران اعتصاب کردند و سرکوب خونین بسیاری از این اعتصابات بوسیله آدامکشان ساواک نتوانست و نخواهد توانست از گسترش این موج مبارزات که ریشه اثر در بدتر شدن ریزافزون شرایط زندگی مادی و رحمتکشان ، علمبرقم گسترش بمسابقه امکانات مالی رژیم استبداد است ، جلوگیری نماید . کتر اوضاع مایها با خیریکبار دیشتر بیتر برنامه حزب توده ایران را در این باره که دوران فرو جنبش انقلابی مردم ایران پایان میابد و در زمان دوران اعتلای جدیدی پدیدار گشته است بیه روشنی نماید مینماید . همزمان با گسترش جنبش کارگری ، جنبش دانشجوی و مبارزه روشنفکران انقلابی هر روز پهناتر میگردد و خواستههای آنان برای یک سیاست ملی و مترقی و دموکراتیک با روشنی بیشتری متبلور میگردد .

در دانشگاههای ایران تنها زنجار خشن گارد های مسلح ساواک در دروازه های "آرامش" ظاهری برقرار است . هراز چندی آتشر سوزان ناخشنود جوانان میهن پرست ، علمبرقم خط را قطع می کند و بر سر آتشان فرار دارد شعله میگیرد و در رعبایشا پیرشورتنفرآنان که نمایند مفسر اکثریت عظیم مردم ایران نسبت به سیاست ضد ملی - غارتگرانه و بد نشان رژیم استبداد است تظاهرات میکند . اکنون سالهاست که اکثریت بهترین نمایندگان فرهنگ نوین ایران در سیاه جالبی ساواک در بند کشیده شده اند و آثارشان یکی پراز دیگری بوسیله ماموران ساواک از کتابخانهها ربود میشوند .

بویژه این واقعیت جالب توجه است که این گسترش جنبش مبارزات طبقه کارگر و سربازان قشربهای اجتماعی در ایران در شرایطی انجام میگردد که در زندگی رژیم ساواکی بطور بمسابقه ای اوج گرفته است و بیترین شاهد گویای آن تعداد قتل های سیاسی در دوران اخیر است . بیتر از ۲۰ نفر در در و معصافه اخیر در خیابانهای شهرهای مختلف ایران بدست درندگان ساواک بدون ظلمت پد فاند این آماری است که سبیل نفرت مردم آزاد منتر دنیا را برانگیخته و داغ نشنگ فاشیسم را بیتر از بیتر بسر پهباشی محمد رضا شاه و رژیم استبداد بیتر نفتر کرده است . ولی این تشدید در زندگی بیچووجه نشانه استواری و نیرومندی رژیم نیست .

اینکه شاه به جلادان خود دستور میدهد که هر کسی را میتواند بدون بکشند ، اینکه او برای هر کشته سی هزار تومان انعام از درآمد ملی مخصص میدهد ، اینکه جلادان رژیم برای ترساندن مردم و گرفتن این "انعام" د بگردست بکشتن مردم بیگناهی زده اند که بیچگونه کار سیاسی انجام نداده اند ، این نشانه ضعف و ترس رژیم است نشانده قدرت و استواری اش .

حادثه جانگداز شب اول خرداد در خیابان بوطلی تهران که در آن د زخمیان رژیم A کارگر زحمتکش ساختمانی را به این بهانه به مسلسل بسته و بخون کشیدند که گویا آنها را ای چریکها گرفته اند و با حادته کتشارحمنی ناظم مد رسه در قزوین و مادر همسرش با زخم گویا با این بهانه که آنها لاشتها جا ای چریکها گرفته اند ، نشانه اینست که رژیم و د زخمیانشر از ترس گسترش جنبش ضد امپریالیستی و ضد استبداد ای کتتراب اعصاب خود را از دست داده و دیوانه وار بیطرف مسلسل میکشند .

این شیوه در همین حال نشانه آن کوربینی است که همه دیکتاتورها و آدمکشها جارآن بود فاند و تاریخ نمونههای بسیاری از آنها را با نشان میدهد . این کوربینان نه تنها از تاریخ درس نمیگیرند ، بلکه اوضاع دوران بلاواسطه کنونی جهان را هم نمی بینند . آنها نمی بینند که وقتی مردم به جنبش درآیند هیچگونه آدمکشی و خیانتدورندگی جلوسب خروشان مبارزات مردم را نمیتواند سد کند . همانطور

کجانیات امپریالیستهای فرانسه در الجزیره ، امپریالیستهای امریکائی در ویتنام و لائوس و کامبوج و امپریالیستهای پرتغالی در خود پرتغال و آنگولا و موزامبیک و گینه بیسائو و بامبائو و در تریچینات امثال امپراطور حیشه در کشور خود ، باتیستاد رگوبا نتوانستند جلوی حرکت خلق برای آزادی بگیرند ، جنایات محمد رضا شاه و ساواکتر هم نخواهد توانست حرکت تاریخ را به عقب برگرداند .

ولی حزب توده ایران بر آنست که تنها نباید این و بقیه را به عهد تاریخ گذاشت . نیروهای ضد رژیم ، همچنانکشی که بقا رژیم کنونی را ترمزی برای حرکت جامعه ایران بسوی پیشرفت و ترقی میداند باید با یکدیگر اداختن همسوی و همگانگان خود این روند تاریخ را با تندی بیشتری به پیش برانند . بدینگونه تنها با تشدید مبارزه و وحدت عمل و هماهنگی همه گردانهای مبارز خلق با همکاری همسویهای دیگر ضد رژیم استبداد است که میتوان هر چه زود تر به این استبداد سیاه پایان بخشید . این نینبند میسر شد که گویا این مطلب آنقدر روشن است که همه مخالفان ضد رژیم با درستی گرفتن از آن همه نمونه های روشن تاریخی ۳۰ سال اخیر در ایران و جهان بدون کوچکترین تامل باید آنرا بپذیرند و در راه فعلی ساختن آن گام بردارند .

ولی با تامل ناسف باید گفت که اینچنین نیست . هنوز در میان گردانهای گوناگون نیروهای ضد رژیم کنونی سردرگمی ، کوتاه بینی سیاسی ، خود بینی بیشتر از اندازه ، باشد تزیادی وجود دارد و این واقعیت از جهت امکان کرد هم آئی نیروها را در جنبه ان بران رسیدن به هدف مشترک دشوار میسازد ؛ یکی از اینها که بر رژیم استبداد امکان میدهد نیروهای پراکنده مخالفان خود را جدا از هم سرکوب کند و دیگر از اینها که به کارگران رنگارنگ دشمنان خلق و همچنین به منافقان سوگند خورده امکان میدهد که از راههای گوناگون در دردهای مبارزان راه بایند و اینترتک به موارد فزونی اختلاف دامن زنند و چشمها را از موارد عمد متوافق برگردانند و از این راه به دور غیر مستقیم به دشمنان خلق خدمت نمایند . و بقیه مأموران راستین ضد رژیم و در درجه اول مبارزان راستین خلق است که برای راههای جنبه نیروهای ضد استبداد و جنبش انقلابی خلق از این بیماری اوانگ ها آگاهانه و بیگیرانه خدمت بکارشوند . حزب توده ایران تا نیروی خود را برای پیشرفت در این راه بکار نیاورد .



حزب توده ایران خواهد کوشید که جنبه ضد دیکتاتور از تمام نیروهای که بقا رژیم استبداد محمد رضا شاه را ترمز کنند به پیشرفت اجتماعی میدانند بوجود آورد ، صرف نظر از گوناگونی هدفهایی که هر یک از این نیروها برای دوران پرازند اداختن رژیم استبدادی دارند ، صرف نظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی و وابستگی طبقاتی و صرف نظر از اینکه حرکت از این نیروها - سازمانها ، گروهها و شخصیت های اجتماعی - چه راهی را برای رسیدن به هدف خود برگزیده و یاد آورنده بردوا دهند گیرد . هدف این جنبه این است که این نیروها تنها برای رسیدن به نخستین هدف سیاسی خود ، که همین همه آنها مشترک است ، یعنی برانداختن استبداد سیاه کنونی گرد هم آیند و امکان خود را بررسی کنند و راهی را برگزینند که در آن به بهترین و موثرترین وجهی بتوان همه نیروها را با یکدیگر اداخت و بسوی هدف مشترک به پیش رفت .

مهمترین مانع در این زمینه وجود بقایای موضع گیری ضد کمونیستی سنتی است که در ممالک امپریالیستهای اخیر در ایران بصورت خاص جنبه گیری علیه حزب توده ایران جلوه داشته و دارد . البته این پدیده عد مآبادگی همکاری نیروهای لیبرال با انقلابیون بیگیرانه و بقیه کارکنان محصوره کشور ما نیست و بسک

سرمایه داران لیبرال تا منافع بقعگرا گراست، که حزب مانعانیده پیگیر آشتی ناپذیر آن میباشد و از سوی دیگر تشدها تاثیر تسلیمات و وسیع عد کمونیستی است که از طرف امپریالیسم و ارتجاع در مقیاس جهانی نگار میروند که مدد متبرین حربه حخته اید لولوزیک علیه کمونیسم میباشد.

با پیروزی هائیدون ایست جنبه نیرومند سوسیالیستی در میان و پیشرفت احزاب کمونیستی در بسیاری از کشورهای اردوگاه سرمایه و باشکست و تشدها تناقضات آشتی ناپذیر میان غارتگران امپریالیستی با پیروزی دینتر های مترقی عد امپریالیستی و دموکراتیک در کشورهای دنیا سوم و تنگتر شدن میدان نفوذ امپریالیسم - این پدیده موضوع گیری عد کمونیستی در عین اینکه اینها و آنها شدت وحدت میگردد در مجموع خود در حاکم اردوگاه در آن زمینه عینی است - در ایران همدون تر در بد این روند سیراننده حرکت جامعه را تعیین خواهد کرد.

ما به این گرایش تاریخی اعتقاد داریم و اینکه اردوگاه که عناصر واقع بین ارمان آزاد بخوانان هرچه زود تر این کمبندی سلاح و شمش آشتی ناپذیر سازمان راه بقعگرا گرا که اصلخر از زرادخانه ارتجاع ساهو امپریالیستی سیرو آمده است به بینند، آنرا بد و راند از بد و راند کرد هم آبی هم میرو های رفد اردو موکراسی کمک برسانند.



در جریان مبارزه برای تشکیل جنبه عد دیکتاتور که در شرایط کنونی کشور ما اجتناب ناپذیر و گسترده ترین جنبه مبارزه است، حزب توده ایران خواهد کوشید که کام نگام در راه بهمنزیت کردن نیروهای خلق، نیروهای که هوادار تشبیرات بنیاد در جامعه هستند به پیش بروند. هدف این مبارزه آماده ساختن زمینه برای وجود آوردن جنبه متحد ملی عد امپریالیستی و دموکراتیک است. این جنبه منکی به نیروهای خلق است. در این میدان مبارزه هم هنوز دشواری زیادی بر سر راه ما جای گرفته است. عامل عینی برای وجود آمدن چنین جنبه ای، که شرکت وسیع و فعال بقعگرا کار و سوا سیر زحمتکشان شمرود در مبارزه است، روز بروز بیشتر جان میگردد، ولی عامل ذهنی، یعنی هماهنگی و یگانگی عمل سازمانهای سیاسی که مانعانیده بخشهای گوناگون این جنبه خلق هستند، هنوز بسیار نایاب است.

در این زمینه باید بگوئیم تا سازمانها و گروههای انقلابی هوادار تحول بنیاد در جامعه را، عرف در از مواضع اید لولوزیک و تشبهه هائی که هر گد ام در مبارزه برگزیده اند، نسبت به لزوم بهم پیوستگی فایده سازم و در جریان همکاری مشترک اصول لازم را برای یگانگی در عمل بررسی و تدوین نمائیم. در این میان حزب مائاد و گروه سازمانها و گروههای مارزور و سواست، یکی گروه هائی که پایه شوریک و عقلی مبارزه خود را بر قوانین مذهبی اسلام استوار ساخته اند و دیگری آن گروه هائی که خود را هوادار بقعگرا کار و پیرو بر و و شوروی انقلابی اثر میداند و دیگر سخن از مواضع مارکسیسم-لنینیسم در فایه میکنند.

در مورد گروههای مارزور اسلام، حزب توده ایران بدون و دون و در آماده همکاری، کمک متقابل و یگانگی عمل با آنهاست. تاریخ سی و پنج ساله حزب ما شاهد است که ما همیشه اعتقادات مذهبی را از مبارزه سیاسی جدا کرده ایم سیرای مبارزات سیاسی حزب توده ایران اعتقاد اعتد هئی تنها در این چهار جوب مدخ بود هوست که ارتجاع بد مستخدم هئی نمایان در وظیف و سواست استفاده از این اعتقادات که مورد احترام اکثریت مردم ایران است، همیشه کوشید و می کوشد آنرا علیه جنبشهای

شرقی و بیوزه علیه حزب طبیفکار روتشوری انقلابیتر، علیه سوسیالیسم، یعنی قدرت دولتی طبیفه کارگر، تجسین نماید.

از بدگاه ما برای همکاری هواداران راستین راه طبیفکارگرو مبارزان انقلابی مذهمی در زمینه تحولات شرقی جامعه دورنمای علمی وواقعی و درازمدت وبدون اشکاک وجود دارد. تجسیریه اجتماعا سوسیالیستی بامذاهب گوناگون، تجربه همکاری انقلابی کشورهای سوسیالیستی باکشورهای کدرآنها سازمانهای سیاسی باایدئولوژی مذهمی قدرتحکومتی را درست دارند و از پشتیبانی سیدریخ کشورهای سوسیالیستی برخوردارند، بهترین شاهد برای این ادعای ماست. مابهم ایسن گروهها و سازمانها صادفانه دست همکاری برادرانغداد را رکنیم و اینکه از ارمیکانجام با بررسی عمیقاً از تاریخ گذشته کوشنی جهان و ایران هر چه زودتر دربرکنارکردن موانعی که بر سر راه این بهم پیوستگی وجود دارد با ما همکاری نمایند. این نزدیکی و همکاری کمک بسپارموتری خواهد بود برای آماده ساختن عامل ذهنی پیشروی بسوی اتحاد جبهه متحد ملی گتتصاصاً من پیروزی انقلاب ملی ود موکراتیک است.



و اما مر همکاری برای نزدیکی بهم پیوستگی و سرانجام یگانگی با سازمانها و گروههای کله جهان بنیسی مارکسیسم - لنینیسم پیروی میکنند در چهارچوب دیگری، یعنی در چهارچوب نامین یگانگی میان هواداران راه ایدئولوژیک و زیرسویمند ترساختن حزب طبیفکارگرمطرح است. در این میدان هم هنوز دشواریهای زیادی در پیش است. تا جندی پیش عهدترین این دشواریها، که بدون تردید ریشه طبقاتی دارد، نفوذ شوم ماژوسیسم بود که در واقع ایدئولوژی و شیوه عمل خرد بوزروازی ناسیو نالیست است. ماباین دلیل مدعی هستیم که موضعگیری ضد توده ای و ضد شوروی که در بخشی از مبارزان جوان انقلابی ایران کدررگروههای چریکی و مجاهدی گرد هم آمده اند دارای ریشه طبقاتی است که با وجود درگونیهای شگرفی که در سالهای اخیر در صحنه مبارزات سیاسی جهان و ایران رویداده، هنوز گمراهی و سردرگمی که بهتر از هر چیز بصورت دشمنی با حزب توده ایران و جبهه کمونیستی جهانی بروز میکند، در میان بخشی از جوانان انقلابی راستین، که خود راهسوادار مارکسیسم - لنینیسم میدانند ریشه کن نشده است.

ما شاهد آن هستیم که در جریان درگونیهای تاریخی سالهای اخیر ما در ایران و ترویرا ز جبهه مرزست ماژوسیسم بعنوان دشمن خلق ها و همکاریها بهترین محافل جناپتکار امپریالیستی دریده شده است، درستی پیش بینی های سیاسی جبهه کمونیستی جهانی، که اتحاد شوروی بزرگترین و نیرومندترین سنگر آنست، مانند روز روشن شده و اثبات رسیده است، پیوند ناگسستی میان جبهه راستین کمسو نیستی جهان و جنبش رهایی بخش ملی و مبارزات دموکراتیک خلقها با خانواده کشورهای سوسیالیستی هر روز محکمتر و بارورتر گردیده است، دانش کمکی گوناگون خانواده کشورهای سوسیالیستی به جنبشهای انقلابی در سراسر جهان گسترش روزافزونی یافته و بغزادی یکنشسته از کشورهاییکه تا دیروز حول نگاه غارتگران امپریالیستی بودند منجر گردیده است.

تاسف آور است که همهمین تحولات عظیم هنوز نتوانسته است بر مردود از جلو چشم عده ای از مبارزان جوان بدرسد. وبدون تردید ناآگاهی سیاسی این جوانان و خیرگی موزبانه عناصر دشمن کدر میان این جوانان راه یافته و امکانات وسیع نشریاتی و تبلیغاتی در اختیار دارند و ما هرانه هر روز ماسک رهاکارانه تازه ای بر جبهه میزنند، عامل تشدید کننده این پدیده است. در این زمینه باید نکات

زیرین راباروشنی مطرح نتائیم :

— مشکل عمده ای که کارگرد همپاشی همه نیروهای ضد استبداد را مشکل میسازد ، نبودن هماهنگی و یگانگی عمل در میان نیروهای خلق و ویژه میان نیروهای مبارزی است که صادرانه برای تخیسرات بنیادین نظام کنونی جامعه مبارز میکنند . راه این هماهنگی و یگانگی عمل تنها در صورتی هموار میشود که این نیروها این حقیقت مهم و پویم را بپذیرند که هیچکدام آنها به تنهایی نمیتوانند دشمن را از پسا در آورند و حتی اگر هم مستغری مشترکی داشته باشند ، بدون همکاری نزدیک و نیروی آنها با هارها ناتوان تر از هنگامی است که آنها نیروهای خود را در جبهه متحدی گرد آورند که برنامه روشن مورد توافق داشته باشد و بتواند مناسبترین شیوه های مبارزه را در هر مرحله به تناسب شرایط مشخص بر سر گیرند .

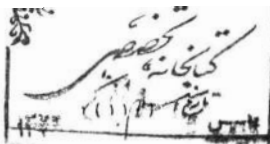
— برای آنکه ما این هدف نزدیک شویم تنها کوششهای حزب توده ایران که بطور خستگی ناپذیر و بیگردد را این راهگام بر میدارد کافی نیست . ما مطمئنان داریم که سرانجام با گذشت زمان ما با این نتیجه خواهیم رسید ولی تلاش بیگردد مبارزان آگاهی که زبانهای پرواکنندگی را حرم میکنند و هر روز بیشتر به اهمیتگر همپاشی همه نیروها پی میبرند ، میتوانند این روند را با تندی بیشتری جلو ببرند .

— برای پیشرفت در این راه این امر اهمیت ویژه ای پیدا میکند که مبارزان آگاه در ضمن تلاشهای خود برای روشن کردن عناصر تا آگاه و گمراه ، ماسک ریا و تزویر را از چهره عناصر دشمن که در صفوف جنبش رام یافته اند ببردند . اینان با توسل به رذیلانه ترین شیوه ها از روغ بردازی و فحاشی و لجن پراکسی و اتهام گرفته تا تکذیب زدن افراد مترقی و پارک کردن و آتش زدن نشریات حزب توده ایران و سایر سازمان های دموکراتیک و شیوه فاشیست ها و سواواکی ها میگویند تا راه را برای هرگونه نزدیکی فکری بین حزب توده ایران و سایر نیروهای مبارز خلق دشوار سازند .

هدف در این عناصر خرابکارند کمونیست ، که در اینجا و آنجا و ویژه در خارج از کشور گروهکهایسی بوجود آورده اند ، تنها اینست که با کمک جنگ افزارهای نامبرده در بالا و با رفتن زیر هر پرچمی که میتواند با داهری چپ گرا باشد سیاست حزب ما را مورد حمله قرار دهند . امروز در محافل دانشجویی غرب دیگر از هیچکس پنهان نیست که ما موریت ساواک بیک از ما مورانتر بنام " فولادی " که از نزدیکترین دوستان و همکاران متشعین مائوئیست از حزب توده ایران بود ، این بود که روزنامه ای راه بنهاد و در آن هر چه میخواستند علیه رژیم کنونی ایران بنویسد ، تنها از مواضعی خصمانه نسبت به حزب توده ایران و اتحاد شوروی . " فولادی " ماسکتر دریده شد و رسوا گردید ، ولی هنوز فولادها ، نیکخواهها ، لاشانی های دیگری دست اندر کارند که ماسک آنها در پید نشده است .

برای آنکه این عناصر خرابکار نتوانند آب را گل آلود کنند ما بروشنی اعلام میداریم که هرگز بر آن نیستیم که همه آنها کسانی که حتی فعالانه و خصمانه با حزب توده ایران مبارز میکنند ، عناصر آگاه ساواک یا " سیا " هستند . به هیچوجه . بسیاری از جوانانی که در ایران و حتی در خارج از ایران در مواضع فعال ضد کمونیستی قرار گرفته اند ، افراد سالم ولی ناآگاهی هستند که اکثرابه تبعیت از پیوند های فکری طبقاتی خود ، در عین اینکه صادرانه علیه رژیم کنونی ایران مبارز میکنند ، در تار عنکبوت این توطئه امپریالیستی ضد کمونیسم ، که در ایران بصورت دشمنی با حزب توده ایران نمودار است ، گرفتار شده اند .

ولی اینرا هم بروشنی باید بگوئیم که بنظر ما با توجه به تمام گذشته مبارزه ، بدون تردید همانطور که نشانگرهای مربوط به سازمان جاسوسی امریکان نشان داده است ، کارگزاران سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و ساواک هم در برابر ساختن بسیاری از گروهکهای ضد کمونیست وهم درگرداندگان آنها سرخسهای مسمی را در دست داشته و دارند .



زیرتائیر همین عناصر است که به موازات گسترش نفوذ برنامه سیاسی و روشهای مبارزاتی حزب ما بموازات فاسد شدن توطئه‌خاستانه مائونیستی - امپریالیستی علیه جنبشهای رهایی بخشتری ، به موازات رشد پدیده روشن‌بینی و گرایش هر روز بیشتر مآرزان جوان در ایران ، به راههای راستین مبارزات سیاسی در جهت همکاری با طبقه کارگر و حزب آن ، حزب توده ایران ، نشریات ضد توده ای و ضد کمونیستی سنتی ، که تا چندی پیش می‌کوشیدند "ظاهر آراسته" تحلیل منطقی را نگهدارند و دیگر کترن اعصاب خود را از دست داده به فحاشی اهاشانه دستزده اند و از هر گوشه ای نشریه تازه ای ، تنه‌ها با یک هدف اصلی ، یعنی فحاشی و لجن پراکنی به حزب توده ایران و به انحسار شوروی سرازرات در می‌آورد و چند روزی زهر مریز و بعد از رنجور و ارتقا قضاات داخلی گردانند گاش و جارتعظیم میشود .

در پیوند با این پدیده باید مبارزاتی که صادقانه علیه رژیم مبارزه میکنند از خود بهر مند که چگونه شاه و ساواک به ما موران خود می‌آموزند که تنه‌ها علیه حزب توده ایران مبارزه نمایند و در برابر نفوذ حزب توده ایران میان جوانان انقلابی سد وجود آورند و این گردانندگان نشریات ضد توده ای هم در ضمن اینکه هر روز زیر پرچم تازه ای علیه رژیم " درجا " می‌زنند - تنه‌ها یک چیز را فراموش نمیکنند و آن انجام بهیگیرانه "توصیه ساواک به فولاد" است

جستجوی پاسخ شایسته برای این پرسش به روشن‌بینی مبارزان جوان کمک زیادی خواهد کرد . حزب توده ایران با بهیگیری راه مبارزه خود را برای راهنمایی همه هواداران راستین و آگاه راه با طبقه کارگر و نشان دادن آنان به صوف خود ادامه خواهد داد .

حزب توده ایران آماده است با این نیروها و سازمانها که خود را مارکسیست - لنینیست میدانند صرفنآز اختلاف نآزهای ایدئولوژیکی ، بر پایه حقوق مساوی و بدون هیچگونه پیشداوری - چیزی که ما را از آنها سزااست آورد اریم - به گفتگوی خلاق بپردازد . هدف نخستین ما از این گفتگو تبادل نظر آماده ساختن شرایط برای همکاری در جنبه ضد دیکتاتوری است و هدف در ورتما همان نزدیک و بهم پیوستگی و یگانگی ایدئولوژیکی و سازمانی همه هواداران راستین طبقه کارگر است .



در پایان یکبار دیگر فرستاده‌ها آور می‌کنیم :

- آنچه امروز برابره نیروهای که طرفدار آزادی و دموکراسی هستند فرار گرفته برانداختن استبداد محمد رضا شاه است . انجام این امر ضررترین وظیفه همه طرفداران آزادی و دموکراسی است و آنها میتوانند در این زمینه با همه مخالفین رژیم کمونی حتی از میان طبقاتی که همکاری نمایند ، بنظر ما برای گردآوری همه نیروها بنظر و حرکت بسوی این هدف صرم ، جنبه ضد دیکتاتوری بهترین چارچوب سازمانی است . شرکت در چنین جنبه‌ها با یک شرط بستگی دارد و آن آمادگی صادقانه برای مبارزه فعال در امر برانداختن استبداد سیه‌گونی است .

- نزدیک و همکاری همه نیروهای انقلابی صرفنآز مواضع ایدئولوژیکی و شیوه‌ها که هر یک از آنها در مبارزه برنیزده اند عامل نیرومندی برای تشکیل و رهبری و بهر روزی جنبه ضد دیکتاتوری است . - نزدیک و همکاری و سرانجام بهم پیوستگی همه هواداران راه با طبقه کارگر عامل نیرومندی برای وحدت سیاسی و سازمانی طبقه کارگر در سراسر ایران ، برای تأمین نفوذ تاریخی طبقه کارگر ، برای تجسیب و رهبری مبارزات در حال گسترش با طبقه کارگر ، برای نزدیک شدن به هدفهای عالی اجتماعی طبقه

کارگراست .

حزب توده ایران آماده است در همه و در هر یک از این چهار جنبهها با سایر نیروها ، افراد و شخصیت ها همکاری نماید و برای آماده کردن این همکاری حاضر است با همه تبادل نظر نماید .



سربازان - ارژو - ۱۱۱۱۱۱۱۱